



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

اندونزی

# سرزمین اسلام خندان

سید مراد علی موسوی مالیری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اندونزی: سرزمین اسلام خندان

نویسنده:

سیدمرتضی موسوی ملایری

ناشر چاپی:

فرهنگ سبز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۳	اندونزی: سرزمین اسلام خندان
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۹	فهرست
۳۰	چکیده
۳۲	مقدمه
۳۴	کلیات
۳۴	وجه تسمیه
۳۴	تنوع نژادی و فرهنگی
۳۶	زبان
۳۸	بخش اول: ادوار تاریخی مذهبی
۳۸	اشاره
۴۰	موج اول: هند و هندوئیسم
۴۰	اشاره
۴۲	ابنیه های تاریخی
۴۳	هندو
۴۳	بودیسم
۴۵	تأثیرات فرهنگی هندوها
۴۶	اعتقاد به عالم ارواح و تجرد
۴۷	انیمیسیمه (عالم ارواح)
۴۷	موج دوم: اسلام و فرهنگ اسلامی
۴۷	اشاره
۴۷	اسلام در منطقه

۴۸	اسلام در اندونزی
۵۴	موج سوم: مذهب، سیاست و فرهنگ غرب
۵۴	دوره های استعمار
۵۷	پیامدهای فرهنگی استعمارگران
۶۲	بخش دوم: دوران مبارزات استقلال طلبی
۶۲	اشاره
۶۴	نقش احزاب بزرگ اسلامی در مبارزات استقلال طلبی
۶۶	خیزش اصلاح طلبی دینی
۶۸	بخش سوم: دوره استقلال
۶۸	اشاره
۷۰	همبستگی و اتحاد
۷۱	نمادهای ملی
۷۶	بخش چهارم: دوران پس از استقلال
۷۶	اشاره
۷۸	حکومت های خودکامه
۷۹	آسه آن
۸۴	بخش پنجم: نظام حکومتی در اندونزی
۸۴	اشاره
۸۶	قوه مجریه
۸۷	قوه مقننه
۸۸	قوه قضاییه
۸۸	دیوان عالی کشور
۸۹	مجمع مشورتی
۸۹	تقسیمات کشوری و اداری
۸۹	ساختار سیاسی
۸۹	اشاره

۹۰	الف: مجمع مشورتی مردم
۹۰	ب: رئیس جمهور
۹۰	ج: مجلس نمایندگان مردم
۹۱	د: شورای عالی مشورتی
۹۱	ه: دیوان عالی کشور
۹۱	و: هیئت عالی بازرسی
۹۲	مجلس العلماء
۹۲	دوران طلایی مجلس العلماء
۹۳	ساختار تشکیلات مجلس العلماء
۹۶	بخش ششم: اندونزی در گیر و دار ثبات
۹۶	اشاره
۹۹	معضلات داخلی
۱۰۴	بخش هفتم: دین و مذهب
۱۰۴	اشاره
۱۰۶	دین رسمی
۱۰۶	اسلام و مسلمانان در اندونزی
۱۰۶	اشاره
۱۰۷	۱- اسلام در چهره اجتماع
۱۰۸	۲- زبان دینی مشترک
۱۰۸	۳- تظاهر دینی
۱۱۱	سیاست مذهبی حکومتی
۱۱۲	عاملان مذهبی
۱۱۳	عرفان و تصوف
۱۱۷	رابطه العلویه
۱۱۸	اسلام خندان
۱۱۹	نوسانترا

۱۲۳	طرح جدید استکبار
۱۲۴	هویت شیعه
۱۲۴	ریشه های تاریخی شیعه در اندونزی
۱۳۰	نقش ایرانیان در گرایشات فکری تشیع
۱۳۴	خلاصه معانی این فراز
۱۳۴	احمد بن عیسی المهاجر
۱۳۷	جایگاه شیعه در اندونزی
۱۳۸	مراسمات تابوت در دیگر مناطق
۱۴۰	رنگ و بوی هندی در شکل و شمایل مراسم تابوت
۱۴۱	رنگ و بوی عربی
۱۴۱	رنگ و بوی ایرانی
۱۴۲	اسناد شیعه در اندونزی
۱۴۵	کمیت شیعیان
۱۴۶	احیای مجدد شیعه
۱۴۸	کیفیت و کمیت آماری شیعه در اندونزی
۱۴۹	فرصت
۱۵۰	تهدید
۱۵۱	وهابیت در اندونزی
۱۵۴	سلفی های نوین
۱۵۸	جریان اول
۱۵۸	جریان دوم
۱۵۹	تقابل جریان های فکری اسلامی در اندونزی
۱۶۰	بهره گیری از واقعیت موجود
۱۶۲	بخش هشتم: فرهنگ و هنر
۱۶۲	اشاره
۱۶۴	تعریف فرهنگ



- ۱۶۴ ..... ویژگی های کلی عوامل فرهنگ در اندونزی
- ۱۶۵ ..... تکثر فرهنگی همراه وحدت ملی
- ۱۶۶ ..... عوامل و میراث های فرهنگی
- ۱۶۹ ..... لبخنده، بارزترین شاخصه مردم اندونزی
- ۱۷۴ ..... پارچه باتیک
- ۱۷۵ ..... ازدواج
- ۱۷۶ ..... مراسم عروسی
- ۱۷۷ ..... مراسم عقد
- ۱۷۹ ..... مراسم های مربوط به مرگ و میر
- ۱۸۰ ..... تشریفات مذهبی و اعیاد ملی
- ۱۸۲ ..... آثار مهم فرهنگی و تاریخی
- ۱۸۲ ..... اشاره
- ۱۸۳ ..... ۱- میراث ادبی
- ۱۸۵ ..... ۲- میراث هنری
- ۱۸۶ ..... ۳- موسیقی
- ۱۸۶ ..... ۴- هنرهای نمایشی
- ۱۸۷ ..... هجوم فرهنگی غرب
- ۱۸۸ ..... اندونزی و دنیای مجازی
- ۱۹۰ ..... تلویزیون
- ۱۹۱ ..... مطبوعات
- ۱۹۱ ..... نشر و انتشار کتاب
- ۱۹۴ ..... بخش نهم: نظام آموزشی
- ۱۹۴ ..... اشاره
- ۱۹۶ ..... ساختار آموزشی
- ۱۹۶ ..... سیاست های آموزشی
- ۱۹۷ ..... کم رنگ شدن آموزه های دینی (چالش جدید آموزش و پرورش)

- بحران کمبود اساتید و معلمان دینی ..... ۱۹۷
- اشاره ..... ۱۹۷
- ۱- سیستم آکادمیک و دانشگاهی ..... ۲۰۰
- ۲- سیستم آموزش سنتی و مذهبی ..... ۲۰۱
- ۱- موسسه و موسسات طاهریه ..... ۲۰۱
- ۲- حوزه علمیه دارالجنان ..... ۲۰۱
- ۳- حوزه علمیه الصدیقه ..... ۲۰۲
- ۴- حوزه علمیه الشافعیه ..... ۲۰۲
- ۵- معهد الناقیب ..... ۲۰۲
- ۶- معهد التربیه الاسلامی الحمیدی ..... ۲۰۲
- ۷- معهد الاسلامی الفلاح ..... ۲۰۳
- تفاوت های دو سیستم ..... ۲۰۴
- تسامح و تساهل در آموزش ..... ۲۰۴
- آموزه ها ..... ۲۰۷
- بخش دهم: اقتصاد اندونزی ..... ۲۱۰
- اشاره ..... ۲۱۰
- خروج پرفراز و نشیب از معرکه بحران اقتصادی ..... ۲۱۲
- قدرت های اقتصادی نوظهور در آسیا ..... ۲۱۶
- واحد پول ..... ۲۱۸
- بانکداری در اندونزی ..... ۲۱۸
- اندونزی و تجارت جهانی ..... ۲۱۹
- سرمایه گذاری ..... ۲۲۱
- سرمایه گذاری خارجی ..... ۲۲۱
- بدهی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی ..... ۲۲۴
- رشد تولید ناخالص اندونزی ..... ۲۲۵
- برابری قدرت خرید ..... ۲۲۶

۲۲۷	تولید ناخالص ملی
۲۲۸	سرانه تولید ناخالص داخلی
۲۲۸	نرخ بیکاری
۲۲۸	سن بازنشستگی
۲۲۹	موانع مسیر توسعه
۲۳۰	بخش یازدهم: اندونزی در عرصه بین الملل
۲۳۰	اشاره
۲۳۲	اندونزی و سیاست خارجی
۲۳۳	اندونزی و روابط خارجی
۲۳۶	اندونزی و سیاست های اقتصادی
۲۳۷	عضویت در سازمان های بین المللی
۲۳۸	گردهمایی بیرهای آسیا
۲۴۰	اندونزی و تجارت جهانی
۲۴۱	گام های بلند اندونزی در مسیر جهانی شدن
۲۴۱	تعریف جهانی شدن
۲۴۱	بعد فرهنگی جهانی شدن
۲۴۶	بخش دوازدهم: جریان ها و احزاب
۲۴۶	اشاره
۲۴۸	احزاب
۲۴۸	چالش محمدیه - نهضت العلماء
۲۴۹	مرام نامه یا ایده های این دو جریان
۲۵۰	احزاب سیاسی
۲۵۲	بخش سیزدهم: سازمان های مردم نهاد یا «NGO»
۲۵۲	اشاره
۲۵۴	سازمان های مذهبی متفرقه
۲۵۶	بخش چهاردهم: چالش های هویتی

۲۵۶	.....	اشاره
۲۵۸	.....	هویت ملی
۲۵۸	.....	اشاره
۲۵۸	.....	الف: چالش هویت ملی
۲۵۹	.....	ب: چالش هویت تاریخی
۲۶۱	.....	ج: چالش هویت زبانی
۲۶۲	.....	د: چالش قومی و نژادی
۲۶۳	.....	ه: چالش هویت اسلامی
۲۶۵	.....	و: چالش هویت فرهنگی
۲۶۷	.....	ز: چالش مدرنیته و سنت در اندونزی
۲۶۷	.....	مد و مدرنیسم
۲۶۸	.....	گستره مد
۲۶۹	.....	شبکه های اجتماعی
۲۷۱	.....	نقش دگراندیشان
۲۷۴	.....	منابع و مآخذ
۲۷۹	.....	ضمائم
۳۳۰	.....	درباره مرکز

## اندونزی: سرزمین اسلام خندان

### مشخصات کتاب

سرشناسه: موسوی ملایری، سیدمرتضی، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: اندونزی: سرزمین اسلام خندان/ نویسنده سیدمرتضی موسوی ملایری؛ ویراستار شیرین دخت وحدانی پرست.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص. مصور (رنگی)، نقشه (رنگی).

شابک: ۱۶۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۵۱-۵۸-۲:

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۵۵]-۲۵۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: سرزمین اسلام خندان.

موضوع: اندونزی

موضوع: Indonesia

رده بندی کنگره: DS۶۱۵/م۱۹الف۸ ۱۳۹۷

رده بندی دیویی: ۹۵۹/۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۹۸۷۰۵

ص: ۱

اشاره

تصویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اندونزی: سرزمین اسلام خندان

نویسنده: سید مرتضی موسوی ملایری



# فرهنگ سبز انتشارات



نام کتاب: اندونزی؛ سرزمین اسلام خندان

نویسنده: سید مرتضی موسوی ملایری

ویراستار: شیرین دخت وحدانی پرست

صفحه آرا و طراح جلد: مهدیه السادات بهشتی مقدم

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ناشر: انتشارات فرهنگ سبز

چاپ و صحافی: هنر سرزمین سبز

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۵۱-۵۸-۲

قیمت: ۱۶۰،۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ و در اختیار انتشارات فرهنگ سبز می باشد.

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه چهارم، پلاک ۱۳، ط سوم، واحد ۵ تلفن: ۸۸۵۲۱۳۳۳

دفتر پخش: تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، خیابان روانمهر، بن بست دولت شاهی، پلاک یک، واحد ۱۰ پخش ایده پرداز تلفن:

۶۶۴۸۷۱۲۴

نشانی اینترنتی:

[www.farhangesabz.ir](http://www.farhangesabz.ir)

پست الکترونیکی:

[farhangesabz۷۹@gmail.com](mailto:farhangesabz۷۹@gmail.com)

## فهرست

عنوان صفحه

چکیده. ۱۱

مقدمه. ۱۳

کلیات. ۱۵

وجه تسمیه. ۱۵

تنوع نژادی و فرهنگی. ۱۵

زبان. ۱۷

بخش اول: ادوار تاریخی مذهبی. ۱۹

ابنیه های تاریخی. ۲۳

هندو. ۲۴

بودیسم. ۲۴

تأثیرات فرهنگی هندوها. ۲۶

اعتقاد به عالم ارواح و تجرد. ۲۷

انیمیسیمیه (عالم ارواح). ۲۸

موج دوم: اسلام و فرهنگ اسلامی. ۲۸

اسلام در منطقه. ۲۸

اسلام در اندونزی. ۲۹

موج سوم: مذهب، سیاست و فرهنگ غرب. ۳۵

دوره های استعمار. ۳۵

پیامدهای فرهنگی استعمارگران. ۳۸

بخش دوم: دوران مبارزات استقلال طلبی. ۴۳

نقش احزاب بزرگ اسلامی در مبارزات استقلال طلبی. ۴۵

خیزش اصلاح طلبی دینی. ۴۷

بخش سوم: دوره استقلال. ۴۹

همبستگی و اتحاد. ۵۱

نمادهای ملی. ۵۲

بخش چهارم: دوران پس از استقلال. ۵۷

حکومت های خودکامه. ۵۹

ص: ۶

آسه آن. ۶۰

بخش پنجم: نظام حکومتی در اندونزی. ۶۵

قوه مجریه. ۶۷

قوه مقننه. ۶۸

قوه قضائیه. ۶۹

دیوان عالی کشور ۶۹

مجمع مشورتی. ۷۰

تقسیمات کشوری و اداری. ۷۰

ساختار سیاسی. ۷۰

الف: مجمع مشورتی مردم. ۷۱

ب: رئیس جمهور ۷۱

ج: مجلس نمایندگان مردم. ۷۱

د: شورای عالی مشورتی. ۷۲

ه: دیوان عالی کشور ۷۲

و: هیئت عالی بازرسی. ۷۲

مجلس العلماء ۷۳

دوران طلایی مجلس العلماء ۷۳

ساختار تشکیلات مجلس العلماء ۷۴

بخش ششم: اندونزی در گیر و دار ثبات. ۷۷

معضلات داخلی. ۸۰

بخش هفتم: دین و مذهب. ۸۵

دین رسمی. ۸۷

اسلام و مسلمانان در اندونزی. ۸۷

۱- اسلام در چهره اجتماع. ۸۸

۲- زبان دینی مشترک.. ۸۹

۳- تظاهر دینی. ۸۹

سیاست مذهبی حکومتی. ۹۲

عواملان مذهبی. ۹۳

عرفان و تصوف.. ۹۴

رابطه العلویه. ۹۸

ص: ۷

اسلام خندان. ۹۹

نوسانتر ۱۰۰

طرح جدید استکبار ۱۰۴

هویت شیعه. ۱۰۵

ریشه های تاریخی شیعه در اندونزی. ۱۰۵

نقش ایرانیان در گرایشات فکری تشیع. ۱۱۱

خلاصه معانی این فراز ۱۱۵

احمد بن عیسی المهاجر ۱۱۵

جایگاه شیعه در اندونزی. ۱۱۸

مراسمات تابوت در دیگر مناطق. ۱۱۹

رنگ و بوی هندی در شکل و شمایل مراسم تابوت. ۱۲۱

رنگ و بوی عربی. ۱۲۲

رنگ و بوی ایرانی. ۱۲۲

اسناد شیعه در اندونزی. ۱۲۳

کمیت شیعیان. ۱۲۶

احیای مجدد شیعه. ۱۲۷

کیفیت و کمیت آماری شیعه در اندونزی. ۱۲۹

فرصت. ۱۳۰

تهدید ۱۳۱

وهابیت در اندونزی. ۱۳۲

سلفی های نوین. ۱۳۵

جریان اول. ۱۳۹

جریان دوم. ۱۳۹

تقابل جریان های فکری اسلامی در اندونزی. ۱۴۰

بهره گیری از واقعیت موجود. ۱۴۱

بخش هشتم: فرهنگ و هنر ۱۴۳

تعریف فرهنگ.. ۱۴۵

ویژگی های کلی عوامل فرهنگ در اندونزی. ۱۴۵

تکثر فرهنگی همراه وحدت ملی. ۱۴۶

عوامل و میراث های فرهنگی. ۱۴۷



لبخند، بارزترین شاخصه مردم اندونزی. ۱۵۰

پارچه باتیک.. ۱۵۵

ازدواج. ۱۵۶

مراسم عروسی. ۱۵۷

مراسم عقد ۱۵۸

مراسم های مربوط به مرگ و میر ۱۶۰

تشریفات مذهبی و اعیاد ملی. ۱۶۱

آثار مهم فرهنگی و تاریخی. ۱۶۳

۱- میراث ادبی. ۱۶۴

۲- میراث هنری. ۱۶۶

۳- موسیقی. ۱۶۷

۴- هنرهای نمایشی. ۱۶۷

هجوم فرهنگی غرب. ۱۶۸

اندونزی و دنیای مجازی. ۱۶۹

تلویزیون. ۱۷۱

مطبوعات. ۱۷۲

نشر و انتشار کتاب. ۱۷۲

بخش نهم: نظام آموزشی. ۱۷۵

ساختار آموزشی. ۱۷۷

سیاست های آموزشی. ۱۷۷

کم رنگ شدن آموزه های دینی (چالش جدید آموزش و پرورش) ۱۷۸

بحران کمبود اساتید و معلمان دینی. ۱۷۸

۱- سیستم آکادمیک و دانشگاهی. ۱۸۱

۲- سیستم آموزش سنتی و مذهبی. ۱۸۲

تفاوت های دو سیستم. ۱۸۵

تسامح و تساهل در آموزش.. ۱۸۵

آموزه ها ۱۸۸

بخش دهم: اقتصاد اندونزی. ۱۹۱

خروج پرفراز و نشیب از معرکه بحران اقتصادی. ۱۹۳

قدرت های اقتصادی نوظهور در آسیا ۱۹۷

واحد پول. ۱۹۹

بانکداری در اندونزی. ۱۹۹

اندونزی و تجارت جهانی. ۲۰۰

سرمایه گذاری. ۲۰۲

سرمایه گذاری خارجی. ۲۰۲

بدهی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی. ۲۰۵

رشد تولید ناخالص اندونزی. ۲۰۶

برابری قدرت خرید ۲۰۷

تولید ناخالص ملی. ۲۰۸

سرانه تولید ناخالص داخلی. ۲۰۹

نرخ بیکاری. ۲۰۹

سن بازنشستگی. ۲۰۹

موانع مسیر توسعه. ۲۱۰

بخش یازدهم: اندونزی در عرصه بین الملل. ۲۱۱

اندونزی و سیاست خارجی. ۲۱۳

اندونزی و روابط خارجی. ۲۱۴

اندونزی و سیاست های اقتصادی. ۲۱۷

عضویت در سازمان های بین المللی. ۲۱۸

گردهمایی بیره های آسیا ۲۱۹

اندونزی و تجارت جهانی. ۲۲۱

گام های بلند اندونزی در مسیر جهانی شدن. ۲۲۲

تعریف جهانی شدن. ۲۲۲

بعد فرهنگی جهانی شدن. ۲۲۲

بخش دوازدهم: جریان ها و احزاب. ۲۲۷

احزاب. ۲۲۹

چالش محمدیه - نهضت العلماء ۲۲۹

مرام نامه یا ایده های این دو جریان. ۲۳۰

احزاب سیاسی. ۲۳۱

بخش سیزدهم: سازمان های مردم نهاد یا «۲۳۳» NGO

سازمان های مذهبی متفرقه. ۲۳۵

بخش چهاردهم: چالش های هویتی. ۲۳۷

هویت ملی. ۲۳۹

الف: چالش هویت ملی. ۲۳۹

ب: چالش هویت تاریخی. ۲۴۰

ج: چالش هویت زبانی. ۲۴۲

د: چالش قومی و نژادی. ۲۴۳

ه: چالش هویت اسلامی. ۲۴۴

و: چالش هویت فرهنگی. ۲۴۶

ز: چالش مدرنیته و سنت در اندونزی. ۲۴۸

مد و مدرنیسم. ۲۴۸

گستره مد ۲۴۹

شبکه های اجتماعی. ۲۵۰

نقش دگراندیشان. ۲۵۲

منابع و مآخذ ۲۵۵

ضمائم. ۲۵۹

## چکیده

کسانی که در خارج از کشور حضور فرهنگی داشته اند، به خوبی آگاهند، نهادهایی که بدین منظور در کشوری مستقر می شوند، در پی آن هستند تا همه افراد و گروه هایی را که کم ترین اشتراک و مشابهتی با فرهنگ اسلامی و ایرانی یا تشیع دارند، به سوی خود جذب کنند و آنها را با معارف و اندیشه های اسلامی و مبانی تشیع و انقلاب اسلامی مأنوس سازند. بی تردید برای کسانی که امروز در چنین جایگاهی قرار گرفته اند، ابتدا شناخت ابعاد کلی کشور لازم و ضروری است و سپس وظیفه آنهاست، از مجالی که به دست آمده به بهترین روش بهره برداری کرده تا اولاً، معنویت را تقویت کنند و ثانیاً، در جهت روشنگری درباره ماهیت رسالت دینی - مذهبی، همچنین انقلاب اسلامی قدم های موثری بردارند.

نوشته حاضر به منظور کمک به کسانی که قصد سفر فرهنگی هر چند کوتاه یا حضور و فعالیت در اندونزی را داشته باشند، تهیه و تنظیم شده است. بدیهی است اندونزی کشوری است بزرگ با تنوع فرهنگ ها و نژادها و موضوعات متعدد و مختلف که ابعاد همه آن در این مقال نمی گنجد. با این نگاه، هر صاحب نظری در گام نخست ممکن است متوجه ضعف ها و کمبودهای این نوشتار بشود. رجاء واثق دارد، از موضع کمک و یاری که انگیزه و نیت نویسنده هم بوده، کریمانه از عیوب و کمبودها گذشت کرده، برای رسیدن به این هدف، مساعدت و یاری مان نمایند.



اندونزی کشوری است در جنوب شرقی آسیا که از ۱۳۶۶۷ جزیره تشکیل شده و از این تعداد پنج جزیره اصلی و تعداد شش هزار جزیره آن مسکونی است. از آن میان فقط نهصد و نود و دو جزیره آن دائمی بوده که این کشور به مجمع الجزایر معروف است. اندونزی با مساحتی حدود دو میلیون کیلومتر مربع دو اقیانوس بزرگ هند و آرام را به هم متصل کرده است که سواحل شمالی آن رو به تنگه «مالاکان» بوده و تا دریای چین جنوبی امتداد دارد. وسعت این کشور بیشتر از نصف قاره اروپا بوده یا بزرگ تر و وسیع تر از مجموع کشورهای اسلامی: مصر، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و اردن است. (۱)

کشور اندونزی، مجمع الجزایری است مشتمل بر پنج جزیره بزرگ اصلی به نام های: سوماترا، جاوه، کالیمانتان، سولاوسی، ایریانجایا و سی گره جزیره دیگر که بالغ بر شش هزار جزیره آن مسکونی است.

این مجمع الجزایر، دقیقا در چهارراه بین دو اقیانوس «هند و آرام» واقع گردیده و دو قاره آسیا و استرالیا را به یکدیگر مرتبط می سازد. این موقعیت استراتژیک همواره بر زندگی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم و ساکنان جزایر یاد شده تاثیر گذاشته است. (۲)

جزایر اندونزی عمدتا آب و هوای استوایی دارند؛ یعنی گرم و مرطوب هستند. به سبب باران های موسمی و شدید، سقف های شیروانی پدیده ای رایج در این کشور است. اندونزی با این باران های پر برکت سومین ذخیره جنگل های استوایی را در دنیا پس از برزیل و ژئیر در اختیار دارد. آب و هوای خوب، زمین های حاصلخیز، موجب آن شده تا از دیرباز جمعیت زیادی در این مجمع الجزایر ساکن شوند و میراث های ارزشمند و گرانبهایی از خود به یادگار بگذارند.

۱- کتاب سبز وزارت خارجه، ج.۱.۱. ص ۸.

۲- مقدمه کتاب تاریخ اندونزی نوشته برنارد ولک، ترجمه ابوالفضل علیزاده طباطبائی.



جمعیت این کشور، حدود دویست و پنجاه میلیون نفر است که چهارمین کشور پر جمعیت دنیا بعد از چین، هند و آمریکا بوده و بزرگ ترین کشور اسلامی به لحاظ جمعیتی در جهان است. چنان که پیش تر گفته شد، این کشور را پنج جزیره بزرگ به نام های: جاوه، سوماترا، کالیمانتان، سولاوسی، پایوا، بالی و سی گروه جزیره کوچک تر تشکیل داده است. شصت و پنج درصد مردم کشور اندونزی؛ یعنی بیشترین جمعیت آن در جزیره جاوه زندگی می کنند که وسعت آن به اندازه نیویورک آمریکاست.

پایتخت این کشور، شهر جاکارتاست که وسعت آن هفتصد و شصت کیلومتر مربع بوده که در همین جزیره جاوه قرار دارد و از بزرگ ترین و پر جمعیت ترین شهرهای اندونزی به شمار می آید. در حال حاضر حدود پانزده میلیون نفر در این شهر زندگی می کنند و سابقه ایجاد این شهر به سده های چهارده و پانزده میلادی برمی گردد. میانگین درجه حرارت آن در روز بیست و هشت درجه و در شب بیست و شش درجه سانتیگراد است. اوقات شرعی در جاکارتا عبارت است از اذان صبح ۴۴/۴ دقیقه، طلوع آفتاب ۵۴/۵، اذان ظهر ۵۳/۱۱ و اذان مغرب (شیعه) ۱۰/۱۸ است. جاکارتا حدوداً ۲:۳۰ از لحاظ زمانی جلوتر از تهران است؛ یعنی ساعت دوازده ظهر در جاکارتا برابر ساعت ۹:۳۰ دقیقه صبح در تهران می باشد.

جزیره کالیمانتان نیز دومین جزیره به لحاظ وسعت است که خود به تنهایی نصف کشور «برونئی» می باشد اما جزیره «بالی» کم تراکم ترین جزیره مهم در میان جزایر یاد شده است. با وجود کمی مساحت، همین جزیره، کمتر از دو برابر جزیره «ایریان جایا» بوده و جزیره ایریان جایا خود بخشی از دومین جزیره بزرگ دنیاست. (۱)

## کلیات

در این نوشته که شامل چهارده بخش خواهد بود، ابتدا قومیت، نژاد، دین، مذهب و فرهنگ مردم اندونزی، به صورت اجمال بیان خواهد شد، آنگاه دوره های تاریخی و آثار آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت، سپس ساختار، نظام حکومت، تقسیمات کشور، در بخش های دیگر خواهد آمد، بعد از آن روابط خارجی، اندونزی در فضای جهانی شدن و آنگاه اسلام در اندونزی، فرهنگ، اقتصاد، نظام آموزشی و احزاب مورد بررسی قرار می گیرند و سرانجام، سازمان های مردم نهاد، چالش ها، تقابل سنت و مدرنیته و نقش دگراندیشان اندونزی در تحولات فرهنگی و دینی به تصویر کشیده می شوند.

## وجه تسمیه

کلمه اندونزی که البته به معنای «جزایر هند» است، برگرفته از واژه یونانی «ایندوس» به معنی هند و «نسوس» به معنی جزایر است. «آدلف باشتین»، جغرافی دان آلمانی این مجمع الجزایر را با نام «مایکرونزیا» در سال ۱۸۸۴ میلادی برای کتاب خود «ایندونزین» انتخاب کرد. این کلمه در اصل نامی جغرافیایی بود که به کلیه جزایر بین آسیا و استرالیا، از جمله فیلیپین اطلاق می شد. لذا نهضت ملیون اندونزی (مبارزان استقلال طلب) در سال ۱۹۲۸ میلادی، این نام را برای کشور خود پس از استقلال برگزیدند. (۱)

## تنوع نژادی و فرهنگی

نژاد مردم اندونزی را ترکیبی از مردم بومی، مهاجران آسیایی شبه مغولی و به میزان بسیار کم، هندی، عرب و اروپایی تشکیل می دهد. در بین مردم اندونزی تیره های چینی، عرب، جنوب شرقی آسیایی، هند و چین و حتی پرتغالی و هلندی دیده می شود که در نتیجه مشکل است مردم اندونزی را یکپارچه دانست. نژادهای مختلف، جغرافیای

انسانی وسیعی را در اندونزی به وجود آورده، به طوری که در این کشور، ۳۳۶ گروه نژادی به واسطه یک زبان باهم مختلط و مشترک است که ازدواج های آزادانه موجب ارتباط گروه های فوق با یکدیگر شده است. اندونزی به لحاظ قومی و نژادی، جامعه ای است بسیار متنوع و متکثر، که فاقد گروه نژادی همگون می باشد. با این وجود بیشتر مردم از نژاد مالایی به حساب می آیند. رنگ پوست ساکنین این کشور از زرد تا سیاه متغیر است. صرف نظر از رنگ پوست، مردم اندونزی عموماً قدی کوتاه تا متوسط دارند و به ندرت آدم های درشت هیکل در اندونزی دیده می شود. مگر در جزیره پاپوئا که مردم آنها شبیه آفریقایی ها، سیاه پوست، درشت هیکل، با موهای مجعد هستند. جالب این که نوع اختلافات ظاهری از این دست، تاکنون موجب اختلافات خاص نژادی در این کشور نشده است. تنها با چینی ها اختلافاتی دارند که آن هم ریشه تاریخی داشته و به زمان هلندی ها برمی گردد ولی در حال حاضر چینی ها بزرگ ترین گروه نژادی خارجی ها را در اندونزی دارند که شامل پنج درصد از کل جمعیت اندونزی است. جالب توجه این که بیش از هفتاد درصد سرمایه بخش خصوصی این کشور در اختیار همین پنج درصد چینی هاست! به هر حال مردم اندونزی به خاطر ژن و طبیعت خلقتی، آموزه های فرهنگی، ملی و اعتقاد به اصول «پانجاسیلا» تاکنون توانسته اند در کنار یکدیگر با تمام اختلافات یاد شده با آرامش زندگی کنند. اندونزی به لحاظ فرهنگی جامعه ای است بسیار پیچیده که بیش از سیصد گروه قومی باهم زندگی می کنند و هر کدام آداب، رسوم و فرهنگ خود را دارند. بعضی اشتراکات فرهنگی آنها مربوط به برخی آداب و رسوم ملی و برخی دیگر مربوط به فزونی جمعیت مسلمانان و آئین مذهبی است که موجب وحدت در عین کثرت هم شده است. در این میان، پایبندی به آموزه های اسلامی ناشی از گسترش اسلام در این دیار است. مردم تلاش می کنند حتی الامکان احکام اسلامی را در حقوق فردی و اجتماعی رعایت کنند ولی آداب و رسوم از قبیل آراستگی ظاهری، اهمیت به رقص، موسیقی و نمایش های عروسکی، از فرهنگ ملی و تاریخی پیش از اسلام باقی مانده است که با حمایت دولتمردان، به عنوان یکی از مؤلفه های وحدت ملی همچنان حفظ شده است.

## زبان

مردم کشور اندونزی به حدود دویست زبان و لهجه های مختلف تکلم می کنند. حزب حاکم ملی اندونزی که در ژوئیه ۱۹۲۷ میلادی به وسیله «سوکارنو» و سایر رهبران اندونزی بنیانگذاری شده بود، زبان یا باهاسای اندونزی را که از لهجه های زبان مالایو است به عنوان زبان رسمی کشورشان انتخاب کرده و به صورت زبان رسمی و همگانی در بین جزایر مختلف ترویج گردید. این زبان ابتدا در جزایر ریائو واقع در بین سوماترا و شبه جزیره مالایا رواج داشت. دامنه واژه های زبان یاد شده، بر اثر وام گرفتن از واژه ها و گویش های گوناگون محلی و نیز زبان های سانسکریت هندی، فارسی، عربی، انگلیسی و دیگر زبان های اروپایی به ویژه هلندی توسعه یافته است. (۱)

زبان اندونزیایی که قوائد آن در زمان استقلال این کشور تدوین و ارائه شده است، بسیار به زبان مالائی نزدیک بوده و زبان معیار در مدارس این کشور است ولی تقریباً در تمام مناطق اندونزی یک یا چند زبان محلی به ویژه در جمع خانوادگی و ارتباط میان افراد، مورد استفاده قرار می گیرد.

تقریباً تمام سیصد تا پانصد زبان موجود در اندونزی جزو خانواده زبان های استرونیایی هستند که از مالزی گرفته تا فیلیپین، از شمال تپه های ویتنام و کامبوج، تایوان، پکنزی، برونئی، سنگاپور و مردم هاوایی و مائوری های نیوزیلند، همه با این زبان سخن می گویند. اگرچه زبان بیشتر مردم اندونزی زبان محلی است ولی زبان رسمی کشور براساس اصل ۳۶ قانون اساسی زبان «مالایو» است که در تمام کشور، مردم با این زبان سخن می گویند و بعداً در این زمینه توضیح داده خواهد شد. زبان مالایی در مدارس تدریس می شود و تنها زبانی است که در پخش برنامه های رادیو و تلویزیون، جراید، انتشارات رسمی و عمومی، آگهی ها و علامات ترافیکی به کار برده می شود؛ بنابراین هیچ یک از زبان های محلی دیگر رسمیت ندارند. (۲)

۱- مقدمه کتاب تاریخ اندونزی نوشته برناردولک و ترجمه ابوالفضل علیزاده طباطبائی.

۲- کتاب سبز، وزارت خارجه، ص ۲۲.

خط یا رسم الخط این زبان با حروف لاتین است که در سال ۱۹۴۷ میلادی، جایگزین خط قدیمی این کشور شده است. گرچه پیش تر توسط هلندی ها؛ یعنی از سال ۱۹۰۱ میلادی، رسم الخط قدیم منسوخ شده و خط لاتین به کار گرفته شده بود ولی با تصویب و معتبر دانستن آن بعد از استقلال؛ یعنی در سال ۱۹۷۲ میلادی، با فرمان رئیس جمهور وقت، خط اندونزیایی با حروف لاتین در کشور، رسمیت یافت.

بخش اول: ادوار تاریخی مذهبی

اشاره



اندونزی در طول تاریخ شاهد سه موج فرهنگی تاثیرگذار خارجی بوده که بر فرهنگ و زندگی مردم تاثیر عمیقی بر جای گذاشته است.

موج اول از «شبه قاره هند»، موج دوم از منطقه «خاورمیانه اسلامی» و موج سوم از جهان «غرب» که مربوط به حضور استعمارگران غربی بوده است.

## موج اول: هند و هندوئیسم

### اشاره

در «رامایانا» که باستانی ترین و اصلی ترین کتاب هندوست مطلب جالبی به این مضمون است که در «باوادویا» به هفت مملکت اشاره دارد. محققان و شرق شناسان همواره با این سوال روبرو بوده اند که آیا ممالک یاد شده از سرزمین های بومی اندونزی بوده است یا خیر؟ یا این که برخی از جزایر امروزی اندونزی داخل قلمرو هندوها در گذشته بوده است؟ اگرچه این امری غیر ممکن نیست زیرا برخی القاب بلندمرتبان کشورهای هندو، جاوه ای قرن هشتم از کلمات خالص اندونزیایی است. یا اینکه این اسامی و کلمات بایستی پیش از رواج و گسترش نفوذ هندوان در سرتاسر مجمع الجزایر اندونزی مورد استفاده باشد تا بعدا تاثیرش را بر فرمانروایان هندی گذاشته باشد.

قدیمی ترین سنگ نبشته ها در اندونزی به اوایل قرن پنجم میلادی تعلق دارد. کتیبه های یاد شده در «برونئوی شرقی» در محلی به نام «موارا کانام» واقع در صد و شصت و یک کیلومتری قسمت علیای رود «محا کام» کشف شد. موارا کانام امروزه روستای تقریبا دورافتاده ای است که در میان مرداب ها و جنگل ها قرار دارد. بخش مزبور کم جمعیت بوده و تنها در سال های اخیر پس از کشف زغال سنگ و نفت در نزدیکی ساحل، این قسمت از برونئو مورد توجه قرار گرفته است. سنگ نبشته های یاد شده که به زبان سانسکریت است، ظاهرا بقایای آثار تمدن و مملکتی فرمانروایان بسیار قدیمی هندوی آن زمان بوده که هم اکنون به دست فراموشی سپرده شده است.

شاید حدود دویست سال بعد از میلاد بود که ملت های کوچک این منطقه به شدت تحت تاثیر تمدن هند قرار داشتند و به تدریج در منطقه جنوب شرقی آسیا و ابتدا در مدخل رودخانه های بزرگ «آنه» این ملت ها تشکیل شده بودند. پس از پانصد تا هزار سال



ملت های بزرگی در این منطقه ظهور کردند که سبک معماری باشکوهی داشته و گرایش های دینی آنها آئین هندو و بودایی بوده است. ساختار نوشتاری، تفکرات پادشاهی دینی و نظام های قانونی که برگرفته از جامعه هندو باشد، در این منطقه رواج بالایی داشته و اصطلاحات زبان سانسکریت به وفور وارد بسیاری از زبان های رایج در سرتاسر مناطق اندونزی شده بود. گرایش دینی هندوئیسم بر فرهنگ موجود در منطقه آسیای جنوب شرقی، به ویژه در اندونزی اثرات بسیاری بر جای گذاشته است، لیکن در حال حاضر فقط جزیره بالی است که بر همان «آئین هندو» باقی مانده و رسم الخط خود را که بیشتر شبیه رسم الخط تامیلی هاست حفظ کرده است.<sup>(۱)</sup>

از قرن دوم پس از میلاد، تاجران هندی به جنوب «سلبس، سوماترا، جاوه» رفت و آمد داشتند. در این زمان بود که هندوئیسم به خوبی ظاهر شده بود. به دلیل مشابهات خاصی که در فرهنگ دوران «برنز» نسبت به فرهنگ هندو وجود داشته، مردم اندونزی بدون هیچ گونه احساس حقارت و عقب ماندگی، تمدن و فرهنگ و مذهب هندو را از هندی ها پذیرفتند. حاکمان محلی و دولت های فئودالی، از برهمنان دانشمند و طبقات بالای هندو، جهت پست ها و مناصب دولتی دعوت به عمل می آوردند و آنها نیز در اجابت این خواست ها به اندونزی مهاجرت می کردند.

در «بلاهان» حدود چهل و پنج کیلومتری جنوب سورابایا خرابه های آرامگاهی پیدا شده است که بت زیبایی از خدای «ویشنو» در آن وجود دارد. مردی در این آرامگاه که بر گارودا (عقاب) سوار است دارای شکوه و جلال خاصی است. آرامگاه یاد شده زمانی محل نگهداری خاکستر آیرلینگا بوده است و احتمال دارد این بت نیز تمثالی از این مرد فوق العاده باشد؛ لذا ترس و احترامی که مردم از این پادشاه داشتند، از این حقیقت هویدا می گردد. مجسمه ای که او را نشان می دهد نیز دارای خصایص ویشنو خدای زندگی و نور است.<sup>(۲)</sup>

۱- اصول و مبانی سیاست فرهنگی در آسیا.

۲- کتاب تاریخ اندونزی، ص ۸۰.

ما، هندی‌هایی که تمدن پیشرفته تری را به جزایر شرقی آورده اند به خوبی نمی‌شناسیم ولی اطلاعاتی در دست داریم که نشان می‌دهد افراد یاد شده، از چه بخش‌ها و مناطقی از هند آمده‌اند. کتیبه‌هایی که آنها بر جای گذاشته‌اند، غالباً به خط «پالاوا» نوشته شده است. در روزگاران قدیم مملکتی به نام پالاوا در سواحل «کوروماندل» وجود داشته است.<sup>(۱)</sup>

کهن‌ترین سندی که درباره تاریخ اندونزی در دست است، به وضوح وجود جنبه‌های قوی محلی را در فرهنگ هندوی اندونزیایی نشان می‌دهد. هنگامی که اولین مهاجر هندو در جزایر اندونزی ساکن گردید، با مردمانی کاملاً فاقد تمدن روبرو نبود که بتواند کاملاً فرهنگ خود را بر آنان تحمیل کند؛ لذا هجوم فرهنگ هندوئیسم در قیاس با اسلام نتوانسته تاثیر فراوانی از خود به یادگار بگذارد.

اگرچه هندوها تاثیرات زیادی بر عقاید مردم عادی که معتقد به عالم ارواح و تجسم روح بودند، نداشتند ولی تاثیرات آنها بر روی طبقات حاکم چشم‌گیر بوده است.

در حوزه منطقه‌ای علی‌رغم نژاد چینی مردم، هند از نظر فرهنگ، تمدن و حتی ساختار اجتماعی، آن‌چنان تاثیراتی بر فرهنگ اجتماعی و بومی اندونزی داشته که اندونزی را «هند هلند» یا «هند شرقی» یا «هند کوچک» می‌نامند. تا جایی که برخی معتقدند تمدن مالایی زمانی شکل گرفت که شاهزادگان هندی از هند به آسیای جنوب شرقی مهاجرت کرده و در آنجا امپراطوری هند را گسترش دادند.

### ابنیه‌های تاریخی

در بخش ابنیه و بناهای تاریخی چه مربوط به دوران تمدن و حضور هندوهای هند و چه تاثیراتی که در این حوزه و در سراسر جزایر اندونزی وجود دارد؛ بناهای رفیع و مخروطی شکل، مزین به هنرهای تجسمی و اشکال مختلف مفهومی هندویی، همچنان امروز جزو میراث تاریخی این قوم به حساب می‌آید. اوج این تمدن و فرهنگ را امروزه در جزیره بالی می‌توان مشاهده کرد.

## هندو

این دین از طریق گجرات هند به مجمع الجزایر آمده، اوج این عقیده در منطقه Kutai و Tarumanegara و در کالیماتان و ماجاهیت Majahit در جاوه شرقی بوده است. در حال حاضر عدد پیروان هندو طبق آمارسال ۲۰۱۰ میلادی را ۴۱۱۲۶۰۰ نفر گفته اند.

## بودیسم

مذهب بودیسم اطلاق به طرفداران Sidhartha Gautma که در سال ۵۶۰ یا ۵۶۳ میلادی متولد شد و در سال ۴۸۰ قبل از میلاد فوت کرد. پدرش Sudhadana یکی از پادشاهان هندو از طایفه Sakya بود که در منطقه Kapilavatha در هند زندگی می کردند. در قرن پنجم قبل از میلاد اصلاحاتی در دین هند به وجود آورد که به بودیسم معروف شد.

این دین در قرن هفتم در منطقه Seriwijaya در سوماترای جنوبی اندونزی وارد شد و با ورود اسلام به این منطقه در قرن هشتم میلادی تقریباً بساطش جمع شد. تعدادی از پیروان مذهب «بودا» وقتی که عرصه را در هند بر خود تنگ دیدند و هندوئیسم، مذهب آنان را به انزوا کشاند، با مهاجرت به اندونزی مذهب خود را به مجمع الجزایر آوردند. این اتفاق زمانی بود که اندونزیایی ها خواهان پشت سر گذاشتن مرزها و محدودیت های مذاهب داخل اندونزی بودند. جالب این که هندوئیسم و بودیسم برخلاف هندوستان در این مجمع الجزایر با آرامش در کنار یکدیگر به حیات خود ادامه دادند و چنان شد که فرقه «ماهایانا» یکی از دو فرقه اصلی بودیسم، در مناطق حاصل خیز جنوب شرق آسیا، با یک نوع جدید از فرقه چندخدایی باهم آمیخته گردید. (۱)

داستان «گونوارمان» مبشر و مبلغ شاهنامه ای بودایی که برای آوردن فرمانروایان و مردم اندونزی به آیین بودایی خویش به این سرزمین مهاجرت کرده بود، ممکن است تاریخ دانان امروزی را به سادگی گمراه سازد. این فکر وسوسه انگیز وجود دارد که او را به عنوان یک حواری مجسم و قدیسی معرفی کنند، چون او هر چه داشته برای نجات

روح انسان های فاقد دین و تاریک دلان این سرزمین قربانی کرده است. چنین برداشت و تفسیری کاملاً خطاست زیرا براساس مفاهیم امروزه غربی ها استوار است. اگرچه با گذشت زمان، بسیاری از فرمانروایان اندونزیایی گرایش پیدا کردند اما این امر لزوماً بدین معنی نبود که آئین بودایی به دین رسمی و بلامنازع این سرزمین بدل گشته و کلیه اعتقادات و سنن مذهبی دیگر به فراموشی سپرده شده است. هرچند چنین امری یعنی گرایش به دین جدید در بعضی از مناطق به فرمان برخی شاهزادگان رخ داده، لکن رسم معمول بر پذیرفتن آئین جدید، بدون رد کردن و کنار گذاشتن دین و آئین قدیم تر مبتنی بوده است. (۱)

دوران بودایی ها حتماً به قبل از سال ۷۰۰ میلادی برمی گردد. منابع تاریخی اندونزی در این دوران عمدتاً چینی است. در تاریخچه های چینی، چندین جا به سفرای گسیل شده از سوی پادشاهان جزایر جنوبی برای تسلیم خراج به امپراتوران چینی اشاره شده است. در دوران فرمانروایی «شایلند» که دوران بسیار کوتاهی نیز بوه است، تمدن و هنر باشکوه بودایی تاثیر عظیمی در ابنیه جاوه داشته است. معبد باشکوه «بوروبودو» که در نزدیکی شهر «جوکجاکارتا» قرار دارد، باید بین سال های ۷۵۰ تا ۸۴۲ میلادی ساخته شده باشد. «بوروبودو» به معنی «بودر» یعنی مکان بلند یا تپه و چیزی شبیه آن است، این معبد در جاوه مرکزی و نزدیک شهر «مگلانگ» و در مسیر شهر دانشگاهی «جوک جاکارتا» قرار دارد. این معبد جزو یکی از بزرگ ترین معابد بودایی در جهان است که تماماً از سنگ های بزرگ و سخت کوهستانی ساخته شده است. معبد یاد شده به شکل «زیگورات» با پانصد و چهار مجسمه سنگی بودا در چهار سمت ورودی یا صعود به بالای بلندی طراحی شده است.

بنای یاد شده به قدری با عظمت است که کار ساختمان آن می بایست ده سال طول کشیده باشد؛ البته از نام و نشان هنرمندانی که این اثر باشکوه را به وجود آورده اند اطلاعی در دست نیست ولی از شیوه کارشان به خوبی می توان پی برد که کار خود را از

روی نمونه هایی که از هند آورده شده، دنبال می کرده اند. هر یک از مجموعه های نقوش برجسته یکی از حکایات مربوط به سنن بودایی را به تصویر کشیده است که منابع ادبی این ها را نیز از هند آورده بودند. حدود چهارصد مجسمه و یک هزار و چهارصد نقش برجسته، دیوارها و بهارخواب ها را تزئین کرده است که این نقوش برجسته کتاب مرجعی سنگی در مورد اصول عقاید ماهایاناست. (۱)

### تأثیرات فرهنگی هندوها

پیش از استعمار جزایر، هر منطقه به صورت مستقل و جدا از هم اداره می شدند. طبیعتاً برای بقای خود، هر یک ممکن بود تحت حمایت و نفوذ قدرت های منطقه ای قرار گیرند که همین امر موجب تاثیرپذیری از تمدن آنها نیز شده است. آثار و ابنیه تاریخی به جا مانده از دوران اقتدار هندوها امروزه یکی از جاذبه های بزرگ گردشگری و فرهنگی این کشور، به ویژه در جذب توریست است.

قدیمی ترین آثار هنری هندو که تا آن زمان کشف گردیده، به قرن سوم میلادی تعلق دارد. چندین مجسمه بودا در حالت «آماراوتی» که در اندونزی پیدا شده، به گروه یاد شده تعلق دارد. یکی از مجسمه ها «سمپاگا» (سلب) و دیگری در «سگونتانگ» در نزدیکی پالیمبانگ سوماترا پیدا شده است.

به هر حال مدت و تسلط هندوها آن قدر بوده که اکنون آثار آن از پایه های اصلی در فرهنگ ملی اندونزی به حساب می آید. اسامی برخی اماکن، خیابان ها، میادین و افراد، هنوز اسامی هندویی است. کم نیستند افراد یا حتی مسلمانانی که اسم شان کریشنا، ویشنو، رامایا، لکشمی و... است. فراوانی فرهنگ هندویی در ادبیات، موسیقی، نمایش ها و... در اندونزی کاملاً مشهود است.

## اعتقاد به عالم ارواح و تجرد

اعتقاد به عالم ارواح و تجرد و روح گرایی اساسا در ضمیر مردم اندونزی از قدیم الایام وجود داشته است. تماس با هند، مردمان اندونزی را از دستاوردهای فرهنگی هندوها آگاه ساخت. احتمالا آشنایی بیشتر و رو به افزایش مردم اندونزی با هندوها، با وضعیت برتر و قدرتمندتر امرا و فرمانروایان هندی، موجب بیداری شوق اقتباس و تقلید در بین هم‌تایان اندونزیایی آنان گردید. از نظر اندونزیایی ها، رهبری نوع بشر و قدرت سحر و افسون به یکدیگر وابستگی نزدیک داشتند. چنانچه دستیابی به وضعیت برتر پادشاهان هند مدنظر قرار داشت، اینان نیز باید به داشتن دانش مقدسی دسترسی پیدا می کردند که سبب قدرت و عظمت پادشاهان یاد شده گردیده بود. از این رو آنان از بازرگانان هندی خواستند که نه تنها کالاهای مادی، بلکه در وهله اول رهبران روحانی را نزدشان بیاورند، در نتیجه برهمن ها با امرا و احکام محلی و منطقه ای واقع در سواحل آسیای جنوب شرقی دیدار کردند. اینان کسانی بودند که اولین بناها و عمارت ها را به سبک هندی برپا ساختند و اولین متون سانسکریت نقش بسته بر سنگ ها و کتیبه های مورد اشاره را انشایی کردند که در حقیقت وجود آنها در سواحل «سلب بورونئو» از وجود کتیبه های معاصر به زبان لاتین در سواحل بادخیز دریای شمال عجیب تر به نظر می رسد. (۱) از قدیم الایام در اندونزی، اعتقاد به این که هر شیء یک قدرت پنهان دارد، تاثیر زیادی بر افکار مردم بدون توجه به مذاهب آنها گذاشته بود. هنوز هم بسیاری از مردم اندونزی به شدت تحت تاثیر ارواح گذشتگان، برنج، درختان، صخره ها، رودخانه ها، مد، باران، خورشید و دیگر حوادث طبیعی هستند. تجردگرایان معتقدند که کوه ها سرزمین عالم انسانی و عالم ارواح هستند! هم اکنون نیز در مناطق وسیعی از اندونزی تجردگرایان و روح گرایان زندگی می کنند. آنها دریا را عامل وحدت و خشکی را عامل افتراق انسان ها می دانند! به مناسبت هایی غذاهای نذری را با این هدف که ارواح در هنگام عبور از برزخ

خشنود شوند، بین دوستان و همسایه ها توزیع می کنند. دزدها در این مناطق جهت دستبرد زدن به خانه ها از جادوی سیاه استفاده می کنند. ساحران، ارواح پلید را از معابد، ماشین ها، هتل ها، استخرهای پرورش ماهی و انبارهای غله دور می کنند. (۱)

### انیمیسیمه (عالم ارواح)

ارواح درست، حیوانات، اشجار، کوه ها، دریاها، آبا و اجداد و... که اوج این پرستش در منطقه Batak (باتاک) در استان سوماترا شمالی بوده است.

### موج دوم: اسلام و فرهنگ اسلامی

#### اشاره

منطقه جنوب شرقی و اقیانوسیه از دو بخش بزرگ و گسترده تشکیل شده که یکی متعلق به قاره پهناور آسیا و دیگری قاره ای مجزا است که اقیانوسیه نام دارد. قاره آسیا خاستگاه چهار کانون بزرگ فرهنگ جهان؛ یعنی اسلام، ایران، هند، چین و تمدن های بودایی است. آئین های اخلاقی در این منطقه مانند: هندوئیسم، کنفوسیوس و بودیسم که در بخش شرقی آن ظهور یافته، بسیار پرطرفدار است. تقسیم بخش شرقی آسیا به دو بخش مجزا؛ یعنی شرق دور و جنوب شرقی در عرصه بین المللی پذیرفته شده است که هر یک با داشتن سرزمین وسیع و جمعیت فراوان مشهور هستند. (۲)

#### اسلام در منطقه

دین اسلام با گرایش مذهب شافعی، در بخش جنوب شرقی آسیا که دارای ده کشور مستقل است، پیروان فراوان داشته است. در اغلب این ده کشور، اسلام دین غالب است و در کشورهایی نظیر: تایلند، سنگاپور، فیلیپین، میانمار، کاموج، بزرگ ترین اقلیت دینی را

۱- - کاظم موسوی بجنوردی، ص ۳۵۵.

۲- - علی اصغر نظری، ویژگی جغرافیای کشورهای اسلامی، ص ۱۳۶.

تشکیل می دهند. در این میان پرجمعیت ترین آنها کشور اسلامی اندونزی است که در این منطقه واقع شده است.

در بعد مذهب، به لحاظ توزیع جغرافیایی، شافعی های جهان مالایی - اندونزیایی را تحت سلطه دارند که شامل: سنگاپور، جنوب تایلند و جنوب فیلیپین است و این سلطه همراه و هماهنگ با اهل سنت کشورهای مصر، سوریه، اردن، فلسطین، عراق و برخی کشورهای آفریقایی است. در حقیقت باید گفت بیش ترین مسلمانان جهان شافعی مذهب هستند.

### اسلام در اندونزی

برخلاف برخی از کشورها که اسلام از طریق جنگ و قوه قهریه به آنجا راه یافته است، اندونزی، اسلام را با دعوت پذیرفته است. طبق اقوالی، اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری، با ورود تجار مسلمان هندی، عرب و ایرانی، اسلام وارد اندونزی شده است. برخی از مورخان دیگر نیز معتقدند که اسلام ششصد سال پس از ظهور، توسط تجار صلح دوست گجراتی از هند به این کشور آمد. این مسئله زمانی بود که گجرات کاملاً به تصرف اسلام درآمده بود و گسترش روابط تجاری هند و اندونزی موجب گسترش اسلام نیز گردید.

الف) بعضی ها معتقدند ورود اسلام در همان قرن اول هجری بوده است.

ب) برخی اعتقاد دارند اسلام در قرن هفتم میلادی یا سوم هجری وارد اندونزی شده است (توسط تجار هندی و ایرانی)

ج) برخی می گویند از اول قرن دهم یا سیزدهم میلادی اسلام به اندونزی آمده است.

در کتاب (توانکوراو) آمده است: معاویه بن ابی سفیان از شام نامه ای برای ملوک اندونزی نوشت و آنان را دعوت به اسلام کرد. (مهارجا لوکتیا وارمان) در منطقه (سری ویجارا - جایی) و همچنین نامه ای برای منطقه سیمو (simo) در کالینجا در سال ۶۷۴ میلادی و ۵۳ هجری قمری ارسال کرد و موید قول بالا دفتر یا مرکز تشکیلات عربی این قوم در



منطقه Holing در جاوه شرقی در همان تاریخ فوق است که این معنا در بیان الحاج عبدالملک کریم امرالله مشهور به (دکتر حمکا) اولین رییس تشکیلات مجلس العلما نیز آمده است. (۱)

برخی گفته اند زمان خلیفه سلمان بن عبدالملک در سال های ۹۷ و ۹۹ هجری قمری و ۷۱۵ و ۷۱۷ میلادی کسانی برای دعوت به اسلام به (سری و یجایاجایی) فرستاده شده است. (۲)

در نقل دیگری از مصادر چینی است که در تاریخ ۹۹ هجری قمری یا ۷۱۷ میلادی آورده اند که ایرانیان فارس با ۳۵ سفینه و کشتی به «پالیمبانگ» و مرکز حکومت سری و یجایا بود وارد شدند و پادشاه آن زمان (سری مهاراجا سری اندراوارمان) را از طرف خلیفه عمر بن عبد العزیز دعوت به اسلام کردند. (۳)

محمد علی هاشم بن تنیکو هاشم، رییس مجلس العلما در سال ۱۹۶۴ و متوفی ۱۹۹۸ میلادی معروف به پروفیسور هاشمی که قریب ۱۰۰ جلد کتاب دارد. در کتاب (Takoh - Takoh) به معنای بزرگان و رجال آورده است (حسب دست نوشته های مارکوپلو سیاح) که از اندونزی دیدن می کرد، در سال ۸۶۸ میلادی و ۲۵۵ هجری قمری در منطقه پرلاک (Perlak) با پادشاه مسلمانی به نام (سلطان علاالدین السید مولانا عبدالعزیز شاه) دیدار و ملاقات داشته است. (۴)

در سال ۱۲۹۲ میلادی، مارکوپولو سفری به مجمع الجزایر اندونزی داشته و از وضع دور از تمدن شایع در بین آدام خواران آن ولایت منجزر شده بود اما این سفر به او فرصت داد تا درباره اوضاع جغرافیایی و اقتصادی سایر جزایر مطالعه کند. توضیحات او غالباً مبهم و اساساً با روایات چینی و عربی تفاوت چندانی ندارد، مگر یک نکته واحد که بیشترین اهمیت را دارد. وی خاطر نشان می کند که ساکنان شهر کوچک «پرلاک» در راس

۱- - الاسلام فی لرخیل الملايو، د. روف شبلی، ص ۸۲؛ تاریخ الامه الاسلامیه، دکتر حکما، ص ۴۴۲.

۲- - محمد احمد السنباطی، ص ۱۸۴ نقل از کتاب توانکوراو، ص ۵۷۵.

۳- - احمد بن محمد بن عبدربه (ابو عمر معروف به ابن عبدربه) شاعر اندلسی.

۴- - پروفیسور هاشمی، تاریخ ورود و نشر اسلام در اندونزی، ص ۱۴۶.

شمالی سوماترا به آیین اسلام درآمده اند. این منطقه در آن زمان، تنها مکان اسلامی در مجمع الجزایر بود. بدین ترتیب دقیقاً معلوم است در چه زمانی و از کجا دین جدید وارد جزایر هند شرقی شده و کهن ترین کتیبه اسلامی در سوماترا تاریخ ۱۲۹۷ میلادی را نشان می دهد؛ که درست پنج سال پس از بازدید مارکوپولو بوده است. کتیبه یاد شده در قریه «سامودار» واقع در صد و شصت و یک کیلومتری شمال غربی پرلاک و در ساحل سوماترا قرار دارد. این کتیبه نوشته ای است بر سنگ قبر «سلطان ملک الصالح» اولین فرمانروای مسلمان آن بندر که زمانی اشتهار فراوان داشت. این سنگ قبر حاوی اطلاعات غیرمنتظره ای درباره اولین دوران اسلامی در اندونزی است. این کتیبه و سنگ قبر از «کامبای» گجرات هند وارد این منطقه شده که حاکی از فتح این مرکز تجاری به دست مسلمانان هندی تبار در نیمه قرن سیزدهم به دست فرمانروایان مسلمان آن سامان بوده است. بدین ترتیب چنین فرضی درست است که تجار مقیم این بندر کسانی بودند که آئین جدید را در سوماترا رواج داده اند. این عقیده با مشابهت های مذهبی مسلمانان هند و اندونزی نیز تایید می گردد که در هر دو مورد دین و مذهب مردم تحت تاثیر و گرایشات متصوفانه هند قرار دارد. (۱)

در قرن دوازدهم میلادی بازرگانی و تجارت در منطقه جنوب شرقی آسیا به ویژه در اندونزی امروزی به شدت توسعه پیدا کرده بود. تعداد زیادی تجار از نواحی غربی برای داد و ستد به جزایر می آمدند و به خرید ادویه، فلفل و چوب های قیمتی و گرانبها می پرداختند. این تجار در سفرهای تجاری خود، قبل از ورود به چین در این معبر در مجمع الجزایر استراحت می کردند. بسیاری از این تجار با ملیت های مختلف مسلمان بودند که تاریخ نویسان چین همه مسلمانان را به سبب استفاده از رسم الخط عربی که زبان دین اسلام است؛ همان گونه که زبان لاتین زبان دینی اعضای کلیسای کاتولیک رم است، همه تجار را عرب معرفی کرده اند. گرچه در واقع تعداد معدودی عرب در میان دریانوردان و تجار مسلمان بودند.

سنگ قبری متفرقه در منطقه ای به نام «لران» در نزدیکی سورابایا پیدا شده که با رسم الخط عربی نقش شده است. این سنگ قبر آشکار می سازد که بانویی مسلمان در سال ۱۱۰۲ میلادی در آنجا دفن شده است. (۱)

نویسنده همین کتاب در فصل چهارم کتابش می نویسد: «اسلام در قرن پانزدهم میلادی با سرعت در سراسر اندونزی گسترش و رواج پیدا کرد. دین جدید از جانب مغرب مجمع الجزایر وارد شده بود؛ بنابراین مورخان امروزی توجه خود را به آن معبر بزرگ تجاری و بازرگانی آسیا؛ یعنی تنگه های بین سوماترا و قاره آسیا معطوف داشته اند. در این نقطه مملکت جدیدی از اهمیت و رونق برخوردار بود که سلطان نشین مالاکا نام داشت.» (۲)

و قول دیگر این که تعدادی از مورخان هم، اعتقاد دارند اسلام به طور اصولی و فراگیر از زمان فتح کانال سوئز در سال ۱۸۶۹ میلادی، وارد این کشور شده است. آن ها معتقدند با افتتاح کانال سوئز و مشرف شدن اندونزیایی ها به مکه، اسلام به طور اصولی وارد این کشور گردید. حجاج اندونزیایی با فراگیری راه و روش زندگی اعراب مسلمان و تجربه فرهنگ اسلامی همچنین با ایجاد سمینارهایی چند، جهت شناساندن اسلام اقداماتی انجام دادند.

گروه دیگری از مورخان معتقدند ابتدا اسلام از منطقه سوماترا به جاوه رسید. تصرف جزیره و تنگه مالاکا توسط پرتغالی ها در سال ۱۵۱۱ میلادی، موجب پراکنده شدن بازرگانان مسلمان در سرتاسر جزایر جنوب شرقی آسیا شد که در نتیجه باعث گسترش اسلام نیز در این منطقه گردید.

در آبادی های جدید در مجمع الجزایر، عموماً ثروتمندترین تاجر به خودی خود به رهبری می رسید و پس از چندی به عنوان راجه یا پادشاه ایفای نقش می کرد. تا پیش از قرن دوازدهم هیچ گونه سازمان سیاسی قابل توجهی در جزایر ملوک وجود نداشت.

۱- تاریخ اندونزی، ص ۸۶.

۲- همان مدرک، ص ۱۲۱.

احتمال دارد اولین حکومت سیاسی محلی که با گسترش دریانوردی و کشتیرانی در جاوه بوده است، متعلق به مسلمانان باشد.

بنابر این قول، «دماک» اولین شهر جاوه بود که در سال ۱۴۷۷ میلادی، به اسلام روی آورد. پس از آن شهر «چیربون» در سال ۱۴۸۷ میلادی، که در نتیجه نابودی امپراتوری ماجاپاهیت رو به اسلام آورده و بدین سان بود که بعداً بیست حکومت و پادشاهی مسلمان در سرتاسر مجمع الجزایر به وجود آمد. (۱)

شاید دلیل عمده اختلاف نظر و تردیدهای تاریخی در مورد ورود اسلام و همچنین هویت نژادی، جغرافیایی و اعتقادات دینی و مذهبی و مشرب های داعیان و مبلغان اسلام که از سایر سرزمین ها به منطقه آمده بودند، ناشی از این واقعیت باشد که اسلام از مجرای صلح آمیز و در فضای کاملاً عاطفی، فرهنگی و تجاری و در یک دوره نسبتاً طولانی وارد این منطقه شده است. بدیهی است، سرزمین هایی که توسط سربازان و لشکریان اسلام فتح شده، به دلیل اهمیت و نگرانی انسان ها در کانون خبری و توجه بیش تری بوده است. تاریخ نگاران همواره لشگرکشی ها و فتوحات را با دقت بیش تری ثبت و ضبط کرده اند. این گونه وقایع در جهان دارای رخدادهای فرهنگی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و از همه مهم تر انسانی است که با چند محور اساسی همچون، این اتفاق در چه زمانی و در چه محدوده جغرافیایی رخ داده؟ لشکریان غالب از چه منطقه ای بودند؟ انگیزه جنگ چه بوده؟ لشکریان پیروز دارای چه اعتقاداتی بوده اند؟ میزان تلفات انسانی چقدر بوده است؟ پیامدهای مثبت و منفی اقتصادی چه بوده است؟ و... که به مراتب بیشتر از یک فتح اعتقادی و فرهنگی، مورد توجه تاریخ نگاران بوده است.

«برنارد ولک» هم در کتاب تاریخ اندونزی می نویسد: «تجار هندی، ایرانی و عرب از قرون اولیه اسلام به رواج دادن دین مبین اسلام مبادرت ورزیدند ولی ترویج وسیع و گسترده اسلام از قرن ششم و هفتم هجری قمری در مجمع الجزایر صورت گرفت.» او معتقد

است گسترش اسلام از جزیره جاوه مرکزی به سراسر جزایر دیگر راه پیدا کرد و رواج یافت. (۱)

به هر حال آنچه در این سرزمین براساس مؤلفه های درونی و برونی، در یک دوره تاریخی رخ داد، سازگاری دین اسلام با رویکرد اخلاق گرایانه مردم این سرزمین بوده است و این معنا چنان جذابیت بالایی داشت که دین اسلام به سرعت توانست به اقصی نقاط مجمع الجزایر اندونزی سرایت کند. فلش و نمودار رشد و پیشرفت گرایش مردم این سرزمین به اسلام نشان می دهد که به طور اختصاصی شهرهای بندری در مناطق ساحلی به ایمان جدید بیشتر اقبال داشته اند. شاید به این دلیل که در این مناطق روابط تجاری اهمیت حیاتی ویژه ای داشته و هنگامی که یکی از شهرهای کلیدی در یک خوشه تجاری، اسلام را قبول می کرد، علاقه عمده مردم دیگر نیز تبعیت مشتاقانه از آن بود، تا بدین سبب وابستگی های شخصیتی تقویت شود و پایه ای عمومی برای قوانین اسلامی در تنظیم روابط بازرگانی به وجود آید.

به هر صورت گسترش اسلام در این مناطق بخصوص از نظر فرهنگی و اقتصادی تا حدود زیادی وابسته به بازرگانان، بنادر هند، خاورمیانه و مدیترانه بود که موجب گردید اسلام در مناطقی مانند جاوه مرکزی، پیشرفت قابل ملاحظه ای پیدا کند؛ چنانچه تاریخ نشان می دهد، در این مناطق سلسله حکومت های هندو و بودایی، ابتدا با گسترش اسلام به مقابله برخاستند اما این حقیقت که در آموزه های هندویی و بودایی توجه به ماوراءالطبیعه و خوارق عادات جدی است بر کسی پوشیده نیست؛ لذا مبلغان اسلامی مهاجر، با هوشمندی و هنرمندی خاصی، با بهره گیری از برخی نحله های طریقت متصوفه، به خوبی توانستند، در پیوند این دو اندیشه تاثیرگذار باشند و عملاً مخالفت هندوها به جایی نرسید.

در حال حاضر اکثریت مردم مسلمان اندونزی پیرو مذهب شافعی، با گرایش صوفیانه و عرفانی هستند که عرفان آنها با عرفان هندوئیسم و آمیزه های تعالیم بودا، عجین و باهم

آمیخته شده که این مشرب در فرهنگ اندونزی به «آیکان» معروف است؛ لذا آنچه در این جا ظهور دارد، این است که صوفیان اسلامی، با ریاضات خاص و توجه جدی به اخلاق، تقویت روح و خوارق عادات، توانستند با جذب مردم در این دوره، آشکارا نقش اصلی و موثری را در گرایش به اسلام ایفا نمایند. تلاش های آنان برای موعظه مردم و فرا خواندن آنان به ایمان جدید، همزمان بود با فتوحات مسلمانان در گجرات، بنگال و جنوب شرق آسیا که این مناطق عملاً از مراکز هندو و بودایی جدا شده بودند، در اسناد تاریخی، این مطلب از فاکتورهای مهم گسترش اسلام در این منطقه به حساب می آید. به تعبیری حضور تبلیغی مسلمانان در گشودن راه اسلام به این مناطق بدان خاطر بود که بسیاری از افراد جامعه با تبعیت از برخی داعیان صوفی و ایمان داشتن به قدرت ماورایی آن ها به دین آن ها، ایمان آوردند!

### موج سوم: مذهب، سیاست و فرهنگ غرب

#### دوره های استعمار

در سال ۱۵۰۹ میلادی، سلطنت شماری از پادشاهی های مسلمان در اندونزی به ویژه در شبه جزیره مالایا، رو به ضعف گذاشته بود. در سال های ۱۵۱۰ و ۱۵۱۱ میلادی بود که پرتغالی ها در پی جستجوی ادویه پا به مجمع الجزایر اندونزی گذاشتند. از آن جا که خلق و خوی اروپاییان درنده خویی و سلطه گری است، در ابتدای ورود به این مجمع الجزایر، پس از شکست پادشاهی اسلامی مالاکا در شبه جزیره ملایو، وارد اندونزی شده، با نبردهای خونین، دیگر سلاطین مسلمان را از سر راه خود برداشته و سیطره کامل بر مجمع الجزایر اندونزی پیدا کردند. تنگه «مالاکا» حوزه استراتژیک منطقه جنوب شرق آسیاست. با به دست گرفتن انحصار تجارت ادویه، کنترل این گذرگاه مهم، سالیانی در اختیار پرتغالی ها بود؛ اگرچه نسبت به رقبای بعدی، عمر پرتغالی ها در منطقه خیلی دراز نبود ولیکن امتیاز پرچم داری ورود مسیحیت به منطقه را به نام خود کردند. سالیان

متممادی پرتغالی‌ها بر این مجمع‌الجزایر حکومت کردند و بنا به حوادثی که در آن ایام اتفاق افتاد، طی یک پروسه نه‌چندان طولانی، فرمانروایی اندونزی را به اسپانیایی‌ها واگذار کردند.

با لشکرکشی اسپانیایی‌ها که منجر به تضعیف و عقب‌راندن قوای پرتغالی‌ها شد، اندونزی میدان‌تاخت و تاز استعمارگر جدید شد. در دوره اسپانیایی‌ها بود که دین مسیحیت رسماً وارد اندونزی شد و تا زمانی که در اندونزی حضور داشتند مسیحیت را به شدت ترویج کردند. پس از آن‌ها استعمارگران اروپایی که عموماً مسیحی بودند، یکی پس از دیگری، در تقویت و ترویج این دین، تمام همت خود را به کار برده و از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

با توجه و عنایت ویژه‌ای که در تقویت این دین اعمال شد، سالیان متممادی پیروان کلیسا، یکه‌تاز میدان عقیدتی و فرهنگی اندونزی بودند و آن قدر در ترویج مسیحیت کار شد تا ضمن مسیحی کردن گروهی از مردم، برخی مناسبت‌ها، آداب و رسوم این دین و پیروانش به صورت فرهنگی ملی در این کشور نهادینه شد. پس از اسپانیایی‌ها، هلندی‌ها به سال ۱۶۰۲ میلادی متوجه بازار پر سود ادویه شدند و با لشکرکشی و جنگ‌های سخت، اسپانیایی‌ها را از اندونزی خارج کردند، بدین ترتیب سال‌ها حاکمیت کشور اندونزی از آن هلندی‌ها شد. در این زمان بود که آن جریان تجاری - سیاسی (کمپانی هند شرقی) که مقر آن در آمستردام هلند بود، میدان اصلی تجاریش را در این منطقه ایجاد گردانید.

این تشکیلات سیاسی تجاری معروف که بعداً خود یکی از محورهای تاریخ جهان شد، با تصرف «آمبون» که دروازه ورود ادویه هند بود، سیطره خود را به سراسر اندونزی گسترش داد.

بدین طریق «کمپانی هند شرقی» تسلط کامل بر اندونزی پیدا کرده و تقریباً انحصار کامل ادویه را در سطح جهان از آن خود ساخت. این روند بیش از ده سال ادامه داشت تا مجدداً اسپانیایی‌ها در سال ۱۷۹۹ میلادی بر اندونزی تسلط پیدا کردند و تمام

متصرفات کمپانی هند شرقی را با کمک انگلیسی ها از سلطه هلندی ها خارج ساخته و استیلای کامل بر مجمع الجزایر اندونزی پیدا کردند.

چنان چه تاریخ همیشه شاهد سیاست های پر نیرنگ و پیچیده انگلیسی ها در جهان بوده است، انگلیس با طراحی و نقشه های موزیانه و مزورانه خود، ابتدا هلندی ها و سپس شریک جنگی خویش اسپانیایی ها را از صحنه خارج کرده، متصرفات آنان را تحویل گرفته، در سال ۱۸۱۱ میلادی بود که سلطه کامل بر مجمع الجزایر اندونزی پیدا کرد و این سرزمین، سال ها تحت سیطره انگلیسی ها اداره می شد. انگلیسی ها بیش تر در سنگاپور امروزی و مالزی حضور داشته و فعال بودند. علی رغم حضور کم رنگ فیزیکی آن ها در اندونزی، از طریق سنگاپور، با ایجاد برخی جریان سازی ها فکری و فرهنگی اقدام به تغییرات اجتماعی در این مجمع الجزایر کردند. اساسا برخی معتقدند نوع تفکر نوین اسلامی با مدل غربی آن (اسلام لیبرالیزه شده) توسط انگلیسی ها وارد اندونزی شده است. تعدادی از جویندگان علم دین با حمایت و هدایت انگلیسی ها به عربستان راه پیدا کرده و سکان دار دینی مردم این سامان شدند. سنگاپور این کشور کوچک با مدل کاملاً غربی، امروزه نیز در منطقه، نقش رابط در امور فرهنگی غربیان را ایفا می کند.

نویسنده کتاب تاریخ اندونزی با دست یافتن به نوشته ها و اسناد و مدارک بسیار فراوان باقی مانده از دوران حکومت های استعماری به ویژه کمپانی هند شرقی هلند و سپس قوام قدرت هلندی ها بر مجمع الجزایر اندونزی و بررسی آن ها، اطلاعات بسیار جالبی از نحوه پاگرفتن قدرت هلندی ها و تاثیرات آنان بر تاریخ باستانی اندونزی دارد که متأسفانه هم اکنون در این کشور مدارک مکتوب اندکی وجود دارد زیرا به علت شرایط آب و هوایی استوایی و مرطوب منطقه، کلیه نوشته هایی که احتمالاً بر چرم، پوست درختان، پارچه، کاغذ و امثال این ها وجود داشته، از میان رفته و تنها تعداد معدودی سنگ نبشته از دوران باستان موجود است که خیلی نمی تواند گذشته را روشن سازد. نگارنده نسبت به شاهنامه ها و سایر اشعار حماسی موجود که به روایت مردم محلی سینه به سینه بازگوکننده تاریخ این کشور بوده و حتی طریقه ترجمه و بررسی و برداشت و نقل اسامی



که در نوشته های محققان چینی یا جهان گردان مسلمان موجود است با دیده شک و تردید فراوان نگریسته، سپس آن ها را مورد بهره برداری قرار داده است.

سرانجام اواسط سال ۱۹۴۶ میلادی، جنگ های ناپلئون و بعضی تحولات و معادلات جهانی، همچنین پررنگ تر شدن حضور انگلیس در دیگر مناطق جهان، موجب کم شدن نفوذ و حضور بریتانیای کبیر در اندونزی شد. به واقع چه اتفاقاتی آن زمان روی داده و چه فعل و انفعالاتی صورت گرفته که هلندی ها حاکمیت انگلیس را در سال ۱۹۴۶ میلادی، نقض کرده و مجددا بر سراسر اندونزی تسلط پیدا کردند، خیلی روشن نیست. با توجه به اینکه این هلند نیز همان هلند سابق نبود و قدرت سابق را نداشت، عدم اقتدار جدی هلند، سبب شد که پای ژاپنی ها نیز به این سرزمین باز شود. ژاپنی ها که برای تسخیر چند کشور آسیایی به جنوب شرق آسیا هجوم آورده بودند، پس از سقوط سنگاپور، متوجه مجمع الجزایر اندونزی شدند و پس از نبردی کوتاه در سال ۱۹۴۲ این سرزمین را کاملاً تصرف کردند.<sup>(۱)</sup>

ژاپنی ها نیز به علت های گوناگون، از جمله فشارهای ناشی از جنگ جهانی دوم، قطع خطوط مواصلاتی و ارتباطی، افزایش خیزش ها و امواج شورش های داخلی در اندونزی علیه استعمارگران، تاب تحمل نیاوردند و طی مدتی کوتاه، اداره امور اندونزی را به مردم کشورشان سپرده، راه بازگشت را پیش گرفتند.

### پیامدهای فرهنگی استعمارگران

دوران سیاه تسلط استعمار بر این کشور، فرصت بسیار مناسبی برای گسترش آئین مسیحیت در منطقه ایجاد کرد. احداث کلیساهای شکیل و زیبا، تاسیس دارالایتام ها، تشکیل موسسات خیریه، نشر گسترده کتاب های گوناگون مسیحی، جذب مغزها، تطمیع ثروتمندان، برپایی کنفرانس ها و انجام هزاران طرح فرهنگی، پیاده کردن اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جمله اموری است که برای تغییر هویت ملی،

دینی و فرهنگی جامعه بزرگ اندونزی در این زمان به وقوع پیوسته است. در این زمان، روابط میان مسلمانان و مسیحیان، بسیار روابط سردی شده بود، به خاطر این که دولت استعماری هلند، از یک سو اجازه تغییر آئین دینی را به افراد جامعه نمی داد اما از طرف دیگر به هیئت های تبلیغی و گروه های تبشیری مسیحیان اجازه داده بود تا آزادانه مردم را به مسیحیت دعوت کنند.

عجیب تر این که با اختصاص دادن برخی مناطق ویژه، مشوق هایی برای گرویدن به مسیحیت نیز ایجاد می کردند، از این رو در این دوره پیروان مکاتب دینی سنتی تحت فشار زیادی بودند. در مناطقی مثل کالیمانانتان و سولاوسی که بعضی از مردم و گروه ها به یکی از ادیان رسمی کشور گرایش یافته بودند، متهم به انسان های بدوی و غیرمنطقی و عقب افتاده می شدند اما در مقابل مسیحیان، گروه های ملی اندونزیایی برای جذب بیش تر پیروان تازه و یافتن حامی، شاخه ای جدید از سازمان های ویژه خود را بر مبنای مدل سازمان های غیر دینی شهری ایجاد می کردند که چنین حرکت هایی نشان دهنده مقاومت دینی و فرهنگی مردم در برابر فشار تحمیل شده از طرف استعمارگران بود.

دولت استعماری هلند چند برنامه را باهم پیگیری می کرد. نخست: این که زبان بومی را در کشور اندونزی بسیار محدود می کرد و دوم: این که مردم بیش تر برای کار در بخش خدمات عمومی، صنعت، بهداشت و درمان، فقط حق داشتند آموزش ببینند. سوم: از آن جا که اختلاف افکندن جزو برنامه استراتژیک همه استعمارگران غربی بوده و هست، دولت هلند نیز از این حربه، به خوبی استفاده می کرد. صرف نظر از اشاعه این فتنه در بین مسلمانان، علی رغم تعلق خاطری جدی که به مسیحیت داشته و آن را دین خود می دانستند، در پیاده کردن این سیاست، به مسیحیان نوپایی هم که در این کشور به وجود آمده بودند رحم نکرده، بسیار کوشیدند تا اختلافات به سبک اروپایی را میان پروتستان ها و کاتولیک های اندونزی نیز دامن بزنند؛ لذا ضمن اختلاف انداختن بین مسیحیت و ادیان شناخته شده در اندونزی، با همان انگیزه ایجاد اختلاف، افراد دیگری

نیز که به هیچ یک از آئین های موجود و دینی خاص معتقد نبودند، همه را به کمونیسم متهم می کردند. ثمرات این فتنه استعماری، در دهه ۷۰ میلادی، بیش تر خود را نشان داد؛ زمانی که مهاجرت های گسترده مردم به ویژه مهاجران مسلمان جاوه، سولاوسی و بخش هایی از مالوکو به مناطق مسیحی نشین در کالیمانتان، سولاوسی، مالوکو، پاپائوی غربی، رشد پیدا کرد و موجب تغییر آمار پیروان ادیان مختلف گردید که در نتیجه عدم تعادل اقتصادی و بروز مسائل نژادی، فرهنگی و سیاسی در جامعه اندونزی به شکل جدی خودش را نشان داد.

اگرچه مسیحیان در مقایسه با مسلمانان به حسب ظاهر، کاری به سیاست های ملی کشور نداشتند و نسبت به مسلمانان رقم جمعیت شان هم بسیار ناچیز بود، ولیکن حضور شمار بی تناسبی از مسیحیان در پست های مهم سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و علمی کشور، موجب خشم مسلمانان شده بود ولی با حمایت و قدرت استعمارگران کاری از پیش نمی بردند؛ لذا در نتیجه استمرار و ادامه آن سیاست ها، هم اکنون نیز در اندونزی آموزشگاه های کیفی و مدرن، دبیرستان و دانشگاه های مسیحی بسیاری در این کشور، اشتغال به امر آموزش دانش آموزان و دانشجویان نخبه و برجسته مسلمان و غیرمسلمان دارند که تاثیرات خاص فرهنگی خود را در جامعه به دنبال داشته است. (۱)

البته توطئه استعمارگران تنها در این موارد خلاصه و متوقف نبوده بلکه پس از خارج شدن از اندونزی، این سیاست ها به طرق مختلف دیگر ادامه پیدا کرده است. نمونه ای از آن موارد، طرح شوم و خطرناک تجزیه اندونزی است که ثمره فعالیت های پنهان و آشکار آن ها را در جریان تیمور شرقی نشان داد؛ لذا به نظر می رسد، با تغییر بافت جمعیتی که در برخی جزایر و مناطق مثل «مالاکو» و... به وجود آمده است، این سیاست به صورت نرم و آرام، همچنان ادامه داشته باشد.

در عرصه مطبوعات نیز دو روزنامه مطرح کشور به نام های «کمپاس» و «سوآراپمبارئآن» متعلق به مسیحیان است. پیروان این دین، اماکن رفاهی و ورزشی فراوان و متعددی نیز در اختیار دارند که نسبت به سرانه جمعیت مسیحیان، نشانه ادامه و استمرار همان تبعیض تاریخی و استعماری است. تاثیرپذیری اندونزی در بخش های فرهنگی، سیاسی و ساختار حکومتی از مسیحیان را به صفحات بعد موکول کرده، ضرورت دارد، هم اکنون، به مقطع حساس اندونزی در رسیدن به استقلال پردازیم.



بخش دوم: دوران مبارزات استقلال طلبی

اشاره



اندونزی تحت سلطه هلندی ها بود و بر اثر تهاجم همه جانبه استعمارگران به ارزش های دینی، اخلاقی، فرهنگی و ملی، همچنین فشار و شکنجه مردم به صورت سازمان یافته، که به ویژه توسط هلندی ها اعمال می شد، موجب خیزش های مردمی و مبارزات پیگیر آنان شد، تا جایی که عرصه را بر استعمارگران کاملاً تنگ کرده بودند اما آن ها چنین تبلیغ می کردند که جنبه های مذهبی و سیاسی اسلام را از هم متمایز دانسته لذا جنبه های معنوی و مذهبی را تحمل کرده، حتماً جنبه های سیاسی آن را سرکوب خواهند کرد.

استعمارگران با اجرای این سیاست، هر روز از قدرت احزاب مسلمان کاسته و محدودیت بیش تری برای آنها فراهم می ساختند. در این میان، تنها « نهضت العلماء» بود که به همکاری رژیم های غیرمذهبی، تمایل از خود نشان می داد و تا حدودی نفوذ خود را حفظ کرده بود؛ لذا شورش های گاه و بی گاه، در قرن نوزدهم علیه اقدامات استعمارگران هلند، به تناوب ادامه داشت و اغلب، آن خیزش ها در منطقه جاوه به وقوع می پیوست.

اوایل قرن بیستم بود که مجاهدان مسلمان، آزادی خواهان، روشنفکران و رهبران دینی اندونزی به فعالیت های خود برای دستیابی به استقلال، شدت بیش تری بخشیدند. جدای از حرکت وسیع و مردمی مسلمانان که با انگیزه های اعتقادی به صحنه آمده بودند، احزاب دیگر ناسیونالیستی و ملی نیز در این میان فعال شده و آن ها نیز برای رسیدن به اهداف ویژه خود مبارزه و تلاش می کردند.

### **نقش احزاب بزرگ اسلامی در مبارزات استقلال طلبی**

شخصی به نام «احمد دهلان» پس از یک دوره آموزشی در عربستان سعودی به وطن برگشت و حزب یا سازمان «محمدیه» را در سال ۱۹۱۲ میلادی تاسیس کرد. حزب «شرکت اسلام» نیز در همان سال تاسیس شد که این دو سازمان، با گرایش سلفی پا به عرصه فعالیت های کشور گذاشتند.

سازمان «نهضت العلماء» با شعار آموزش معارف دینی همگانی و دفاع از سنت های گذشته همراه با آموزه های صوفیانه و با هدف تعدیل رفتاری مسلمانان اندونزی، در سال ۱۹۲۶



میلادی شکل گرفت. اگر چه احزاب و رهبران دینی، مردم به ستوه آمده را در مبارزه با استعمارگران به صحنه آورده بودند اما آنچه برای مردم از هر قومیت و مذهب اهمیت بسزایی داشت، رهایی از سلطه استعمارگران بود و برای برون رفت از این مشکل، اختلافات خود را کنار گذاشته، به نوعی باهم متحد شده بودند.

اواخر سال ۱۹۲۰ میلادی، احزاب سیاسی ملی و در سال ۱۹۲۷ میلادی، حزب «ناسیونالیست» اندونزی به رهبری «سوکارنو» شکل گرفت. در این میان سایر احزاب مخالف با سلطه هلندی ها و با هدف رسیدن به استقلال، از سوکارنو پیروی می کردند.

در سال ۱۹۲۰ میلادی، حزب «کمونیست» اندونزی تاسیس شد که در سال ۱۹۲۶ میلادی، چند اعتصاب و شورش مردمی را در جاکارتا سازماندهی کردند. در میان احزاب، حزب «ناسیونالیست» به دو صورت در اندونزی گسترش قابل توجهی پیدار کرد و لذا به قدرت هم رسید: جناح اول: نماینده منافع «پری یایی»های دارای تحصیلات غربی بودند که اساساً اصول تشکیلاتی آن ها در غرب تبیین و برنامه ریزی می شد. جناح دوم: نماینده «اشتیاق» اندیشمندان رادیکال و کارگران برای تشکیل یک جامعه سوسیالیست در اندونزی بود.

این دو جناح برخلاف مسلمانان، مبتنی بر ارزش های مادی و غیرمذهبی شکل گرفته بودند لذا به ترکیبی از موارث و فرهنگ اندونزی همراه آرمان های بین المللی در قالب شعارهای غربی تاکید داشتند.<sup>(۱)</sup>

از سوی دیگر به علت اکثریت شمار مسلمانان در اندونزی، بهترین راه مبارزه در برابر تهاجم غرب توجه مجدد به محتوا و مبانی اسلامی تشخیص داده شده بود و لذا مسلمانان درصدد تلاش برای بازگشت به اصالت های دینی خویش بر آمدند.

در این میان عده ای از گروه های مسلمان با شعار اصلاح طلبی، خیزش ها مردمی را به سمت سازمان های «محمدیه» و «شرکت اسلام» شکل می دادند.

در مقابل، گروه های دیگری از مسلمانان، اصلاح طلبی را به مصلحت جامعه اسلامی ندانسته، با تاکید بر سنت، اصالت قرآن و منابع حدیثی، این نوع اصلاح طلبی را افراط گرایانه تلقی کرده و با آن مخالفت می کردند. نتیجه این اختلاف، موجب به وجود آمدن اندیشه های علمای سنت گرا شد و آنان در غالب تشکیلات «نهضت العلماء» به گسترش بیداری اسلامی در اندونزی پرداختند.

### خیزش اصلاح طلبی دینی

فرمانروای «آچه» مردم را برای مبارزه و جهاد علیه پرتغالی ها و هلندی ها فرا خواند. از آن جا که اسلام در زندگی مردم «آچه» و «مالایا» نقش بسزایی داشت، وی با توسل به مبارزه نظامی بر اصلاح امور دینی، معیشتی و اجتماعی مردم، مطابق با اسلام تاکید داشت؛ لذا در برنامه این خیزش، اجرای شریعت در امور مثل ارث، مسائل خانواده، وضعیت مساجد، جشن های میلاد النبی (ص) را دنبال می کردند. او معتقد بود که احکام دینی و بینش عرفانی صوفیانه؛ یعنی «شریعت» و «طریقت» باید در زندگی دینی مردم تلفیق شوند ولی ایده های اصلاح طلبانه او با کاربردهای محلی خیلی سازگاری نداشت؛ لذا منجر به جنگ داخلی شدیدی در سال ۱۸۰۳ میلادی شد که پیامد آن این چنین بود: بسیاری از روسای محلی از جنبش اصلاح طلبی سر باز زدند و با یکدیگر به جنگ پرداختند تا جایی که برای دفاع از خود، متأسفانه از دولت استعماری هلند نیز یاری گرفتند!

همین امر موجب جنگی سخت و طولانی از سال ۱۸۱۹ تا سال ۱۸۳۲ میلادی، در اندونزی گردید و لذا این اختلاف موجب تحلیل رفتن قوای مسلمانان شد و هلندی ها توانستند اصلاح طلبان را سرکوب کرده و این ایالت را در قبضه قدرت خود درآورند. بعد از این مرحله، جنبش اصلاح طلبی دینی رو به خاموشی گذاشت اما شرایط موجود و حضور استعمارگران نیز قابل تحمل نبود؛ لذا گروه های اسلامی منطقه که از ظلم و جور

هلندی ها به ستوه آمده بودند، درصدد این برآمدند که به جنگ استعمارگران رفته، با تمام امکانات به مبارزه خود تا رسیدن به استقلال و آزادی ادامه دهند.

در سال ۱۹۴۲ میلادی، ساکنین جزیره «جاوه» با شکست ارتش استعماری و ننگ داشتن سربازان در شرایطی سخت، منطقه ای را که اکنون به نام «جاوه» شهرت دارد به طور کامل از تصرف هلندی ها خارج و به کنترل خود در آوردند.<sup>(۱)</sup>

با ایجاد جو مبارزاتی و تفکرات سیاسی خاص که در اکثریت مردم اندونزی به وجود آمده بود، گروه های ناسیونالیستی و مارکسیستی نیز همراه مسلمانان فعالانه وارد میدان مبارزات مردمی شده بودند. اگرچه پیروان هر یک از این ایده ها و عقیده های مادی، درصدد رسیدن به قدرت براساس اندیشه های خود بودند، ولیکن بزرگ ترین و قوی ترین گروه مبارز با استعمارگران، همین گروه های اسلامی بودند که با حمایت نهادهای اجتماعی برای ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام که بتواند در تمام عرصه های زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نقش آفرین باشد، تلاش کرده و لذا مبارزات مردم با استعمارگران را با همین شعارها سازماندهی می کردند.

بنا به مصالح جامعه، گروه های یاد شده اسلامی با تساهل و نرمش در جذب دیگر گروه های ملی گرا و مارکسیست که برای رسیدن به استقلال، باهم هدف مشترکی پیدا کرده بودند، چتر فعالیت و مبارزات خود را گسترش داده و همگانی کردند. اندونزی رفته رفته به سمت انقلابی فراگیر پیش می رفت. با تحمل یک دوره سخت و طاقت فرسا و استمرار مبارزات سازمان یافته، سرانجام اندونزی به استقلال رسید. علی رغم این موفقیت، دلیل این که چرا مسلمانان و احزاب اسلامی با آن پشتوانه قوی مردمی پس از استقلال نتوانستند در عرصه مدیریت کشور خیلی نقش آفرین باشند، قابل تحقیق و بررسی است ولیکن در این میان، نفوذ، حمایت و هدایت غربی ها را به جهت حفظ منافع خود، در به قدرت رساندن ملی گراها نباید نادیده گرفت.

ص: ۴۹

بخش سوم: دوره استقلال

اشاره



پس از دوره های متمادی، طولانی و تسلط استعمارگران بر این مجمع الجزایر، سرانجام در تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۴۵ میلادی، به خاطر شکست دولت ژاپن در جنگ جهانی دوم، استمرار مجاهدت های مردم، برنامه ریزی و هدایت های مدبرانه تعدادی از بزرگان و رهبران آن زمان که شاخص ترین آن ها «سوکارنو و محمد حتی» بودند، کشور اندونزی رسماً اعلام استقلال کرده، بدین ترتیب مردم این سرزمین، بر سرنوشت خود حاکم گردیدند.

دولت استعماری هلند این پیروزی را برنتافت و با آن به مخالفت برخاست؛ لذا میان دولت استعماری و جمهوری نوپای اندونزی، جنگ و درگیری، به مدت پنج سال مخصوصاً در منطقه «جاوا» ادامه پیدا کرد. در ۱۵ نوامبر ۱۹۴۶ میلادی، با امضای توافقنامه (linggajati) و به رسمیت شناختن حاکمیت اندونزی بر جزایر جاوا، مادورا، و سوماترا از سوی هلند، اندونزی وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی خود شد. از این روی هلندی ها به هیچ وجه حاضر به ترک اندونزی نبودند لذا در مناطقی که در تصرف داشتند، به شدت مقاومت می کردند؛ از جمله جزیره «پاپای غربی» که تا سال ۱۹۶۲ میلادی، همچنان تحت کنترل هلندی ها قرار داشت ولی اندونزی در تلاش و مبارزات دیپلماسی و بین المللی خود، موفق به ایجاد صلح و آرامش در این مناطق شد. علی رغم مقاومت های شدیدی که هلندی ها از خود نشان می دادند، سرانجام تحت فشارهای بین المللی در سال ۱۹۵۰ میلادی، هلندی ها مجبور شدند کشور اندونزی را به رسمیت بشناسند.

### همبستگی و اتحاد

اندونزی از نظر قوم شناسی، یکی از متنوع ترین کشورهای جهان به حساب می آید. بیش از ۵۰۰ گروه قومی متفاوت در این کشور ساکنند که بزرگ ترین آن ها شاخه های نژادی «مالایی» و گروه قومی «جاوه ای» است. پس از آن «سوندایی» و «مادورایی» ها قرار دارند. اگرچه بخش اعظم زندگی مسالمت آمیز مردم این سرزمین، مدیون خلق و خوی

آرام، تعاون، خونگر می، صبوری و تحمل بالای مردم این سرزمین است، لیکن یکی از دغدغه های رهبران استقلال، متحد کردن و متحد نگه داشتن این مردم با وجود تمام گونه های نژادی و فرهنگی براساس اصول و محورهایی مورد قبول همگان بوده و هست. در این خصوص با مشورت دادن استعمارگران غربی، مبنی بر تلقین شیوه های سکولار و برحذر داشتن مدیران برجسته کشور، از گرایشات مذهبی به منظور ایجاد حکومت دینی، آنان را نسبت به حکومتی که متاثر از هیچ گروه و عقیده ای نباشد ترغیب می کردند. استعمارگران با کمک عناصر سکولار و رهبران ملی گرا، توانستند همین امر را به عنوان اصلی تغییرناپذیر در ساختار حکومتی اندونزی نهادینه کنند که در ذیل به آن اشاره می گردد.

### نمادهای ملی

زبان: زبان مالایی بعد از زبان چینی، هندی، عربی، انگلیسی، اسپانیایی و فرانسوی هشتمین زبان دنیاست که پر جمعیت ترین مناطق جهان؛ یعنی بیش از ۳۰۰ میلیون نفر، در یازده کشور دنیا به آن تکلم می کنند. گستره زبان مالایی عمدتاً در قاره آسیاست که در چهار کشور منطقه به نام های: اندونزی، مالزی، برونئی و سنگاپور، این نوع تکلم، زبان رسمی است و در یازده کشور دیگر، بخش عمده ای از مردم آن کشورها به زبان مالایو سخن می گویند.

الف- زبان رسمی: زبان اول بیش تر مردم اندونزی همان زبان محلی هر منطقه بود که با آن گفتگو می کردند، لیکن در سال ۱۹۲۳ میلادی، رهبران اسقلال طلب که پایگاه مبارزاتی خود را «جزیره سوماترا» قرار داده بودند و زبان این جزیره به خاطر همسایگی با مالزی، زبان مالایو، با اندکی زبان مردم مالزی نیز متفاوت بود، این زبان را به عنوان زبان رسمی کشور اندونزی پذیرفته و رسمیت آن را اعلام کردند. اگرچه بخش کمی از جمعیت ساکن در منطقه سوماترا با این زبان صحبت می کردند اما رهبران استقلال به دو دلیل این زبان را به عنوان زبان رسمی کشور انتخاب کرده بودند:

نخست اینکه: زبان مالایی مدت ها به عنوان زبان تجاری و رسمی دولت و مردم قبل از استقلال بوده و قومیت های مختلف این منطقه را به یکدیگر نزدیک کرده است و بازرگانان و مردم محلی که از قومیت های مختلف بودند، در بنادر و مناطق داخلی این کشور از گونه ساده شده این زبان به نام «زبان مالایی بازاری» استفاده می کردند. ولو اینکه حکومت های استعماری حاکم بر «مالای» زبان شان انگلیسی و در جزایر شرقی هلندی حرف می زدند اما در اسناد و مکتوبات رسمی و گفتگوهای خود آنان نیز از زبان مالایی سطح بالا استفاده می کردند، همچنین مبلغان مسیحی نیز برای اولین بار کتاب مقدس خود را به زبان مالایی در اندونزی چاپ و منتشر کرده بودند.<sup>(۱)</sup>

دلیل دوم این که: رهبران استقلال بر این باور بودند که ارزش زبان ملی به این نیست که اکثریت مردم با آن حرف بزنند بلکه ارزش آن به آشنایی دیگران با آن زبان است لذا رهبران استقلال، تعیین زبان مالایو را به عنوان زبان رسمی کشور و نژاد مالایی را به مثابه نژاد ملی همگان، در اولین تصمیم کلان خود انتخاب کرده، به عنوان یکی از مولفه های وحدت ملی در اندونزی روی آن پافشاری کردند.

ب- پرچم: در واپسین زمان حضور ژاپنی ها و با موافقت آن ها، پرچمی از دو رنگ قرمز و سفید، به عنوان پرچم تجاری اندونزی که قبلا روی بنادر، کشتی ها و مراکز تجاری برافراشته بودند، به عنوان پرچم رسمی پذیرفته شود، سپس رهبران استقلال نیز همین پرچم را بدون تغییر پذیرفته و آن را نیز به عنوان یکی از نمادهای ملی تایید و ابلاغ کردند.

ج- شعار ملی: شعار ملی این کشور «پینکاتونگال ایکا» عبارتی قدیمی به زبان جاوه ای است که آن را معمولا این گونه ترجمه می کنند «وحدت در تنوع» به خاطر این که، مفهوم این شعار همواره در زندگی مردم ساری و جاری بوده، دولت های استعماری، فرصت را مغتنم شمرده، رهبران استقلال را به جایگاه تقدیسی این شعار تشویق کرده،



با توجه به این که اهداف خود را در ایجاد حکومتی سکولار جستجو می کردند، با مشورت دادن و تشویق های روحی و روانی، اندیشه های خود را در قالب پنج اصل «پانچاسیلا» که برگرفته از همان شعار ملی مذکور بود، تبیین کرده و تثبیت نمودند.

د- پانچا سیلا: بزرگ ترین میثاق ملی مردم اندونزی که پس از استقلال پذیرفته شد، پنج اصل پانچاسیلاست که با پایبندی مردم کشور، این اصول، محور نظم اجتماعی و رعایت قوانین مدنی پیروان همه مذاهب و قومیت های مختلف در اندونزی قرار گرفت.

«پانچ» به معنی «پنج» و «سیلا» به معنی «شاهراه» یا اصل برگرفته از واژه سانسکریت و هندی است. این دو واژه، از لغاتی هندی و سانسکریت است که به زبان مناطق اندونزی راه یافته که در سال ۱۹۴۵ میلادی رهبران استقلال، برای همبستگی و اتحاد مردم سراسر اندونزی آن را طراحی و سپس با جایگاهی «فوق قانون اساسی کشور»، به عنوان پنج اصل تغییرناپذیر یا «میثاق ملی» که همه نژادها و پیروان ادیان و مذاهب اندونزی را به هم پیوند خواهد داد، تصویب و ابلاغ کردند.

پنج اصل پانچا سیلا عبارتند از:

۱. اعتقاد به خدای واحد و یگانه.

۲. انسانیت و تمدن.

۳. دموکراسی مبتنی بر حکمت.

۴. اتفاق آرا یا مشورت نمایندگان واقعی مردم.

۵. عدالت اجتماعی برای آحاد مردم.

ه- سرود ملی: از سال ۱۹۵۰ میلادی، سرود ملی کشور و سایر سرودهای رایج توسط کودکان در بازگشایی مدارس سراسر اندونزی و توسط کارمندان دولت در مراسم به اهتزاز درآمدن پرچم کشور، همچنین هنگام آغاز و پایان برنامه های رادیو تلویزیون، در سینماها و جشن های ملی خوانده می شد. زمان سوهارتو بر حفظ و اجرای سرود ملی استاندارد، اصرار و تاکید جدی می شد. این موضوع پیگیری شد تا آن که سرود ملی امروز رسمیت پیدا کرد. و هم اکنون در اندونزی کمتر کسی یافت می شود که سرود ملی را

حفظ نباشد یا نتواند آن را بخواند زیرا اکثریت مردم آن را موجب تقویت روحیه خود در رسیدن به آرمان های ملی می دانند و به همین خاطر، مردم سرود ملی را پس از یک دوره بسیار طولانی و تحقیر شدید استعمارگران که تنها کمی بیش تر از نیم قرن است به استقلال دست یافته اند. قهرا برای حفظ و پایبندی به چنین نمادهایی که از مفهوم و جایگاه بلند و ارزش خاصی نیز برخوردار باشد، مهم می دانند.

و- نشان رسمی کشور: نشان رسمی کشور اندونزی، تصویر عقابی عظیم الجثه است که آن عقاب در اندونزی، گارودا «GARUDA» نامیده می شود. تصویر عقاب از روبرو گرفته شده به طوری که سینه خود را جلو داده، بال های خود را گشوده و با دو پای خود لوحی را که حاوی شعار ملی و بیانگر نوع حکومت است، محکم گرفته است؛ البته در بعضی از تصاویر عقاب، نمادهای طبیعی پنج اصل پانچا سیلا در قسمت هایی از عکس عقاب ترسیم است.



ص: ۵۷

بخش چهارم: دوران پس از استقلال

اشاره



## حکومت های خودکامه

منش و شیوه های حاکمیتی استعمارگران که به صورت فرهنگ در جامعه اندونزی جا خوش کرده بود، موجب استمرار همان روش ها و شیوه های استبدادی شده بود، بعد از استقلال نیز تا حدودی این منش ها، به بهانه اهرم تمکین و کنترل جامعه، ادامه پیدا کرد؛ بنابراین با هدایت و حمایت استعمارگران، کسانی روی کار آمدند که دارای چنین خلق و خویی بودند. طبیعتاً ارزش های دینی و اخلاقی در چنان فضایی مهجور خواهد ماند. علی رغم مجاهدت های طاقت فرسایی که مسلمانان در به ثمر رساندن استقلال از خود نشان داده بودند اما در تشکیل حکومت اسلامی هرگز موفق نشدند و زمام امور به دست فردی مستبد به نام «سوکارنو» در سال ۱۹۵۵ میلادی افتاد.

در سال ۱۹۵۰ میلادی بود که حکومت اندونزی از یک دموکراسی پارلمانی به سمت دیکتاتوری نظامی حرکت کرد. طرفداران سوکارنو این معنا را قبول ندارند و معتقدند که او اصلاً مقصر نیست زیرا او با مبارزات آزادی طلبانه و دموکراسی خواهی اولیه، نمی توانست فرد مستبدی باشد و این تغییرات اقتدارگرایانه را یک ضرورت اجتناب ناپذیر در اوضاع آشفته اجتماعی آن روزگار در کشور هزار جزیره می دانند.

سوکارنو در دهه ۱۹۶۰ میلادی، به تدریج از حزب کمونیست اندونزی موسوم به (PKI) حمایت و در صحنه سیاست بین المللی روابط خود را با شوروی آن روز و جمهوری خلق چین تقویت کرد. تمایلات سوکارنو به بلوک شرق و شعارها و فعالیت های او تحت عنوان مبارزه با امپریالیسم غرب، کار دستش داد. آمریکا با تقویت جناح مخالف دولت و برخی همکاران سوکارنو که موجب کشمکش داخلی در اواسط دهه ۶۰ میلادی شد، آرام آرام صحنه را تغییر داد. سرانجام در سال ۱۹۶۷ میلادی، «ژنرال محمد سوهارتو» طی یک کودتا که در مرحله اولیه شکست هم خورد، قدرت را در دست گرفت و سیاست خارجی اندونزی را به سمت بلوک غرب به ویژه آمریکا تغییر جهت داد.

## آسه آن

سوهارتو بلافاصله با راهنمایی و مشورت و حمایت های بلوک غرب، کشورهای جنوب شرق آسیا را علیه نفوذ شوروی با یکدیگر متحد ساخت و سازمان همکاری منطقه ای «آسه آن» را در جا کارتا ایجاد کرد. این کشورها به صورت هماهنگ و همزمان با اجرای سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، اقدامات خود را آغاز کردند که اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی عموماً به رشد اقتصادی ده درصدی دست یافتند.

چنان که گفته شد، سوکارنو برخلاف ایده و انتظارات مسلمانان، کوشید با ایجاد دموکراسی هدایت شده از نظام پارلمانی عدول کرده، کابینه ای مشترک از کمونیست ها و ملی گرایان لائیک تشکیل دهد. پس از ایشان ژنرال «سوهارتو» که در یک برنامه و کودتای نظامی به قدرت رسیده بود و به نوعی حافظ منافع غرب بود، کمتر به خواسته های مسلمانان که اکثریت قریب به اتفاق مردم این کشور را تشکیل می دادند توجه کرد. علی رغم انتظارات و توقعات مردم و مسلمانان، سوهارتو نیز راه سلف خود را پیش گرفت. در تمام دوران حکومتش مثل دوره پیشین، مسلمانان را کاملاً زیر نظر داشت و با تشکیل حکومت انقلابی و اسلامی، حتی با فعالیت احزاب مسلمانان مخالفت می کرد. هر دو حکومت یعنی «سوکارنو» و «سوهارتو» حرکت های مسلمانان را به شدت کنترل کرده، به نوعی همان سیاست هلندی ها را استمرار بخشیدند.

دوران این نوع حکومت های مستبد و غیردموکراتیک تا سال های اخیر با فراز و فرودهایی ادامه پیدا کرد. چنان که پیش تر گفته شد، دولت استعماری هلند، رابطه خوبی با اسلام و مسلمانان نداشت؛ لذا تلاش کرد در تفکر کشورداری، رهبران استقلال را به گونه ای مشورت دهند که تا حدودی منافع استعمارگران حفظ گردد؛ بنابراین جامعه اندونزی، کشورداری مبتنی بر قانون را از هلندی ها به ارث بردند.<sup>(۱)</sup>

۱- اصول و مبانی فرهنگی در آسیا و آفریقا، رسول حسین لی، زیر نظر: مسعود کوثری، ص ۴۴.

ریشه های تفکر و منش هلندی ها نه تنها در سیستم حکومتی و شیوه مملکت داری بلکه در روح قانون اساسی اندونزی، رسوخ و حضور جدی پیدا کرده است. اگر چه اجرای این تفکر در دهه اول استقلال مسئله ساز شده بود و رهبران مسلمان سعی کردند به نوعی آن را مهار کنند، ولیکن حرکت های اصلاحی مبنی بر پالایش قوانین در دهه ۸۰ میلادی نیز به جایی نرسید و فشار توسعه اقتصادی و مال اندوزی در رژیم سوهارتو، موجب شد تا سیستم مدیریتی کشور، همچنان از همان نسخه هلندی ها پیروی کند.

در سال ۱۹۸۰ میلادی، تنش های جدی و شدیدی میان جامعه اسلامی مسلمانان با حکومت سوهارتو به وجود آمد. ستیز و کشمکش با نخبگان حکومتی روی این موضوع بود که صاحبان قدرت اعتنایی به ارزش های اسلامی نداشتند و این موضوع را متأثر از نفوذ اقتصادی و فرهنگی غرب می دانستند. مسلمانان دریافتند که حاکمان وقت، درصدد تقویت ایدئولوژی غیراسلامی و ترویج آن هستند، از این رو کسانی که قدرت را در دست داشتند و اصرار دولت سوهارتو بر اصول دولت قبلی، مبنی بر تحمیل سکولاریسم که در غالب همان پنج اصل «پانچاسیلا» بود، مانع نفوذ جریان های اسلامی بر دولت و حاکمیت شدند. آنچه قابل تردید نیست این است که این دو دولت، به شدت خواهان تفکیک دین از دولت بوده و در امور اداره کشور اساساً نقشی برای دین قائل نبودند. ناگفته نماند که پس از دوران سیاه استعمار و رسیدن مردم اندونزی به استقلال، پنجاه سال فقط دو رییس جمهور در این کشور حکومت کرده اند؛ بنابراین اندونزی در این پنج دهه بیش از آن که دارای دموکراسی باشد، دارای بروکراسی نظامی بوده و هیچ گاه طعم واقعی آزادی را درک نکرده است. همین مسئله موجب شد تا در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، اعتراضات مردم علیه حکومت سوهارتو بیش تر در غالب اقتصادی بالا گرفته و پس از کشمکش داخلی، ژنرال سوهارتو به توصیه وزیر خارجه وقت آمریکا «مادلین آلبرایت» از ریاست جمهوری اندونزی کناره گیری کرد.

خلاصه به خاطر این نوع شیوه مملکت داری و به خاطر سایه افکندن سیاست های استعماری غرب و اجرای نسخه های حکومتی استعمارگران، پس از سوهارتو، از سال



۱۹۹۹ میلادی تاکنون دولت های دیگری هم که زمام امور کشور را به دست گرفته اند، هیچ کدام تاکنون قادر به جلب رضایت ملی به ویژه مسلمانان متدین در اندونزی نشده اند؛ اگر چه در مجموع، اغلب دولت ها تمام تلاش خود را صرف جلب نظر اکثریت مردم که همانا مسلمانان باشند، کرده اند، به حسب ظاهر، توجه بیش تری به اسلام نشان داده و می دهند، مثلا مسلمانان جناح راست، خواهان آن هستند که تمام مردم نسبت به تعطیلات مذهبی اسلامی، احترام بگذارند و در این میان حکومت ها نیز به نوعی از آنان باید حمایت کنند. لیکن در این راستا مسلمانان برای رسیدن به خواسته های شان و ایجاد سیستم حقوقی و اجتماعی براساس شریعت اسلامی، چهار حزب اسلامی تشکیل دادند که در اثر فشار دولت، همین چهار حزب نیز باهم ادغام شده و حزب (توسعه اتحاد اسلامی) «P.P.P» را تشکیل داده اند.

با مطالعه و بررسی تاریخی این کشور، به این دیدگاه دست می یابیم که پس از اعلام استقلال در سال ۱۹۴۵ میلادی، نخبگان و سیاستمداران حاکم مسلمان، بیش از آن که متعهد به ارزش های اسلامی باشند، به ارزش های سکولار متمایل بودند. در دوره سوکارنو حاکمیت سیاسی در دست کسانی بود که برای محدود کردن نقش دین و مذهب به حوزه های عقاید شخصی، به شدت تلاش می کردند و علی رغم جمعیت ۹۰ درصدی مسلمانان، رهبران سیاسی این کشور، صرفا مایل به گروه خاصی از مسلمانان بودند و تنها با کسانی رفاقت و ارتباط داشتند که با آن ها هم فکری داشته و در پی تقویت پایه های حکومتی شان باشند.

افول قدرت و حضور اسلام گرایان در مدیریت کشور، منجر به ظهور تکنوکرات های متمایل به غرب، خاصه آمریکا شد. اسلام گرایانی که متمایل به انقلاب اسلامی بودند، کاملا شکست خوردند و یک جریانی بنیادگرا و افراطی برای جبران این شکست به وجود آمد که متأسفانه این جریان نیز موجب توجه حضور آمریکا و تقویت اندیشه سکولار گردید. آمریکا که از شکست خود در دوره سوهارتو کاملا درس گرفته بود، نفوذ خود را در بزرگ ترین کشور اسلامی به لحاظ جمعیت گسترش داد. هر چند اندونزی در این

دوره برخلاف دوره سوهارتو که اصلاً عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی را انکار می کرد، مناسبات خود را با جهان اسلام سامان داد. از قدیم الایام نظام اندونزی، کشور خود را کشوری مسلمان معرفی می کرد، نه این که یک کشور اسلامی، در شمار دیگر کشورهای اسلامی باشد! ولی در دوره بعد از سوهارتو به تشویق آمریکا مسئولان نظام سعی در باز تعریف مناسبات خود با دیگر کشورهای اسلامی کردند؛ لذا نقشی که از سوی غرب برای این کشور طراحی شده بود، مدل و نمونه جدیدی از اسلام نرم و عاری از خشونت که با هژمونی غرب نیز در تعارض نباشد، بود تا بدین وسیله الگوی جدیدی نیز به جهان اسلام ارائه گردد.

در دوره های بعد نیز دولتمردان تحصیلکرده برای اداره امور کشور، در مراکز آکادمیک، علمی را می آموختند که غالباً توسط استعمارگران تدوین و برنامه ریزی شده بود. طبیعتاً فارغ التحصیلان آن نیز عناصری بودند که براساس خط و مشی و تعالیم آنان عمل می کردند. به عنوان نمونه در میان علوم اجتماعی، «علم اقتصاد» که در دهه ۵۰ «بنیاد فورد» آن را بنا نهاد و برنامه ریزی جامعی برای آموزش اقتصاددانان، پیاده و اجرا کرد، مورد توجه جدی اروپاییان نیز قرار داشت. کارشناسان تربیت شده این دوره در اندونزی، در دهه اول حکومت سوهارتو از شخصیت های بسیار مهمی بودند که سیاست اقتصادی کشور را در دوره توسعه کشور؛ یعنی از دهه ۷۰ تا اواخر دهه ۹۰ میلادی، طراحی، هدایت و اجرا می کردند.



بخش پنجم: نظام حکومتی در اندونزی

اشاره



قانون اساسی که در سال ۱۹۴۵ میلادی، تدوین و شش نهاد اصلی برای حکومت این کشور در نظر گرفته شده بود، عبارت بودند از: ۱- مجلس شورای ملی، ۲- ریاست جمهوری، ۳- دیوان وکلای ملت، ۴- دیوان عالی مشورتی، ۵- هیئت بازرسی دولت و ۶- دادگاه عالی کشور. این شش نهاد تاکنون بعضاً دچار تغییراتی در قانون اساسی شده اند، مثلاً در قانون سابق، رئیس جمهور توسط مجلس شورای ملی که متشکل از هزار عضو است برای پنج سال انتخاب می شد و رئیس جمهور، نخست وزیر را منصوب می کرد و پس از آن، کابینه تشکیل می گردید. دیوان وکلای ملت نیز متشکل از ۵۰۰ عضو است که چهارصد عضو آن از استان ها و یکصد عضو دیگر از ارتش انتخاب می شوند که در سال، حداقل می بایست یکبار تشکیل جلسه دهد. این دیوان، وظیفه قانونگذاری را بر عهده دارد. دادگاه عالی کشور که از طریق سیصد دادگاه زیرمجموعه خود، در استان های مختلف کشور انتخاب می شوند، از قوانین تصویب شده و سایر مسائل حقوقی و قضایی کشور آگاه می گردند.

### قوه مجریه

نظام حکومتی اندونزی جمهوری است، در حال حاضر رئیس جمهور اندونزی «جوکو ویدودو» (JOKO WI DODU) است. او که از ابتدای سال ۲۰۱۴ میلادی به قدرت رسید، یک گیتاریست است و ادعا می کند که برخلاف روسای جمهور قبلی، هیچ ارتباطی با ارتش و نظامیان کشور ندارد و خارج از حلقه قدرت متداول، به کاخ ریاست جمهوری اندونزی راه یافته است. وی پیش از ریاست جمهوری، فرماندار جاکارتا بود که از سوی حزب دمکرات به رهبری (مگاواتی، دختر رئیس جمهور اسبق آقای سوهارتو) کاندید ریاست جمهوری شد و به سبب ساده زیستی و پرکاری با چهره ای مردمی، بر رقیب خود، «پرابوو» که یک نظامی شناخته شده بود غالب گردید و به مقام ریاست جمهوری اندونزی رسید. او مطابق قانون، اختیار عزل و نصب وزرا، اعضای دولت و کابینه، همچنین هدایت نیروهای مسلح و مدیریت در امور کشورداری و قوه مجریه را بر عهده دارد. در حال حاضر کابینه دولت شامل بیست و دو وزیر و هشت وزیر مشاور، به اضافه

سه تن دیگر از مقامات شامل فرمانده کل نیروهای مسلح، دادستان کل و رییس کل بانک مرکزی است. چنانچه پیش تر گفته شد، در قوانین سابق، رییس جمهور توسط مجلس شورای ملی که متشکل از هزار عضو است، برای پنج سال انتخاب می شد و رییس جمهور نخست وزیر را منصوب و کابینه تشکیل می داد ولی در سال ۱۹۹۷ میلادی، این قانون تغییر کرد. همان گونه که وزرا در مقابل رییس جمهور پاسخگو هستند، رییس جمهور نیز تنها در مقابل مجلس مشورتی اندونزی، پاسخگوست. در سیاست کلی و کلان نظام، ساختار دولت ها خیلی تغییر نمی کند و سیستم طوری طراحی شده که منافع ملی اصل باشد. در این راستا عموماً دولت های گذشته و به ویژه دولت آقای رییس جمهور (S.B.Y)، روابط خارجی خود را براساس منافع خود، هدایت می کردند.

### قوه مقننه

از مجمع مشورتی مردم با نهصد و سی عضو تشکیل یافته که چهارصد و شصت نفرشان عضو مجلس نمایندگان مردم هستند. مجلس نمایندگان نیز با ترکیب سیصد و شصت عضو انتخابی و یکصد عضو انتصابی شکل گرفته است. قانون اساسی که همان نسخه تقریباً اصلاح شده قانون اداره کشور توسط هلندی ها بوده، به سال ۱۹۴۵ میلادی؛ یعنی اندکی پس از استقلال، تدوین گردید و متعاقب آن، اندونزی در سال ۱۹۵۰ میلادی، به عضویت سازمان ملل درآمد. قدرت قانونگذاری این کشور در اختیار مجلس نمایندگان مردم (DPP) است. طبق قانون اساسی اندونزی، تمامی قوانین و بودجه کشور باید توسط مجلس تصویب گردد. به علاوه آن که خود مجلس می تواند طرح های قانونی را پیشنهاد کند. روش غالب در تصمیم گیری های مجلس، مبتنی بر اجماع است و در غیر این صورت، رای گیری براساس اکثریت آرا به عمل خواهد آمد. لازم به یادآوری است که هر دوره از نمایندگی مجلس نیز پنج سال است. (۱)

## قوه قضاییه

اواخر دوره استعمار، سیستم قضایی کشور دو قسمت داشت: قسمت اول، مربوط به مردم و بومی ها بود و بیش تر در مناطقی که شاهزادگان محلی مستقر بودند، آن ها را اداره می کردند. قسمت دوم، در مناطقی که از سوی مسئولان دولتی و تحت نفوذ استعمارگران بود، اداره می شد که این سیستم قضایی را دولتمردان اجرا می کردند. در این حوزه، تاکنون نظام نامه های مختلفی در خلال سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ میلادی در اندونزی نوشته شده است که قانون مدنی استعماری را تأیید می کند و آن قانون ها با قانون اساسی کشور هم در تضاد نیست.

براساس این نظام نامه ها، سه سطح قضایی در کشور اندونزی تعریف شده بود که عبارت بودند از: دادگاه های دولتی، دادگاه های ویژه، به منظور استیناف و دادگاه عالی برای رسیدگی به امر عادی قضایی در مناطق و نواحی مختلف.

از آن جا که در گذشته مردم مشکلات و امر قضایی خود را از طریق شاهزادگان حل و فصل و سامان می دادند، یکی از ویژگی های آن سیستم سنتی، عدم اطاله دادرسی بود، در زمان استقلال و جمهوری، مردم به نوعی بی رغبت به نهادهای قضایی جدید شده بودند. هم اکنون نیز مردم در بسیاری از روستاها، مشکلات خود را هرگز به پلیس و سیستم قضایی نمی برند و هنوز هم بزرگان این روستاها (ریش سفیدها) با توافق بین طرفین، اختلافات را حل و فصل می کنند.<sup>(۱)</sup>

## دیوان عالی کشور

دیوان عالی، بازوی قضایی حکومت است که در کنار قوه مقننه و مجریه قرار داشته و از لحاظ سیاسی و اجتماعی دارای استقلال است. اعضای دیوان عالی کشور، توسط رئیس جمهور انتخاب می شوند.

۱- روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه، ترجمه: محمود اسماعیل نیا، ص ۹۹.



## مجمع مشورتی

«دیوان عالی کشور، شورای عالی مشورتی و هیئت بازرسی» جمعا این سه نهاد مجمع مشورتی را تشکیل داده که در این میان مطابق قانون اساسی، حاکمیت مردم به مجمع مشورتی مردم (MPP) تفویض شده است.

به هر حال در این کشور، چهار نوع دادگاه وجود دارد که عبارتند از: ۱- دادگاه شرعی (که فقط به امور وراثت، وقف و ازدواج رسیدگی می کند) ۲- دادگاه اداری، ۳- دادگاه نظامی و ۴- دادگاه مدنی که خود می تواند عادی، متوسط و عالی باشد.

## تقسیمات کشوری و اداری

اندونزی دارای بیست و هفت استان است که از آن میان (آچه، یوگیا کارتا، و جاکارتا) مناطق ویژه خود مختار هستند و هرکدام از آن ها به وسیله یک حاکم که از طرف رییس جمهور تعیین می شود، اداره می گردند. بیست و هفت استان اندونزی خود به دویست و چهل و شش فرمانداری (kabupatens) تقسیم می شوند که به وسیله یک فرماندار (bupati) اداره می شوند و این دو، در مجموع حدود ۶۶۵۹۴ روستا را تحت پوشش دارند. ناگفته نماند که این روستاها نیز به وسیله شورای مهتران اداره می شوند که در واقع اولین نهاد دموکراسی به حساب می آید.

## ساختار سیاسی

### اشاره

حکومت اندونزی مبتنی بر قانون اساسی مصوب ۱۹۴۵ میلادی بوده و بر مبنای آن یک جمهوری پیوسته واحد است که در آن حاکمیت به مردم واگذار شده و توسط مجمع مشورتی حاکمیت مردم اعمال می گردد. قانون اساسی، قوای حکومتی را بر شش بخش تقسیم کرده که عبارتند از:

### الف: مجمع مشورتی مردم

این نهاد که قانونا مقتدرترین ارگان کشور بوده و در مورد قانون اساسی و سیاست های اصلی کشور تصمیم گیری می کند. تا قبل از اصلاحیه قانون اساسی در سال ۲۰۰۷ میلادی، رییس جمهور و معاون وی را همین مجمع انتخاب می کرد. این نهاد دارای یک هزار عضو (پانصد عضو مجلس و پانصد نماینده انتصابی از سوی رییس جمهور) است که از بخش های زیر تشکیل شده:

۱- مناطق، ۲- گروه های فعاله (گلنکان کاریا) شامل گروه های فعاله توسعه مثل: کشاورزان، جوانان، سربازان، تعاونی ها، بازرگانان، زنان و کارگران و گروه های فعاله نظامی، ۳- احزاب سیاسی، اعضا این مجمع هستند که برای یک دوره پنج ساله انتخاب می شوند.

### ب: رییس جمهور

چنان که قبلا گفته شد، در سال ۲۰۰۷ میلادی، این قانون برای بار سوم مجددا تغییر دیگری پیدا کرد به این معنی که رییس جمهور از طریق احزاب، باید کاندید و در انتخابات سراسری با آراء مردم، برای مدت چهار سال انتخاب شود. (با مجاز دانستن دوره دوم ریاست جمهوری، حداکثر برای دو دوره چهار ساله، یعنی هشت سال، قانونا یک نفر می تواند رییس جمهور باشد).

### ج: مجلس نمایندگان مردم

پیش نویس قوانین، توسط اعضای مجلس یا هئیت دولت تهیه می گردد، قبل از آن که لایحه ای به صورت قانون درآید از چهار مرحله در مجلس عبور می کند:

۱- ارائه توضیحات پیرامون طرح یا لایحه مورد نظر.

۲- انجام مباحثات عمومی.

۳- انجام بحث و بررسی پیرامون موضوع در کمیسیون های مربوطه مجلس و دولت جهت تهیه پیش نویس نهایی.

۴- انجام مباحثات نهایی و رأی گیری در مجلس که البته در صورت تصویب توسط رئیس جمهور تنفیذ می گردد.

#### **د: شورای عالی مشورتی**

شورای عالی مشاوره ای که وظیفه آن پاسخ به هر گونه سوالی است که احتمالاً رئیس جمهور در رابطه با امور حکومتی مثل سیاست، اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و امور نظامی خواهد داشت. این شورا چهل و پنج عضو دارد که توسط مجلس معرفی و با تأیید رئیس جمهور به مدت پنج سال منصوب می گردند. رئیس این شورا نیز دارای چهار معاون است.

#### **ه: دیوان عالی کشور**

که در مبحث قوه قضاییه توضیح داده شد.

#### **و: هیئت عالی بازرسی**

وظیفه این تشکیلات رسیدگی به حساب های مالی دولت و ارائه نتایج تحقیقات خود، به مجلس است. تمام بخش های حکومتی که شمرده شد، موظف به اجرای دموکراسی و عمل به پنج اصل پانچاسیلا هستند؛ البته دولت تاکنون از این اصول، جهت پایه گذاری سیستم قضایی و اعمال محدودیت های سنگین علیه مخالفان سیاسی و مذهبی استفاده کرده است. (۱)

## مجلس العلماء

مجلس العلماء، نهادی است مشورتی که در زمان سوهارتو، در تاریخ هفتم رجب ۱۳۹۵ هجری قمری برابر با ۲۶ ژوئیه ۱۹۷۵ میلادی تاسیس شد.

این مجلس که حلقه وصل روشنفکران و علمای دینی است، هدف اصلی خود را اجرای شریعت اسلامی به منظور ایجاد همبستگی جامعه ای با ثبات و صلح طلب که آراسته به رفاه و عدالت اجتماعی باشد، اعلام کرده است.

از آن جا که در اجرای احکام و صدور فتوا، غالباً بین دو تشکیلات بزرگ دینی محمدیه و نهضت العلماء اختلاف نظر به وجود می آمد و قهراً این اختلاف نظر در جامعه انعکاس خوبی نداشت، زعمای قوم تصمیم گرفتند چنین مجلسی را با جایگاه شیخوخیت و ریش سفیدان ایجاد کنند و چون دولت، علی رغم استقلال و مقام افتا و اشراف بالای این تشکیلات حامی اصلی این جریان بود، جریان هم به لحاظ مالی، وابسته به دولت شد.

## دوران طلایی مجلس العلماء

شاید یکی از بهترین و عقلانی ترین دوره هایی که مجلس العلماء به خود دیده است، دوران ریاست «پروفسور دکتر سید عمر شهاب» است. ایشان از اصیل ترین خاندان سادات و حنابل یمنی و شریف ترین عنصر نژادی با سابقه طولانی در حوزه های علمی و فرهنگی در کشور اندونزی شهرت ملی داشته، ویژگی های دیگرش، این است که اغلب افراد خاندانش از چهره های فرهیخته کشور و غالباً دارای اعتقاد شیعی بوده و هستند. در این میان مرحوم «سید اسد شهاب» از ستارگان درخشان علم و فرهنگ و تاریخ کشور اندونزی است.. هم چنین در حال حاضر بزرگ ترین مفسر قرآن کریم پروفسور قریش شهاب صاحب تفسیر «مصباح» می باشد که به عنوان یک شخصیت علمی و دینی، بین بزرگان کشور و همچنین در تمام مجامع علمی مورد احترام، تکریم و ستایش است.

دوره دهه اول قرن ۲۱ میلادی، ریاست مجلس العلماء با شخصیت معنوی و زاهد مسلکی به نام «کیایی سهل محفوظ» بود که با مشی اخلاقی خود، دوران کم تنش را در

مجلس العلماء از خود به یادگار گذاشت. به خاطر بی رغبتی به دنیا و پرهیز از زخارف مادی، همچنین جلوگیری از مواضع تند برخی از اعضا و مخالفت با بیانیه های چالش زا و تنش آفرین، آن مرحوم نفوذ قابل توجهی در بین قاطبه علما داشت. پس از درگذشت مرحوم کیایی سهل محفوظ، جهت یک دوره انتقالی، ریاست اعلای این نهاد را یک روحانی برجسته و با نفوذ دیگری به نام «پروفسور کیایی، دکتر دین شمس الدین» بر عهده گرفت. این شخص که رییس جریان دینی محمدیه بود، پس از مرگ رئیس قبلی، به سال ۲۰۱۴ میلادی، طی پروسه انتخابات داخلی، به این مقام رسید. ایشان علی رغم ریاست تشکیلات محمدیه که مشی سلفی دارد، تاکنون از موضعی معتدل و منطقی برخوردار بوده است. پس از سپری شدن این دوره انتقالی، طی یک پروسه انتخاباتی که پشتیبانی مالی و تبلیغاتی این پروسه را عربستان سعودی بر عهده داشت، «کیایی معروف امین» از اعضا نهضت العلماء که در سال های اخیر، مواضع تند سلفی پیدا کرده بود، به ریاست نهاد مجلس العلماء رسید.

### ساختار تشکیلات مجلس العلماء

مجلس العلماء حدود یکصد عضو دارد که با ترکیب خاصی انتخاب و به ترتیب زیر ایفای وظیفه می کنند:

۱- بیست و شش نفر دانش پژوه خوشنام به نمایندگی از بیست و شش استان غیر از جاکارتا.

۲- ده نفر از علما و روحانیون منتخب سازمان های نهضت العلماء، محمدیه، شرکت اسلام، الوصیلیه، مطلع الانوار، اتحاد مسلمانان، به ترتیب PTDi و Guppi و Persis.

۳- چهار نفر اندیشمند و متشرع و متدین از نیروهای مسلح کشور.

۴- سیزده نفر از زنان نخبه و اندیشمندان برجسته کشور.

این نهاد با مقام بالای (افتا) و صدور احکام اسلامی و جایگاه مشورتی در خدمت نظام و کشور فعالیت می کند. در حال حاضر مجلس علماء ترکیبی بدین منوال دارد. رییس عام

آن پروفیسور «دکتر کیایی حاجی طلحه حسن» و معاون وی پروفیسور «دکتر کیایی حاجی دین شمس الدین» است. چہارده نفر از مسئولان و مدیران مجلس و پنجاه و دو نفر اعضای اصلی آن را تشکیل می دهند.

چہارده نفر روسا و مدیران برجسته مجلس علما عبارتند از:

۱- کیایی حاجی معروف امین، ۲- پروفیسور دکتر عمر شہاب، ۳- دکتر کیایی حاجی امرالله احمد، ۴- دکتر کیایی حاجی عبداللہ شکر زرکش، ۵- پروفیسور دکتر کیایی حاجی یونہار الیاس، ۶- دکتر کیایی حاجی بصری برماندا، ۷- دکتر کیایی حاجی امیدان، ۸- دکتر کیایی حاجی انوار عباس، ۹- کیایی حاجی خلیل رضوان، ۱۰- کیایی حاجی خلیل سلامت افندی، ۱۱- دکتر کیایی حاجی محی الدین جنیدی، ۱۲- دکتر کیایی حاجی ستسری اچیپ، ۱۳- دکتر کیایی حاجی حافظ عثمان، ۱۴- دکتر کیایی حاجیہ توتی (طوطی) علویہ.

این تشکیلات کہ زیر نظر علمای یاد شدہ ادارہ می شود، دارای یک نفر دبیر کل با ہفت معاون و یک مسئول مالی و پنج نفر معاون انجام وظیفہ می کنند.

مجلس علما دارای دوازده کمیسیون مستقل با ترکیب زیر است:

۱- کمیسیون فتوا کہ شامل ده نفر از روسا و چہل و دو نفر از اعضاست و مسئولیت افتا را بر عہدہ دارد.

۲- کمیسیون اخوت اسلامی با ترکیب شش نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

۳- کمیسیون تبلیغ و توسعہ در جامعہ با ترکیب پنج نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

۴- کمیسیون آموزش و کادرسازی با ترکیب پنج نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

۵- کمیسیون توسعہ اقتصادی امت با ترکیب پنج نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

۶- کمیسیون ارتباطات با ترکیب پنج نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

۷- کمیسیون زنان، جوانان، خانوادہ با ترکیب پنج نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

۸- کمیسیون حقوق و قانون با ترکیب پنج نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

۹- کمیسیون پژوهش با ترکیب پنج نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

۱۰- کمیسیون همبستگی پیروان ادیان با ترکیب پنج نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

۱۱- کمیسیون هنر اسلامی با ترکیب پنج نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

۱۲- کمیسیون روابط بین الملل با ترکیب پنج نفر از مسئولان و شش نفر عضو.

شایان ذکر است که روسا و مسئولان یاد شده هر پنج سال یکبار از طریق انتخابات کنگره تعیین و در همین انتخابات است که رهبری نهاد معرفی می گردد. یک سوم ترکیب اعضای فعلی به لحاظ گرایشات فکری، انسان های شریف و معتدل و دو سوم باقی مانده تا حدود زیادی دارای گرایشات سلفی و تعصبات فرقه ای هستند. (۱)

---

۱- - جزوه ویژه معرفی مجلس العلماء، ص ۴۴.

بخش ششم: اندونزی در گیر و دار ثبات

اشاره





کشور اندونزی جزو آخرین کشورهای جهان است که از زیر یوق استعمار نجات پیدا کرده و به استقلال رسیده است. به تعبیر دیگر در حال حاضر، تجربه مدیریتی بومی کشور اندونزی تنها اندکی بیشتر از پنجاه سال است. طبیعتاً اداره کردن کشور بزرگ و پهناور اندونزی با جزایر منفک و مختلف و گونه های متعدد قومی و نژادی، برای مدیرانی که از پشتوانه و اندوخته های تجربی قابل توجهی برخوردار نیستند، کار چندان آسانی نخواهد بود؛ لذا به دلیل وسعت کشور، عدم پیوستگی خاک، قطعه قطعه بودن آن به خاطر جزایر متعدد، دولت اندونزی سعی می کند که در صورت بروز هرگونه ناآرامی، در هر منطقه از کشور، به سرعت وارد عمل شود و آن را سرکوب کرده، تا از سرایت آن به دیگر نواحی کشور و احیاناً حرکت های تجزیه طلبانه، جلوگیری کند. بدین جهت است که علاوه بر تشکیل ارتش منظم، سازمانی شبه نظامی (شبیه بسیج) نیز تشکیل داده اند که با امکاناتی قابل توجه، ضمن گسترش حضور فعال و جدی این تشکیلات در سراسر کشور، در مواقع ضرورت وارد عمل می شوند. (۱)

تنوع زبان و فرهنگ قومی و نژادی، دینی و مذهبی، جزایر منفصل، سوابق و ریشه های حکومت های محلی، تعلق خاطر و فتنه گری استعمارگران پیشین، نفوذ بقایای سلاطین و شاهزادگان منطقه ای و مزید بر این ها، گروه های سیاسی جدید و احزاب تشکیلاتی با گرایشات و ارتباط های مختلف، آزمون و خطا در مدیریت کلان که برای هر حکومت نوپایی ممکن است مسئله ای طبیعی باشد تاکنون موجب مشکلات و فراز و نشیب هایی در اداره کشور اندونزی شده است اما طی دو دهه گذشته پس از استقلال، کشور اندونزی توانسته است بسیاری از فرمانروایی اشراف زادگان، جز سلطنت «یوگیاکارتا» و «سواراکارتا» را با رغبت یا به زور ادغام کند. اگرچه همچنان الگوهای رفتاری و فکری گذشته، در نسل های بعدی مردم بومی، شامل تفاوت در نوع مسئولیت، اعتقاد، پدرسالاری و... تاثیرات خود را حفظ کرده است، لیکن جوان بودن کشور و تغییرات پی در پی قوانین و مقررات که حاکی از عدم ثبات در سیستم مدیریتی و اداره کشور است،

موجب نابسامانی ها و تخلفات عدیده ای شده که این تهدیدات همواره فکر رهبران اندونزی را به خود مشغول ساخته است.

اندونزی در سال ۲۰۰۰ میلادی، درگیر بحران شدید حکومتی شد و بسیاری از نهادهای حکومتی در این دوره بازسازی شدند. سرویس های اجتماعی و نهادهای حاکم بر جامعه اندونزی از روز اول استقلال و تشکیل جمهوری تا به امروز بر پایه اصول اجرایی و اداری رایج در زمان استعمار اداره شده و در جریان بوده است.

### معضلات داخلی

الف: یکی از معضلات جامعه اندونزی فساد اداری مالی فراگیر است. درصد بزرگی از «gnp» به وسیله واسطه های اداری حیف و میل می گردد و به دست دولت نمی رسد. سی درصد مبالغی که باید صرف توسعه شود، توسط مقامات رده های مختلف، صرف هزینه های شخصی می شود. از این دست فساد مالی در میان همه طبقات کشور، حتی کارمندان رده پایین نیز رسوخ کرده و قبح این مسئله کاملاً ریخته است. اندونزیایی ها معتقدند که اخذ پول و رشوه جزو عادت روزمره مقامات سطح پایین است که خود یک نوع زندگی برای آنان محسوب می شود! حقوق کم کارمندان و کارگران در جامعه، علت اصلی فساد مالی است و به ناچار مردم به دنبال راه های دیگری برای جبران کمبودهای زندگی خود هستند. مطالعات بین المللی صورت گرفته در این خصوص، حاکی از آن است که اندونزی فاسدترین کشور به لحاظ سیستم دولتی در دنیاست. بیش تر این مفاسد به خاطر تقسیم سود فعالیت های اقتصادی میان متقاضیان پرونده های دولتی و کارمندان است. این مسئله برای مردم اندونزی کاملاً- جا افتاده است و رشوه بخشی از سیستم دولتی این کشور است. متأسفانه پلیس و نیروهای امنیتی حتی بخش قضایی این کشور، ضمن ضعیف بودن، خود جزئی از همین سیستم فاسد دولتی محسوب می شوند!!!

ب: تهدید تجزیه طلبی همیشه برای این کشور بزرگ، خطری جدی بوده است. بیش از یکصد و ده میلیون نفر ساکنین جاوه با کمبود منابع و تامین معیشت در محدوده این جزیره روبرو بوده، احتمالاً توانایی اتکاء به خود را جهت زندگی ندارند و برای استمرار زندگی، به دیگر جزایر وابسته اند. در سال ۱۹۵۹ میلادی، ناآرامی های جدی در سوماترا و شمال سلبس به وقوع پیوست که علت آن نارضایتی مردم از خروج درآمدهای مناطق، در راه توسعه و ثروتمند کردن جاوه بوده است. مرکزیت جاوه به خاطر حضور عناصر و نهادهای حکومتی کشور و سیادت سنگین آن بر دیگر مناطق، باعث گردیده تا جزایر، ترجیح دهند در یک فدراسیونی جهت تقسیم قدرت و ثروت ملی اقدام کنند. بسیاری از مردم جزایر دیگر حاکمیت جاوه ای های آسیایی را مانند استعمارگران هلندی و اروپایی ها ارزیابی می کنند. آنها معتقدند که تنها یک گروه دو هزار نفره جاوه ای، کلیه پست های حساس کشور را در اختیار دارند!<sup>(۱)</sup>

ج: فعالیت جدایی طلبان آچه (شمالی ترین ایالت جزیره سوماترا) که مردم آن به داشتن تمایلات قومی و اسلامی و نیز سابقه طولانی مبارزه علیه هلندی ها شهرت بسزایی دارند، یکی دیگر از معضلات این کشور است. متأسفانه امروزه تمایلات اسلامی و دینی در منطقه آچه، با تزریق افکار و اندیشه های تند و هابی، آلوده به حرکت های رادیکالی شدیدی حتی در حوزه اجتماعی شده است که خطر تجزیه و جدایی آچه از اندونزی را چند برابر کرده است. در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی، خبری در این خصوص در روزنامه (جاکارتاپست) بدین شرح انتشار پیدا کرد:

در آچه گروهی از افراد به دلیل عدم رعایت آنچه از آن به عنوان قوانین اسلامی یاد می شود، در برابر دیدگان جامعه و در ملاعام شلاق شدند. از میان این محکومان سی و چهار نفره، سیزده نفر به جرم قماربازی و بقیه به خاطر عدم رعایت شئون اسلامی، مثل ارتباط با نامحرم، مجازات شده که در میان آن ها زنی باردار که به تازگی زایمان و

وضع حمل کرده بود، دیده می شد، در این خصوص دادستان استان آچه خاطرنشان کرد پس از دوره نقاهت زایمان، این زن نیز در ملا عام مجازات خواهد شد. در این میان شهردار آچه آقای (eilisa) از این روش مجازات در ملا- عام انتقاد کرده، اظهار داشتند این شیوه آثار مخربی بر جامعه می گذارد. وی تاکید کرد اینان اگرچه هنجارشکنان جامعه هستند، لیکن نباید با هنجارشکنی روحی و روانی در جامعه به آن پاسخ گفت و آنان را از حقوقی که دارند محروم کرد؛ بلکه باید برای هدایت آن ها با مهر و عطف به آن ها کمک کرد و کشور را دچار مشکل نکنیم. سازمان عفو بین المللی تاکنون بارها از اندونزی خواسته است، تنبیه بدنی در استان آچه را ملقی کند زیرا به باور آن ها این گونه مجازات از مصادیق بارز نقض حقوق بشر است!

در سال های ۲۰۰۰ - ۱۹۹۹ میلادی، حملات پارتیزانی علیه متهمان به نقض قوانین در شهرها و برخی مناطق روستایی اندونزی رایج شد که عاملی برای افزایش خشونت در جامعه به شمار می رفت. در فضای ناآرام جامعه آن مقطع، ترکیبی از خشونت میان پناهندگان تیمور غربی، قتل های فرقه ای بین مسلمانان و مسیحیان در جزیره سولاوسی و مالوکو، همچنین خشونت های جدایی طلبان در «آچه» و «پاپائو» بروز کرد که در تمام آن ها عوامل پلیس و ارتش به جای کنترل اوضاع، به آن ها دامن می زدند. (۱)

وجود جزایر متعدد و منفک از یکدیگر، عدم راه های مواصلاتی راحت و آسان به جهت ارتباطات مردم جزایر مختلف، عادات و رسوم فرهنگ های متنوع، خو گرفتن مردم با شیوه های قدیمی و سنتی هر منطقه، همه و همه دست به دست یکدیگر داده، موجب عدم انس یکپارچه مردم با حکومت و دولت مرکزی شده است؛ بنابراین اقتدار تشکیلاتی، نهادها، سازمان ها، حتی احزاب را با تردید باید ارزیابی کرد. طبیعتاً در چنین جامعه ای، زمینه برای دخالت و تحریک اقوام و فرقه های مذهبی همواره یک تهدید بالقوه برای امنیت کشور به شمار می آید.

د: از دیگر مسائل و معضلات داخلی اندونزی که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد اهمیت بیش تری پیدا کرده، افزایش بیکاری، شورش های دانشجویی، تظاهرات سیاسی و تفاوت های فاحش بین طبقات شهری و غیرشهری بوده است.

ه: یکی دیگر از معضلات اجتماعی و سیاسی، فساد گسترده در احزاب و هیئت حاکمه است. رژیم «نظم جدید» سوهارتو که از طریق انتصاب مستقیم رؤسای زیر بخش ها، حتی روستاهای کشور، اختیارات و قدرت دولت مرکزی را هر چه بیشتر تقویت می کرد، نمونه ای روشن است. از نظر احزاب نیز حزب «گلکار» که حزب حاکم و مربوط به سوهارتو بود، بر انتصاب های اداری کنترل مطلق داشت و در بخش خدمات اجتماعی، به دلیل وابستگی کارمندان به این حزب تاثیر اساسی می گذاشت. به علاوه سرمایه های کشور به طور کانالیزه برای حمایت از نامزدهای حزب گلکار اختصاص می یافت. در مقابل، حزب متحد اسلامی و حزب دموکرات اندونزی، از چنین سرمایه هایی بی بهره بوده لذا فاقد نفوذ اجتماعی نیز بودند. از سوی دیگر، مردم عادی هیچ گونه ارتباطی با این احزاب نداشته و منفعتی از طریق احزاب نصیب شان نمی گردید.

بعد از سقوط رژیم سوهارتو و راه یافتن برخی احزاب به فضای سیاسی کشور بسیاری از مردم وارد مسائل سیاسی شدند. احزاب نیز با تاکتیک ائتلاف تلاش خود را برای ورود به بدنه نهادهای حکومتی در سطح ملی و مشارکت در کابینه دولت افزایش دادند.

در حال حاضر، اغلب احزاب در این کشور، با شیوه های یاد شده خو گرفته اند؛ لذا برخی از صاحبان اندیشه، این احزاب را همانند مافیای بین المللی پیچیده و خطرناک به شمار می آورند!<sup>(۱)</sup>



ص: ۸۵

بخش هفتم: دین و مذهب

اشاره





**دین رسمی**

اندونزی که دارای بیشترین جمعیت مسلمانان در دنیاست، براساس سرشماری سال ۱۹۹۰ میلادی، علی‌رغم این که ۸۷ درصد مردم این کشور مسلمان اعلام شده است، با شکل‌گیری ساختار حکومتی و تدوین قانون اساسی چنان که توضیح داده شد، اسلام به عنوان دین غالب و رسمی کشور پذیرفته نشد و تصویب و ابلاغ نگردید!

دومین دین در اندونزی به حسب جمعیت مسیحیت است که آمار آن‌ها را هشت درصد از مردم اندونزی دانسته‌اند. از این هشت درصد، پنج درصد پروتستان و سه درصد کاتولیک هستند.

پس از مسیحیت، مذهب هندو در رتبه سوم با جمعیتی حدود دو درصد از مردم کشور قرار دارد. بعد از هندوها جمعیت بوداییان که بیش‌تر از یک درصد نیستند و الباقی پیروان ادیان و مذاهب مختلف و متفرقه هستند.

بنابراین دولت اندونزی چهار دین را دین رسمی کشور اعلام کرده که عبارتند از: اسلام، مسیحیت، هندو، بودایی و سایر ادیان و مذاهب موجود در این کشور را صرفاً در حد یک مکتب اعتقادی قبول دارند. در این کشور افرادی که معتقد به مکاتب اعتقادی غیررسمی باشند، امکان گرویدن به سایر مکاتب و ادیان را خواهند داشت اما پیروان ادیان رسمی فوق‌الاشعار از این گرایش منع شده و قادر به انتخاب دین یا مذهب دیگر نخواهند بود.<sup>(۱)</sup>

**اسلام و مسلمانان در اندونزی****اشاره**

براساس دیدگاه برخی محققان منطقه جنوب شرقی آسیا، اسلامی را که در این منطقه مالایو است به طور مستقیم از مهد اصلی اسلام؛ یعنی خاورمیانه نمی‌دانند. آن‌ها معتقدند اسلام از طریق شبه‌قاره هند به این منطقه آمده، به ویژه در اندونزی که همراه چند

---

۱- - هو کو ام بی، اسلام در جنوب شرقی آسیا.

عنصر قوی صوفیانه هندی نیز وجود داشته است لذا اسلامی که در اندونزی است اسلامی منعطف تر و متافیزیکی است که تا حدودی با اسلام خاورمیانه فرق دارد. ضمناً شناخت و تعریف اسلام در همه جای اندونزی یکسان نیست لذا به همین میزان، آداب و آموزه ها و عمل به دستورات آن نیز یکسان نخواهد بود.

به عبارت روشن تر، این سوال مطرح است که آیا باورها، آداب و آموزه های اسلامی که مسلمان بودن را معنی می بخشد، در میان اجتماعات مختلف نژادی، قومی و ملیتی اندونزی یکسان است یا تفاوت هایی خواهد داشت؟ از سوی دیگر تعریف ما از اسلام و مسلمانی در این منطقه با استاندارد دنیای اسلام چقدر سازگاری دارد؟ آیا ریشه های اعتقادی و دینی این مردم روی اصل و اساس اسلام واقعی بنا شده است که عدم رعایت اصول و مبانی آن، هویت دینی را با چالش روبرو نماید؟ همه این موارد قابل بررسی جدی است. (۱)

هویت اسلامی دارای سه مولفه و عنوان است که ابتدا به بحث و بررسی وجود این سه مولفه در اندونزی می پردازیم.

### ۱- اسلام در چهره اجتماع

اندونزیایی های مسلمان پس از پیمودن مسیر دشوار برای پیوستگی دین، نژاد و قومیت، در چهره اجتماع که یکی از شاخصه های آن توجه دولت و حکومت است، خیلی موفق نبودند. هیچ گاه اسلام در اندونزی مورد حمایت حکومت و دولت نبوده است. در دوران استعمار که این معنا طبیعی بود، در چند دهه اخیر؛ یعنی پس از استقلال نیز، پیوستگی میان مسلمانان و قدرت سیاسی همواره با گسستگی مواجه بوده است.

---

۱- ویلفرد کنت ول اسمیت، اسلام در جهان امروز.

## ۲- زبان دینی مشترک

در رویکرد زبانی که از ارکان هویت دینی به شمار می آید، آشنایی مردم به زبان اصلی دین بسیار کم است. به این معنی که اصولاً این علوم می بایست ابتدا به صورت فنی، توسط برخی از نخبگان دینی فرا گرفته و به آن تسلط پیدا کرده باشند تا در مرحله نازل تر و روند انتقال آن به عوام و جامعه، بی محتوا و کم تاثیر نباشد. بالطبع وقتی که استاندارد رعایت نشد و زبان دینی میان زعمای قوم ضعیف و جنبه های فنی آن کم رنگ شد، در جامعه این نقص بارزتر خواهد بود.

وانگهی این نکته نیز قابل توجه است که ارتباط زبانی با زبان عربی (ناقل اصلی مفاهیم دینی) وسعت و عمق قرابت فرهنگی و فهم دینی از قرابت نژاد اسلامی منبعث می گردد که اندونزی بسیار از آن فاصله داد. (۱)

## ۳- تظاهر دینی

امتراج آئین های بومی با آداب و رسوم برگرفته از اسلام در اندونزی مشهور به (عادت) است که جزو لاینفک فرهنگ اندونزیایی های مسلمان به شمار می آید.

عادت به معنی ترکیب آداب و رسوم پیچیده محلی با چهره عملی و دستورالعمل اسلامی است. محتوای عادت بسیار عام بوده و از مفاهیم پدرسالاری و مادرسالاری جوامع گرفته تا مفاهیم نامزدی و... را در برمی گیرد. امتزاجی درهم تنیده در آداب و رسوم «عادت» یا «عرف» اسلامی است.

به هر حال دو اصطلاح «اسلام» و «عادت» به دلیلی در هویت اسلامی مالایی است که به دشواری می توان آن ها را از هم تفکیک کرد. (۲)

۱- اسلام پژوهشی تاریخی و فرهنگی، ص ۱۴۸.

۲- اسلام در جنوب شرقی آسیا، ترجمه: محمد مهدی حیدرپور.

پیش تر گفته شد که فرهنگ دینی مسلمانان اندونزی دارای سه آبشخور است: «فرهنگ اسلامی، فرهنگ هندویی و فرهنگ بودایی» آن چه به عنوان سلوک و رفتار مردم اندونزی دیده می شود از شاخصه های بارز امتزاج این سه فرهنگ است.

برخی خاورشناسان، اسلام اندونزی را اسلامی درون گرا، زیباگرا، نازک طبع؛ یعنی مجموعه ای از باورهای مردم درباره امور واقعی خدا و مانند آن ها که ترکیبی از اسلام و هندوئیسم است تعریف می کنند.<sup>(۱)</sup>

اما این تمام واقعیت نیست، اسلام در اندونزی از شکاف عمیق فرهنگی رنج می برد. در واقع جامعه مسلمانان به دو دسته جداگانه تقسیم شده است که عبارتند از: «سانتری» و «آبانگان». «سانتری» واژه ای است که در زبان سانسکریت (سانتری) نامیده می شود به معنی (افراد معتقد) اگر چه در برخی مناطق اندونزی لهجه ها طوری است که (س) (ش) گاهی بالعکس تلفظ می گردد؛ بنابراین ممکن است واژه اصلی «سانتری» که در محاورات سانتری گفته می شود با همان لهجه محاوره ای ثبت و نوشته شده باشد.

واژه «آبانگان» نیز به معنی (مسلمان اسمی) است؛ بنابراین به مسلمانانی که شریعت و احکام اسلام را جدی می گیرند و حتی الامکان شعائر دینی را رعایت می کنند به مسلمانان «سانتری» اطلاق شده و مسلمانانی که صرفاً به نام اسلام بسنده کرده اند تا آن ها هم دینی داشته باشند ولی نسبت به محتوا و دستورات آن به لحاظ نظری و عملی آگاهی و توجه ندارند و صرفاً دین را در حد همان عادت و عرف جامعه می شناسند، مسلمانان «آبانگان» تعبیر می شود که گروه دوم اکثریت جامعه مسلمانان اندونزی را تشکیل می دهند.<sup>(۲)</sup>

با تمام این احوال که برخی از احکام اسلام و ظواهر دینی با عادت عجین است اما جلوه مردم اندونزی را از سایر کشورهای منطقه متمایز کرده است. وقتی انسان از خیابان های شهرهای مختلف به ویژه شهرهای دور از مرکز عبور می کند، دختران و زنان زیادی که

۱- ام.بی.هو.کر، اسلام در جنوب شرق آسیا.

۲- دانشنامه جهان اسلام، غلامعلی حداد عادل، .

حجاب اسلامی را رعایت می کنند به چشم می خورند، این معنا در بین زن های بالای سی سال بیشتر دیده می شود. اگرچه در این کشور به هیچ وجه پوشش و رعایت حجاب اجباری نیست و کم نیستند در خانواده هایی که گاهی مادر بی حجاب، دختر یا دختران باحجاب بوده، گاهی یکی دو دختر از یک خانواده حجاب ندارند ولی بقیه کاملا حجاب را رعایت می کنند. شایان ذکر است در برخی از مناطق یکی از شروط ازدواج مردان مسلمان، رعایت حجاب است.

یکی دیگر از این پدیده ها، صدای اذان از بلندگوهای مساجد است. در هر محله ای به حد کفایت مسجد یا مصلی وجود دارد و دسترسی مردم به مسجد بسیار سهل و آسان است. اغلب این مساجد قبل از اذان، مخصوصا اذان صبح، حداقل پانزده تا سی دقیقه صوت قرآن پخش می کنند. گاهی بین نماز مغرب و عشاء همین مقدار صوت قرآن و سپس اذان نماز عشاء پخش می شود و مسلمان و غیرمسلمان این قضیه را پذیرفته اند. در این پنج وعده که اذان پخش می شود، دسته ای از مردم اعم از زن و مرد، با سنین مختلف رهسپار مسجد جهت شرکت در نماز جماعت می شوند. جالب این که در هر مصلی و مسجد، تعدادی دختر یا خانم های جوان بی حجاب که بعضا شاغل هم هستند برای شرکت در نماز می شتابند و وقتی به در مسجد یا مصلی رسیدند، از داخل کیف خود لباس و پوشش مخصوص نماز، متشکل از یک مقنعه بزرگ و یک دامن بلند که گاهی از پارچه های بسیار ظریف و گلدوزی شده و زیبا تهیه شده است خارج کرده، در کم ترین زمان خود را برای نماز آماده می کنند. پس از اقامه نماز، مجددا همان لباس را درون کیف گذاشته بلافاصله با اندکی آرایش خود را برای ادامه کار و فعالیت اجتماعی آماده می سازند.

با این توصیف اعمال عبادی را صرفا در حوزه فردی تعریف کرده اند. در حوزه اجتماع نیز، اذان، تلاوت قرآن و نماز جماعت به عنوان فرهنگ عمومی مسلمانان اندونزی جایگاه ویژه ای دارد.

## سیاست مذهبی حکومتی

طی بند ۲۹ قانون مشروطه: آزادی در پذیرش و داشتن اعتقاد دینی و مذهبی را در چارچوب مخصوصی تضمین می کند.

۱- اساس شکل گیری دولت بر پایه اعتقاد به خدای متعال است.

۲- دولت ضامن هر شهروند در پذیرش و عمل به دستورات آئین یا مذهبی است که معتقد به آن می باشد که وظایف دینی باید منطبق با آئین همان مذهب باشد، همان طور که اساس زندگی دینی این گونه است.

بنابراین براساس قانون اساسی، نقش دولت، ارتقاء سطح احترام به ادیان و اعتقادات مذهبی مختلف و نیز ایجاد هم سوئی در میان پیروان ادیان و مذاهب در کل جامعه است؛ لذا تاکید بر وجود اتحاد و یکپارچگی ملی، نگرش و الگوی فکری و عملی خاصی در بیش تر جنبه های زندگی مردم اندونزی و مخصوصاً زندگی دینی آن ها ایجاد کرده است. همچنین براساس حق قانونی آزادی در تفکر و باورهای دینی و مذهبی، هر شهروند اندونزیایی موظف است به این حق قانونی دیگری احترام بگذارد. و از این منظر، پیروان ادیان و مذاهب تنها حق ترویج فرهنگ عمومی اشتراکی مبتنی بر صلح و آشتی را دارند. یکی از مهم ترین روش های دستیابی به یکپارچگی و هم سوئی، استفاده از برنامه های آموزشی است که در مقاطع مختلف دوره های تحصیلی، آموزش داده می شود.

در برنامه های آموزشی کشور، براساس قوانین حکومتی، مذهب به عنوان یک موضوع علمی از دبستان تا دو سال اول دانشگاه یکی از مواد درسی اصلی بوده که تدریس می شود. هر جامعه مذهبی وظیفه دارد محتوای موضوعات مذهبی و برنامه آموزشی مخصوص خود را تهیه و تدوین و در اختیار مراکز آموزشی قرار دهند. براین اساس هر دانش آموز موظف است موضوعات مذهبی خانواده خود را مطالعه کرده و در امتحانات پایان هر مقطع تحصیلی شرکت کند. (۱)

در اندونزی کلیه مقررات و امور مذهبی قانوناً مربوط به وزارت دین است. وزیر دین نیز براساس قانون اساسی که چهار دین در اندونزی به رسمیت شناخته شده است، با بزرگان و زعمای رسمی هر یک از ادیان و مذاهب قانونی و رسمی مثل اسلام، مسیحیت، هندوئیسم، بودائیسم، جهت تدوین و اجرای آن مقررات باید در تماس و همکاری باشد. طبق قانون، در اندونزی همه افراد در انتخاب دین و مذهب آزاد بودند، مگر پیروان یهود و بهائیت که تاکنون اجازه فعالیت نداشتند ولی اخیراً این موضوع نیز از قاعده سهله و سمحه برخوردار است؛ بنابراین دولت به نحوی خواهان ایجاد توازن میان پیروان مذاهب مختلف است تا بدین وسیله به حفظ وحدت ملی کمک کند. با وجود اکثریت غالب و قاطع مسلمانان، برخورداری از اماکن و امکانات رفاهی اجتماعی مسیحیان، نسبت به سرانه جمعیت شان در کشور بیشتر از مسلمانان است که در واقع نشانگر نوعی حمایت سنتی پنهان دولت از رشد و تقویت مسیحیت است. در اندونزی با توجه به روحیات مردم و تاثیرات دیرپای آموزه های عرفانی هندو و بودایی، همراه با گرایشات اصالت روح و امثال آن، تصوف جایگاه خوبی دارد. از آن جا که ابتدا تصوف در اندونزی، با برخورداری از افکار و ایدئولوژی های ویژه، تساهل طریقتی و با ظرفیت مناسب جذب افراد، موجب ترویج و گسترش قابل توجه اسلام در این منطقه بوده، همچنان این رتبه را برای خود حفظ کرده است.

### عوامل مذهبی

چنان که پیش تر گفته شد، مسلمانان اندونزی بیش تر از فرقه اهل سنت و شافعی مذهب هستند و سیستم رهبری آن، سلسه مراتب کوچکی دارد. در گرایش کلی، تصوف خود را پیرو عبدالقادر گیلانی دانسته و محب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) هستند. از ابتدا تاکنون همواره دین اسلام در اندونزی، چونان برخی از کشورهای آفریقایی و آسیایی با رگه هایی از تصوف همراه بوده است.



## عرفان و تصوف

تصوف با برخورداری از افکار و ایدئولوژی های ویژه، نقش عظیمی در گسترش اسلام، به ویژه در اغلب کشورهای اسلامی داشته است. از نقاط مغرب اسلامی مانند مراکش، تونس، مصر و اردن گرفته تا آفریقا و از این طرف کشورهای جنوب شرقی آسیا، با فرهنگ غنی و معارف بالایی برگرفته از آموزه های اهل بیت عصمت و طهارت (ع) همراه است. در اندونزی نیز این اندیشه؛ یعنی نقش بسزای تصوف با همین ویژگی ها را نمی توان نادیده گرفت.

در وضعیت کنونی اگر ما برای مسلمانان ترکیه، آسیای میانه، منطقه بالکان، اروپای شرقی، آفریقا، شبه قاره هند، جنوب شرقی آسیا و محبان اهل بیت (ع) در مصر، رگه هایی از تصوف قائل باشیم یا آشنایی با اسلام شان را از طریق سلسله های صوفیه به حساب آوریم، شاید سخنی به گزافه نگفته باشیم. (۱)

بروز و ظهور تصوف به عنوان جریان تاثیرگذار اسلامی که بر پایه اشتراکات شیعه و سنی و حب اهل بیت (ع) شکل گرفته، در میان این جوامع جایگاه بالایی پیدا کرده و یکی از نقاط مثبت تصوف به شمار می آید که با بومی شدن در برخی از نقاط جهان تعامل مثبتی را به وجود آورده است.

در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی، همچنین هفدهم و هجدهم میلادی، میان آن دسته از علمای دینی که با تکیه بر آثار امام غزالی مدافع سرسخت عرفان متشرعانه بودند و صوفیانی که می کوشیدند عقاید عرفانی اسلامی را با اندیشه ها و مناسک آئین های هندو و بودایی تلفیق کنند، به ویژه درباره وحدت وجود میان این دو دسته، بحث هایی در گرفت که تا حدودی موجب ابهام و سردرگمی دینی مسلمانان مالایی شد. به عبارت دیگر برجسته بودن «طریقت» در مقابل «شریعت» از پیامدهای طبیعی اسلام اندونزیایی است. (۲)

۱- مقاله تصوف در چین و دنیای مالایی، .

۲- مقاله تصوف در چین و دنیای مالایی.

از جمله شخصیت های برجسته صوفی قرن هفتم هجری که از افتخارات اندونزی به حساب می آیند از «عبدالکریم جبلی»، «شمس الدین السوماترایی»، «حمزه فنصوری»، «نورادین رانیری»، «شیخ یوسف ماکاساری»، «رافیس الباخاری»، «شیخ عبد الروف السینگکید» و «فتانی» می توان نام برد که هر کدام دارای اندیشه ها و افکار بلند علمی خاصی بوده و آثاری نیز از آنان به یادگار مانده است که متأسفانه در شرایط کنونی با تغییر زبان، آن آثار حداقل برای نسل حاضر، چندان قابل استفاده نیست.

از میان شخصیت های فوق الذکر «فنصوری» در ادب صوفیانه پیش گام تر از دیگران بوده است. او نخستین کسی است که آثار منظمی به زبان مالایو نوشت. در آثار منشور خود نیز همچون «شراب العاشقین و اسرار العارفين» دیدگاه های بلندی درباره صفات خداوند و ارتباط بین صفات با ذات باری تعالی، تجلی ذات غیرمشوب و ارتباط جهان مخلوق با خدا و... که مجموعه این آثار ارزشمند، از تراث جامعه اسلامی اندونزی به شمار می آید، داشته است.

یکی دیگر از شخصیت های برجسته این قرن «شمس الدین سوماترایی» است. زمانی که او شیخ الاسلام «آچه» بود به عنوان معلم پادشاه آچه «سلطان اسکندر مودا» با تاثیرگذاری خارق العاده روی پادشاه وقت و هدایت درست دستگاه حاکمه موجب عزت مسلمانان در آن دوره شده بود. او نیز دارای کتابی با مباحث فلسفی یا آموزه هفت درجه وجود از ذات خداوند متعال که مطلقاً نامعین است، به نام «نورالد قایق» است. قابل توجه است، «شرح العقاید النسفیة» که شرح مشهور «سعدالدین التفتازانی» بر عقاید (ابوحفص نجم الدین النسفی) است از افتخارات این ایام به شمار می آید.<sup>(۱)</sup>

در اوایل قرن یازدهم هجری کتاب «تاج السلاطین» از زبان فارسی به زبان مالایی برگردانده شده است. پروفیسور ازومردی عذرا در مقاله ویژه خود، «شیعه در جنوب شرقی آسیا، به سوی ایجاد روابط حسنه و همکاری» چنین می نویسد: کتاب تاج السلاطین آشکارا رنگ و بوی پارسی دارد. در ترجمه این کتاب به زبان مالایی که توسط

(بخاری الجوهری) در آنچه به عنوان کتاب راهنمای فرمانروایان مسلمان، منتشر شده است، تمام اسامی و شخصیت های این کتاب فارسی است. چکامه های این کتاب نیز برگردان قالب های پارسی به مانند مثنوی، رباعی و غزل است. افزون بر این، واژه شرح حال نوروز و افراد مشهوری چون عطار نیشابوری یا داستان عاشقانه محمود وایاز و حتی خسرو و شیرین یا تعریف و تمجیدهایی از انوشیروان که فرمانروای پارس پیش از اسلام بوده و آوازه عدالت او در همه جا پیچیده بود، حکایت شده است. در راستای همین نام های پارسی و داستان هایی که در بالا به آن اشاره شده، بحثی به میان می آید که در آن به درایش شیعه در مجمع الجزایر، در اوایل ظهور اسلام پرداخته می شود.

برخی معتقدند اسلام شیعی به لحاظ تاریخی، از مدت ها پیش در اندونزی حضور داشته است. تصوف فلسفی به ویژه جنبش «وجودیه» در قرن هفدهم و در منطقه آچه، همچنین بخش حکایات از ادبیات کلاسیک مالایی از جمله جریان های قوی شیعه در اسناد کتابخان های این کشور بوده اند که به هیچ وجه قابل انکار نیست.

«بگی» (۱۹۸۲م) در مورد حضور ایرانیان شیعه به ویژه در بخش «آچه» پژوهشی در این زمینه انجام داده است که هفتاد و هفت واژه فارسی از همان دوران تاثیرگذار ایرانیان، وارد زبان مالایو شده که هنوز از این واژگان استفاده می گردد. از این میان واژگانی چون کندور (نوعی خوراکی است که در ایام یادبود حضرت فاطمه (س) استفاده و سرو می شود. آستانه (کاخ) بندر، شیطان، آب دست (وضو) بی ادب، بیوس (بی هوش) دیوان، گندم، حرام زاده، لشگر، ناخدا، تماشا، سوداگر، بازار، شاه بندر، پهلوان، انگور، کاوین (ازدواج) نشان (سنگ قبر) تخت (تخت پادشاهی)، بسار که همان بسیار است و بسیاری از این دست واژه ها اشاره می کنند؛ البته این نویسنده بیش از یکصد واژه فارسی را احصا کرده که خارج از حوصله این مقاله است.

در مورد ظهور و حضور تصوف در اندونزی نیز برخی از اندونزی شناسان برخلاف محققان فوق الذکر معتقدند تصوف این منطقه از هند نبوده بلکه مستقیم از سرزمین وحی مکه و مدینه است. بالاخره تصوف از کجا آمده و دارای چه آثاری است، خود بحث مستقلی را

می‌طلبد. صرف نظر از نقاط مثبت آن، برخی نقاط منفی نیز در نحله‌های صوفیان به وجود آمده که روشن‌ترین آن گسترش خرافات و امثال آن است. بررسی آثار منفی تصوف، خود نیز فصل تحقیقی ویژه‌ای لازم خواهد داشت که ما در این نوشته متعرض آن نمی‌شویم.

گفتنی است، به عنوان نتیجه‌چنین می‌توان اظهار داشت که اندیشه‌های فلسفی اسلامی و علوم معاصر آن دوران همزمان با روند رو به رشد اسلام در مجمع‌الجزایر اندونزی و ارتباطی که آن‌ها با دیگر مسلمانان در بخش‌های مختلف جهان اسلام و به طور مشخص خاورمیانه و هند داشته‌اند، مقطع درخشان و افتخارآفرین این سرزمین بوده که از پایه‌های اصلی هویت ملی، تاریخی و اسلامی این ملت به حساب می‌آید.

از سوی دیگر، سلسله‌ساداتی که از یمن و حضرموت، به این کشور مهاجرت کرده‌اند، اولاً: به خاطر نسبت آنان به پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (س) و ثانیاً: به خاطر گرایش‌های عرفانی و صوفیانه، همراه با آموزه‌های اخلاقی عرفانی به جا مانده از فرهنگ هندوئیسم و قرابت این مولفه‌ها، جایگاه مناسبی بین مردم اندونزی کسب کرده‌اند. سادات در این کشور به «جائاب» معروف بوده، اغلب آن‌ها با شجره نامه و اسناد تاریخی که با چند واسطه نسب‌شان به امام سجاده (ع) و امام صادق (ع) یا فرزندان امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد، شناخته می‌شوند. جائاب به سبب محبوبیت دوران گذشته که با اخلاص و فداکاری، دستیار سلاطین یا جانشین پادشاهان مسلمان در جزایر مختلف اندونزی بودند و موجب به وجود آمدن تمدن اسلامی در اندونزی شدند، به همین سبب یا به خاطر انتساب آنها به دودمان پیامبر (ص) و بنی هاشم که از جایگاه تقدسی اعتقادی، بین مسلمانان برخوردار است، دارای نفوذ معنوی بالایی در جامعه اندونزی بودند. هم‌اکنون نیز تا حدود زیادی آن محبوبیت را داشته و از اعتبارات گذشته استفاده می‌کنند.

با قرار گرفتن آن‌ها در سلسله‌های تصوف، همچنان از عنوان «سلطان» که حاکی از مقام بلند صوفیانه یا استیلای معنوی آن‌ها باشد، استفاده کرده، مردم معتقد نیز به نوعی

خود را رعایای آن‌ها، به شمار می‌آورند! بیش‌تر حباب در اندونزی به سبب قرار گرفتن در حلقه‌ها و سلسله‌های تصوف، وصل به اسلاف و اقطاب نحله خاصی از فرقه صوفی هستند. گاهی یک فرد شاخص و برجسته یا سرسلسله فرقه‌ای، از یمن و مصر به اندونزی سفر می‌کنند، به این خاطر مریدان آنان در شهرهای اندونزی، مراسم‌های بزرگی تشکیل داده و انبوهی از مردم جهت اشتیاق و نیل به ثواب در آن مراسم‌ها شرکت کرده، در این مراسم‌ها اذکار، اوراد، تبرکات و دست‌بوسی‌های متداول، جزو برنامه‌های دیدار این سادات و حباب است.

### رابطه العلویه

سادات در اندونزی دارای تشکیلاتی به نام «رابطه العلویه» هستند که این تشکیلات در تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۲۸ میلادی تشکیل شد. در حال حاضر در هر استان یک‌لیدر یا مسئول شعبه‌ای وجود دارد که موظفند با تمام سادات آن منطقه ارتباط برقرار کنند. همچنین باید اطلاعات و آمار و نشانی کلیه سادات منطقه را داشته باشند تا ضمن سهولت ارتباطات منطقه‌ای، به موقع جهت مراسم‌های ویژه و هم‌اندیشی‌های گروهی در مرکز یا هر جای دیگر، آنان را مطلع و راهنمایی کنند. اگرچه این تشکیلات در قیاس با احزاب و دیگر سازمان‌های کشور، چندان منظم نیست، لیکن با برگزاری جلسات بزرگ صله‌الرحمی، سالی یکی‌دو بار، جلسه‌ای مثل «حلال بی حلال» بعد از عید فطر در دارالایتامی در منطقه‌ای به نام (tanah abang) و جلسه «عود» (Uwad) بعد از عید قربان در مصلی «زویه» در منطقه‌ای به نام «pekojan» در مرکز شهر جاکارتا، برگزار می‌شود و عموماً افراد برجسته و شناخته شده سادات در آن حضور پیدا می‌کنند که حال و هوای این جلسات رنگ و بویی صوفیانه دارد.

علی‌رغم وجود این تشکیلات ویژه و ارتباطاتی که بین حباب و سادات وجود دارد، هنوز آمار صحیح و متقنی از حباب و سادات در دست نیست ولی رقمی را که عنوان می‌کنند حدود پنج میلیون نفر است. طبعاً چنین جمعیتی در هر کشوری که باشد، فرصت و

ظرفیت قابل توجهی خواهد بود. اگرچه برخی از سادات و جائب، امروزه با تحصیل در عربستان و مصر، همچنین ارتباطی که با جریان سلفی گری و وهابیت پیدا کرده اند، از اصل خود فاصله گرفته تا حدودی برای محبان اهل بیت(ع) و جریان فرهنگی شیعه در اندونزی مشکل ساز شده اند ولی خوشبختانه از آن جایی که ریشه های محکم و اتصال روحی و عاطفی مردم به اهل بیت پیامبر(ص) در این سرزمین، بسیار قوی و عمیق است، این جریان انحرافی تاکنون جایگاه ویژه ای پیدا نکرده است؛ لذا علی رغم تلاش های بسیار و صرف هزینه های هنگفت از سوی مرتجعان عرب، همچنان زمینه برای نشر سخنان و فرهنگ و معارف بلند معصومان و امامان شیعه(ع) در این سرزمین مهیا و آماده است. به اصل بحث برمی گردیم. برخی از محققان معتقد نوع قرائت از اسلام در اندونزی خیلی پویا نیست و آنچه در این حوزه نو شده است، بهره مندی چندانی از آموزه های اسلامی، فکری و فلسفی نداشته بلکه بیش تر از چهره فردی، اخلاقی و تقلیدی آن نشأت گرفته است. براساس دیدگاه ها و اندیشه های غربی، اسلام از مدت ها پیش در اندونزی به سبب ویژگی های ممتاز، از جمله اعتدال، میانه روی و شمولیت، به عنوان دینی با ظرفیت و برخورداری از «تساهل و تسامح»، اسلامی متمایز از اسلام خاورمیانه در غرب شناخته شده است. (۱)

### اسلام خندان

مقایسه این قرائت از اسلام به اصطلاح و زعم آنان با اسلام واپس گرا و خشن در خاورمیانه، ضمن دلخوشی انسان های بی بصیرت، مرغوب و تبلیغاتی که در این خصوص صورت گرفته، متأسفانه تا حدود زیادی موجب ضعف ارتباط و کاهش تاثیرات اسلام واقعی از خاورمیانه بر کشورهای خاور دور هم شده است.

نکته مهم تر این که تلاش غرب با فریبی بزرگ در القاء نوع جدیدی از اسلام بین مسلمانان منطقه به ویژه اندونزی، با عنوان اسلام مترقی در کشورهای جنوب شرقی آسیا

که حاصل و نتیجه تساهل و تسامح نخبگان، علما و خواص این کشورهاست در حال شکل گیری است. آنچه به عنوان تذکر مهم می توان درباره آن اندیشید، تلاش آشکار و پنهان غرب برای القاء نوع جدیدی از اسلام در میان مسلمانان این منطقه است.

این تلقین و طرز تلقی که اسلام مسلمانان جنوب شرق آسیا از نوع مترقی اسلام است و با نوع پس رفته و خشن اسلام در خاورمیانه فاصله مبنایی دارد، مرتباً در گوش مسلمانان زمزمه می شود. این طرز تلقی حداقل خاصیتی که برای غرب خواهد داشت، توقف یا کاهش تاثیرگذاری اسلام خاورمیانه بر مسلمانان این منطقه استراتژیک به ویژه در حوزه سیاسی و ژئوپلیتیک خواهد بود. از سویی با فاصله گرفتن از مهد و مرکزیت اسلام، دست عناصر غرب گرای این کشور را برای تحریف های جدید در اسلام نیز باز خواهد گذاشت. از این رو در دهه نود، اسلام اندونزی در مجلات بین المللی همچون (taime) و (mewsiek) با نام اسلام خندان یا «اسلام با چهره خندان» شناخته و معرفی شده است که با نوگرایی و دموکراسی و سایر مسائل دنیای کنونی غرب سازگار است.

### نوسانترا

نوسانترا واژه و عنوانی است بومی اندونزیایی که به منظور هماهنگی و تطبیق قوانین و مقررات اسلام با فرهنگ های بومی اندونزیایی از مسیر پایگاه های آموزشی مثل حوزه های علمیه که به منظور اجرا و انجام آن، جعل یا قرار داده شده است.

حسب شواهد و قرائن از چند سال قبل جریانی در منطقه جنوب شرق آسیا با زمامداری آمریکا در راستای بهره گیری از «اسلام نوسانترا» آغاز گردید، مبنی بر ترویج و معرفی (اسلام عاری از تعصب و سازگار با ایدئولوژی و فرهنگ های موجود جهان) تا بدین وسیله، طرحی نو و جریانی جدید در جهان اسلام اجرا و پیاده شود. غرب بنا دارد اسلامی که از این منطقه به جهان معرفی می کند، در تعارض با هژمونی و فرهنگ و ایدئولوژی های عمده جهان نباشد و این یعنی همان «اسلام خندان».

اکنون به دور از شتاب زدگی، این طرح به صورت آرام، در مقطع نظری با بهره گیری از قرائت های جدید از اسلام، مثل تکثرگرایی، اندیشه های لیبرالیزم و... در مقطع تبیین و تدوین متون و منابع آن است.

از سوی آمریکا سه موسسه علمی و فرهنگی در سه کشور استرالیا، سنگاپور و اندونزی، بدین منظور ایجاد گردیده تا با جذب برخی اساتید دانشگاه و نخبگان جامعه و سپردن پروژه های تحقیقاتی و علمی و هدایت نخبگان منطقه موجبات تامین منابع علمی و نظری این طرح را فراهم آورند. در سال های اخیر تعداد مقاله ها و کتب منتشره پیرامون اسلام اندونزیایی (اسلام خندان) روز به روز افزایش پیدا می کند.

در تاریخ هفدهم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ هجری قمری برابر با ۴ جولای ۲۰۱۵ میلادی، مراسم بزرگی در مسجد استقلال جاکارتا با حضور رییس جمهور اندونزی از سوی سازمان نهضت العلماء به مناسبت نزول قرآن برگزار گردید. عنوان سخنرانی آقای «عقیل سراج»، رییس نهضت العلماء در این سمینار «اسلام نوسانترا» بود که با بهانه رویگردانی از خشونت و مخالفت با رادیکالیزم، مفصلاً در موضوع سهله، سمحه و تکثرگرایی سخنرانی کردند. پس از ایشان «جوکو یدود»، رییس جمهور اندونزی طی سخنانی از طبقه اهل علم و علمای دین خواستند در معرفی اسلام اندونزی به عنوان اسلام واقعی به جهان از هیچ کوششی دریغ نورزند!

در پایان این مراسم از کتاب جدیدی تحت عنوان «اسلام در چارچوب فرهنگ اندونزی» نوشته «دکتر احمد شافعی معارف» که در تاریخ ۱۵ آوریل ۲۰۱۵ میلادی، به زیور طبع آراسته شده بود رونمایی کردند. در حال حاضر جو غالب مراکز علمی و دانشگاهی و حتی بعضاً حوزه های علمیه تحت تاثیر این تفکر و این طرح است.

شیوع این اندیشه وارداتی که رنگ و بوی محلی هم به خود گرفته است، موجب شده تا نخبگان شیعه برای گرفتن زهر کار و کم رنگ شدن طراح یاد شده، همچنین صیانت از اصول و مبانی ارزشی اسلام، دست به کار شوند و با استفاده از همان عنوان (اسلام نوسانترا) با نوشتن مقالات و کتاب ها، از تاثیرات مخرب آن بکاهند.



«دکتر حیدر باقر» که خود یکی از نخبگان شیعه در اندونزی است و انتشارات بزرگ «میزان» متعلق به اوست، در حال حاضر سرگرم چاپ و نشر کتابی در همین فضا تحت عنوان (Islam nusaktera dari : usul fikhi hingga sejara) است که در این کتاب سعی شده، تا حدودی از ارزش های متعالی اسلام حمایت و از کم رنگ شدن احکام و شریعت الهی اسلام جلوگیری به عمل آید.

در تاریخ ۱۶ جون ۲۰۱۵ میلادی، بخش زبان اندونزیایی سایت خبری «BBC» نیز مطلبی در این خصوص و بدین شرح منتشر کرده: تولد اصطلاحی جدید با نام (اسلام مجمع الجزایر یا اسلام اندونزیایی) که دارای ویژگی های تساهل و تسامح بوده و مغایر با اسلام عربی در خاورمیانه است. این عنوان، حامیان و مخالفان متعددی را در میان مسلمانان اندونزیایی به وجود آورده است. با وجود این که این اصطلاح، اصطلاح جدیدی در ادبیات سیاسی، فرهنگی و دینی اندونزی به شمار نمی آید ولی تاکید دولت جدید و سازمان بزرگ دینی «نهضت العلماء» به استفاده از این اصطلاح در ماه های اخیر، توجه صاحب نظران را به خود جلب کرده است.

در مجلس استغاثه که همه ساله با نزدیک شدن ماه مبارک رمضان برگزار می شود و امسال همزمان با اجلاس اعضا و علمای برجسته سازمان نهضت العلماء شده بود، روز گذشته در مسجد استقلال جاکارتا برگزار گردید. آقای عقیل سراج، رییس این تشکیلات طی سخنانی بر حمایت و تمرکز این سازمان بر روی مدل جدیدی از اسلام، به نام (اسلام اندونزیایی) تاکید ورزیدند. وی با اشاره به این که نهضت العلماء متعهد به حمایت و دفاع از این مدل اسلام است، گفت: «تاریخ به خوبی نشان می دهد که چگونه دین مبین اسلام از طریق منادیانی که با احترام به روحیات مردم، خود را کاملاً با فرهنگ بومی اندونزیایی هماهنگ ساخته بودند، موجب بسط و گسترش اسلام، بدون هیچ درگیری و خشونت در این سرزمین گردید. این مبنا و این ریشه تاریخی موجب آن شده است تا سازمان نهضت العلماء در این برهه تاریخی که مردم جهان از خشونت های متداول به نام اسلام خسته شده و جویای اسلام میانه و معتدلی هستند و از سویی با موارث فرهنگی

و سلامت آرامش و آسایش زندگی آنها در تضاد و تعارض نباشد، در این خصوص مسئولیت خطیری به منظور حفاظت از این تراث تاریخی؛ یعنی اسلام میانه رو و عاری از خشونت و سراسر تساهل و تسامح متوجه نهضت العلماء است. یقیناً این مدل از اسلام با مدلی که امروز در خاورمیانه شاهد آن هستیم بسیار متفاوت خواهد بود.

از سوی دیگر معترضان به اصطلاح (اسلام اندونزیایی) بر این باورند که تاکید بر این اصطلاح و این واژه، این تصور را در ذهن مخاطبان ایجاد می کند که اسلام دین یکپارچه و یگانه ای نیست؛ لذا می تواند شامل مدل های گوناگون منطقه ای و جغرافیایی و سیاسی باشد.»

از طرف دیگر «آزیوماردی عذرا» شخصیت فرهیخته و برجسته علمی که از متفکران اسلام در اندونزی می باشد، معتقد است مدل اسلام اندونزی همان نمونه اسلام اصلی بوده که پاسخگویی به نیازهای اصلی جامعه و بین الملل در آن دیده شده است.

میانه روی در مدل اسلام اندونزیایی موجب آن شده است تا مبانی دموکراسی به راحتی در این کشور پذیرفته شود. این مدل اسلام توانسته زندگی مسالمت آمیز تمامی پیروان و ادیان مختلف را به وجود آورد. اساساً رویکردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی میان این مدل با مدل عربی آن تفاوت فاحشی دارد.

با وجود فرقه های مختلفی که در اندونزی زندگی می کنند، هیچ گاه شاهد درگیری همانند آنچه در خاورمیانه متداول است، نبوده ایم. وی در پاسخ به سوالی در خصوص تناقض اصطلاح اسلام اندونزیایی با یگانگی اسلام، تصریح کرد: «قبول دارم که این دیدگاه یک تفکر و اندیشه اصولی است که اسلام را به عنوان یک آرمان ببینند، لیکن آنان به این واقعیت بی توجهند که چگونه همین اسلام در ابعاد دینی، مذهبی و سیاسی شاخه شاخه گردید.»

ایشان خاطر نشان کردند: «تاریخ نشان داده، اسلام در بدو ورود به اندونزی چگونه از کلمات کلیدی احکام و مبانی اعتقادی خود در معادل سازی زبان های محلی اندونزیایی استفاده کرد تا آرام آرام روند بومی سازی اسلام در این مجمع الجزایر محقق شد و این

دین توانست در تمام جزایر ریشه دوانیده و دین غالب همه مردم با زبان ها و فرهنگ های مختلف گردد. با چه روشی و ظرفیتی این آئین در فرهنگ اندونزیایی عجین شد که امروز مردم به غیر آن آئین به دین دیگری اصلا فکر نمی کنند، جای تامل و بررسی دارد؛ لذا می توان گفت اصلا اسلام دیگر رویداد و پدیده خاصی برای مردم اندونزی نیست زیرا این دین الهی با فرهنگ و نیازها و روحیات مردم کاملا درهم تنیده شده است.»

### طرح جدید استکبار

پس از سناریوهای پی در پی استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا به منظور خنثی سازی آثار و نقش بیداری اسلامی به منظور جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی، با ایجاد و حمایت و پشتیبانی از گروه های تندروی سنی مذهب تحت عناوین مختلفی مثل سپاه صحابه، لشکر طیبه، القاعده، طالبان، انصارالتوحید، جندالله، جبهه النصره، داعش، بوکوحرام و ... که عموما با نام و شعار اسلام در کشورهای اسلامی گسترش پیدا کردند، ضمن تحقق هدف فوق، مانع از گسترش تفکر و اندیشه انقلاب اسلامی شده، چهره خشن و غیرعقلانی و غیرمنطقی از پیروان اسلام در جهان به نمایش گذاشت.

به هر حال دیر یا زود این طرح رنگ باخته، گروه های تکفیری و خونریز، فاقد جذابیت و اقبال عمومی خواهند شد. چراکه مردم جهان از این همه خونریزی و سنگدلی خسته شده به ستوه خواهند آمد. طبیعتا استکبار جهانی باید نسخه جدیدی از طرح کلی خود، جهت کنترل کشورهای اسلامی و تلاش به منظور تامین امنیتی که مانع ضرر بیداری اسلامی و پیروان اسلام ناب محمدی برای منافع خود باشد در آستین داشته باشد. چه طرحی بهتر از اسلام نوسانترا که لیبرالیزه شده، ذاتا با امیال و خواسته های طبیعی مردم سازگاری داشته، حداقل در شعار، تامین کننده آرامش، رفاه و آزادی های متداول در جامعه است.

## هویت شیعه

هر انسان از نقطه نظر فردی دارای هویت و شخصیت فردی خاص خویش است. هویت افراد همان مشخصات شناسنامه ای او بوده که مبتنی بر خصلت ها ذاتی و صفات وجودی اوست. در هر نقطه که انسان ها برای تحقق بخشیدن به هدفی ارزشمند و خواستی مشترک کنار هم جمع شده و مجموعه ای را تشکیل و سازمان می دهند، برای آنان هویتی دیگر تعریف می شود که همپای این هویت وظایف و مسائل جدیدی به وجود می آید.

اگر اعتقادات دینی و مذهبی را صرفاً در حوزه فردی خلاصه و منحصر ندانیم، بلکه به عنوان موتور محرکه جامعه و ضامن صیانت از آفات اخلاقی و تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت انسان ها قبول داشته باشیم، شیعه با ظرفیتی بالاتر از دیگر مذاهب شناخته شده، می تواند انسان ها را در این جهت سازماندهی و شکل بخشیده، هدایت کند. اندونزی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

## ریشه های تاریخی شیعه در اندونزی

دانستن این نکته حائز اهمیت است که عده ای قائلند ابتدا اسلام با گرایش مذهب تشیع یا (شیعه اثنی عشری)، چه از طریق هند یا ایران یا کشورهای مثل یمن و مصر که تحت حکومت فاطمیون بودند، به این سرزمین وارد شده است. قدیمی ترین سنگ قبر بعد از ورود اسلام به اندونزی، مربوط به «سیده فاطمه بنت میمون» در «آچه» است که با زبان محلی (siti fatima) به سیتی فاطمه مشهور است و چنان که مردم محلی می گویند این خانم ایرانی و شیعه بوده است. صرف نظر از اظهارات اهالی محل اولاً قبر سیده فاطمه به صورت یک معبد قلعه مانند ساخته شده که از استحکام فوق العاده بالایی برخوردار است و در حاشیه سنگ مزار سیده فاطمه که به سختی می توان خطوط حجاری فرسوده را خواند، تسریع به ایرانی و اهل لار فارس بودن را می توان فهمید وانگهی در محوطه قبر این بانوی شریف که حاکی از جایگاه بلند معنوی او است، تعداد

زیادی قبر متعلق به ایرانیان اهل لار فارس وجود دارد که جملگی بیانگر بخشی از حقیقت حضور اسلام شیعی در زمان های دور به ویژه در این منطقه است.

در کتاب «مروج الذهب» نام دو صیاد بزرگ ایرانی به نام های «سیرافی» و «محمد رومی» آمده است. این سفرنامه که منشا و مصدری برای بررسی تاریخی و مطالعات اسلامی در جنوب شرقی آسیا به شمار می رود، به حضور ایرانیان و ایجاد حکومت های شیعی در بخش هایی از جنوب شرقی آسیا مثل جزایر سوماترا، آچه، یکالونگ، جزیره پاسای، ملاکا، برمه امروزی و تایلند، همچنین بخش هایی از کامبوج و ویتنام در منطقه جنوب شرقی آسیا اشاره دارد.

در گذشته ورود کاروان های بازرگانی، عاملی برای اشاعه فرهنگ، آداب، سنن و مذهب مربوط به سرزمین مبدا بود. این پیش زمینه در رشد، گسترش، تبادل افکار و اندیشه ها، حتی در نقاط دوردست مؤثر واقع می شد زیرا حضور یک کاروان تجارتي در یک سرزمین، فقط حضور کالاها و اجناس گران قیمت را به دنبال نداشت بلکه در آن افرادی با عنوان مبلغ مذهبی بودند که سعی در گسترش دین مخصوص به خود را داشتند. اندونزی در این میان از ویژگی خاصی برخوردار بود و آن این که بدون هیچ گونه تنش و درگیری دعوت به اسلام صورت گرفت.

چنان که در صفحات پیشین قدری توضیح داده شد، تاریخ نویسان درباره زمان دقیق ورود اسلام به اندونزی، نظر واحدی ندارند. برخی ورود اسلام به این جزایر جنوب شرقی آسیا را مقارن قرن اول هجری؛ یعنی سال ۳۰ هجری می دانند که این نظر مستند به شواهد و دلایل متقن تاریخی نیست. در مقابل، گروهی از مورخان و تاریخ نگاران با استناد به برخی شواهد و آثار تاریخی، از جمله سنگ قبرها و نوشته های موجود در برخی از مناطق این کشور، بر این عقیده هستند که ورود و نشر اسلام در مجمع الجزایر اندونزی، از ابتدای سده چهارم صورت پذیرفته است. بنابر اسناد (سنگ قبر، آثار قدیمی و باستانی) جمعی از پژوهشگران معتقدند تاریخ تشیع در اندونزی نیز همراه با ورود اسلام به این کشور، به قرون اولیه هجری بازمی گردد. برای نمونه بر روی تویی جنگی،

عظیم و قدیمی در یک شهر باستانی به نام «باتن» (Bannten)، جمله «لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار» نوشته شده است و روی سنگ قبر بعضی از بزرگان در شهر «آچه»، مثل «سید حسام الدین حسینی (متوفی ۸۲۳ ه.ق.)، سید شریف الدین حسن بن علی استرآبادی (متوفی ۸۲۳ ه.ق.) و امیر محمد بن عبدالقادر (متوفی ۸۸۲ ه.ق.)» جملات «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، «علی ولی الله» و «لا فتی الا علی»، «لا سیف الا ذوالفقار» نقش بسته است.

از آن جایی که انتشار اسلام و پیشرفت آن در اندونزی، توسط فرزندان و ذریه رسول خدا(ص) انجام گرفته، لذا شگفتی ندارد که مردم این سرزمین محبت ویژه ای نسبت به خاندان نبوی(ص) داشته باشند و به صورت تقدس آمیزی به آنان بنگرند اما با گذشت زمان و در اثر جریان ها و تغییرات گوناگونی که در این کشور پیش آمد، شناخت مردم از اسلام حقیقی رو به کاهش نهاده، در نهایت، به دوری آنان از مذهب حق، منجر شده است. عواملی از قبیل فشار و تسلط دولت استعمارگر هلند در سال های طولانی و بروز جنگ های مختلف داخلی از یک سو و عدم استمرار حرکت مبلغان شیعه پس از منقرض شدن نسل پیشین از سوی دیگر و سرانجام ورود مذهب شافعی به عنوان مذهب برگزیده و مورد علاقه مردم منطقه، موجب شد مردم از مکتب راستین اسلام دور بمانند ولی با وجود این عوامل، تشیع توانست افتان و خیزان به حیات خود ادامه دهد.

قطع نظر از این مبحث تاریخی، از جمع بندی نظرهای مورخان می توان چنین برداشت کرد که مذهب شیعه از راه های ذیل به این کشور راه یافته است:

در دوره خلفای عباسی زمانی که حاکمان ستمگر آل عباسی بر خاندان اهل بیت(ع) و شیعیان آنان انواع ظلم های غیرانسانی را روا می داشته و عرصه را بر آن تنگ کرده بودند، تعدادی از سادات شیعی امامی که منتسب به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) بودند در اثر ظلم و نسل کشی برخی از خلفای بنی عباس، جلای وطن کرده و به دنبال مکانی دور و امن، راهی شبه قاره هند و از آن جا عازم جنوب شرقی آسیا شدند که در

میان آن‌ها برخی از نوادگان احمد بن عیسی مهاجر، برای دعوت مردم به اسلام، به جزایر مختلف این منطقه مهاجرت کردند.

شاید بتوان ورود کاروان‌های تجاری دریایی ایران در قرن سوم هجری را جزو وقایع تاریخی، اقتصادی و فرهنگی آن دوره خواند. در این زمان که نواحی اطراف تنگه مالان به صورت مراکز عمده بازرگانی در آمده بود، کشتی‌های تجاری ایران که حامل کالا و مبلغان شیعی مذهب نیز بودند، وارد ساحل این کشور شدند. افکار و اندیشه‌های شیعی و ایرانی از طریق همین بازرگانان و مبلغان در نواحی غربی سوماترا به ویژه در (آچه) رواج یافت.

زمان پادشاهی اسلامی (پاجانگ) در جاوه مرکزی، نظریه دکتران شیعه توسط «نور محمد» و همچنین نظریه وحدت وجود در آچه توسط نخستین شاعر مالایی به نام «حمزه فنصوری» که به خوبی زبان فارسی را می‌دانست، گسترش یافت. بیش‌تر آثار حمزه فنصوری سرشار از مفاهیم و شعر ایرانی است.

شکل‌گیری دولت‌های اسلامی در این منطقه و نفوذ عالمان و تاجران ایران در دربارهای اسلامی اندونزی و کسب مقام‌های بالا سبب ترویج فرهنگ، ادب و هنر ایرانی و شیعی در اندونزی شد. نشانه‌های بسیاری از مشارکت تاریخی ایرانیان در شکل‌گیری کیان فرهنگی و اسلامی این سرزمین پیش از تهاجم استعماری اروپاییان به این منطقه موجود است. از گویاترین نشانه‌های حضور واژه‌های فارسی در فرهنگ و ادب مالایی، می‌توان به حکایت «سجاره ملایو»، «تاج السلاطین» یا «بستان السلاطین» از آثار فرهنگی قرن هجدهم میلادی این کشور، اشاره کرد.

«ابن بطوطه» جهانگرد مراکشی سده هشتم هجری، در سفرنامه خود از ایرانیان برجسته‌ای چون «امیر سید شیرازی»، «تاج الدین اصفهانی» و در یاسالاری به نام «بهروز» یاد کرده است که در آن زمان در جاوه و سوماترای شمالی زندگی می‌کردند. براساس تاریخ مالوی، سلطان علاءالدین رعایت شاه، پادشاه مالاکا که شیعه مذهب بود، تفکر شیعه را تبلیغ و چندین مدارس علمیه دینی - مذهبی در این منطقه بنا کرده است. وی

که به «شیخ بزرگ» و «شیخ برهان الدین توانگر» نیز معروف بود، توانست «سینانگ کابوئو» را مسلمان کند. این پادشاه پس از مسلمان شدن، نام جدید «سلطان محمد الیف» را انتخاب کرد و اسلام در سرتاسر این منطقه گسترش یافت.

اغلب پادشاهان «آچه» شیعه بودند و از تبلیغ اسلام در «سینانگ کابوئو» حمایت می کردند. نخستین دانشگاه اسلامی در شهر «باریامان» توسط «شیخ برهان الدین» (شیخ بزرگ) ساخته شد و بعضی از استادان آن از کشورهای خارجی می آمدند و در این دانشگاه تدریس می کردند.

نظریه دیگری در میان مورخان حکایت از آن دارد که عقاید شیعه توسط ارتش فاطمی مصر که به مدت دویست سال (۱۱۲۸ - ۱۳۳۹ م) در سینانگ کابائو حضور داشتند، ترویج شد و چون این ارتباط با مصر برقرار شده بود، بعدها مبلغان شافعی مذهب از مصر به مجمع الجزایر رفت و آمد زیادی داشتند تا جایی که در عصر کنونی نیز اغلب علمای برجسته اندونزی تحصیلکرده مصر و به ویژه الازهر هستند.

«پروفیسور حسین»، ملقب به «جایا دنیبرات»، استاد دانشگاه و مورخ نامدار اندونزی می گوید: «اسلام به دست شیعه» امامیه وارد اندونزی شد که آثار آن تاکنون در این کشور باقی مانده است. «استاد محمد اسد شهاب»، پژوهشگر و نویسنده شیعی مذهب اندونزی، در کتاب «تاریخ شیعه در اندونزی» به ذکر مراحل سه گانه تاریخ شیعه در این کشور می پردازد. او معتقد است مرحله اول از تاریخ شیعه با ورود مبلغان شیعه به این سرزمین در سده سوم هجری شروع شد و با حضور استعماری هلند در اواخر قرن دهم هجری پایان یافت. وی از این مرحله به عنوان دوران شکوه و عظمت شیعه در این سرزمین یاد می کند؛ دورانی که جامعه شیعه، جایگاه استوار و موجودیت پایداری داشت. به اعتقاد وی، مرحله دوم تاریخ شیعه در اندونزی از آغاز قرن یازدهم هجری شروع می شود و اواخر دهه سوم قرن چهاردهم به پایان می رسد. در این مرحله شیعیان به دلیل پایداری در برابر استعمارگران هلند، با انواع شکنجه و آزارها مواجه شدند. این آزارها سبب پراکنده شدن شیعیان، تغییر مذهب و از میان رفتن بسیاری از کتاب ها و



میراث های تاریخی شیعه شد. استاد اسد شهاب در تشریح مرحله سوم تاریخ شیعه در اندونزی، بر این باور است که این مرحله، از اوایل قرن چهاردهم هجری ادامه یافت. این مرحله که چهارده سال قبل از وقوع جنگ جهانی اول و همزمان با نهضت اسلامی «سید جمال الدین اسدآبادی» بود، روزنه تاریخی تازه ای برای تجدید حیات شیعه در کشور پدید آورد. بزرگانی از این مذهب، همانند «سید محمد بن احمد بن محضار»، «علی بن احمد شهاب»، «ابو مرتضی بن شهاب»، «طه بن احمد حداد»، «احمد بن شهاب»، «محمد عیدید»، «سید بن حسین ابن سهل» و شخصیت های دیگر توانستند با مراکز شیعی ارتباط برقرار کنند و از راه سخنرانی و نشر کتاب، در تجدید حیات مذهب شیعه همت گمارند.

از جمله برجسته ترین رجال و شخصیت های شیعه این سرزمین در ایام پیش از سلطه استعمار هلند می توان به این افراد اشاره کرد:

۱- مولانا ابراهیم، مشهور به مولانا ملک (متوفی ۸۲۲ ه.ق). وی در جاوه غربی یکی از اقطاب شیعه و مسلمان این کشور بوده است.

۲- مولانا هدایت الله، متوفی شهر چیربون در جاوه شرقی. پدر وی عبدالله، در کامبوج، هند و چین، از دنیا رفت.

۳- مولانا حسن الدین (متوفی ۹۵۹ ه.ق). وی در شهر باتتن در جاوه شرقی حضور داشته است.

۴- مولانا زین العابدین، متوفی شهر دماک در جاوه مرکزی است.

۵- مولانا محمد، ملقب به عین الیقین، متوفی جاوه شرقی که خاندان او، همه شیعه امامیه و منسوب به ابن عیسی بن الحسین بن الامام بطل الابطال علی بن ابی طالب (ع) بوده اند. بر قبور تمامی اینان بعد از بسم الله و آیاتی از قرآن مجید، کلمات «الله، محمد و علی» نوشته شده است. در ضمن عبدالله نامی، که نوه المستنصر، خلیفه عباسی بود، به دنبال هجوم مغول به بغداد، از این شهر گریخت و در اندونزی به شیعیان این سرزمین

پناهنده شد، قبر وی امروزه در شمال سوماترا هنوز پابرجاست. (۱) کم و بیش این معنا در کتب تاریخی باقی مانده از هجوم و غارت استعمارگران ثبت و ضبط شده است. پژوهشگرانی که در این زمینه دارای آثار و تالیفاتی هستند، عبارتند از:

۱- «اسماعیل مارکوفسکی» که اصالتاً آلمانی است. او که تا اوایل انقلاب اسلامی ایران در قم اقامت و مطالعه داشته است، به مالزی مهاجرت کرده و به عنوان استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه های آن کشور به تدریس اشتغال پیدا می کند. نامبرده به دلایل نامعلومی مجدداً تغییر دین داده و اکنون مسیحی است.

۲- مرحوم «سید اسد شهاب» که یکی از تالیفاتش (الشیعه فی اندونسیا) است.

۳- مورخ مشهور منطقه، پروفیسور «حسین چادیان ترات».

۴- تاریخ نگار فیلیپینی به نام «قیصر مجول».

۵- «پروفیسور هاشمی» که در آچه کتابی مستقل در مورد شیعه تالیف کرده است.

«مولانا ملک ابراهیم کاشانی»، «شمس الدین» و «مولانا مغربی سمرقندی» از علما و شخصیت های شیعه ایرانی بوده که از مفاخر کشور اندونزی به شمار می آیند. شخصیت دیگری به نام «علی نورالدین» که او نیز ایرانی و شیعه بوده است جایگاه بالایی در تاریخ اندونزی دارد و البته قبور اینان قدیمی ترین قبور مسلمانان در اندونزی است. همچنین «آگوست سونیوتو» در کتابش به این نکته اشاره دارد که ایرانی ها نیز جزو همین داعیان و پرچم داران اسلام در اندونزی هستند.

### نقش ایرانیان در گرایشات فکری تشیع

حسب اسنادی که موجود است و مستشرقین در مکتوبات خود نقش ایرانیان را در ایجاد تشیع تاریخی این سرزمین ستوده اند، چنین فهمیده می شود، در دوره ای ایران یکی از مراکز شناخته شده تجارت بین المللی بوده و نقش عمده ای در مناسبات تجاری بین المللی به ویژه در خاور دور و چین داشته که جاده ابریشم سند این مدعاست. جاده

۱- این قسمت برگرفته از مقاله مجله اخبار شیعیان، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، شماره ۶۶-۶۵.

ابریشم اصلی و شناخته شده همان راه های مواصلاتی خاکی است، لیکن مشابه آن، جاده ابریشم دیگری که از مسیر دریایی با خاور دور ارتباط داشته، وجود دارد که تجار و مهاجران، در این مسیر طولانی دریایی از ایران تا چین اغلب به خاطر شرایط نامساعد موسمی و تغییرات آب و هوایی، ناچار بودند در فواصل مختلف و کشورهای منطقه توقف های کوتاه یا طولانی داشته باشند. یکی از این توقفگاه ها جزیره ملاکای اندونزی بود. «تنگه ملاکا» که امروزه قریب شصت درصد انرژی و کالاهای تجاری بین المللی از این تنگه عبور می کند، به شدت مورد توجه غرب به ویژه آمریکایی ها قرار دارد. این تنگه در گذشته نیز اهمیت بسیار بالایی در منطقه داشته است. از این رو در سفری طولانی، برخی از کشتی های ایرانی در مسیر چین، به ناچار در تنگه ملاکا و جزیره سوماترا متوقف می شدند؛ در نتیجه فضای مناسبی برای تبلیغ اندیشه های شیعی پیدا می کردند. بعضا به سبب اقبال مردم در آن جا ماندگار شده، ازدواج کرده و حکومت های وقت نیز به خاطر ایده های تازه و خلاقیت و ابتکاری که ایرانیان در حوزه علم، تجارت و تمدن سازی، از خود بروز می دادند، به عنوان مدیر و کارگزار، جذب دولت خود می کردند. گواه این مدعا خدمات فرهنگی بسیاری از قبیل انتقال اشعار، حماسه ها، حکایت های فارسی ایرانی و شیعی و ترجمه آن در ادبیات مالایی است. اساسا قدیمی ترین مرکز آموزشی و آکادمیک اندونزی در بخش «آچه» از جزیره سوماترا به نام «شیعه کالا» است که یادگار مردمان دیلمان (مازندران) ایران است. «کالا» یک واژه مازندرانی و ایرانی است که به دهکده ها و بخش های ساحلی اطلاق می شود مانند «امیر کالا، رستم کالا و...». در سال های اخیر نام این دانشگاه عظیم را از شیعه کالا به شیخ کالا تغییر داده اند. فارغ التحصیلان این دانشگاه که مدارک تحصیلی آن ها مزین به عنوان شیعه کالا یونیورسیتی (shiah kala yniversity) است، هم اکنون در سراسر اندونزی پراکنده اند. عنوان «شیعه کالا» که اختصاص به محل اسکان و زندگی ایرانیان مهاجر داشته و سپس به مراکز آموزشی و علمی تبدیل شده است، منحصر به اندونزی نیست.

منطقه «آیوتای»

در کشور تایلند و منطقه شیعه کالا در شهر «مندلی» پایتخت قدیمی کشور برمه هنوز هم وجود دارد.

در چند سال اخیر، کتابی تحت عنوان «اطلس ولی سونگو» از سوی نهضت العلما نیز چاپ و منتشر شده است. «ولی سونگو» یکی از برجسته ترین داعیان نه گانه اسلام در این سرزمین بوده که لقب ولی به آن ها داده اند. اولیاء نه گانه نزد مردم این سرزمین از تقدس بالایی برخوردارند. این کتاب تاریخ مصور همراه نقشه های دقیق مسیر حرکت اولیاء نه گانه و گرایشات فکری، روحی و اخلاقی آن ها را به تصویر کشیده است. جالب این که در همین کتاب منتشر شده از سوی تشکیلات نهضت العلما آمده است که در اندونزی منطقه ای به نام «لر» وجود دارد که حاکی از حضور قوم «لر» ایران در آن منطقه بوده است! و جالب تر این که این قوم لر پس از مهاجرت از ایران به مجمع الجزایر اندونزی، با کفایت هایی که از خود بروز داده بودند، کارگزاران و حاکمان منطقه از آنان به عنوان مدیران و کارگزاران خود استفاده کرده بودند. چند واژه لری که تا هم اکنون در ادبیات مالایی وجود دارد، مثل (کپوله) یعنی «سر» که به زبان اندونزیایی (kapala) گفته می شود یادگار لرهای مهاجر به این سرزمین است.

به هر حال چه قائل باشیم که اساسا اسلام از طریق اعراب یا هندیان یا ایرانیان به این سرزمین رسیده، در این که اسلام با رنگ و بوی عرفانی و صوفیانه تشیع همراه بوده است شکی نیست و اینکه در این حوزه حتما نقش ایرانیان، سادات و ذریه های رسول خدا(ص) در گسترش و بسط اسلام در جنوب شرق آسیا حائز اهمیت خواهد بود. هر چند عده ای تلاش دارند که این باور را در جامعه القاء کنند که این میراث فرهنگی و تاریخی عرفانی و صوفیانه مربوط به حوزه دینی اهل سنت شافعی است، نه شیعیان عارف و صوفی مسلک اما قرابت کلان بین تصوف، عشق و علاقه وافر به خاندان پیامبر اکرم(ص) به ویژه مولای متقیان علی(ع) در این حوزه امری انکارناپذیر است. این نکته حائز اهمیت است که پرچم دار عمده تصوف در آسیا «منصور حلاج» بوده، او که خود سالیان درازی در شبه قاره هندوستان می زیسته اسماعیلی مذهب است نه سنی! از

سوی دیگر، خدمات فرهنگی و تمدنی فراوان پادشاهان شیعه مذهب مغول در شبه قاره و جنوب آسیا موجب جذب علمای برجسته عارف و صوفی مسلک شیعه از قبیل «میر سید علی همدانی»، «میر مومن استرآبادی» و... به این منطقه گردید. حضور همین عالمان فرهیخته که باعث خدمات بزرگی به تاریخ، دین، فرهنگ و ادب در این خطه از جغرافیا شدند، بر کسی پوشیده نیست. اساسا شعارها و نمادهای جریان تصوف، منور به نام امام حسن (ع)، امام حسین (ع) یا پنج تن آل عبا (ع) است. توجه جدی به توسل، ندورات، شفا جستن به نام این ذوات مقدسه، دعاهایی که خوانده یا به عنوان تعویض همراه خود دارند، اشتها گرگ گشایی دعای «نادعلی مظهر العجائب» حائز اهمیت است.

مرحوم «اسد شهاب» در کتاب خود «الشیعه فی اندونسیا» چنین آورده است: «یرجع تاریخ الشیعه فی اندونسیا، ببدء الدعوه الاسلامیه وبدخول الدعاه المسلمی الذین نشر والاسلام بهذه الجزر، ویرجع الباحثون من المورخین ان دخول الاسلام الی هذه الجزر، ببدء فی اوائل القرن الرابع للهجره، وهذا الترچیج بناء علی الانارالباقیه المتبقیه الی لاتزال موجوده الی الآن ویرجع تاریخ هذه الآثار الی القرن الرابع للهجره ومن هذه الآثار شواهد القبور.» یعنی «تاریخ شیعه در اندونزی برمی گردد به ابتدای ورود مسلمانان که برای دعوت مردم این جزایر به اسلام، آمده و با گرایش شیعه، اسلام را انتشار به تمام جزایر دادند. چنان که مورخان نوشته اند ورود اسلام به اوایل قرن چهارم هجری برمی گردد و این آثار که اسلام از قرن چهارم هجری و با گرایش شیعی به این مجمع الجزایر آمده است تاکنون باقی مانده است، از آن جمله به سنگ نوشته قبور شیعیان اولیه می توان اشاره کرد.»

در جای دیگر این کتاب باز چنین آمده است: «فی العصر العباسی العصر الذی انصب... آل البیت وشیعتهم احوال من المظالم الانسانیه اضطرالکثیر منهم ان یبحثوا عن اماکن یحفظون فیها ارواحهم وانفسهم واعراضهم، فیهاجرالبعض منهم الی البلدان کثیره، فاستوطنوها بعد ان شعروا بالطمأنینه والامان علی انفسهم فیها. لقد استقروا بها فاصبحوا من اهلها ومن بین اولئک الذین هاجروا فرارا من ظلم حکومه العباسیین علی الشیعه

بعض احفاد علی بن الامام جعفر الصادق(ع) وهم ابناء محمد بن علی ابنا حسن بن علی بن الامام جعفر الصادق(ع) هاجروا ليامنوا علی ارواحهم وعقائدهم... وعلی راس هوء الاء المهاجرین احمد بن عیسی بن محمد بن علی بن الامام جعفر الصادق(ع) ولاجل هذا عرف احمد بن عیسی (بلقب المهاجر) فی اندونسیا. فقد ذکر ذالك العلامة السید ابن عبیدالله السقاف و ذکر هذا ایضا: المورخ الاندونسی، السید محمد ضیاء شهاب فی تاریخه عن احمد بن عیسی المذكور.....(۱)

### خلاصه معانی این فراز

در عصر خلفای عباسی که عرصه زندگی بر شیعیان به ویژه در عراق تنگ شده بود، آنان برای حفظ اعتقادات، جان، مال و عرض خود، تصمیم به مهاجرت گرفتند و سعی می کردند به مناطقی مهاجرت کنند که اولاً از مقر حکومتی عباسیان دور باشد و ثانیاً اعتقادات، جان و اعراض آن ها، آن جا در امان باشد؛ لذا تعدادی از فرزندان و احفاد امام جعفر صادق(ع) به این جزایر مهاجرت کردند.

### احمد بن عیسی المهاجر

مردان بزرگی که پرچم دار ترویج اسلام در مجمع الجزایر اندونزی بودند، بسیار اندکند. لیکن از آن میان یکی از احفاد و فرزندان امام صادق(ع) که بلاشک شیعه بوده به نام «احمد بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر الصادق(ع)» معروف به «احمد بن عیسی المهاجر» که در سال ۳۱۳ هجری قمری وارد این سرزمین شده است. در پی ایشان سادات و تجار یمنی مسلمان که غالباً نیز پیرو مذهب اهل بیت(ع) بودند وارد این سرزمین شده، زمینه ترویج، تبلیغ و جذب مردم را به اسلام فراهم ساختند.

کتابی که به شکل مبسوط جریان مهاجرت، نقش و اهمیت احمد بن عیسی المهاجر را در منطقه جنوب شرق به رقم کشیده، کتابی است تحت عنوان «الامام المهاجر ماله

لنسبه وللائمه من اسلافه من الفضائل والمآثر» تالیف شخصی به نام «محمد ضیاء شهاب» در این کتاب اسناد مهم و منابع تاریخی خوبی در خصوص زندگی و احوالات احمد بن عیسی المهاجر، آورده شده است. «عیسی بن محمد بن علی العریضی»، پدر احمد که عالم برجسته دینی بود، به خاطر فشارهای زیاد جلای وطن شده، از آن رو که شهر بصره در جهان اسلام آن روز اشتهار به مرکزیت علم و تجارت و نخله های عرفانی و صوفیه داشت، از حضرموت یمن به بصره مهاجرت می کند. احمد در تاریخ ۲۴۱ یا ۲۶۱ هجری قمری در همان شهر بصره دیده به جهان می گشاید. عیسی بن محمد دارای چهار فرزند به نام های یحیی، احمد، حسن و حسین بود. یکی از فرزندانش به نام حسن به ایران مهاجرت کرد که بعداً نوادگان او در اصفهان، شیراز و قم پراکنده شدند. یحیی به آفریقا، حسین به رمله و احمد نیز به مجمع الجزایر اندونزی مهاجرت می کنند. بدین سان بین چهار برادر فاصله افتاد. دلایلی برای مهاجرت این سادات نقل کرده اند که از جمله به دلیل جایگاه علمی پدر و نوع تربیت فرزندان به منظور تبلیغ و نشر اسلام و در کنار تبلیغ اسلام، تجارت به خاطر امنیت مالی این جریان بوده است.

البته «پروفیسور ازیموردی عذرا» در قسمتی از مقاله خود می نویسد: «... علی رغم این گمنامی و دورافتادگی داعیان اسلام در اندونزی، «ذوکیلی» (۲۰۰۴، ۲۰۰۹ م) تاریخ نگار، ابراز می دارد تشکیل جامعه شیعه در اندونزی از اواخر سده ۱۹ ایجاد شد. این هنگام مصادف بود با مهاجرت «حضرمی های یمن» به مجمع الجزایر؛ بنابراین هسته های نخستین جامعه شیعه را حضرمی ها در این منطقه تشکیل دادند. بیش تر این افراد کسانی بودند که خون اهل بیت (ع) در رگ های آن ها جاری بود و به طور کلی مردان آن ها را حبیب «سید» و زنان آن ها را «شریفه» می نامیدند.»<sup>(۱)</sup>

«سنگ نوشته ها، آثار و قبور سلاطین مسلمان یا اولیاء نه گانه ای که پرچم داران هدایت مردم به اسلام بودند، تماماً سید و غالباً نسب شان به امام سجاد (ع) و امام حسین (ع) ختم می شود. آنان که سمبل مسلمانی مردم این سامان هستند، تماماً سند گویای

مدعای فوقند. خاندان های تاریخی شیعی و علوی معروفی که به اندونزی مهاجرت کرده و سالیان متمادی به مردم و کشور اندونزی خدمت کرده اند و هم اکنون نیز از اعتبار بالایی برخوردارند، عبارتند از: آل المحضار، آل یحیی، آل شهاب، آل جفری، آل حداد، آل سقاف و...»

برای درک صحیح ریشه های تاریخی و انگیزه های مهاجرت این قبیل سادات و ذریه های پیامبر اسلام(ص) به دیگر سرزمین ها، ضرورت دارد وقایع مربوط به نیمه قرن اول و دوم تا چهارم هجری مورد توجه قرار گیرد. طی این دوره که مربوط به اواخر خلافت بنی امیه و دوران خلافت عباسیان است، فرزندان و نوادگان پیامبر(ص) مخصوصا علویان، به دلیل مخالفت با سیاست ها و شیوه های مستبدانه حکومت داری حاکمان وقت، تحت سخت ترین فشارهای روحی و جسمی قرار داشتند که برای فرار از این تنگنا و تهدیدها و ادامه مبارزه براساس اعتقادی که داشتند، مجبور به مهاجرت به دیگر سرزمین ها و اماکن امن می شدند.

حضور سادات علوی و پیروان اهل بیت(ع) همراه با انجام مناسک و مراسم های خاص شیعه طی سالیان متمادی در اندونزی، موجب به وجود آمدن فرهنگی شده بود که علی رغم تحلیل و فرسایش مذهب تشیع، به دلایلی که هنوز برای ما خیلی روشن نیست، تاکنون این مراسم ها و بزرگداشت ها، روح شیعی خود را در این سرزمین حفظ کرده و این فرهنگ در مجمع الجزایر همچنان به حیات خود ادامه می دهد؛ علی رغم آن که مردم اندونزی و خیل شرکت کنندگان در این مراسم ها در حال حاضر شافعی مذهب هایی هستند که از اصل و منشاء این بزرگداشت ها بی اطلاعند. در این که مفاهیم ارزشی و تاریخی هر کدام از این مراسم ها، مربوط به فرهنگ شیعه است، جای هیچ تردیدی در تصدیق این موضوع باقی نمی گذارد. به هر حال این مراسم ها اکنون جزو فرهنگ مسلمانان اندونزیایی است و چهره ملی به خود گرفته است.

مرحوم اسد شهاب در جای دیگر کتاب خودش می گوید: «ان رمزالبطوله الاسلامیه باستشهاد مولانا الامام الحسین بن علی علیهما السلام فی شهر محرم، له حرمة ممتاز



مجلله لدى مسلمين اندونيسيا الى اليوم بوجه عام ويسمى شهر محرم وهذه الكلمة ربما تحرف عن كلمة عاشورا. وتطلق للماتم الحسينيه في جزيره (سوماترا) ذكرى الثابوت وفي يوم العاشر من المحرم... وامافى جزيره (جاوا) فلهذا اليوم المجلل تقدير خاص وعادات خاصه اذا طبخ الشوربا فقط على نوعين من اللون احمر وابيض ثم يجمع ويقسم الشوربا...»<sup>(۱)</sup>

يعنى: «رمز و دوام اسلام، شهادت امام حسين (ع) که در ماه محرم اتفاق افتاده است و این ماه نزد مسلمانان اندونزیایی تاکنون از حرمت ویژه ای برخوردار بوده است و این ایام را ایام ماتم الحسينی دانسته که در جزیره سوماترا جریان تابوت را دارند و در جزیره جاوه ایام عاشورا، غذایی طبخ می کنند به نام «شوربا» (که نامی ایرانی است) و این غذا فقط به دو رنگ قرمز و سفید طبخ می شود. پس از طبخ شوربا، همه جمع شده و این غذای نذری را تقسیم و توزیع می کنند.»

در صفحات دیگر این کتاب آمده است: «از قدیم الایام مردم اندونزی در ماه محرم مراسم عقد و ازدواج نداشته، بلکه تا پایان ماه صفر، ازدواج، خرید و سکونت در خانه نو یا شروع کارهای بزرگ صورت نمی دادند زیرا به علت نحوست این ایام از کارهای اساسی اجتناب می کردند که هنوز این معنی در اغلب مناطق سنی نشین رعایت می شود.»

چنان که در سطور بالا توضیح داده شد، حسب حضور ایرانیان، اعراب یا هندی های شیعه، بخشی از فرهنگ آنان با فرهنگ مردم اندونزی مخلوط و عجین شده است که مختصرا به هر کدام اشاره ای خواهد شد.

### جایگاه شیعه در اندونزی

گرچه در طول تاریخ و به صورت رسمی، به حضور شیعه و پیروان اهل بیت (ع) اشاره چندانی نشده است ولی حضور پررنگ فرهنگ شیعی که توسط اشخاص، علمای گمنام و تجار کمتر شناخته شده عرب، هندی و ایرانی، به این سرزمین انتقال داده شده است، به حدی اثرگذار بوده و مورد استقبال مردم قرار گرفته که تا این زمان، نمادها و

مجسمه‌هایی از آنان، به عنوان شخصیت و مفاخر ملی همراه باورهای مذهبی آنان، جزئی از فرهنگ مردم اندونزی شده است. به عنوان نمونه در شهر «بانگ کلو» از اول محرم یعنی دهه اول، حداقل ده شبانه روز متوالی، همه ساله مراسم و شبیه گردانی (تابوت) همانند نخل گردانی مردم یزد، برگزار می‌شود. این ایام تمام اوقات مردم بانگ کلو و برنامه‌های صدا و سیمای محلی را مراسم تابوت، پر می‌کند. در این ایام سه واژه (تابوت، امام حسین(ع)، کربلا) واژه‌هایی آشناست که بر سر زبان خرد و کلان، به صورت شعار تکرار می‌شود و این همان چیزی است که شیعیان شبه قاره همراه خود به اندونزی و این سرزمین آورده‌اند.

برای اثبات مطلب فوق به موارد ذیل توجه فرمایید.

### مراسمات تابوت در دیگر مناطق

۱- کسانی که با مردم و شیعیان شبه قاره هند و پاکستان، آشنایی دارند، می‌دانند هم اکنون نیز در شهرهای زیادی مانند دهلی، لکهنو، جونپور، حیدرآباد، امروهه، مرادآباد، بمبئی در هند و شهرهای مشابه در پاکستان، برمه و بنگلادش، زمین‌هایی به نام کربلا وجود دارد. در ایام محرم، شیعیان مراسم عزاداری خود را با نماد «تابوت» در مکانی به نام «کربلا» که اوج عزاداری و سوگواری آن‌ها محسوب می‌شود خاتمه می‌دهند که مراسم تابوت «بانگ کلو، پادانگ و پاریمان» متأثر از مراسم مشابه در شبه قاره است. اگرچه متأسفانه امروزه مراسم تابوت و محرم در منطقه «بانگ کولو یا پاریمان» بیش تر شبیه کارناوال‌های فرهنگی متداول در اغلب کشورهای غیرمسلمان شده است و متأسفانه مردم به خاطر اطلاعات اندکی که در این ایام از امام حسین(ع) و حادثه کربلا دارند، نماد «تابوت» را روی سر و شانه‌های خود حمل کرده، همراه با نواختن آلات موسیقی و رقص و پایکوبی با تکرار نام مبارک امام حسین(ع) و کربلا، انجام می‌دهند و با کمال تأسف، از میان این خیل جمعیت، کمتر کسی یافت می‌شود از فلسفه و ریشه تاریخی این مراسم آگاهی داشته باشد!!!

چه اتفاقاتی افتاده است که آن مراسم های سوگواری و عزاداری محرم و صمد در صد شیعی، در اندونزی دستخوش چنین تغییراتی گردیده و تبدیل به مراسم فرهنگی و ملی مردم اندونزی شده است، جای بررسی مستقلی دارد.

«پروفسور ازبومردی عذرا» در همان مقاله خود می نویسد: «... مدعیان در ایش شیعه در مجمع الجزایر اندونزی افزون بر مطرح کردن ادعاهایی که پیش تر از آن سخن رفت، ابراز می دارند شیعه در برخی از مناسک مذهبی اهل تسنن راه یافته است. نمونه ای که بسیار از آن یاد می شود می توان به «عاشورا» اشاره کرد. مراسمی که در برخی از مناطق مجمع الجزایر در پاسداشت شهادت حسین بن علی (ع) به دست یزید بن معاویه که در روز دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری اتفاق افتاده است، اجرا می شود.»

۲- در آنچه این پاسداشت را با بیان ماه «آسن اوسین»؛ یعنی ماه (حسن و حسین(ع)) و در سوماترای شرقی، ماه «تابوت» و در جاوه، ماه «سورا» ماه عاشورا، گرامی می دارند. در این پاسداشت خانواده های آنچه غذای مخصوصی می پزند که به «کنجی عاشورا» معروف است. این غذا متشکل از شیرین پلو، بادام زمینی، لوییا، شیر نارگیل و شکر است که در مکانی به نام «موناساه» که مکانی مخصوص طبخ غذای مراسم مذهبی است، پخته می شود. مردمان آنچه اعتقاد دارند که ماه عاشورا ماه خطیری است زیرا که حادثه کربلا در آن اتفاق افتاده است.

در مناطق دیگر مجمع الجزایر اندونزی، روز دهم محرم را روز «شوم» می نامند. در این روز برخی فعالیت های روزمره، به مانند ازدواج، ختنه پسران، کشاورزی و جابجایی محل سکونت، انجام نمی گیرد. آن ها بر این باورند که اگر این کارها انجام شود، آن خانواده به شوربختی گرفتار می شوند. (۱)

---

۱- شیعه در جنوب شرق آسیا، به سوی ایجاد روابط حسنه و همکاری.

## رنگ و بوی هندی در شکل و شمایل مراسم تابوت

همان گونه که در اغلب شهرهای شیعه نشین کشورهای هندوستان، پاکستان، بنگلادش و برمه، از دیرباز زمینه ای خاص با نام کربلا وجود داشته و دارد که در برخی از این شهرها قسمتی و در برخی دیگر اوج عزاداری ماه محرم شیعیان، در این نقطه صورت می گیرد؛ در جزیره «لوبوک»، «بانگ کلو» و «پاریامان» نیز چنین مکانی با نام کربلا وجود دارد که بی تردید این مراسم و این فرهنگ، سوغات مسلمانان و شیعیان هندی است که همراه خود به این سرزمین آورده اند و از قدیم الایام تاکنون این نوع مراسم ها در شهرهای پاریامان، بانگ کولو، آچه و جزیره لوبوک و شاید اماکن دیگری که ما اطلاع نداریم، انجام می پذیرد. دو شهر «پاریامان و بانگ کلو» که پررنگ تر از اماکن دیگر این مراسم را برگزار می کنند، با فاصله هایی در سواحل شرقی «سوماترا» واقع شده اند. در شهر «پاریامان» تابوت نمادین به صورت کشتی خاصی طراحی شده است که مردم این شهر، برای گرامیداشت یاد امام حسین (ع) روی سر در خیابان های شهر حمل می کنند. طی این مراسم کشتی یا این تابوت نمادین که جلوی آن به صورت سراسب با چهره زنی که با بال هایی زیبا و بزرگی مزین و آراسته شده است، همراه تابوت های کوچک تری که هنرمندانه و زیبا تزئین گردیده و چتری روی هر کدام نصب کرده اند، سوگواران مراسم را بعضا با آلات موسیقی خاصی که از چوب بامبو، خمره های مسی، سفالی، طبل و آلات دیگر است، همراهی می کنند. (۱)

پروفسور عدرا می گوید: «نیازی نیست که درباره چند و چون این مراسم در این جستار سخنی به میان آید اما آنچه مسلم است این است که مراسم تابوت برای نخستین بار توسط مسلمانان همان منطقه به «پاریامان» و «بانگ کلو» معرفی نشده است بلکه توسط برخی «سپوی» ها که اتفاقا شیعه بودند، به مردم این منطقه شناسانده شد.»

«سپوی»ها سربازانی از گجرات و دهلی هند بودند که به همراه «سر استند فورد فافل» به سواحل باختری سوماترا در سال های ۱۷۹۰ تا ۱۸۲۴ میلادی، آمده بودند و این مراسم در آنجا شکل گرفته است. (۱)

### رنگ و بوی عربی

در مناطقی دیگر با تاثیرپذیری از فرهنگ عربی، سادات که در اندونزی به (حباب) معروفند، در مراسم های محرم، علما و بزرگان آن منطقه (شال سبز) حمایل کرده، با تاثیراتی از تصوف، حلقه های ذکر تشکیل داده، اشعار و اذکاری در منقبت رسول الله (ص) و اهل بیت (ع) شبیه به ابتهال خوانی های متداول، بند به بند، بر محمد (ص) و آتش درود و صلوات می فرستند. در این میان قصیده های عربی و ترجیح بندهای بسیار زیبایی که سراسر مشئون از حب اهل البیت (ع) می باشد، زینت بخش مجالس و محافل ایام عاشورا است.

### رنگ و بوی ایرانی

در ناحیه ای مثل آنچه که ایرانی ها حضور داشته اند مسلمانان آن منطقه در چند صف روی دو زانو نشسته و همراه آلات موسیقی، چیزی شبیه نوحه می خوانند و به سینه می زنند. اگرچه امروزه نیز این سینه زنی با برخی حرکات موزون از آن حالت حزن و اندوه خود خارج شده و رفته رفته به صورت یک حرکت فرهنگی ملی در آمده است، لیکن پیرترهای منطقه آنچه که از این تغییرات ناخرسندند، همان مراسم سنتی اصلی را به دور از تبلیغات و هیاهوی ملی انجام می دهند و چنان که قبلا گفته شد، نذوراتی نیز دارند. زن های اندونزی علی رغم کم توجهی به پخت و پز و کم رونقی آشپزخانه های منازل که از فرهنگ غذایی منطقه نشأت گرفته است، با همان شور و هیجان ایران و ایرانی، در

پختن غذای نذری و توزیع آن بین مردم دوش به دوش مردان فعالانه مشارکت کرده، در تدارک و مراحل طبخ این غذا از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند.

### اسناد شیعه در اندونزی

در هر منطقه، قبری از قبور بزرگان «السابقون» مبلغان اسلام، سادات برجسته، کسانی که طلایه داران دین و دین داری و پیش قراولان گسترش اسلام بوده اند، وجود دارد که به برخی از آن ها با عنوان محلی (ولی یا اولیاء) تعبیر شده است. این قبور به شدت مورد احترام مردم بوده و محل زیارت همگان حتی غیرمسلمانان است. برای صاحبان برخی از این مقامات و قبور، چیزی شبیه زیارت نامه های امام زادگان لازم التعظیم در ایران و کشورهای دیگر انشاء کرده اند که زائران به صورت جمعی و انفرادی این زیارت نامه ها را می خوانند. در این میان، بزرگان نه گانه از ویژگی های بالاتری برخوردارند که به اولیا نه گانه در اندونزی مشهورند.

در بین قبور بزرگان شیعه و سنی اعم از سادات و علما، زیارت نامه هایی همانند زیارت نامه های امام زادگان صحیح السند، با واژه های (السلام علیک یا علی بن ابی طالب) شروع می شود و به حضرت زهرا(س)، امام حسن(ع)، امام حسین(ع) و دیگر ائمه معصومان(ع) می رسد که این ها همه شواهد آموزه های شیعی است.

نکته جالب تر این که «سلطان حسن الدین» از سرداران دوره مبارزه با استعمار در قرن بیستم است که در استان بانتن اندونزی مدفون است. در مقبره او زیارت نامه ای تعبیه شده است که از حضرت علی(ع) تا امام هشتم علی بن موسی الرضا(ع) به شکل دقیق و واضح آورده شده است. این مطلب دلالت بر این دارد که فرهنگ استمرار شیعی بر محور امامت در این سرزمین افتان و خیزان همچنان جاری است.

همان گونه که علمای برجسته و صاحب سبک، پس از حصول اطمینان از فراگیری آموزش های ویژه و تربیتی خاص، برای شاگردان خاص خود اجازه نقل حدیث صادر می کنند، هم اکنون نیز تعدادی از علمای برجسته شافعی مذهب اندونزی که دارای

حوزه های علمیه بزرگی هستند، پس از گذراندن دوره هایی به شاگردان خود اجازه قرائت «جوشن کبیر» می دهند.

یکی از اولیای نُه گانه به نام «ولی سونگو» که از اولین داعیان اسلام در مجمع الجزایر هستند، قبرشان در جاوه و در حومه شهر سمارانگ قرار داشته، محل زیارت مسلمانان اندونزی است که گروه گروه مردم به صورت انفرادی و دسته جمعی به زیارت این قبر مبادرت می ورزند. در مقبره او کتابچه های مخصوصی، حاوی زیارت نامه و دعاهای متنوعی است که در قسمتی از آن، دعای مخصوص نیمه شعبان (اللهم بحق لیلیتنا ومولودها...) که در کتاب مفاتیح الجنان هم ذکر شده، آمده است. وجود و ثبت و نهادینه کردن این دعا دو احتمال را در پی دارد: یا به سابقه اعتقادی این قوم به مذهب شیعه ختم می شود یا این که، عالمی صاحب نفوذ با اعتقادات شیعی در گذشته توانسته این دعاها و فرهنگ اعتقادی پیروان اهل بیت (ع) را در میان اهل سنت اندونزی به خوبی جا بیندازد تا به صورت فرهنگ و یک سند دینی باقی بماند.

مواردی که گفته شد، هیچ کدام، با آموزه های اهل سنت سازگاری ندارد و این نشانه ها به روشنی دلالت می کند که اسلام اندونزی در قدیم، اسلام شیعی بوده است. در «آچه» که به کانون قیام مردمی علیه استعمارگران در اندونزی شهرت دارد، دو قهرمان تاریخی یک مرد به نام «teku umar» و یک زن مجاهده به نام «cut nadin» قیام مردم را رهبری می کرده اند. این قول کاملاً مشهور است که آنان برای تقویت روحیه و توسل و ارتباط معنوی با یک نیروی ماورایی به فرماندهان و سربازان خود تعویدهایی اعطا می کردند و به آن ها سفارش می کردند قبل از عملیات نظامی، حتماً آن دعا را بخوانند تا بر دشمن غلبه پیدا کنند. آن تعویذ یا دعا همان دعای مشهور «ناد علیاً مظهر العجایب» بود. هنوز افرادی در آچه و دیگر مناطق هستند که کاغذ فرسوده آن دعا را به یادگار از اجداد خود به صورت کامل یا ناقص نگهداری می کنند. دقیقاً همین داستان راجع به پادشاه «جوگ جا کارتا» به نام «diponegoro» گفته می شود که در زمان مبارزات استقلال از دعا و تعویذ «ناد علی» استفاده می کرده است.

اگر این فرضیه درست باشد که اسلام با سابقه شیعی وارد این سرزمین شده باشد، حال چه اتفاقاتی در تاریخ رخ داده که پس از مدتی نه چندان دور، مردم این دیار تغییر مذهب داده و اکنون همه سنی و پیرو مذهب شافعی شده اند؟ حتما قابل بررسی است و در یک تحقیق جامع، در این مورد و شیعه معاصر در اندونزی هر کدام جداگانه، محتاج پژوهشی مستقل است؛ البته برخی فعالیت های تحقیقاتی تاکنون توسط عناصر تحصیلکرده بومی و غیربومی انجام گرفته است، برای مثال به نشریه دانشگاهی اندونزیایی «علوم القرآن» می توان اشاره کرد که یک شماره را اختصاص به این موضوع داده بودند و دانشمندان اندونزیایی و بین المللی در تهیه آن مشارکت داشتند.

به هر حال آن چه قابل تامل است این که از یک سو فاصله بسیار زیاد، عدم ارتباطات موصلاتی و راه های خشکی و زمینی، عدم امکانات کافی و اقیانوس پیام هایی طاقت فرسا، هجوم استعمارگران غربی و سقوط پادشاهان و حاکمان محلی شیعه مذهب یا حداقل حامی مذهب تشیع و مواردی از این دست، موجب تضعیف بنیه های دینی و مذهبی مردم این دیار گردیده، این عوامل موجب شد تا ارتباط مردم جزایر نشین اندونزی با کانون های اصلی جهان اسلام قطع و غنای معارفی و اعتقادی این مردم رو به تحلیل و اضمحلال برود. چنان چه اسناد و کتب تاریخی نشان می دهد، در این میان، حریت و استقلال خواهی که در عمق فرهنگ شیعی بوده و هست، موجب ناامنی حضور و استیلای استعمارگران گردیده بود؛ لذا استعمارگران با شناخت و درک درست این کانون توفنده، سال های سال در تضعیف و تحلیل مذهب شیعه از هیچ کوششی دریغ نورزیدند و همین امر به مرور زمان موجب تضعیف مسلمانان و تحلیل و فراموشی هویت مذهبی شیعه در اندونزی گردید. با شناخت نوع اندیشه، حریت، باورهای دینی و اعتقاد مردم، استعمارگران کلیه راه های اتصال آنان با مراکز تاثیرگذار جهان اسلام و تشیع را مسدود کرده، صرفا به خاطر پاسخگویی به برخی نیازهای مذهبی مردم، اجازه و هدایت ارتباط محدود با کشورهای عربی و آفریقایی مسلمان را که آموزه های شیعه و معارف اهل بیت(ع) در حوزه های آموزشی آنان نبود، به آن ها داده بودند.



طبیعی است که هیچ کدام از این کشورها در کانون معارفی اسلام عموماً و به شیعه خصوصاً قرار نداشتند. قهراً تعالیم دینی مذهبی با چند دست و چند واسطه به مردم این سامان می رسید؛ لذا چنین شد که نسل های بعدی، از مذهب آبا و اجدادی خود آرام آرام، فاصله گرفتند. فضای سیاسی و حاکمیتی اندونزی حتی در قرن بیستم، فضای گریز از مذهب و دین بود و این سند مدعی قانون اساسی کشور است که با وجود نود و هشت درصد مردم مسلمان، دین رسمی کشور، اسلام معرفی نشد! لذا در این دوره شیعه که در اقلیت مضاعف بود و دوره اختفای خود را طی می کرد به سبب فشار و جو سنگینی که اهل سنت به وجود آورده بودند، همچنین به دلیل نگرانی از دست دادن جایگاه یا حذف شدن از اجتماع تقیه کرده، جرأت ابراز مناسک خود را نداشتند. نسل اول تقلید کردند لیکن نسل های بعدی که در جامعه کاملاً سنی مذهب، آموزش و مراودات داشتند هویت خود را از دست داده، آرام آرام سنی شدند. این اواخر در زمان سوهارتو که یک حکومت بسته نظامی داشت و با هر گونه فعالیت های سیاسی، فکری و فرهنگی مبارزه می کرد، تعداد اندکی از سادات و شیعیان باقی مانده بودند که مناسک دینی خود را با احتیاط کامل در خانه ها و مخفیانه انجام می دادند. ازدواج فرزندان آن ها با خانواده های سنی هنوز هم متداول است و تقیه پشت تقیه نسل های بعدی را به سوی دین اکثریت سوق می دهد.

### کمیت شیعیان

اگرچه آمار درستی از حضور شیعه قبل از انقلاب اسلامی ایران در اندونزی وجود ندارد اما هستند تعداد انگشت شماری که تمام عمر خود را با تقیه گذرانده اند. برخی از این افراد، به خاطر عدم امنیت و خوف از دست دادن جایگاه و پایگاه شغلی، معیشتی و... با اینکه شیعه بودند ولی به طریقه اهل سنت عمل می کردند و همین ها هستند که به عنوان بستر ساز و زمینه سازان شیعه نوین در اندونزی شناخته می شوند.

«پروفسور عذرا» می گوید: «در مورد حضور شیعه در سده های اخیر یعنی از اواخر سده ۱۹ تا دهه ۱۹۸۰ میلادی، افراد شاخصی با عنوان شیعه در عرصه فرهنگی و مذهبی اندونزی شناخته شده اند که جملگی از خاندان «سید محمد بن احمد المحضار» هستند. وی که عمرشان به بیست و چهار سال بیشتر نمی رسید، از حضرموت به شهر بوگور در چهل و پنج کیلومتری شهر جاکاتا مهاجرت کرده و سکنی گزیدند. نامبرده «جمعیت خیرین» را در سال ۱۹۰۸ میلادی، پایه نهاد. از دیگر علمای این خاندان می توان به «سید علی بن احمد شهاب» (۱۸۶۵ - ۱۹۴۴ م) اشاره کرد که وی نیز بانی جمعیت الخیریه بودند که بعدها به ریاست این مجمع خیریه نائل گردیدند. همچنین «سید عقیل ابن زین العابدین الجعفری» (۱۸۷۰ - ۱۹۵۲ م) نیز از دانشمندان این گروه بودند که تحصیلات خود را در مکه مکرمه به اتمام رسانده و در موعظه و نوشتن آثار اسلامی بسیار پرکار بود. این سه تن همواره به عنوان بزرگ ترین و مهم ترین علمای شیعه متاخر که خدمات بسیاری در گسترش و تبلیغ شیعه در اندونزی داشتند، معرفی شده اند.»<sup>(۱)</sup>

### احیای مجدد شیعه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نگاه جهانیان یکبار دیگر به اسلام، فرهنگ تشیع و مکتب اهل بیت (ع) معطوف شد. دشمنان برای شکستن این قدرت فکری و معنوی و دوستان و هواداران برای الهام گیری و پیروی از الگوی حرکت انقلابی و فرهنگی به ام القرای این فرهنگ ناب و تاریخ ساز ایران چشم دوختند. در اندونزی برای بسیاری از افراد این سوال پیش آمده بود که شیعه چیست؟ تشیع چه ویژگی هایی دارد که توانسته چنین انقلابی را به وجود آورد؟ بر این اساس مطالعات در حوزه شیعه شناسی توسط روشنفکران آغاز شد. تعدادی از دانشجویان اندونزیایی که در آمریکا و اروپا تحصیل می کردند به خاطر ارتباط با دانشجویان ایرانی شیفته انقلاب اسلامی و انقلابیون

شده، آشنایی بهتری با انقلاب اسلامی پیدا کرده بودند. تعدادی از روشنفکران داخل مثل «دکتر امین»، «پرفسور آزماوردی عذرا»، «دکتر نورخالص»، «جلال الدین رحمت» و ... جذب فضای انقلاب اسلامی شده، این افراد دست به ترجمه و انتشار کتاب ها و بیانیه های امام خمینی (ره)، مکتوبات شهید مطهری، دکتر شریعتی زدند که سرآغاز حرکت نوین شیعه در اندونزی شد. تمایل اخیر به احیای مجدد شیعه با ورود اندیشه های مکتوب امام خمینی (ره)، استاد شهید مرتضی مطهری، شهید آیت الله صدر و دکتر شریعتی، ابتدا در دانشگاه ها و دانشکده های اسلامی اندونزی شروع شد. پیامد آن نوارهای سخنرانی، فیلم ها، محصولات سمعی و بصری اوایل انقلاب اسلامی، با جاذبه ای بالا موجب جذب دانشجویان و روشنفکران شده که منجر به ارتباط و تعامل نخبگان دو کشور گردید. سرعت این روند با پذیرش مهاجرت و تحصیل ده ها نفر از جوانان مسلمان اندونزیایی که جذب حوزه علمیه قم شده بودند، افزایش پیدا کرده، جریان فکری شیعه در اندونزی وارد مرحله جدیدی شد. طلاب جوان و تحصیلکرده حوزه مقدس قم به مرور فارغ التحصیل شده و به کشورشان مراجعت کردند. با مراجعت و فعالیت های طلاب جوان و با انگیزه، ده ها مرکز و موسسات فرهنگی ایجاد شد. با بهره گیری از فرهنگ دینی مردم اندونزی که اهمیت فوق العاده ای برای مجالس تعلیم دین قائلند، جلسات متعدد مذهبی مربوط به پیروان اهل بیت (ع) در اغلب شهرها حتی خانه های پیروان اهل بیت، ایجاد گردید و روز به روز بر آمار و تعداد شیعیان نوین اضافه شد. «کریستوف ماریکینوسکی» معتقد است تمایل اخیر به احیای شیعه در اندونزی، مربوط است به اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی که به شدت تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، قرار گرفته بودند، همچنان که این موج، همه جهان اسلام را در بر گرفته بود. (۱)

## کیفیت و کمیت آماری شیعه در اندونزی

اگرچه تاکنون آمار رسمی و درستی در ارتباط با شیعیان اندونزی منتشر نشده است، لیکن به طور قطع و یقین تعداد شیعیان اندونزی از همه کشورهای منطقه جنوب شرق آسیا بالاتر است. چند سال قبل نشریه اینترنتی «آسیا تایمز هنگک کنگ» مقاله ای در خصوص «حضرت آیت الله سیستانی» که در عراق ساکن هستند، در ۳۱ اوت ۲۰۰۵ میلادی، منتشر کرد. طی آن مقاله، تعداد شیعیان جنوب شرق آسیا را بین سه تا چهار میلیون نفر دانسته، وزارت خارجه آمریکا نیز به نحوی این آمار را تایید کرده و در گزارش سالانه مربوط به آزادی مذهبی طی همان سال اعلام کرده است که در این منطقه بین یک تا سه میلیون پیرو شیعه ساکن هستند.

«کریستوف ماریکینوسکی» می گوید: «هم اکنون نیز شیعیان جنوب شرقی آسیا با این که در میان جوامع مسلمانان کشور خویش در اقلیت هستند، معمولاً در برخورد با مسائل اجتماعی اطراف خویش، به صورت بازتر و آزادتری عمل می کنند و این خود نویدی است به روند رو به رشد شیعه در اندونزی. بر این اساس فهم مناسب تر اسلام شیعی می تواند در رسیدن به تصویری متفاوت از اسلام در جنوب شرقی آسیا مفید باشد.»

ایشان معتقد است که زندگی و آموزش شیعیان در اندونزی به حد بالای خود رسیده است. چندین سازمان شیعی در بخش آموزشی در کشور فعالند که هم اکنون با شتاب بیش تری در حال رشد و شکوفایی هستند. نامبرده به بعضی از این سازمان ها اشاره می کند که عبارتند از: موسسه «S.M.S»، موسسه مطهری، موسسه الجواد، موسسه فاطمیه، کالج اسلامی ICAS و مرکز اسلامی فرهنگی ICC و... سپس ایشان آمار پنجاه و نه موسسه انتشاراتی شیعه یا حامی شیعه را ارائه می دهد که تاکنون موفق به چاپ صدها جلد کتاب با ادبیات و معارف شیعی به زبان مالایی شده اند. وی می گوید: «از آن جا که آثار مکتوب چاپ شده به زبان مالایی در مالزی محدود بوده و از سوی دیگر قرابت چندانی با مذهب شیعه ندارند، به همین دلیل آثاری که در اندونزی چاپ و منتشر می شود، به عنوان منبع اصلی جهت مراجعه مسلمانان مالایی زبان مالزی، سنگاپور و

کشورهای دیگر نیز محسوب می شود. سازمان های شیعی اندونزی به دلیل گستره فراوان توزیع ادبیات شیعه در اینترنت نیز از اهمیت ویژه ای برخوردارند. شیعیان اندونزی اغلب از مطالعات خوبی برخوردار بوده، بعضا فارغ التحصیل دانشگاه های معتبر هستند اما با توجه به گستردگی کشور اندونزی و این که شیعه اقلیتی نوپاست، تاثیرات این گروه بر سایر جوامع مسلمانان نیازمند زمان و بررسی بیش تر است.»<sup>(۱)</sup>

### فرصت

پس از دوران دیکتاتوری سوهارتو و فضای مناسب تر سیاسی در اندونزی فشارها علیه شیعه کمتر شده و به نظر می رسد شیعیان این کشور از وضعیت کلی به وجود آمده در خصوص آزادی های سیاسی و اجتماعی، بیش تر بتوانند بهره ببرند. اگرچه میزان بهره برداری از این فضا در آینده مشخص خواهد شد، لیکن شیعیان به خاطر سرمایه بزرگی چون غنای معارفی و ظرفیت و جذابیت ذاتی مذهب شیعه، هم اکنون در تبادل فعال روشنفکرانه با سایر مردم اندونزی شرکت می جویند. در این حوزه نیز شیعه نوپای اندونزی نسبت به جمعیت خود در میان مسلمانان کشور، تاکنون موفق بوده است. امروز علاقه مندان و مشتاقان مطالعه معارف و آثار بزرگان شیعه در مراکز علمی و دانشگاهی کم نیستند زیرا شیعه با داشتن منابع غنی و منحصر، بهترین پاسخگوی نیازهای فطری، اعتقادی، فکری جوانان و جویندگان حقیقت در این سرزمین است.

خوشبختانه در اغلب جزایر و استان ها حتی شهرستان ها، شیعه و پیروان اهل بیت (ع) با دارا بودن مراکز، مدارس و موسسات هر چند کوچک و محدود که پایگاه نشر و ترویج فرهنگ شیعی است، موجب حرکت سریع این نحله فکری اعتقادی شده اند. هم اکنون رشد جریان شیعه در اندونزی رشد مناسبی ارزیابی می شود. در حال حاضر اگرچه نهادهای رسمی شیعه، از کمیت شیعیان و پیروان اهل بیت آمار و رقم دقیقی در دست ندارند ولی جمعیت شیعیان در اندونزی، حدود دو میلیون نفر تخمین زده می شوند.

فرصت مغتنمی که امروزه در اختیار شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت (ع) به واسطه عکس العمل، مخالفت ها، حساسیت ها و هماهنگی مسلمانان و غیرمسلمانان در پنهان کردن نقاط قوت، طرد و محدود کردن تفکر و اندیشه های شیعه در سطح جهان صورت گرفته و می گیرد، موجب آن شده تا صاحبان اندیشه و جویندگان حقیقت در پی کشف حقایق این مذهب برآیند. هر قدر انسان ها به مکتب پویا و جهان شمول شیعه نزدیک تر شوند، حقایق تازه تری برای آن ها کشف، تشنگی و اصرار آنان به افشای حقایق بیش تر می گردد.

امروز صاحبان اندیشه آزاد، تداوم اسلام ناب محمدی را تنها در نظام تعریف شده شیعه می دانند که برای همه زمان ها و همه اقالیم ظرفیت هدایت و مدیریت دینی انسان ها را دارد و این پدیده ای بی سابقه و کم نظیر است! برخورد مناسب و بهره برداری به موقع از این فرصت می تواند شیعه را در صدر اندیشه های مذهبی جهان نشانده و الگویی مطلوب در پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی جوامع بشری باشد؛ چراکه ما اعتقاد داریم، اسلام دینی است جهانی و ابدی که تمامیت این دین را در مکتب پویا و پر تحرکی به نام شیعه با پشتوانه غنی و منحصر آن باید جستجو کرد. تنها این مذهب است که تبلور واقعی این دین ابدی بوده و ظرفیت طرح مدیریت جهانی را دارد.

### تهدید

از سال ۱۹۸۰ میلادی به این طرف که اندیشه های علما و بزرگان شیعه ایران به این سرزمین رسید و عده ای از جویندگان حقیقت و تشنگان واقعیت را جذب خود کرد، استکبار جهانی با مباشرت مرتجعان عرب و وارثان اندیشه سلفی و وهابیت، در پی چاره برآمدند. ضمن معرفی شیعه به عنوان پدیده ای سیاسی به ویژه بعد از انقلاب اسلامی ایران، زلف آن را با اندیشه های سیاسی امام خمینی (ره) گره زده، این مذهب را فاقد ریشه های تاریخی معرفی می کنند. آن ها با اختصاص رقم قابل توجهی، سهمیه و بورس تحصیلی، تدوین و نشر برخی کتاب ها و مجلات، لجن پراکنی در فضای اطلاع رسانی،

صرف هزینه های هنگفت و استفاده از عناصر بی هویت و معلوم الحال در تبلیغات محلی، همواره سعی کرده به مردم منطقه چنین القاء کنند که شیعه تهدیدی عمده برای جهان اسلام خواهد بود. در این راستا، ده ها کتاب و جزوه ضد شیعه که در آن ها شیعه را به عنوان اختراع یهودیان، تحریف قرآن شیعی، عدم اعتقاد به قرآن واقعی اسلام و سنت نبوی، سب صحابه، مشرک، فریبکار و بدعت گذار، معرفی کرده و کتاب هایی از این دست را به زبان مالایو، چاپ و در سطح گسترده ای توزیع کرده اند که این نیز خود دلیل دیگری از احساس خطر مخالفان از روند رو به رشد شیعه در اندونزی است.

### وهابیت در اندونزی

این که وهابیت از چه تاریخی در کشور اندونزی حضور پیدا کرده و فعال شده اند خیلی روشن نیست اما آن چه شهرت دارد، به قرار ذیل است:

الف: حرکت سلفی گری در اندونزی از زمان استعمار هلند آغاز شده است. با مراجعت فارغ التحصیلان اندونزیایی از کشورهای حاشیه خلیج فارس و عمدتاً از کشورهای عربستان سعودی، مصر و اردن، اندیشه های وهابی و سلفی به این سرزمین راه یافت. اولین سازمانی که با این طرز تفکر در اندونزی شکل گرفت، «نهضت بادی» بود که توسط فردی به نام «نان طوا» در سال ۱۷۸۴ - ۱۸۰۳ میلادی، در شهر «آمپانگ آنکک چانداگ» به وجود آمد. (۱)

ب: سازمان رابطه العالم الاسلامی از طرف عربستان سعودی تقریباً در سال ۱۹۶۹ میلادی، دفتر خود را رسماً در جاکارتا افتتاح کرد.

ج: در سال ۱۹۷۰ میلادی بود که کشور عربستان با چند موسسه که گرایش سلفی داشتند، ارتباط برقرار کرد. علی رغم این که مسلمانان اندونزی شافعی مذهب هستند، تلاش کردند تا بخشی از فقه حنبلی را وارد مراکز آموزشی این کشور کنند. آثار این

حرکت را امروز در برخی مدارس علمیه بخصوص در جاوه شرقی و جزیره سولاوسی، کاملاً می توان مشاهده کرد.

د: یکی دیگر از مراکز وابسته به وهابیت، سازمان بین المللی اعانات اسلامی است که از سال ۱۹۷۸ میلادی در اندونزی فعال شده است.

ه: از عمده ترین مراکز نشر اندیشه های سلفی و وهابی، به موسسه دانش اسلامی و عربی «ipiaLa» می توان اشاره کرد. این موسسه به جهت ارتباطات و پشتیبانی مادی و معنوی مراکز آموزشی و علمی همسو با جریان وهابیت به وجود آمده است. مراکز مشهور و بزرگی که با این موسسه ارتباط نزدیک دارند، عبارتند از: حوزه «علمیه الارشاد» در شهر سمارانگ، حوزه علمیه «احیاء السنه» در شهر تاسیک مالایا، و حوزه علمیه سلفی «المعهد» در شهر بکاسی.

افزون بر این موارد شورای تبلیغی اندونزی «ddi» که به منظور پشتیبانی و حمایت فارغ التحصیلان دانشگاه پادشاهی «محمد بن آل سعود» از عربستان سعودی ایجاد شده، شعبه محلی اندونزیایی آن (lpba) نام داشت که بعدها به نام موسسه دانش اسلامی و عربی (lipia) تغییر نام پیدا کرد. این موسسه هم اکنون هزاران دانش آموخته عربستان و شعبه اندونزیایی آن را تحت پوشش دارد.

دانشگاه «محمد بن سعود» در شهر جاکارتا و در منطقه «PELATEN» سال ها است که در صحنه آموزش فعال بوده و در حال حاضر فارغ التحصیلان این دانشگاه عهده دار امامت جماعت و تبلیغ دین با سابقه سلفی هستند. این مرکز آموزشی دارای چند شعبه بوده و اخیراً در سفر پادشاه عربستان «سلیمان بن عبدالعزیز» مجوز ایجاد سه دانشگاه اسلامی دیگر از دولت اندونزی رسماً گرفته شد.

و: موسسه سعودی حرمین که در سال ۱۹۷۹ میلادی، علی الظاهر به عنوان یک موسسه غیردولتی با سرمایه ثروتمندان سعودی و دیگر تجار هم فکر در شهر ریاض پایتخت عربستان سعودی، به منظور گسترش دیدگاه های وهابیت در سراسر جهان به وجود آمد. تاکنون این موسسه بیش از پنجاه شعبه رسمی در کشورهای اسلامی دایر کرده است؛



اگرچه در اندونزی شعبه رسمی ندارد اما با حضور غیررسمی توانست چند مدرسه علمیه و موسسه خیریه مانند مدرسه «المناهل» که به سبب مشی تندروی، در سال ۲۰۰۴ میلادی، از طرف سازمان ملل متحد در لیست موسسات مرتبط با تروریست قرار گرفت، ایجاد کند. موسسه بعدی، مدرسه اسلامی «حرمین» که تحت اشراف و هدایت آقای «هدایت نور وحید» که خود یکی از فارغ التحصیلان کشور عربستان و رهبر سابق حزب «pks» و رییس اسبق مجلس است تاسیس شد.

در حوزه سیاسی و اجرایی کشور نیز، دو حزب مشهور و معروف به نام های «حزب التحریر» و حزب «pks» با اندیشه سلفی، فعالیت می کنند. اگرچه بین جریان وهابیت و اخوان المسلمین اشتراکاتی هست اما از آنجایی که اخوانی ها از اسلام به عنوان ابزار دستیابی به اهداف سیاسی و قدرت بهتر می توانند استفاده کنند، اخیرا این دو حزب، با اندکی تغییر در مشی سیاسی، رویکرد و گرایش اخوانی پیدا کرده اند ولی سابقه سلفی آن ها محفوظ است. اگرچه سازمان ها و موسسات وابسته به وهابیت به این چند نمونه خلاصه نمی شود ولی به موارد فوق باید مراکز نشر و انتشار متعدد مجلات، رسانه ها و سایت های تندروی سلفی را که به شدت در اندونزی فعالند، اضافه کرد. چهار کانال سراسری رادیویی و تلویزیونی، به طور مستقیم و غیرمستقیم با حمایت عربستان و جریان وهابیت در عرصه سمعی و بصری کشور فعالیت می کنند که عبارتند از:

#### rodja tv" al wesal tv" al insan tv" ummat tv

عربستان همه ساله تعداد زیادی بورس تحصیلی به طلاب اندونزیایی می دهد و روحانیونی که به تناوب از مراکز علمی و آموزشی عربستان سعودی فارغ التحصیل می شوند غالبا با گرایشات تند سلفی به کشورشان برمی گردند. چنان چه گفته شد، کم نیستند زنان و مردان مسلمانی که همه ساله برای حج و عمره مشرف شده، با القای این مطلب که اسلام اندونزی در طول تاریخ از سرزمین مادری خود دور بوده و خیلی از آموزه های اسلامی را ندارد، بعضا تحت تاثیر آموزه های اجتماعی عربستان سعودی قرار گرفته، همراه خود با چنین سوغاتی هایی که به کشورشان می آورند، زمینه مناسبی برای

تبلیغات وهابیت در اجتماع اندونزی فراهم می گردد. از آن جا که حرمین شریفین در سرزمین عربستان قرار داشته و حیات پر برکت پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و یاران و اصحاب آن حضرت و اساساً تاریخ اسلام، در این سرزمین شکل گرفته و نقطه نقطه این سرزمین که محل نزول آیات قرآن نیز بوده است، برای همه مردم مسلمان دنیا به ویژه مسلمانان اندونزی، از جایگاه تقدسی بالایی برخوردار است. مردم مسلمان اندونزی تصور می کنند هرچه از این سرزمین به آن ها برسد، از سرچشمه اصلی اسلام گرفته شده و در اصالت و قداست آن کمتر شک و تردید به خود راه می دهند. به همین سبب، زمینه پذیرش عالمان و مبلغان عربستان با دیگر کشورهای اسلامی، قابل قیاس نیست. در این جا ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می رسد، هر چند عناصر تندرو و متعصب سلفی و وهابی با حمایت های پنهان و آشکار عربستان سعودی طی چند دهه در این کشور تلاش های گسترده ای جهت ترویج عقاید انحرافی خود داشته اند ولی به دلیل تفاوت های موجود و کلیت عقاید مردم مسلمان شافعی مذهب با پیشینه تاریخی و ریشه های فرهنگ علوی و شیعی، همچنین گرایشات عرفانی و مشرب تصوف، رویکرد اخلاق گرایانه، خوی نرم، صبوری، ایده های صلح طلبانه، پرهیز از خشونت و اجتناب از منازعات، نقطه مقابل تفکر وهابی است که دارای خشونت ذاتی می باشد، تا حدود زیادی مانع نفوذ عقاید و مرام انحرافی وهابیت در اندونزی شده است.

### سلفی های نوین

همزمان با ظهور وهابیت در اوایل قرن بیستم میلادی، تحولاتی در منطقه شکل می گیرد. عده ای از علما با توجه به جایگاه مقدس مکه و مدینه که مرکز دارالاسلام هستند، اهتمام خود را بر اعزام دانشجویان دینی به شبه جزیره عربستان معطوف می دارند. مهاجرانی که برای کسب علم و دانش دینی راهی این سرزمین می شوند، با تفکر وهابی آشنا شده و به کشور خود برمی گردند.

برای آن دسته از طالبان علمی که به هر دلیل توانایی مهاجرت به عربستان را ندارند، مراکز و موسسات آموزشی مختلفی از سوی عربستان در اندونزی ایجاد می‌گردد. «موسسه مطالعات اسلامی و زبان عربی» که به تدریج به صورت دانشگاهی کامل به نام «محمد بن سعود» درآمد شعبه ای از دانشگاه ریاض بود که با اعزام شخصی به نام «شیخ عبد العزیز عبدالله» که یکی از شاگردان معروف «عبد العزیز بن باز» بود به عنوان رییس این دانشگاه، فعالیت آکادمیک خود را گسترش داد؛ البته متعاقباً اساتیدی نیز جهت تدریس از عربستان به اندونزی یکی پس از دیگری اعزام می‌شوند. در نتیجه زمینه ساخت یک دانشگاه بزرگ که شعباتی نیز در چند جای کشور ایجاد کرده است به وقوع پیوست. فارغ التحصیلان این دانشگاه، سردمداران سلفی گری جدید در اندونزی، مدیریت و سازماندهی می‌شوند ولی این به معنای نادیده گرفتن حضور و عدم فعالیت های این فرقه تکفیری و متعصب در مجمع الجزایر نیست. پس از تحولات جاری در جهان اسلام و رشد بیداری اسلامی در سطح جهان به ویژه کشورهای عربی، حجم و میزان همکاری های بین وهابیت و حاکمان و هم پیمانان غربی آن ها، افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. این جریان با دو دستور کار «شیعه هراسی» و «ایران هراسی» در جهان اسلام ضمن تشدید منازعات بین شیعه و سنی، مانع افزایش دامنه تاثیرپذیری اهل سنت از جمله مسلمانان جنوب شرق آسیا، از انقلاب اسلامی شده اند. تاثیرپذیری جریان های اهل سنت به ویژه سلفی های اندونزی از جریان های دینی و فرهنگی خارج از کشور با تشدید تعارض بین شیعه و سنی، تابع برخی تحولات و رخدادهای بیرونی و بین المللی بوده است. حوادثی مثل یازده سپتامبر در آمریکا، تحولات سال های اخیر در منطقه خاورمیانه، رشد بیداری اسلامی، سردی روابط و تشدید شکاف بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی که هدایت و تامین مالی جریان های افراطی ضد شیعه و ضد ایران را به عهده دارد، اجمالاً این موارد، در به وجود آمدن و ظهور و تشدید پدیده زشت و خطرناک جریان تکفیری در جنوب شرق آسیا به ویژه اندونزی، حائز اهمیت بوده است. در سال های اخیر تعدادی از افراد سازمان ها و موسسات تندروی سنی مذهب برای

آموزش و مشارکت، در به اصطلاح «جهاد اسلامی» راهی افغانستان، سوریه و عراق شده اند که پس از بازگشت به وطن به شبکه ها و شعبه های داخلی القاعده و داعش در مالزی و اندونزی پیوسته اند و به مرور زمان سازمان های جدیدی تحت عنوان های «شورای مجاهدان، ارتش جهاد، جماعت اسلامی نوین، مجلس مجاهدان، جبهه انصار التوحید و...» متولد شده اند.

در مورد این که اسلام اندونزی به سمت اسلام لیبرال خواهد رفت یا به سمت اسلام سلفی کشیده خواهد شد، دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: که در ابتدا توضیح کامل داده شد.

نظریه دوم: برخی قائلند طرح غربی ها جهت مدیریت و هدایت بنیادگرایی اسلامی سنی در جهان اسلام، در این قسمت از دنیا، (آسیای جنوب شرقی) و به ویژه در اندونزی نیز در حال اجراست. آن ها تلاش دارند تا بنیادگرایان سنی مذهب در این منطقه را که قدرت تحولات سیاسی ضدغربی بالایی دارند را به سمت و سوی یک تهدید جدید فرضی که موجب توجیه ادامه حضور آمریکایی ها باشد، هدایت کنند. بسترسازی برای حضور جوانان تندرو با تفکر رادیکالی و هدایت برخی از آنان به کانون درگیری ها در سوریه و عضویت صدها نفر دیگر از همین جوانان و جذب به جریان های تکفیری در منطقه خاورمیانه، گواه این مدعاست. در کنار این جریان، ترویج ذهنیت مردم به سمت دشمن فرضی دیگر به نام ایران و شیعه در منطقه که با عنوان «جریان فکری خمینستی» روی آن کار جدی شده، عمدتاً با هدف مهار نفوذ ایران در منطقه از طریق تحریک احساسات مذهبی و جلب حمایت آنان صورت می گیرد.

در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی، حسب نقل روزنامه «تمپو» در جریان مراسمی که به مناسبت هفتادمین سالگرد استقلال این کشور در کاخ ریاست جمهوری برگزار شد، آقای «لقمان حکیم سیف الدین» وزیر امور دینی اندونزی طی سخنانی گفت: «اخیراً شاهد آن هستیم که خشونت گرایی در نقاط مختلف کشور با نام دین گسترش پیدا کرده، این در حالی است که اندونزی خود را مدعی اسلام میانه رو می داند و از صدها

سال پیش حتی قبل از استقلال، این رویه نسل به نسل در این کشور ادامه داشته است.» وی با انتقاد از تلاش عده ای به جهت تقسیم بندی دین به نام «اسلام سیاه و سفید» گفت: «این دسته در تقسیم بندی خود دچار افراط شده اند که بدین شکل سخن از حق و باطل به میان می آورند. طبیعتاً در این تقسیم بندی جایی برای حقوق اقلیت ها وجود ندارد. این تقسیم بندی اسلام به سیاه و سفید، نه تنها ذهن دولت را به خود مشغول ساخته، بلکه دو سازمان بزرگ محمدیه و نهضت العلما را نیز درگیر خود کرده است.»

به هر حال جایگاه و آثار وهابیون در اندونزی خود نیاز به پژوهشی مستقل دارد که در این محدوده نمی گنجد.

یکی از جریان هایی که در اندونزی تاکنون مقابل هجوم وهابیت، از خود مقاومت نشان می داد، سازمان بزرگ دینی نهضت العلما بود که در میان مسلمانان سنت گرای اندونزی پایگاه خوبی داشته و بیش از چهار میلیون عضو دارد. این سازمان خود را ملتزم می دید که با دیدگاه هایی همچون زیارت قبور مومنین، زیارت مقامات و قبور اولیای نُه گانه و توسل به آن ها، طریقت صوفیانه، حب شدید به اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، با تفکر و اندیشه وهابیت زاویه داشته باشد. مسئولان این سازمان بارها بر تاثیرگذاری فرهنگ شیعه بر این سازمان اعتراف و اذعان می کردند، متأسفانه در چند سال اخیر با چرخش و تغییر در نگرش فکری بعضی از اعضا و احیاناً پیوستن به جریان های افراطی یا تاثیرپذیری از جریان های تند سلفی خارج از کشور، نهضت العلما نیز از این جریان کلی، بی نصیب نمانده است. اساساً حادثه شهرک «سمپانگ» که در تاریخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۱ میلادی در جاوه شرقی اتفاق افتاد و منجر به آتش کشیدن خانه های شیعیان و آوارگی ساکنان سمپانگ گردید، با پرچم داری برخی از همین روحانیون محلی از شعبه نهضت العلما جاوه شرقی به وجود آمد.

در هر حال مواضع و فتاوی علمای سعودی و مصر، از جمله «شیخ یوسف قرضاوی» نیز از محرکه های اصلی و بیرونی این جریان به حساب می آید. افزون بر موارد فوق،

کم سوادی و نداشتن توان بررسی و ارزیابی دقیق علمی، تعلقات و وابستگی های علمی و عاطفی روحانیون اندونزیایی تحصیلکرده در کشورهای عربی مانند عربستان، مصر و پاکستان با اساتید خود، از جمله دلایل عمده تاثیرپذیری از جریان های بیرونی سلفی به شمار می آید.

بر خلاف کشور مالزی که دولت و نظام آن کشور مانع اصلی در برابر شیعه به شمار می آیند و به ابزار قانونی برای محدود کردن شیعه متوسل می شوند، دولت اندونزی با سیاست و مشی سکولار در حال حاضر مانع حضور و فعالیت های شیعه در اندونزی نیست؛ بلکه عمده ترین مانع شیعه در اندونزی، همین جریان های تند سلفی وهابی است که توسط برخی روحانیون مرتبط با جریان های خارجی هدایت و مدیریت می شود. از این رو، ارزیابی و بستر حضور وهابیت که در کشور اندونزی جاری است، از دو مجرای کلی و جداگانه، قابل بررسی و امعان نظر است.

### جریان اول

اعراب مهاجر که از کشورهای عربی با عرق ناسیونالیستی عربی و تعصبات قومی در اندونزی سکونت گزیده اند، با احساس قرابتی که برای خود تعریف می کنند، ارتباط خود را با عربستان به نوعی حفظ کرده اند. عرب تبارها همواره به عنوان بستر جریان وهابیت در اندونزی عمل کرده اند.

### جریان دوم

عناصر تحصیلکرده در عربستان که آنان نیز به مثابه سربازان این جریان، نسبت به اندیشه وهابیت سمپاتی داشته، در مقابل عربستان نیز با حمایت های معنوی و پشتیبانی های مالی، اعطای امتیازات، هدایت های سیاسی و فرهنگی، سعی در حفظ عناصر وابسته به خود را داشته و دارند.

## تقابل جریان های فکری اسلامی در اندونزی

اکنون اگر بخواهیم از جریان های اسلامی معاصر اندونزی دسته بندی درستی که ناظر به واقعیت باشد ارائه دهیم، سه رویکرد را می توان نام برد که در مقابل یکدیگر قرار دارند و آن سه عبارتند از: «اسلام معتدل»، «اسلام لیبرالیسم» «اسلام سلفی». در این دسته بندی جریان اصلاحی محمدیه با تفاوت هایی همچون نهضت العلماء بیش تر خواهان وضعیت موجود اندیشه ای سیاسی و ایدئولوژیک (ایدئولوژی دولتی به نام پنج اصل پانچاسیلا) است.

جریان پر هیجان اسلام سلفی نیز با گرایش عمده فکری و اجتماعی مسلمانان در این دیار، با نوع دین داری عمده جامعه اندونزی همخوانی ندارد و آن چنان آموزه قدرتمندی هم در اختیار ندارند تا در میان نخبگان و روشنفکران یا گروه های فرهیخته جامعه، القاء اندیشه کنند. در نتیجه آن هم جریان عام و فراگیری در اندونزی، نمی تواند باشد.

جریان اسلام لیبرال با تمامی شعارهای زیبا و بهره گیری از مفاهیم مقبول غربی چون دموکراسی (مردم سالاری) حقوق بشر، حقوق زنان و نفوذ در قشرهای تحصیلکرده و دانشگاهی به دلیل آن که خود را با لیبرالیسم عجین کرده و تنها دموکراسی لیبرال منش را تبلیغ کرده است، تهی از عمق معارفی دینی است؛ بنابراین جایگاه مناسبی بین فرهیختگان متدین به ویژه علما نداشته، نمی تواند در ساختار اصلی فکری و سنتی عمومی مردم مسلمان نفوذ قابل توجهی داشته باشد؛ بنابراین ملت مسلمان اندونزی برای استقنای خود، نیازمند جریان فکری فرهنگی قوی و غنی تری هستند.

شکندگی جامعه اندونزی به ویژه در ارتباط با بیداری اسلامی و روند رو به رشد شیعه، تا حدودی موجب شیعه هراسی برخی از دولتمردان نیز در این کشور شده است. اگرچه اغلب با احتیاط و به طور غیرمستقیم این روند را زیر نظر داشته و آن را رصد می کنند اما برای هر دو دسته این نگرانی وجود دارد.

**بهره‌گیری از واقعیت موجود**

به خاطر خلق و خوی آرام و رویکرد اخلاق‌گرایانه، عشق و علاقه مردم اندونزی به اسلام و آموزه‌های علمای دین، خوشبختانه زمینه برای خنثی کردن ترفندهای وهابیت به نوعی فراهم است؛ ضمن این که فکر فلسفی در میان مردم و نخبگان اندونزیایی هنوز مانند کشورهای عربی رشد نیافته است. در عین حال امتیاز عقل‌گرایی و جاذبه‌های مباحث کلامی و منطقی بر کسی پوشیده نیست. با جذابیت و غنای مناسب معارفی که ما به عنوان شیعه در اختیار داریم، این معنا در ارتباطات علمی و تفاهم با نخبگان تاثیرگذار خواهد بود. به هر میزان که در این جهت فعالیت و سرمایه‌گذاری صورت بگیرد بی‌حاصل نبوده، ثمره خود را نشان خواهد داد. در حال حاضر مباحث فکری روز و موضوعات عمیق اسلامی، همچنان بر طرفدار است. در نتیجه تصور می‌شود امکان تاثیرگذاری فکری کلان در این کشور فراهم باشد. طبعاً انتقال این مباحث به اندونزی علاوه بر دقت و سیر منطقی، نیازمند صبر، تحمل، هوشیاری و استفاده از ابزار و کارشناسان خیره و صاحب تجربه است.





ص: ۱۴۳

بخش هشتم: فرهنگ و هنر

اشاره



## تعریف فرهنگ

فرهنگ، مجموعه ای از باورها و پندارهای ارزشی است که در آداب، رسوم، زبان، ادبیات، مذهب و سایر میراث های فرهنگی تجلی یافته که روی هم رفته در خلق و خوی مردم اثر می گذارد. به عبارت دیگر فرهنگ، حقیقت و هویت معنوی ملت هاست که ساختار کیفی زندگی آنان را مشخص کرده، به گونه ای که زندگی کمی و مادی آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد.

شاید معروف ترین تعریف فرهنگ مربوط به «ادوارد تایلور»، مردم شناس انگلیسی باشد که فرهنگ را مجموعه پیچیده ای از دانش ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه خویش دارا است، تعریف می کند.

## ویژگی های کلی عوامل فرهنگ در اندونزی

۱- آزادی های دینی و مذهبی مصرح در قانون اساسی که فرصت مناسبی را برای فعالیت های همه ادیان و مذاهب، اعم از مسلمان و غیرمسلمان فراهم ساخته است.

۲- وجود دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی زیاد و متعدد، با تنوع رشته ها و سطح کیفیت متفاوت، بخصوص دانشگاه های اسلامی وابسته و غیروابسته به مراکز و مجامع دینی.

۳- تقید عموم مردم به احکام و مناسک دینی، شعائر اسلامی، پرهیز از ناهنجاری های اخلاقی، رعایت عفت عمومی و علاقمندی آحاد مردم به شریعت اسلامی و آئین های مذهبی.

۴- روحیه حق گرایی، تسلیم بودن در برابر حق، پذیرش حرف حق، عدم تعصب، روحیه تعادل و عدم جبهه گیری های غیرعقلانی.

۵- برخورداری از روحیه ضداستبدادی و ضداستعماری، همچنین حمایت قلبی و لسانی از مظلومان و مستضعفان جهان.

- ۶- علاقمندی و احترام ویژه نخبگان و متفکران این کشور به جمهوری اسلامی ایران و آرمان های انقلاب اسلامی.
- ۷- جایگاه ویژه و مقدس امام خمینی (ره) در بین نخبگان و تحصیلکردگان و عموم مردمی که در این زمینه اطلاعاتی دارند.
- ۸- برخورداری از روحیات اخلاقی و معنوی که ناشی از آموزه های تصوف و عرفان اسلامی شیعی همراه اذکار ویژه است.
- ۹- نفوذ وسیع و گسترده اینترنت در جامعه و همگانی شدن استفاده از فضای مجازی و امکانات الکترونیکی، همچنین رشد کمی و کیفی خدمات شرکت های خصوصی و دولتی در دنیای مجازی.
- ۱۰- بالا بودن نسبی شاخص های مطالعه در جامعه و تولیدات فرهنگی به ویژه در بخش کتاب، مجله، روزنامه، کتابخانه های عمومی و کتاب فروشی های زنجیره ای و غیرزنجیره ای نسبت به دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا.

### تکثر فرهنگی همراه وحدت ملی

نژاد و زبان ها و فرهنگ های مختلف در جزایر و مناطق اندونزی، آحاد مردم این کشور را از یکدیگر متمایز کرده و بعضا هیچ گونه آشنایی با فرهنگ و زبان یکدیگر نداشته و ارتباط گیری را اندکی دشوار کرده است. کما این که حدود سیصد گروه قومی نیز در مناطق مختلف این کشور زندگی می کنند. شاید به همین دلیل است که شعار اصلی نظام و دولت، اتحاد در عین تفاوت یا کثرت در عین وحدت است. حکمت سینه به سینه در این کشور، برابری میان همه اندونزیایی ها را توصیه می کنند؛ البته ناگفته نماند مردم این کشور، ابتدا خود را با قوم و جزیره محل سکونت می شناسانند و در درجه دوم، خود را شهروند اندونزیایی معرفی می کنند.

بر این موضوع باید اضافه کرد؛ دین، مذهب، سنت های قدیمی و اندیشه های وارداتی که بر اثر ورود موج های فرهنگی به این مجمع الجزایر اضافه شده و پیش تر توضیح داده شد،

جمعا سه عنصر اصلی را در فرهنگ اندونزی به وجود آورده است. روحیه کمک به یکدیگر، برابری زن و مرد، حرمت بالای ریش سفیدی در کنار مشورت و اجتماع، سنت های دیرینه بخصوص در روستاهای دورافتاده اندونزی که هم اکنون تداوم رگه هایی از آن، در زندگی مدرن امروزی مردم شهرنشین به خوبی دیده می شود، استحکام خانواده، همبستگی فامیلی، تعلق خاطر به گروه و حزب و جریان در عین رعایت و حرمت نقش پیشکسوتان در تصمیم سازی، آبروداری و حیا و اهمیتی که این ویژگی اخلاقی نزد مردم دارد، موجب آن شده است تا مردم اندونزی در سخن گفتن و رفتارهای خود، احتیاط فوق العاده ای داشته باشند؛ کمالین که انتقاد علنی از یکدیگر نیز در این کشور مرسوم نیست.

### عوامل و میراث های فرهنگی

در مجمع الجزایر اندونزی به علت وسعت و پراکندگی، تفاوت های فرهنگی زیادی بین مردم مناطق مختلف این کشور دیده می شود که بعضی از آن ها سابقه پنج هزار ساله دارد. این در حالی بود که مذاهب مختلف تائو، هندو، بودایی، اسلام و مسیحیت هر کدام ویژگی های فرهنگی خود را با خود به این منطقه آورده و آداب و رسوم هر کدام با شیوه های زندگی مردم اندونزی آمیخته شده و در نهایت فرهنگ بدیعی را به وجود آورده است. شعار اتحادی که همواره اندونزی بر آن تاکید دارد شعار «وحدت در عین کثرت» است. اصل ۳۲ قانون اساسی، دولت را موظف ساخته که همین فرهنگ ملی را به عنوان عاملی که حاکی از هویت و جوشش تمام ملت باشد، توسعه دهد؛ لذا فرهنگ های بومی و گذشته جزو میراث ملی به حساب آمده، گاهی تفاوت های فرهنگی در این کشور بزرگ آنقدر زیاد است که بعضی از ساکنان منطقه ای خاص، «غیرتمدن» تلقی می شوند. در بسیاری از مناطق اندونزی، هنوز هم مردم به صورت قبیله ای آن هم از نوع قدیمی آن، با یکدیگر زندگی می کنند. بعضی از قبایل مثل «کوبو و ماماک» در سوماترا و «پوپان» در کالیمانتان و «آلفورو» در مالاکو دارای فرهنگ یک هزار ساله هستند. در

نتیجه در بسیاری از اهالی، یک نوع تبعیض نژادی به چشم می خورد که برای سطوح مختلف مردم درجه و اعتبار خاصی به وجود آورده است. مثلا اهالی تیمور شرقی، مردم کوه نشین را پست تر از کشاورزان می دانند، در حالی که مردم جاکارتا درست به عکس آن اعتقاد دارند یا در بعضی از مناطق ترکیبی از مردم با ویژگی های گوناگون فرهنگی دیده می شود. گستردگی نژادی در این کشور موجب آداب و رسوم مختلفی شده است. گروهی از مردم هستند که هنوز برای زینت، دنده موش صحرایی در بینی خود می کنند و بالعکس بعضی دیگر به دنبال خواندن مجلاتی هستند که آخرین مدهای جهان را معرفی کرده باشد یا با شیوه های موسیقی و رقص های پست مدرن آشنا می شوند.

در عین حال تمام اندونزیایی ها در همه مناطق نسبت به لباس کثیف حساسیت نشان داده و استفاده از شلوار کوتاه و زیرپوش در معابر عمومی حتی در دهکده ها یک نوع اهانت و بی ادبی به حساب می آید. در گذشته تنها مردم سطح پایین مثل کارگران مزارع یا رانندگان از آن استفاده می کردند ولی متأسفانه امروزه استفاده کردن از شلوارک به تقلید از اروپاییان نشانه متمدن بودن شده است. مردم اندونزی نسبت به موی بلند حساسیتی ندارند، نام مکان ها و محل ها بیش تر به وقایع و حوادث تاریخی برمی گردد. مردم اندونزی علاقه دارند روزی دو بار حمام کنند و لباس های شان را هر روز بشویند؛ به طوری که کم تر دیده می شود فردی از لباس روز گذشته استفاده کند. به دلیل آن که سر در بین اعضای بدن، عضو محترم و مقدسی به شمار می آید، ضربه زدن به آن یا تماس غیرمؤدبانه هر چند آهسته باشد، عملی ناشایست تلقی شده، صدا کردن افراد با انگشت سبابه، عملی غیرمؤدبانه محسوب می گردد. همچنین گرفتن یا دادن اشیاء با دست چپ را ناپسند به شمار می آورند. آن ها مردمی بسیار مهربان و مهمان دوست هستند. در خانه، افراد و اعضا با صدای بلند باهم صحبت می کنند و با اندک شوخی همه قه قه می خندند. در این گونه محافل اغلب افراد خانواده روی زمین می نشینند و خیلی آداب و احترام متداول رعایت نمی شود. اگر مهمان یا فردی از بزرگان فامیل و محله وارد خانه شود، حتما با او با احترام برخورد می شود. مسلمانان وقتی به مهمان آب یا غذا و

نوشیدنی های دیگر تعارف می کنند حتما از دست راست استفاده می کنند، آن ها معتقدند دست چپ برای توالی و دستشویی باید استفاده شود. در برخورد با افرادی که موقعیت اجتماعی بالایی دارند، هیچ گاه مستقیم به چشمان آن ها نگاه نمی کنند، دقت به لباس یا کنکاش در اشیایی که مخاطب همراه دارد نشانه بی ادبی است. در صحبت کردن با بزرگ ترها، نزاکت و ادب را رعایت کرده، از رفتار و حرکاتی که شایسته نباشد جدا پرهیز می کنند. در اغلب شهرها به ویژه روستاها، در خانه های مردم به روی یکدیگر کاملا باز است. هرکس به راحتی می تواند به خانه همسایگان خود رفت و آمد کند. قبل از ورود و کوبیدن در خانه، سه بار با صدای نسبتا بلند به اهل خانه سلام می کنند، (السلام علیکم، السلام...السلام...) اگر جواب شنید (وعلیکم السلام) وارد خانه می شود، در غیر این صورت بازمی گردد. وجود صمیمیت باعث شده است، اگر همسایه ای مواد غذایی یا وسایل و ظروفی نیاز داشته باشد، از همسایه خود به عاریت بگیرد. بدون تکلف بزرگسالان برای همنشینی و هم غذا شدن با بچه ها آداب خاصی ندارند. بچه ها عموما برای همبازی شدن با بچه های همسایه به خانه های یکدیگر رفت و آمد آزادانه دارند. گاهی بچه ها پس از ساعت ها بازی، به دلیل خستگی ممکن است کنار بچه های همسایه خوابیده، حتی شب را همان جا سپری کنند. والدین شان هیچ گونه نگرانی نسبت به امنیت فرزندان خود در خانه های همسایه ندارد. مردم مسلمان اندونزی از روحیه سخاوتمندانه ای برخوردارند، همان مختصر غذا یا خوراکی محدودی که در خانه دارند، از کسانی که وارد شده اند، دریغ نمی کنند؛ البته عموما مردم قانعی هستند و با کم ترین امکانات، زندگی شاد، بانشاط و با آرامشی دارند. هرگاه پول یا هدیه ای از جایی برای آن ها برسد، همان روز اول در فروشگاه های بزرگ با خرید اجناس برای اعضای خانواده، همه آن مبلغ را خرج می کنند یا با اهل و عیال به اماکن تفریحی رفته، سعی می کنند تا جایی که امکان دارد به همه اعضای خانواده خوش بگذرد. چه بسا همه آن مبلغ را یک جا و همان جا سخاوتمندانه خرج می کنند؛ به طوری که حتی اگر در برگشت به خانه یا برای شام شب، نیازمند کم ترین مبلغ از آن چه خرج کرده اند، باشند. همه پذیرفته اند



که روز رویایی یا روزهایی را تا جایی که امکان داشته خوش گذرانده اند. حالا نباید غصه امروز یا این وقت را که چیزی ندارند بخورند. در قاموس این مردم گویی حرص و طمع جایی ندارد. هر کس هر چه داشته یا دارد به آن قانع است. حداکثر همت شان تامین مایحتاج روزانه است. روزی همان روز که رسید، ابتدا نگران فردا نبوده و نیستند. رقابت های کاذب و شکننده بین این مردم جایی ندارد. این آرامش مثال زدنی، موجب شده به راحتی ترافیک های سنگین جاکارتا و شهرهای بزرگ دیگر را که گاهی ممکن است ساعت ها ادامه داشته باشد، تحمل کنند. جالب تر این که در آن هوای شرجی و گرم و معطلی در خیابان و ترافیک سنگین، همواره مردم اعم از زن و مرد با لبخند، با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند!

### **لبخند، بارزترین شاخصه مردم اندونزی**

هر مسافر که از هر نقطه دیگر دنیا به اندونزی سفر کند، از همان بدو ورود در فرودگاه، بنادر و پایانه های مناطق کشور، با هر زن و مرد اندونزیایی که برخورد و ملاقات کند، با لبخند و گاهی فراتر از لبخند، با خنده آن ها روبرو می شود و این اختصاص به افراد خارجی ندارد. مردم این دیار از روی عادت، ارتباطات خود را با لبخند تعریف کرده اند.

از رهگذران در خیابان تا فروشندگان مایحتاج عمومی و هر کسی که به نوعی مخاطب شما قرار می گیرد، با لبخند از شما استقبال می کند. ممکن است بعضی مسافران که در فرودگاه، تاکسی و هتل با افراد ویژه و خدماتی برخورد می کنند، ابتدا چنین تصور کنند که اینان برای جذب توریست یا عرضه کنندگان خدمات برای جلب مشتری، موظفند لبخند به لب داشته باشند اما با گذشت مدت کوتاهی درمی یابید، این عادت به صورت فرهنگ روزمره مردم کاملاً نهادینه شده است! در حقیقت اگر کسی لبخند به لب نداشته باشد، رفتاری غیرمتعارف و خارج از عرف داشته است. در خیابان، فروشگاه ها، ادارات، اتوبوس، قطار، حتی بیمارستان ها خنده اتفاقی مشترک بین تمام سنین و زن و مرد این دیار است. وقتی از کسی راهنمایی می خواهی یا سوالی را از کسی می پرسی یا

در مواردی که طرف مقابل زبان نمی داند و حتی متوجه سوال شما نمی شود، در واکنشی با خنده مخاطب مواجه می شوید. طبیعتاً این مراودات اگر قدری طولانی باشد، افراد غیربومی را نیز به نوعی آموزش لبخند داده، پس از گذشت مدتی این رفتار در او نیز به صورت عادتی دلنشین جلوه گر می شود!

از دیگر ویژگی های مهم فرهنگی این مردم که ریشه در آموزه های اسلام دارد، بوسیدن دست بزرگ ترها به ویژه والدین است. مردم این سامان به جای بوسیدن صورت و گونه های افراد، عموماً دست بزرگ تر را می بوسند. زن دست شوهر، فرزند دست پدر و مادر، برادر یا خواهر کوچک تر دست برادر و خواهر بزرگ تر، همین طور عمو، دایی، عمه، خاله، استاد و ... البته بوسیدن صورت نیز کمی متفاوت است؛ برخی مردم صورت را به صورت یکدیگر گذاشته و لب های خود را به شکل بوسیدن جمع می کنند، گروهی که از مناطق دیگر جاوه هستند به جای بوسیدن، بینی های خود را به یکدیگر نزدیک کرده یا بینی خود را به یکدیگر می زنند و چند بار این عمل را تکرار می کنند.

در این میان «مادر» جایگاه ویژه ای دارد. در ایام خاصی مثل اعیاد مذهبی، بازگشت از سفر حج و ولیمه ها، فرزندان با احترام ویژه ای برای دست بوسی مادر، مبادرت می ورزند. به این طریق وقتی از در وارد می شوند، مقابل مادر زانو به زمین زده، آرام و با متانت دو کف دست را به هم چسبانده مقابل لب ها و بینی خود قرار داده، نزد مادر رفته، دست او را بوسیده، صورت خود را روی دست مادر قرار داده، چند لحظه ای پیشانی خود را روی دست و زانوی مادر نگه می دارند، آن گاه که سر برداشتند، مادر پیشانی و صورت فرزند خود را می بوسد.

هنگام ورود به خانه از مدرسه یا محل کار، همچنین هنگام خروج و خداحافظی، کوچک ترها موظفند دست بزرگ ترها را بوسند، در برخی از مناطق به ویژه در بخشی از جزیره جاوه ضمن این که دست را می بوسند، دست طرف بزرگ تر را چرخانده، کف دست او را نیز می بویند، این احترام فوق العاده ای است که در این مناطق اعمال می شود. این قاعده در مورد زن و شوهر نیز صدق می کند، زن ها حتی زمانی که شوهر به اتاق

خواب شان وارد می شود، موظفند دست شوهر خود را ببوسند و متقابلاً شوهر پیشانی همسرش را می بوسد.

در خانواده های مسلمان، مرد و بزرگ هر خانواده، امام آن خانواده نیز محسوب می شود، اگر فرصت رفتن به مسجد را به دلایلی نداشته باشند، اهتمام دارند نمازها را در خانه به جماعت بخوانند. در این جماعت کوچک، حتماً تمام اعضا حتی مادر خانواده به نماز حاضر شده و به مردی که امام آن خانه است، اقتدا می کنند. سنت است بعد از سلام هر نماز دست امام را ببوسند؛ لذا تک تک اعضا برای بوسیدن دست امام به ترتیب و احترام مبادرت می ورزند. اگر مادر امام در بین نمازگزاران حضور داشته باشد، این امام است که دست مادر را باید ببوسد. به هر حال این اهتمام تنها در خانه نیست، بلکه در مسافرت ها، تفریح ها و امثال آن ساری و جاری است. حتماً نمازها به همین شیوه و با همین آداب، به جماعت برگزار می شود!

مذهب نیز نقش قابل توجهی در زندگی اجتماعی و فرهنگ مردم ایفا می کند با وجود آن که اندونزیایی ها مردمانی خونسرد هستند ولی نسبت کفر دادن به کسی، برای شان قابل تحمل نیست. آن ها افراد بی ایمان را کلاً «کمونیست» می دانند و گرایش و ایمان داشتن به خدا را امری فطری دانسته، هنگام قرائت قرآن از خوردن و آشامیدن؛ حتی سیگار کشیدن که مردم به شدت به آن عادت دارند، اجتناب می کنند. قرآن را هیچ گاه زمین نگذاشته یا چیزی روی قرآن قرار نمی دهند. کفش ها را هنگام ورود به مجلس در می آورند. بعضی از آن ها معتقدند به سگ نباید دست زد. در اندونزی بسیاری از مردم، از روح و شبح ترس دارند و این امر موجب گرایش آن ها به طلسم، جادو، جنبل و خرافات شده است. معتقدان به کنفوسیوس، این گونه طلسم ها یا آموزه ها را از معابد چینی ها اخذ می کنند. مردم باور دارند که منشأ برخی اختلافات، بیماری ها، مشکلات و... اجنه یا ارواح خبیثه هستند؛ لذا بازار افراد شیاد و متقلب در این امور به شدت داغ است. برخی از کانال های تلویزیونی مثل کانال «terns tv» ساعت ها برنامه جن گیری، هیپنوتیزم و امثال این ها را پخش می کند. اگرچه به روشنی پیداست فعالیت هایی که انجام می شود

بیش تر تردستی و حتی پائین تر از آن است ولی برخی از مردم ساده دل به آن باور دارند. برخی از منازل، کارخانه ها، کشتی ها، قایق های ماهیگیری، مزارع، حوضچه های پرورش ماهی و میگو، حتی کامیون های سنگین، برای دفع شر اجنه و نفوذ ارواح خبیث، از طلسم و امثال آن استفاده می کنند. در همین ارتباط آداب و سنت در هر منطقه متفاوت است که هر کدام دارای ریشه های فرهنگی و مذهبی خاص در گروه های نژادی و قومی خاص آن منطقه می باشد.

در مراسم و اعیاد مذهبی غذاهایی طبخ کرده به مردگان هدیه می شود؛ یعنی از همان غذایی که مهمانان را با آن پذیرایی می کنند، خیرات می دهند. مردم جاوه این نوع پذیرایی ها را که در مناسبت های ازدواج، تولد، وفات، مراسم های مذهبی، مراسم دعا و اوقاتی که خداوند نعمت های جدیدی به آن ها ارزانی می دارد، انجام می دهند، این نوع ولیمه ها را «سلامتان» می نامند. (۱)

یکی دیگر از آموزه های اسلامی این مردم، اهمیت دادن به عقیقه و ختنه به عنوان دو سنت اسلامی است. در اندونزی، پس از چهل روز که نوزاد متولد شد، برای او مراسم و جشن عقیقه می گیرند. بزرگی و کوچکی تشریفات این مراسم بستگی به وضعیت مالی خانواده ای دارد که نوزاد در آن، به دنیا آمده است. گاهی به علت ضعف اقتصادی، عقیقه چند ماه بعد یا چند سال بعد از تولد گرفته می شود. مهم این است که انجام عقیقه شبیه امری واجب خیلی جدی تلقی می شود. در این مراسم اقوام، بستگان و دوستان به میزانی که لازم باشد، دعوت شده، پس از قربانی کردن گوسفند وقتی که بزرگان و علما و روحانیون آشنایی که دعوت شده اند، همگی جلوس کردند و قدری پذیرایی شدند، مراسم دعا برگزار می شود. در خانواده های شیعه دعای توسل یا حدیث کسا قرائت می کنند. در خانواده های اهل سنت «کیایی» یا روحانیون یک سلسله دعاهای عربی که حاضر هم آمین می گویند، قرائت می کنند. در انتهای اجرای مراسم دعا، دیگر روحانیون، بزرگان و ریش سفیدان حاضر هر کدام به نوبه خود دعا می کنند و بقیه آمین می گویند.

پس از دعا نوزاد را همراه با یک سینی یا بشقاب بزرگی که درون آن شاخه ای از گل یا برگ های گل رز همراه روبان و قیچی است، وارد مجلس می کنند. والدین نوزاد از علما و دو سه نفر از بزرگان مجلس با احترام ویژه ای درخواست می کنند قدری از موی سر نوزاد را قیچی کنند. این مرحله نیز با تشریفات خاصی همراه با دعا صورت می گیرد. هر کدام که قدری از موی نوزاد را قیچی می کنند برای سلامتی و عاقبت به خیری او دعا می کنند. سرانجام در پایان این مراسم والدین نوزاد هدایایی به برخی از بزرگان دعوت شده تقدیم می کنند.

در مراسم ختنه نیز شبیه مراسم عقیقه، به میزان توان مادی والدین، جشنی برای پسر بچه ای که ختنه شده می گیرند. در اندونزی غالباً بچه ها را بعد از سه سالگی ختنه می کنند. در این مراسم نیز دعا و توسل توسط بزرگان مجلس به همان ترتیب، انجام می شود. لنگک همانند سجاده و کلاه سفید که لباس و ابزار مخصوص نماز محسوب می شود قبلاً برای پسر بچه آماده کرده اند. پسر بچه ختنه شده کلاه کوچک سفیدی بر سر و لنگی بر کمر بسته، همراه یکی از نزدیکان وارد مجلس می شود. هر یک از حاضران ضمن تبریک او را بوسیده، هدیه ای نقدی به پسر بچه می دهند. از این به بعد، پسر بچه با این خلعت؛ یعنی همان لباس های مذکور می تواند در مواقع پنج گانه به مسجد رفته و در صفوف نمازگزاران قرار بگیرد. برای بچه ها این مرحله از زندگی بسیار شیرین است زیرا احساس بزرگ شدن می کنند و خود را در صف مردان می بینند. نکته جالب این که در تمام مراسم های عروسی، عقیقه، ختنه و... افتتاحیه و اختتامیه هر مجلس، به ویژه قبل از آغاز دعا، قرائت سوره حمد (فاتحه الکتاب) است. درست برعکس فرهنگ ایران که قرائت فاتحه مخصوص مجالس ترحیم یا اهدای ثواب این سوره، برای اموات است. در اندونزی قرائت سوره حمد یا فاتحه که ام الکتاب است، سراسر نور و برکت می باشد و لذا قرائت آن، نقطه مشترک تمام مراسم ها اعم از مجالس شادی و مجالس سوگواری است.

## پارچه باتیک

نوعی پارچه در اندونزی تولید می شود که به آن «باتیک» می گویند که توضیح آن را در قسمت میراث های فرهنگی در همین فصل خواهید خواند. این پارچه در طرح ها و اشکال مختلف برای زن، مرد و تمام سنین تولید شده، به نوعی لباس ملی مردم نیز محسوب می گردد.

در جشن های ملی، مراسم های رسمی، عروسی ها و... از لباس باتیک استفاده می شود. برخی ادارات، کارمندان خود را در برخی از روزهای هفته مثلا پنجشنبه ها، موظف به پوشیدن نوعی باتیک با رنگ متحدالشکل کرده تا وجه تمایز کارمندان آن اداره از کارمندان دیگر ادارات و ارباب رجوع باشد و مراجعه کنندگان به راحتی و سهولت با افراد کارمند و بخش مربوط بتوانند ارتباط برقرار کنند.

آراستگی ظاهر در مراسم ها و مکان های شلوغ مثل اتوبوس های پر از جمعیت به ویژه برای خانم ها اهمیت زیادی دارد. آنان هر چند اگر وضع درآمد و مالی خوبی نداشته باشند اما همواره سعی می کنند رنگ های لباس، کیف و کفش شان همخوانی داشته باشد. کارمندان بخش خدمات اجتماعی، دانش آموزان و معلمان، حتی دانشجویان برخی از دانشکده ها، همگی در محل فعالیت خود از لباس ویژه و به اصطلاح «فرم» استفاده می کنند.

نوعی لباس دیگر که از پارچه های گیپور، گلدوزی، ملیله دوزی یا حتی سرمه دوزی با رنگ های متنوع، برای عروس و بعضا خانم ها و افراد دعوت شده تهیه شده است و بسیار زیبا و تشریفاتی است، در جشن های عروسی مورد استفاده قرار می گیرد، غالبا لباس عروس و داماد از یک رنگ خاص که هماهنگی در طرح و متن داشته باشد تهیه و آماده می شود. عروس و داماد هر کدام دارای تاج و حمایل های زیبایی هستند که غالبا گل یاس و گل های دیگر به صورت رشته های بسیار زیبا از تاج تشریفاتی آویزان است.

## ازدواج

در اندونزی ازدواج امر مقدسی است و تعریف مردم از بلوغ کامل این است: «کسی که به مرحله آمادگی ازدواج؛ یعنی پذیرفتن وظایف متقابل زن و شوهر رسیده باشد، فردی بالغ است.»

فردی که به هر دلیلی ازدواج نکند محترم نیست. در این کشور کسی نمی پرسد که «آیا ازدواج کرده است؟» بلکه می پرسند: «آیا تاکنون او ازدواج نکرده است؟» که طبیعتاً جواب به ترتیب «بله» یا «نه هنوز» است. جوانان برای پذیرش ازدواج همواره تحت فشار هستند. برای تشویق جوانان به ازدواج همگان احساس وظیفه می کنند. ازدواج در شرق اندونزی و سوماترا غالباً میان خانواده های پدری یا مادری انجام می شود که مطمئناً چنین ازدواجی موجب پایداری روابط میان خانواده ها می گردد ولی در برخی جوامع دیگر اعتقادی به ازدواج فامیلی ندارند و عشق مهم ترین عامل ازدواج محسوب می شود. در بیش تر بخش های اندونزی ازدواج از مهم ترین ابزارهای توسعه و پیشرفت وضعیت اجتماعی فرد و خانواده به شمار می آید. چند همسری یا تعدد زوجات در میان مسلمانان و بعضی از چینی های مهاجر و اغلب جوامع سنتی اندونزی امری عرفی و پذیرفته شده و رایج است. تنها مسیحیان در اندونزی اعتقادی به چند همسری ندارند. در اندونزی تعداد خانواده هایی که از هسته اصلی (پدر، مادر و فرزند) تشکیل می شوند، بسیار زیاد است. همین خانواده ها اغلب با پدربزرگ، مادربزرگ، برادران و خواهران مجردی که در خانواده وجود دارد، یک جا زندگی می کنند و این اختصاص به جوامع دور دست و روستایی ندارد. در شهرهای بزرگ نیز این پدیده سنتی تا حدود زیادی حفظ شده است. عشق، عاطفه و محبت براساس حفظ این سنت ها، موجب استحکام خانواده ها شده است.

بسیاری از گروه های قومیتی در اندونزی، سیستم طایفه ای مستحکمی مبتنی بر پدرسالاری و مادرسالاری یا ترکیبی از آن دو هستند. این گونه خانواده ها عمدتاً در سوماترا، کالیمانتان، ملاکو، سولاوسی و برخی مناطق دیگر زندگی می کنند. در اندونزی ازدواج در هر شرایط سنی، اقتصادی، اجتماعی و حتی ازدواج های مجدد امر بسیار سهل

و آسانی است. صرف نظر از فرهنگ عمومی مردم، قناعت، کم توقعی، مهریه بسیار کم و عدم نگرانی از هر شرایطی که در آینده پیش آید، (به سبب توکل جدی به خدا) از عوامل این سهولت محسوب می شود. غالباً دختر یا زنی که ازدواج می کند اولین خواسته او از شوهرش داشتن بچه است؛ حتی در ازدواج های ناموفقی که منجر به طلاق می شود، اصلاً نگرانی آینده و شرایطی که برای این زن و فرزندش به وجود خواهد آمد، وجود ندارد. طلاق نیز تا حدود زیادی تابع همین ازدواج آسان است. اگرچه اغلب، طلاق از سوی مردان اعمال می شود، گاهی ممکن است زن نیز به هر دلیلی تقاضای طلاق کند که عموماً طلاق مسلمانان در دادگاه های اسلامی براساس قانون و شریعت اسلامی و غیرمسلمانان در دادگاه های مدنی صورت می گیرد. در میان اقوام و نژادها، قوم «باتاک» که گروه های خویشاوندی مستحکم تری دارند، با کراهت به امر طلاق می نگرند و حتی الامکان از طلاق دوری می جویند.

### مراسم عروسی

مراسم عروسی مسلمانان در اندونزی بسیار جالب است. کارت های عروسی تزئینات قابل توجهی دارد که هرکس با سلیقه خاص خودش سفارش می دهد. قبل از ورود مدعوین به سالن یا محل برگزاری عروسی، دو طرف در ورودی دو میز وجود دارد که یکی متعلق به خانواده عروس و دیگری متعلق به خانواده داماد است و روی آن میز، دفتر مخصوصی برای ثبت مشخصات و امضای افرادی که وارد می شوند، وجود دارد. بعداً این دفتر به عنوان یادگاری عروسی یاد شده، در خانواده این زوج جوان حفظ خواهد شد. هنگام امضای آن دفتر هدیه ای به رسم یادبود از طرف عروس یا داماد به مدعوین هر طرف، اهدا می شود. این اشیا گاهی لیوانی است که روی آن اسم عروس و داماد یا عکسی از آن ها تعبیه شده و گاهی حوله کوچک جیبی زیبا یا دفترچه یادداشت و... بوده که اسم عروس و داماد روی آن تعبیه شده است و میهمانان آن را از مسئول میز مربوط، تحویل گرفته وارد سالن مخصوص پذیرایی از میهمانان می شوند.



**مراسم عقد**

مراسم عقد نیز بسیار جالب است. قبل از آماده شدن و اجرای صیغه عقد، بزرگانی که عموماً با لباس و عرق چین سفید در مجلس حضور دارند، جوانان را تشویق به شادی می‌کنند. در مجالسی که مذهبی ترند، به ویژه مجالسی که متعلق به حائبات و سادات باشد، این بزرگان نوبت به نوبت بخش‌هایی از نعت و منقبت رسول مکرم اسلام (ص) را می‌خوانند و دیگران درود، سلام و صلوات می‌فرستند. غالباً همان اشعار عربی ویژه و مخصوص اعیاد میلاد النبی (ص) است که از یمن به این سرزمین آورده شده که سرود و ذکر این گونه مجالس نیز همان اشعار است.

پس از این مرحله، داماد و پدر عروس یا وکلای این دو، در دو طرف میز تحریر کوچکی که تا حدودی نیز تزئین و قبلاً وسط مجلس قرار داده شده، مقابل هم قرار می‌گیرند و هر دو دست یکدیگر را تا پایان اجرای صیغه عقد می‌فشارند.

پدر عروس ضمن خطبه کوتاهی که اشاره به ازدواج برخی از انبیاء تا ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) دارد، همراه برخی آیات و روایات که سنت بودن ازدواج شرعی را اثبات می‌کند، انشاء می‌کند. سرانجام به زبان عربی (در صورتی که حفظ نباشد از روی نوشته) اسم داماد را می‌برد و او را مورد خطاب قرار داده و می‌گوید: «به امر خدا دخترم فلانی را با این میزان مهریه به عقد شما درمی‌آورم.»

بلافاصله داماد نیز با جمله «قبلت» عقد را جاری می‌کند. سپس پدر عروس از حضار، شهادت بر این عقد می‌گیرد. عاقدی که از طرف دولت برای ثبت ازدواج آمده است، ضمن گرفتن امضای عروس و داماد، در پایان صفحات دفترچه‌های عقد رسمی که قبلاً یکی برای عروس با عکس الصاق شده داماد و یکی برای داماد با عکس الصاق شده عروس، آماده کرده است، تحویل آنان داده و مجلس را ترک می‌کند. در کشور اندونزی حسب آموزه‌های اسلام، میزان مهریه بسیار پایین است؛ بنابراین مهریه باید طوری تعیین شود که داماد در مجلس بتواند مهریه را پرداخت کند و اغلب این سنت اجرا می‌شود.

در پایان این مراسم، یکی از روحانیون و علمایی که حضور دارند، دعا کرده و بقیه آمین می گویند. بعد از این مرحله، عروس را با تشریفات خاصی، به سالن تزئین شده وارد می کنند. در جایگاه خاصی که ظرف و طشتی پر از آب و روی آب گلبرگ های گل رز و گل های خوشبوی دیگر ریخته اند، مقابل عروس قرار می دهند، سپس داماد همراه طبل و شادی، ترقه و آتش بازی، وارد سالن می شود. عروس پای داماد را داخل طشت قرار داده، با احترامی خاص پای داماد را می شوید. پس از شستن پای داماد، طی تشریفات عروس و داماد، همراه والدین خود، بالای سکویی که از قبل در سالن ایجاد کرده اند، روبروی میهمانان می ایستند. میهمانان به نوبت در صفتی مرتب، اعم از مرد و زن، برای عرض تبریک جلو رفته، با تک تک آنان دست داده بعضا روبوسی می کنند. بستگان یا میهمانان هر طرف، گاهی همان جا، هدایای نقدی خود را در پاکتی به دست والدین عروس و داماد می سپارند. ناگفته نماند که مراسم عروسی هر جزیره و هر منطقه تا حدودی تابع فرهنگ همان منطقه است. ممکن است برخی قسمت های آن با دیگر مناطق، فرق داشته باشد.

مراسم عروسی در جاوه و بالی اغلب همراه با بازی سایه های عروسک های خیمه شب بازی چرمی همراه با ارکستر «گاملان» تا نزدیکی های صبح ادامه می یابد. گاهی اوقات ارکسترهای بزرگ «گاملان» شامل هفتاد و پنج ساز و آلات موسیقی است که در آن ها سی بازیگر و ده خواننده اجرای نقش می کنند.

جدا از عروسی ها، خوانندگی و تقلید صدا، تقریبا عمومی و جزو تفریحات مردم این دیار است. در اعیاد و مجالس شادی میکروفن و بلندگویی آماده است، اغلب افرادی که تمایل دارند اعم از مرد و زن، حتی گاهی برخی از مقامات و مسئولان سیاسی کشور، آهنگ و ترانه ای خارجی یا داخلی را تقلید صدا و اجرا می کنند و حضار نیز با خنده و شادی و کف زدن، او را به شدت تشویق می کنند.

### مراسم های مربوط به مرگ و میر

غیر از بودیسم و هندوها که مردگان خویش را طبق آئین خود با هیزم می سوزانند، بقیه ادیان و فرق و مذاهب، مردگان خود را طی مراسم مخصوص به خود، دفن می کنند.

از آن جا که بیش از نود درصد مردم اندونزی مسلمان و شافعی مذهب هستند، جملگی طی تشریفات اسلامی میت را تشییع، غسل و کفن کرده، با اذکار لا-اله الا-الله، میت را بدون گریه و سر و صدای آن چنانی تا قبرستان تشییع کرده، آن گاه بر میت، نماز با چهار تکبیر می خوانند. سپس او را داخل قبر قرار می دهند، به جای تلقین میت که در شیعه رسم است، بالای قبرش اذان می گویند. از کسی فلسفه آن را پرسیدم گفت: «انسان وقتی به دنیا می آید و از دنیا می رود، باید در گوشش اذان گفته شود.» سند این کار در کدام کتاب یا سنت است، قابل بررسی می باشد. بعد از دفن میت، روی قبر آب پاشیده بالای قبر دسته گلی گذاشته و فاتحه می خوانند. اولاً برای خانواده های وابسته در عزای میت، پیراهن سیاه و مشکی پوشیدن چندان ضرورت ندارد، غیر از نزدیکان درجه اول که آن هم الزامی نیست، اقوام و بستگان هیچ کدام لباس مشکی نمی پوشند؛ بلکه مردها غالباً لباس سفید و عرق چین سفید که مشهور به لباس عبادت است و زن ها نیز از لباس بلند و کاملاً پوشیده استفاده می کنند.

ختم های بزرگ در مساجد یا سالن های فرهنگی - مذهبی مثل مراسم های سوم، هفتم، چهلم و سال که در ایران مرسوم است، اصلاً این جا معنایی ندارد. بلی، یکی دو مراسم مختصر در خانه میت به نام «تحلیل» که گویا حاکی از اذکار تسبیح و تحلیل باشد، برگزار می شود. در این مراسم ها اگر صندلی نباشد، جملگی روی زمین نشسته، بالای مجلس، شخصی که تحلیل خوان است مقابلش قرآنی روی بالش گذاشته اند. تعدادی از سوره های جزء سی ام قرآن را بلندبلند خوانده، دیگران نیز همراه او سوره ها و آیات کریمه را تکرار می کنند. در انتهای قرائت آن چند سوره، فاتحه الکتاب و چند آیه از اول سوره بقره، آیه الکرسی، آیات پایانی سوره بقره، سه بار سوره توحید، معوذتین و سوره قدر را تلاوت می کنند، در آخر هدیه به روح آن مرحوم یا مرحومه، فاتحه می خوانند.

(فاتحه منحصر به سوره فاتحه الکتاب است که در اندونزی تنها سوره حمد را می خوانند.)

برخلاف ایران روی هیچ قبری با هر منصب و مقامی که باشد، سنگ قبر وجود ندارد. حداکثر شبیه یک گلدان مستطیل شکل روی قبر از سیمان چیزی ساخته که وسط آن خالی است. تنها بالای قبر، نام و نشان میت را در سنگ کوچکی نوشته و نصب می کنند که بعضی آن را هم ندارند. برخلاف کشورهای متعصب سنی مذهب، مردم این دیار تا حدودی به زیارت قبور و اهدای هدیه و فاتحه برای اموات اعتقاد دارند. اگرچه در مذهب شافعی زیارت قبور حرام نبوده و امری متداول است؛ لیکن بی رونقی برخی از قبرستان ها به خاطر اعتقادات خرافی حضور ارواح و اجنه است. آخرین پنج شنبه از ماه شعبان، روز عید فطر یا پنج شنبه بعد از عید فطر از ساعات اولیه روز قبرستان ها پر رفت آمد می شود. مثل جمعه آخر سال در ایران، هر کسی با گلدان یا دسته گل و بطری های گلاب برای قرائت فاتحه و زیارت قبور، مخصوصا بعد از عید فطر با لباس های مخصوص عید، راهی قبرستان می شوند.

### تشریفات مذهبی و اعیاد ملی

مسلمانان و مسیحیان اندونزی برای تعطیلات مذهبی و دینی خود ارزش فوق العاده ای قائلند، مثلا در جشن عید فطر یا کریسمس، سراسر اندونزی غرق نور و شادی می شود. سردر خانه ها، ادارات و بازارها را چراغانی کرده و دو سه شبانه روز صدای ترقه لاینقطع فضای شهرها را پر می کند.

همه ساله مسلمانان، از اول ماه ربیع الاول تا پایان ماه ربیع الثانی را به خاطر میلاد مسعود رسول خدا(ص) در سراسر کشور جشن می گیرند. این جشن ها میراث بزرگان و پرچم داران اسلام در اندونزی که غالبا صوفی مسلک بوده اند، است. اوج جشن های میلاد النبی(ص) در دهه دوم ربیع الاول است. تمام مساجد، مدارس، حوزه های علمیه، مراکز دینی، موسسات و... همه شب، بعد از نماز عشاء تا صبح به ذکر، درود، سلام، صلوات و

سرودهای ویژه «میلاد النبی» مشغول هستند. در این مجالس صرف نظر از سخنرانی های دینی، گروه های مختلف سرود زن و مرد، دختر و پسر، همراه با دف، طبل و آلات موسیقی محلی، سرودهای خاصی را به اجرا می گذارند. از آنجا که در همه جای این کشور طی دو ماه یاد شده، این سرودها که به ندرت عربی هم هستند مثل (طلع البدر لینا من ثیبات الوداع.....) تکرار می شود، کوچک و بزرگ سروده ها را حفظ بوده، همگی با همخوانی، در این گونه مراسم ها مشارکت می کنند.

در این میان عید فطر برای مسلمانان چیزی فراتر از عید مذهبی و دینی است، به این معنا که در عید فطر همانند نوروز ایرانی، تمام مردم باید لباس نو بپوشند، حتی الامکان خود و خانه های خود را زینت دهند. کودکان و نوجوانان از نشاط و شادی فوق العاده ای در این ایام برخوردار هستند. دید و بازدید، صلح رحم، رفت و آمدها، شادی ها و صدای خنده های بلند در فضای تمام خانه ها و کوچه ها و خیابان ها آکنده است. تبریکات، پرداخت عیدی، شادی و.... تا چند روز متوالی در اوج خود قرار دارد. مسلمانان هنگام ملاقات و مصافحه یکدیگر را در آغوش گرفته، طرفین جمله معروف: «من العائدين والفائزين» را به عربی و در ادامه آن بلافاصله جمله «mohon maaf lahir dan batin» را به زبان اندونزیایی که به معنای حلالیت خواستن و طلب عفو و بخشش است، تکرار می کنند. عید قربان نیز همانند عید فطر برای مسلمانان محترم است. به شرکت در نماز عید و انجام قربانی اهتمام شدیدی دارند؛ حتی کسانی که توانایی خرید گوسفندی ندارند، چند نفر باهم شریک شده گوسفندی را خریده و قربانی می کنند. در این روز نیز همراه همان تبریکات و شادباش، یک روز کامل را به دید و بازدید می پردازند.

در بسیاری از مناطق، معتقدان به یکی از ادیان، در تعطیلات مذهبی پیروان دیگر ادیان، با تبریک و بردن هدایا برای آنان و دید بازدید، احترام خود را به آنان نشان می دهند.

مهم ترین مراسم ملی این کشور، جشن استقلال اندونزی است که در تاریخ ۱۷ آگوست است. این مراسم با شادی های خاص، رژه های مختلف در جاکارتا و دیگر شهرها برگزار می شود؛ البته در هر جزیره و منطقه، جشن های فرهنگی و تاریخی ویژه ای وجود دارد

که ریشه فرهنگی و تاریخی آن محدوده را داشته و در همان مناطق انجام می گیرد. یکی از جشن های بزرگ و غیرملی که در اندونزی برگزار می شود، جشن سال نو چینی هاست. از آن جا که چینی تبارهای زیادی در اندونزی زندگی می کنند و در دهه های متمادی به علت ممنوعیت نمی توانستند سال نو خود را جشن بگیرند، این جشن در خانه ها گرفته می شد و همواره از این ممنوعیت شکایت داشتند. بعد از سوکارنو در سال ۱۹۹۹ میلادی، این ممنوعیت برداشته شد و اژدهای زرد، پا به خیابان های شهرهای مختلف اندونزی گذاشت. در این جشن تمام مغازه ها برای دو روز متوالی بسته و ترافیک سنگین جاکارتا نیز به سبب تعطیلی، سبک می شود؛ البته جشن ها یا مراسم های دیگر که حاکی از وقایع تاریخی، روز تولد یا وفات شخصیت های بزرگ و قهرمانان ملی و محلی باشد نیز برگزار می شود.

از دیگر مسائلی که نشانی در نوع تفکر مذهبی و فرهنگی مردم مناطق مختلف اندونزی دارد، ساخت مجسمه ها، تصاویر و اشکال مختلف از صنایع دستی با تزئینات ویژه است که غالباً روی چوب انجام می شود. این صنایع دستی و آثار فرهنگی به شدت موجب توجه توریست های خارجی است.

## آثار مهم فرهنگی و تاریخی

### اشاره

اندونزی به خاطر قدمتی که دارد، صرف نظر از جزایر و سواحل بسیار متنوع و زیبا، دارای آثار تاریخی و فرهنگی زیادی است که همین آثار موجب جذب توریست هایی از سراسر جهان شده است. از نمونه های بارز این آثار می توان به مسجد استقلال که بزرگ ترین مسجد در جنوب شرق آسیاست، اشاره کرد که این مسجد در زمینی به مساحت ده هکتار و گنجایش صد و بیست هزار نفر نمازگزار ساخته شده است. طرح این مسجد از زمان استقلال اندونزی آغاز شده که به خاطر بزرگی، وسعت و تزئینات، ساخت آن هفده سال به طول انجامید. معماری این مسجد تلفیقی از معماری سنتی و مدرن بوده که در قیاس با بقیه مساجد از سقف بسیار بلند و رفیعی برخوردار و زیبایی

کم نظیری دارد. کلیسای مقابل مسجد استقلال و کلیساهای دیگر از دوران حضور استعمار به یادگار مانده است. ساختمان مرکزی آرشیو ملی (بنا شده در قرن ۱۸م)، ساختمان وزارت دارایی (بنا شده در اوایل قرن ۱۹م)، برج مونس با صد و سی و هفت متر ارتفاع که سمبل استقلال اندونزی به حساب می آید و در کنار مسجد استقلال قرار دارد، همچنین مساجد بسیار زیبا و بزرگ در روستاها و جزایر، بنای قبور اولیای نُه گانه، پارک های زیبایی مثل «تامان بونگا» باغ گل «کیون رایا»، باغ درختان در شهر بوگور که از انواع گونه های گیاهی و درختان کشورهای جهان نمونه ای در آن پارک وجود دارد، پارک وحش «تامان سفری» که انواع حیوانات آزادانه در پارک جنگلی بزرگی نگهداری می شوند و پارک بسیار زیبای «تامان مینی» «indonesia indah» در همگی آنها شکل، جغرافیا، ابنیه و فرهنگ تمام مناطق کشور در آنها تعبیه شده است.

در این کشور انواع موزه های جالب و دیدنی از قبیل موزه تاریخ طبیعی، علوم، فنون، باستان شناسی، تاریخ، مردم شناسی، حیوانات، هنرهای زیبا، موزه دانشگاهی، مدرسه ای، تاریخی، یادبود، استانی، بخش و ناحیه ای و... وجود دارد. (۱)

### ۱- میراث ادبی

میراث ادبی کشور اندونزی شامل نسخ خطی نوشته شده روی پوست های چند صد ساله درخت خرما، چوب های بامبو (خیزران) و سایر پوست ها و برگ های که قابل نوشتن بوده، می باشد. بخشی از آن ها در مناطق مختلفی مثل مالای، جاوه، بالی، بوگیس، رجانگ و باتاک، یافت شده اند.

شعری نوشته شده در قرن چهارم میلادی به نام «ناگار کرتاگاما» شعری بسیار بلند در مدح پادشاه «هایاموروک» است که به توصیف ساختار زندگی و شاکله اجتماعی پادشاهی او که «ماجاهیت» نام داشت، پرداخته است یا در شعر حماسی دیگری به نام «ای لاگا لیگو» که شخصی از اهالی بوگیس آن را سروده، این شعر مربوط به جریان

ماجراجویی های قهرمان فرهنگی آن ها به نام «ساوریگادینگ» است که رشادت های او را به تصویر کشیده است. جالب این که این شعریکی از طولانی ترین شعرهای دنیای حماسی جهان به حساب می آید.

متاسفانه، بنا به گسستگی فرهنگی موجود به طور مشهود، استفاده از ادبیات به منظور سرگرمی و تعلیم آموزه های اخلاقی و علمی هنوز بخشی از فرهنگ مردم عادی شهرهای کشور نشده و در روستاها نیز نقش اندکی در زندگی عموم مردم داشته است. قدمت ادبیات در اندونزی چندان زیاد نیست؛ با وجود این که در زمان حضور هلندی ها، برخی از متون ادبی به زبان های بومی منتشر می شد که بیش تر این متون به زبان جاوه ای بود ولی متاسفانه نشر این آثار اندکی پس از استقلال به بهانه تضعیف زبان ملی و رسمی از سوی دولتمردان وقت متوقف گردید.

فعالیت شعرا و نویسندگانی از قبیل «دابلو. اس. رندرا» در جاکارتا یا آن شاعر جاوه ای که شعری طولانی و تاریخی را به نام «صدای باد» در انتقاد از حکومت سرود، در زمان سوهارتو، به شدت منکوب شده، انتشار آن کاملاً ممنوع بود.

منازعات سیاسی میان احزاب چپ و راست کشور در دهه پنجاه و اوایل دهه شصت میلادی، موجب شد نویسندگان این کشور دیگر جرات نوشتن نداشته باشند.

دهه شصت میلادی، در پی اقدامی که علیه کمونیست ها صورت گرفت، بسیاری از نویسندگان که در سازمان های چپ گرا فعالیت می کردند به زندان افتادند. یکی از معروف ترین این نویسندگان فردی ملی گرا بود به نام «پراموئد با آنانتا توئر» که از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹ میلادی، از سوی دولت استعماری هلند به زندان افتاده بود. او بین سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹ میلادی، کتاب هایی داستان گونه برای همزمان یا همفکران تبعیدی خود در جزیره «بورو» که تبعید شده بودند نوشت. نامبرده بعد از تبعید در جاکارتا ساکن گردید، لیکن در خانه اش محبوس و تحت کنترل شدید قرار داشت. چهار مورد از رمان های او در کتابی به نام «بوروکو آرت» بین سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ میلادی در اندونزی منتشر شد. علاوه بر این ها، نامبرده اسناد بسیاری را در خصوص



زندگی مردم منطقه جاوه در دوران استعمار منتشر کرد ولی در زمان رژیم سوهارتو از انتشار آن جلوگیری به عمل می آمد.

کتاب «پرام» از آثار همین نویسنده، برنده جایزه قلم و خودکار آزادی در سال ۱۹۸۸ میلادی و جایزه «ماگسایسای» در سال ۱۹۹۵ میلادی شد. ترجمه کتاب «بورکو آرت» ایشان نیز مورد تحسین منتقدان انگلیسی قرار گرفت. بعد از سقوط رژیم سوهارتو در سال ۱۹۹۹ میلادی، کتاب «پرام» ایشان وارد بازارهای ایالات متحده آمریکا شد. او تنها نویسنده اندونزیایی است که آثارش مورد استقبال در دیگر کشورهای جهان قرار می گیرد.

## ۲- میراث هنری

مجسمه های دقیق و زیبایی هندوها در منطقه جاوه و تابوت های سنگی تزئین شده مردم سوماترا، آثار هنری ارزشمند بر جای مانده در این مناطق است. در حال حاضر تنها در منطقه بالی، حکاکی روی سنگ همچنان ادامه دارد. در این کشور حکاکی روی چوب در مقایسه با حکاکی روی سنگ رواج بیشتری دارد؛ لذا صنعت کلبه سازی از چوب حکاکی شده در منطقه بالی و تندیس های خدایان و حیوانات که بسیار هنرمندانه هم ساخته شده اند بازار صنایع دستی را تسخیر کرده است.

حکاکی قدیمی و سنتی اشکال مختلف انسان ها و حیوانات روی کوه «باتاک» در منطقه سوماترا و همچنین در «دایاک شمالی» در جزیره کالیمانتان از جاذبه های گردشگری این کشور به حساب می آید. اضافه کنیم به این هنرها هنر نقاشی روی کرباس و نیز طراحی پارچه که در مقایسه با مجسمه سازی و پیکرتراشی رواج بیش تری داشته است. منسوجات طراحی و ساخته شده در اندونزی در حال حاضر در بسیاری از کشورها شناخته شده هستند. «باتیک» واژه ای است جاوه ای به معنی «نقطه» و «اتیک» نیز کلمه ای است «مالای» به معنای گره زدن که به نوعی از پارچه ها اطلاق می شود که قبل از دوخته شدن گره خورده، رنگ زده می شوند. باتیک در دربار پادشاهان گذشته یا

در کلبه های روستایی تولید می شده و این هنر و صنعت در دو منطقه بالی و جاوه از وسعت و گسترش بیش تری برخوردار بوده است؛ لذا همین صنعت و هنر در دهه های اخیر نیز موجب تحولات اقتصادی بسیار خوبی برای این مناطق شده است. زنان جاوه ای، سوندایی و بالی در مراسم رسمی کشور دامن های تزئین شده باتیک می پوشند و در مراسم های جشن و رقص های محلی، باتیک جایگاه خاص خود را دارد. امروزه لباس باتیک به عنوان پوشش رسمی و بومی تمام گروه ها و قومیت ها در کشور پذیرفته شده، غالباً در مراسم های رسمی از این لباس استفاده می گردد و گاهی برخی نهادها و سازمان ها از باتیک به عنوان لباس فرم نیز استفاده می کنند.

### ۳- موسیقی

جزیره جاوه، سوماترا و بالی، مهد بسیاری از سبک های موسیقی در اندونزی بوده است. سبک گاملان در مرکز و شرق جاوه و همچنین در جزیره بالی مرسوم بوده و با سبک دانگدوت نیز که معمولاً با حرکاتی هماهنگ است، همراه می شود و غالباً به عنوان موسیقی رسمی در تجمعات انتخاباتی مورد استفاده قرار می گیرد. این دو سبک در میان دیگر سبک های موسیقی در اندونزی شهرت ملی دارند. کرونگان از پرتغال، ساساندو از تیمور و دگونگ و آنکلونگ که با چوب بامبو نواخته می شود از دیگر سبک های محبوب و مشهور اندونزیایی هاست.

### ۴- هنرهای نمایشی

هنرهای نمایشی در اندونزی بسیار متنوع است که شامل ارکسترهای جاوه ای، بالی، ارکستر چوب خیزران، موسیقی و ارکسترهای مذهبی و اسلامی که در جشن های اسلامی و رویدادهای خانوادگی مورد استفاده قرار می گیرد.

رقص خلسه مربوط به محله ای از صوفیان، رقص شمشیر، رقص سایه، رقص میمون که در بالی رواج دارد. این نمایش ها غالباً با عروسک هایی که از پارچه باتیک ساخته شده،

همراه است. در میان آن ها رقص با شمشیر در منطقه بالی و ارکستر چوب خیزران سوندایی از همه پیچیده تر و دشوارتر است.

معروف ترین نمایش تئاتر در اندونزی، نمایش عروسک های سایه ای در دو منطقه جاوه و بالی است که براساس شعر حماسه «رایامانا» اجرا می شود. در این نمایش ها بیش از یکصد عروسک را عروسک گردان ها در نمایش به کار می گیرند. عروسک گردان ها عموماً روستاییانی هستند که هنر آنها مکمل کشاورزی آن ها نیز هست و ضمن جذب توریست که از کشورهای مختلف به اندونزی سفر می کنند، در برخی از کشورهای دیگر همین هنر و نمایش ها را بنا به دعوت یا حضور در فستیوال های بین المللی به اجرا می گذارند که طرفداران زیادی دارد.

در هنرها و نمایش تئاترهای معاصر اندونزی و نیز بعضی از نمایش تئاترهای قدیمی، عقاید سیاسی و پیام هایی در نقد برخی شخصیت های ملی، همچنین رویدادهای سیاسی نمایش داده می شد که در زمان رژیم سوهارتو، از آن ها جلوگیری به عمل آمد.

### هجوم فرهنگی غرب

دولت استعماری هلند در سال ۱۷۷۸ میلادی، جامعه «پاتاوا» را علی الظاهر برای حمایت از هنر و علوم هنری ایجاد و بعد از آن موزه ملی کشور تاسیس شد. در دهه های اخیر موزه های فرهنگی و منطقه ای با بهره گیری از سرمایه های دولت محلی، مرکزی و کمک های خارجی ساخته شدند. از سوی دیگر متاسفانه هنرهای باستانی و نمادهای آن مثل خانه ها، پارچه دوزی ها، حکاکی روی چوب، ظریف کاری ها روی طلا و نقره، مجسمه سازی، عروسک سازی، زنبیل بافی و... از گزند بازارهای سیاه و القاء طرح های جدید در امان نمانده اند.

در سال ۱۹۴۷ میلادی کالجی برای معلمان هنر، تاسیس شد که در سال ۱۹۵۱ میلادی، به موسسه فناوری «باندونگ» تغییر نام یافت. همچنین در سال ۱۹۵۰ میلادی، در منطقه یوگیا کارتا، آکادمی هنرهای تجسمی و در سال ۱۹۶۸ میلادی، در جاکارتا

موسسه آموزش هنر تاسیس شد. پس از آن در بسیاری از مناطق کشور، آکادمی های متعدد هنری نیز ایجاد شد. در حال حاضر در تمام دانشگاه ها و بسیاری از موسسات تربیت معلم، دانشکده های هنر وجود دارد.

در کنار این ها حتی در مدارس خصوصی، موسیقی و رقص آموزش داده می شود. در مناطقی چون یوگیاکارتا و جاکارتا ضمن پررونق بودن این مراکز، گالری های خصوصی ویژه نقاشان و طراحان پارچه و هنرهای اندونزی در کنار هنرهای سنتی، همچنین گونه های جدیدتر هنرهای معاصر از قبیل تئاتر، موسیقی، رقص و آموزش های دیگر از رونق نسبی برخوردار است.

هنر تئاتر، رقص و موسیقی معاصر متأثر از غرب در اندونزی، بیش تر در جاکارتا و یوگیاکارتا، رایج است و در مناطق دیگر از رونق کمتری برخوردار است. مرکز ملی هنر «تامان اسماعیل مرزوقی» در منطقه جاکارتا، دارای چهار سالن تئاتر، یک استودیو رقص، یک نمایشگاه، چند استودیو دیگر موسیقی کوچک و اتاق هایی برای مدیران است.

پس از استقلال و عدم حضور و استیلای استعمارگران، استکبار جهانی با ترفندهای گوناگون، حضور و نفوذ فرهنگی خود را در غالب های مختلف حفظ کرده است. امروز کم نیست مراکز آموزشی، علمی، هنری و مراکز تفریحی متعلق به غرب به ویژه آمریکا، انگلیس و استرالیا، با تابلو یا بی تابلو در سطح کشور اندونزی که به فعالیت های خاص خود مشغولند!

### اندونزی و دنیای مجازی

در حوزه رسانه ها و دنیای مجازی، اندونزی از وضعیت منحصر به فردی برخوردار است. این کشور از نظر شاخص نفوذ اینترنت نیز جایگاه بسیار پررنگی دارد. بیش از ده اپراتور تلفن همراه، دارای خدمات اینترنت G3 هستند. علاوه بر اینترنت، وایمکس در بسته های مختلف و با سرعت های متفاوت در اختیار متقاضیان قرار می گیرد. بخش عمده ای از طبقه متوسط به بالا- نیز که عموماً عضو و مشترک شرکت های تلویزیون کابلی هستند،

از اینترنت های با سرعت بالای چند مگا استفاده می کنند. براساس سازمان مرکزی آمار اندونزی (bps) تعداد استفاده کنندگان از اینترنت (user) تا آخر سال ۲۰۱۳ میلادی، به رقمی بالغ بر ۱۹/۷۱ میلیون نفر رسیده است و نسبت به سال ۲۰۱۲ میلادی، سیزده درصد افزایش داشته است. براساس گزارش «cisco visual networking index» به سبب رشد سرعت اینترنت در این تاریخ، اندونزی رتبه دوم بین کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است. ناگفته نماند این آمار پس از شش ماهه اول ۲۰۱۴ میلادی، به رقم ۰۶/۷۴ میلیون نفر رسیده است. براساس همین آمار نوع استفاده از اینترنت به ترتیب زیر می باشد:

ارسال و دریافت ایمیل (۷۵/۹۵ درصد)، دریافت اخبار (۴۹/۸۷ درصد)، تجارت الکترونیک و کاربایی (۸۱/۷۷ درصد)، دریافت اطلاعات سازمان های دولتی (۰۷/۶۵ درصد) و شبکه های اجتماعی (۲۳/۶۱ درصد) بالاترین استفاده کارکنان اینترنت در اندونزی را به خود اختصاص می دهند. در زمینه استفاده از شبکه های اجتماعی، اندونزی نیز رتبه قابل توجهی دارد. براساس پژوهش «tns» این کشور دومین رتبه کاربران فیس بوک و سومین رتبه کاربران توئیتر را در جهان به خود اختصاص داده است؛ به طوری که در ایام تبلیغات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۴ میلادی، بیش از دویست میلیون پیام تبلیغاتی توسط دو نامزد ریاست جمهوری و هواداران شان در صفحه فیس بوک رد و بدل شده است که براساس گزارش روزنامه فجر اندونزی بیش از هفتاد درصد کاربران را جوانان زیر سی و چهار سال تشکیل می دهند. نکته قابل توجه دیگر این که بیش از چهل و پنج درصد کاربران اینترنت از طریق گوشی های هوشمند و تبلت به اینترنت دسترسی دارند. در تحقیق دیگری که شرکت یاهو شبکه جهانی (mindshare) انجام داده است، در حال حاضر بیش از ۰۳/۴۱ میلیون گوشی هوشمند و بیش از شش میلیون تبلت در اختیار کاربران اندونزیایی است و پیش بینی شده که این رقم تا پایان سال ۲۰۱۷ میلادی، به ۷/۱۰۳ میلیون گوشی هوشمند و بیش از ۲/۱۶ میلیون تبلت خواهد رسید.

## تلویزیون

یکی از شاخصه های رشد فرهنگی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی است. کشور اندونزی بیش از یازده شبکه و کانال تلویزیونی سراسری دارد که تنها یک شبکه آن دولتی است. شبکه های سراسری عبارتند از:

۱. TVRi ۱۱. ScTV ۱۰. Tpi ۹. Terans TV ۸. Tvoan ۷. Anteve ۶. GTV ۵. Indosiar ۴. Lativi ۳. Metrotv ۲. Rcti

که تنها شبکه دولتی این کشور است. در کنار این شبکه های سراسری بیش از هفتاد شبکه تلویزیونی محلی در استان ها و جزایر مختلف نیز فعالیت می کنند که از آن جمله به شبکه Bali TV مربوط به جزیره بالی و نظیر آن می توان اشاره کرد. اگرچه هر سال تعداد این شبکه ها در حال افزایش هستند، لیکن مجموعه این شبکه ها بر محور اقتصاد خودگردان فعالیت می کنند؛ صرف نظر از کپی برداری های تاکتیکی و تکنیکی که به تقلید از شبکه های حرفه ای جهانی برای جذب جوانان به برنامه های سرگرم کننده و بعضا مبتذل انجام می دهند که به نوعی زمینه ساز ترویج فرهنگ غربی نیز شده اند ولی مجموعه آن ها نسبت به باورهای اعتقادی، دینی و اخلاقی جامعه متعهد بوده، حساسیت های فرهنگی، خط قرمزها و حریم اخلاقی و مذهبی جامعه را نسبتا رعایت می کنند.

تاکنون کم تر اتفاق افتاده که مردم از تجاوز شبکه های تلویزیونی به حریم باورها و سنت های مذهبی و اخلاقی جامعه شکایت کرده باشند. همه این شبکه ها در مناسبت های خاص دینی و مذهبی برنامه های ویژه دارند. همه ساله در ایام ماه مبارک رمضان، به خاطر جذب اقشار مردم مسلمان و مذهبی کشور بخش عمده ای از برنامه های برخی از شبکه ها اختصاص به برنامه های دینی و مذهبی پیدا می کند که در این جهت یعنی اهتمام شبکه های یاد شده به جذب اقشار مردم مسلمان، تا حدودی موفق بوده اند.

**مطبوعات**

جریان مطبوعات، نشر و انتشار در اندونزی به لحاظ فنی نسبتاً پیشرفته است. کمیت و کیفیت نشریات، ژورنال های عمومی و تخصصی حاکی از فعال بودن این بخش در عرصه های اجتماعی است. اغلب روزنامه ها و نشریات معتبر دارای سیاست حزب اقشار مختلف مردم هستند که با رشد جریان IT و سایت های متعدد به خوبی توانسته اند بین تحصیلکرده های این کشور جای خود را باز کنند.

روزنامه های معروف اندونزی عبارتند از:

۱. The media indonisia ۲. Suara pemboharuan ۳. Koran tem po ۴. Republika ۵. Jakarta post ۶. Seputar indo ۷. Jakarta globe

صرف نظر از کیفیت و کمیت نشر و انتشار، سیستم توزیع مطبوعات و کتاب در کشور اندونزی بسیار منظم، کارآمد، همراه با سرعتی مناسب است که با همکاری شبکه های پستی و ترانزیتی انجام می گیرد. در کنار روزنامه های معتبر و معروف که ذکر شد، اندونزی دارای تعدادی مجلات عمومی و تخصصی نیز هست. اگرچه انتشار این مجلات توأم با نظم نیست و خیلی به زمان بندی توجه ندارند اما همان مجلات نیز اکثراً بین موسسات و افراد همفکر توزیع می شود.

از جمله مجلاتی که در حوزه علوم اسلامی فعالند عبارتند از:

۱. Tadjid ۲. Paramedina ۳. Al jamiah ۴. Refleksi ۵. Studi islamika ۶. Celt ۷. Teology media ۸. Diskursus

**نشر و انتشار کتاب**

دولت اندونزی به بحث کتاب، کتابخوانی و مطالعه کتاب اهتمام خوبی مبذول داشته است. سالی چند نوبت نمایشگاه های مختلف کتاب برگزار می شود و تسهیلات خوبی هم در اختیار ناشران قرار می دهد. از آن جمله سالی یک بار نمایشگاه بین المللی کتاب تحت عنوان «Indonesia book fair» که عموماً اوایل تابستان صورت می گیرد و همه ساله، نمایشگاه بزرگ کتاب های اسلامی در محل نمایشگاه ها برگزار می شود که اصطلاحاً به «Islamic book fair» معروف است. همچنین همه ساله نمایشگاه دیگری در ماه جولای

تحت عنوان نمایشگاه بزرگ کتاب «Pista boku» برگزار می گردد. در این نمایشگاه کلیه ناشران بزرگ و کوچک که در زمینه کتب دینی، مذهبی و اسلامی فعالیت می کنند، در یک تا چند غرفه، محصولات و کتاب های خود را در معرض نمایش و خرید عموم قرار می دهند. روز افتتاحیه سعی می شود گزارشی از نمایشگاه، حضور ناشران، میزان کتب جدید یا موضوعات قابل توجه، همچنین آمار و مقایسه با سال قبل به لحاظ کمی و کیفی، همراه نمودارهای مختلف ارائه شود. غالباً روز افتتاحیه یکی از شخصیت های برجسته کشور با حضور و سخنرانی، رسماً نمایشگاه را افتتاح می کند. در این برنامه ناشر برتر نیز معرفی شده از دست همان شخصیت، جایزه یا نماد رشد نشر و انتشار را تحویل می گیرد.

در میان ناشران کتب اسلامی، تعدادی به صورت مستقیم مربوط به شیعیان و طرفداران اهل بیت (ع) هستند و تعدادی نیز به صورت غیرمستقیم در تعامل و همکاری، اهتمام به نشر کتب شیعی دارند. ناشران شیعه، بروز و ظهورشان حداکثر از دهه نود میلادی تاکنون بوده و به فضل خدای متعال جای پای خوبی در عرصه چاپ و نشر پیدا کرده اند. نکته قابل توجه این که در نمایشگاه چهارم ماه مارس ۲۰۱۱ میلادی، انتشارات «میزان» که متعلق به آقای دکتر حیدر باقر است، مورد تقدیر قرار گرفت.

اسامی برخی از ناشران پیرو اهل بیت (ع) عبارتند از:

۱. میزان، ۲. لیترا، ۳. الزهراء، ۴. چاهایا، ۵. مطهری پرس، ۶. پوستان کاهدايه، ۷. الهدی یا چیترا و...

عرصه نشر، انتشار و کتاب نیز همانند عرصه های دیگر، خالی از تاخت و تاز سیاسیون و سیاستمداران نیست. در این رابطه سفارت عربستان سعودی به شدت فعال است و سالی چند نوبت همزمان با برپایی نمایشگاه، کلیه ناشران اندونزی را به سفارت عربستان دعوت کرده، ضمن پذیرایی شام، هدایایی به آنها داده و ناشران خاص مورد تفقد ویژه قرار می گیرند. ناشرانی که ارتباط خوبی با عربستان سعودی دارند همه ساله بر سرمایه و وسعت غرفه های نمایشگاهی شان افزوده می گردد.



در جلسه افتتاحیه نمایشگاه کتب اسلامی تاریخ چهارم مارس ۲۰۱۱ میلادی، انتشارات «Gema indoni prbss» که مورد حمایت جدی سفارت عربستان سعودی بود، به عنوان ناشر برتر معرفی، هدایا و جوایزی را از دست رییس قوه قضاییه آقای محفوظ M.D دریافت کرد!

قابل ذکر است انتشارات «Gramedia» مربوط به مسیحیان در کشور اندونزی با سرمایه ای چشم گیر و نفوذی قوی در این عرصه فعال است. مهم ترین مرکز پخش و توزیع کتاب در اندونزی متعلق به این انتشارات است که بدون اعمال محدودیت، آثار عمومی و تخصصی خود را به اقصی نقاط اندونزی فرستاده و توزیع می کند.

نکته: در عرصه چاپ و نشر کتاب، متاسفانه رشد تالیف و تولید خیلی پایین است. غالباً کتاب های منتشر شده از سوی ناشران، تالیف نیست، بلکه ترجمه است. ناشران در توجیه این قضیه می گویند: «تمایلات مخاطبان و علاقه مندی خوانندگان به کتب و موضوعاتی است که به نوعی در جهان، تبلیغ و معرفی شده باشد و ناشران چون با نگاه مارکتینگ و ویتیرینی به جریان نشر و انتشارات می نگرند، لذا منافع صنفی با محوریت اقتصاد، طبعاً تمایلی به نشر کتاب های جدید یا تالیفی که فاقد فروش خوب و شهرت بسزایی باشند، ندارند و همین امر شاید موجب آن شده تا سرانه کتاب یا تیراژ در اندونزی نسبت به جمعیت کشور بسیار کم تر باشد. اگر فقر و عدم قدرت خرید مردم را به آن اضافه کنیم ممکن است عدم رونق عرصه چاپ و نشر را بتوان تا حدودی توجیه کرد.»

ص: ۱۷۵

بخش نهم: نظام آموزشی

اشاره



آموزش و پرورش در اندونزی عمدتاً در کنترل بوده، وزارت فرهنگ و آموزش این وظیفه را برعهده دارد. وزارت دین و امور مذهبی نیز مسئولیت اداره مدارس دینی که عموماً مدارس یا اصطلاحاً معاهد اسلامی نامیده می‌شوند را دارند.

### ساختار آموزشی

در نظام آموزشی دولتی، هفت نوع آموزش در این کشور فعال است که عبارتند از:

۱- آموزش عمومی: توسعه دانش که اصلاح مهارت دانش آموزان را در اولویت قرار می‌دهد. در آخرین سطوح تحصیلی، تخصص یافتن اهمیت ویژه‌ای دارد.

۲- آموزش فنی حرفه‌ای: که دانش آموزان را برای کسب مهارت‌های فنی آماده کرده تا برای کسب مشاغل آمادگی لازم را به دست آورند.

۳- آموزش استثنایی (ناتوانان جسمی و ذهنی): مهارت‌ها و توانایی‌های خاصی را به دانش آموزان یاد می‌دهند.

۴- آموزش خدماتی: با هدف افزایش توانایی‌های لازم برای کسب مشاغل رسمی، اداری و غیراداری به منظور خدمت در مراکز دولتی و بخش خصوصی.

۵- آموزش مذهبی: دانش آموزان را برای یادگیری تعالیم خاص مذهبی و موضوعات مربوط، آماده می‌سازند.

۶- آموزش آکادمیک: کسب دانش و مهارت‌های علمی را در اولویت قرار می‌دهند.

۷- آموزش حرفه‌ای: که دانش آموزان را برای کسب دانش و مهارت‌های خاص ویژه مشاغل، آماده می‌سازند.

### سیاست‌های آموزشی

آموزش پایه در کشور اندونزی از طریق دو کانال پیگیری می‌شود: اولی از طریق مدارس رسمی که زیر نظر مستقیم آموزش و پرورش اداره می‌شوند، دومی از طریق آموزش‌های غیررسمی که هر دو، نه سال آموزش پایه؛ یعنی شش سال آموزش ابتدایی و سه سال

آموزش راهنمایی را کاملاً رعایت می کنند. افزون بر این ها جوامعی که از طریق دولت حمایت می شوند، مدارس اسلامی را تدارک دیده اند که این مدارس نیز ضوابط نه سال آموزش پایه را رعایت می کنند.

دوره آموزش ابتدایی شش سال بوده، کودکان از هفت سالگی اجباراً باید مدرسه بروند. مقطع بعد متوسطه است که آن هم جمعاً شش سال؛ یعنی سه سال راهنمایی و سه سال دبیرستان است. در این مقطع، انگلیسی مهم ترین و اولین زبان خارجی است که در مدارس تدریس می شود. در راستای سیستم فوق، سیستم آموزش مذهبی است که توسط وزارت دین به همین صورت ابتدایی و متوسطه اجرا می شود، پس از آن دانش آموزان دو سیستم، برای تحصیلات عالی وارد موسسات یا مراکز آموزش عالی دولتی می شوند.

### **کم رنگ شدن آموزه های دینی (چالش جدید آموزش و پرورش)**

یکی از چالش های جدید آموزش و پرورش در اندونزی که حاصل نفوذ بیگانگان در سیستم آموزشی کشور است، کم رنگ شدن و عدم جاذبه آموزه های دینی است. نشانه های این موضوع چه در بخش نرم افزاری، مثل کم رنگ شدن مطالب و مفاهیم دینی و تربیتی و چه در بخش سخت افزاری، مثل کمبود استاد و معلم در این حوزه کاملاً نمایان است.

### **بحران کمبود اساتید و معلمان دینی**

#### **اشاره**

آمار منتشر شده توسط مدیرکل آموزشی وزارت امور دینی اندونزی بسیار حیرت انگیز بود. مقامات این وزارتخانه اعلام کرده اند که اندونزی با کمبود استاد و معلم دینی روبروست و جهت رفع نیاز خود به بیش از بیست و یک تن استاد و معلم دینی نیازمند است. بحران کمبود کادر آموزشی در اندونزی به گونه ای مطرح است که پرجمعیت ترین

کشور مسلمان دنیاست. این کشور با وجود برخورداری بیشترین میزان جمعیت مسلمان دنیا، همچنان از کمبود کادر آموزش دینی رنج می برد.

کمبود بیست و یک هزار کادر آموزش دینی به معنای عدم برخورداری حداقل بیست هزار مدرسه از استاد و معلم دینی، رقم قابل توجهی است. به عنوان مثال نگاهی به وضعیت کادر آموزشی دینی در شهر جوکجارتا نشان دهنده عمق بحران است. این شهر که یکی از مناطق مهم اندونزی محسوب می شود با کمبود بیش از یک هزار تن استاد و معلم دینی روبروست. مقامات این شهر، بر این باورند که مدارس و مراکز آموزشی از پذیرش کادر آموزش دینی سر باز می زنند و این مهم خطر برخورداری از کیفیت پایین دانسته های دینی دانش آموزان این مدارس و مراکز را به همراه دارد. این مسئله نشان دهنده سوءمدیریت در نهادهای متولی است. چطور امکان دارد که پر جمعیت ترین کشور مسلمان دنیا با بحران کمبود کادر آموزش دینی مواجه باشد. این مسئله زمانی جدی تر جلوه می کند که به آمار حوزه های علمیه و مدارس دینی در اندونزی نگاهی بیندازیم.

در سال های اخیر حوزه های علمیه و مدارس دینی در کشور رشد بسیاری داشته اند؛ به طوری که در هر شهر تعداد بسیاری از این مراکز یافت می شوند. سوال این جاست که حوزه های علمیه و مدارس دینی قادر به تربیت کادر آموزش دینی نیستند که کشور این طور با بحران روبروست؟ نتایج فعالیت این مراکز چیست؟ و سوالاتی از این دست که اذهان را به خود مشغول می کند.

بررسی ریشه ای این بحران بسیار اهمیت دارد زیرا ادامه شرایط فعلی به معنای ادامه تربیت دینی دانش آموزان توسط کادر آموزشی غیر حرفه ای است. آموزش مباحث دینی در مدارس کشور نباید به صورت تجربی ادامه یابد. دانش آموزان به عنوان آینده داران این کشور باید توسط کادر آموزشی حرفه ای و مجرب تربیت شوند. کادر آموزش دینی باید دارای مدارک تحصیلی تخصصی در این زمینه باشند و پیش از آغاز فعالیت باید به تایید

وزارت امور دینی اندونزی رسیده باشند. هرگونه استاد و معلم دینی که جدا از این راهکار به فعالیت مشغول شده باشد، نمی تواند مورد تایید و اعتماد باشد.

با این وجود، این نکته صحیحی است که فراگیری علوم دینی محدود به رشته های تخصصی دانشگاه ها و حوزه های علمیه نیست و راهکارهای غیر رسمی دیگر نیز برای فراگیری علوم دینی وجود دارد ولی نویسنده معتقد است اولویت با افرادی است که به صورت تخصصی به فراگیری علوم دینی پرداخته اند.

حال باید از مسئولان کشوری سوال کرد، چرا اندونزی باید با چنین بحرانی مواجه باشد؟ چرا تعداد کادر آموزشی علوم دینی باید کمتر از مدارس باشد و چرا روند استخدام اساتید و معلمان این رشته متوقف گردیده است؟ مقامات مدعی هستند که تنها توقف استخدام این دست معلمان، مسبب بروز بحران شده است. اگر این ادعا صحیح باشد، وزارتخانه های مسئول باید با اتخاذ سیاست های جدید در اسرع وقت به حل آن اقدام کنند ولی اگر این بحران به واسطه نبود منابع انسانی به وجود آمده باشد، کشور با مسئله ای جدی مواجه است زیرا این مهم نشان دهنده عدم تمایل نسل جوان به فراگیری علوم دینی به صورت تخصصی است و باید رویکردهای جدید برای تامین منابع انسانی مورد نیاز اتخاذ شود. در این راستا همکاری دولت مرکزی و دولت های منطقه ای می تواند راهگشا باشد تا کشور بتواند از خطر «توقف تغییر نسل در جامعه علما» جلوگیری کند.

بنابراین در کشور اندونزی از گذشته، دو سیستم عمده آموزشی فعال بوده است. «مدارس و معاهد های اسلامی و سنتی» و پر سابقه علوم دینی که بیشتر در صدد پرورش «کیایی» یعنی عالم دینی بوده و دانشگاه های دولتی و خصوصی که با انگیزه های مختلف یک یا چند دانشکده خود را به رشته هایی چون کلام، فلسفه، عرفان و رشته های دینی دیگر اختصاص داده است.

## ۱- سیستم آکادمیک و دانشگاهی

نظام آموزشی در مقاطع مختلف، قانونمند، با ضابطه و دقیق است، علی رغم نرخ هفده درصد بی سوادی که هنوز در اندونزی وجود دارد؛ میزان ورود و خروج دانشجو در سطوح مختلف، نشانه علاقه مندی و انگیزه تحصیلات عالی در بین نسل جوان برای کسب مقامات علمی و ایجاد یا وصول زمینه اشتغال مناسب است. از آن جا که اندونزی به عنوان بزرگ ترین کشور اسلامی به لحاظ جمعیت محسوب می شود، دانشگاه های دولتی و خصوصی با انگیزه های مختلف یک یا چند دانشکده خود را به رشته های مرتبط با دین مثل فلسفه، کلام، عرفان و... اختصاص داده و می کوشند تا از منابع علمی مدرن و سنتی یک جا استفاده کنند. اگرچه داوری درباره کیفیت و ارزیابی مراکز آموزش عالی، رشته های پذیرفته شده و سنجش رشد علمی، ممکن است قدری دشوار باشد ولی علی رغم کمیت قابل توجه دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، هنوز این مراکز قادر به رقابت با دانشگاه های مهم منطقه و جهان به لحاظ کیفی نیستند.

اصولا با ضعفی که در حوزه های آموزش و پژوهش مراکز آموزش عالی اندونزی وجود دارد که فاقد نوآوری علمی هستند، در حال حاضر قادر به رقابت با مراکز مشابه خود در منطقه نخواهند بود. آن ها ترجیح می دهند تا بیش تر، از مدل کشورهای اروپایی به ویژه آمریکایی به اقتضای رشته های علمی پیروی کنند و همواره در تلاش هستند تا مساعدت های لازم را نیز از آنان اخذ کنند و این تلاش تاکنون خیلی بی نتیجه هم نبوده است.

در انتها برخی از مراکز آموزش عالی و دانشگاه های معروف و معتبر اندونزی را به ترتیب ذیل معرفی می کنیم:

۱. دانشگاه شریف هدایه الله (۲)، (UIN). دانشگاه پارامنیه ۳، Paramadina. دانشگاه محمدیه، ۴. دانشگاه اوهمکا ۵، Uhamka. دانشگاه جامع و بزرگ اندونزی، ۶. دانشگاه جاکارتا، ۷. دانشگاه کشاورزی، ۸. دانشگاه تونسا Uneisma دانشگاه اسلامی در شهر



برگور، ۹. دانشگاه ابن خلدون در شهر بوگور، ۱۰. دانشگاه اشرفیه اسلامی، ۱۱. دانشگاه دریارکارا Dariyakara (فلسفه)، ۱۲. دانشگاه پاکوئین Pakuan.

## ۲- سیستم آموزش سنتی و مذهبی

مکاتب آموزشی دینی و مذهبی، واحدهای آموزشی قدیمی و سیستم سنتی هستند که در حال حاضر به «معهد» معروفند. از گذشته های دور این سیستم آموزشی در صدد پرورش طلاب علوم دینی بود که پس از طی مراحل آموزشی، طلاب با پا گذاشتن به عرصه تبلیغات دینی آنها را «کیایی» می نامند. کیایی ها امور مذهبی مردم از اقامه نمازهای جماعت و جمعه تا عقد، نکاح، نشر، تبلیغ معارف دینی و مذهبی را به عهده دارند. صرف نظر از حوزه های بزرگ و قدیمی و پر سابقه ای که در مناطق مختلف مثل مادورا از جزیره جاوه وجود دارد، در «جاکارتا» پایتخت کشور اندونزی بیش از ده مدرسه علمیه معروف وجود دارد که هر کدام بیش از هزار طلبه دختر و پسر را در خود جای داده است. برخی از آن ها عبارتند از:

### ۱- موسسه و موسسات طاهریه

«حاج طاهر رحیلی» کار خود را از یک مدرسه کوچک با چند طلبه در سال ۱۹۱۵ میلادی شروع کرد و امروز ضمن اداره حوزه بزرگ جاکارتا، ده شعبه یا موسسه وابسته به طاهریه که از شماره یک تا ده را در مناطق مختلف، بخصوص در جزیره جاوه فعالیت می کنند، به خود اختصاص داده است. جالب این که موسسات طاهریه دارای تمام مقاطع علمی، سنتی، مدرن یا آکادمیک نیز هستند.

### ۲- حوزه علمیه دارالجنح

این حوزه نیز که یکی از بزرگ ترین مدارس علمیه جاکارتاست حدود سی سال قبل توسط آقای «محروس امین» تاسیس شد. او مدرسه را در ملک پدری خود با سه طلبه شروع کرد ولی امروز در یک فضای شش هکتاری بزرگ ترین مدرسه علمیه را ایجاد کرده که انصافا قابل توجه است!

**۳- حوزه علمیه الصدیقه**

این مدرسه علمیه در سال ۱۹۸۸ میلادی، توسط «حبیب جفری» در منطقه مسیحی نشین جاکارتا تاسیس و شروع به کار کرد. مدیریت فعلی آن با «کیایی نور محمد اسکندر» که روحانی پر نشاطی است، می باشد. در حال حاضر بیش از چهارصد طلبه دختر و پسر با صد استاد در این حوزه اشتغال به تدریس و تحصیل دارند.

**۴- حوزه علمیه الشافعیه**

مدرسه علمیه الشافعیه در سال ۱۹۳۲ میلادی توسط «عبدالرشید بن عبدالله الشافعی» تاسیس شد. از جمله مدارس علمیه پر سابقه و فعالی است که ظرفیت آموزشی آن بیش تر از دیگر مدارس است و در حال حاضر بیش از سه هزار طلبه دختر و پسر در این مدرسه اشتغال به تحصیل دارند. این حوزه نیز شعبه های متعددی دارد که تحت اشراف الشافعیه مرکزی اداره می شوند. بزرگ ترین شعبه آن در منطقه کوهستانی جاوه در فاصله صد و بیست کیلومتری قرار دارد و اهتمام این شعبه به حفظ، قرائت، و علوم قرآنی است.

برخی از مدارس علمیه مادورا:

**۵- معهد الناقیب**

معهد الناقیب، در جزیره مادورا و به سال ۱۹۱۸ میلادی تاسیس شده است. در حال حاضر مدیر آن «شیخ بشیر» و معاون آن «شیخ عبدالمقسط» هستند. این حوزه از جمله حوزه های بانظم و انضباطی است که در حال حاضر حدود یک هزار طلبه داشته و حدود سیصد نفر اعضای هیئت علمی دارد که در ساختمانی بسیار مرتب، اشتغال به درس و بحث دارند.

**۶- معهد التریبه الاسلامی الحمیدی**

معهد التریبه الاسلامی الحمیدی که این نیز در جزیره مادورا قرار داشته، مدیر فعلی آن «شیخ رافعی» و معاونش «البیضاوی» است. این حوزه هفت هزار نفر از خرد و کلان طلبه داشته که از دروس ابتدایی تا دروس عالی را پیگیری می کنند.

این حوزه نیز در جزیره مادورا قرار دارد. مدیر فعلی آن «قمرالدین برهان» است و حدود چهار هزار طلبه دارد. این حوزه نیز یکی از حوزه های منظم و با برنامه کشور اندونزی است.

البته معاهد اسلامی یا حوزه های علمیه دیگری از این دست در این جزیره عالم پرور و دیگر جزایر اندونزی فراوان است. تنها این چند مورد را از باب نمونه در این کتاب ذکر کردیم که حاکی از توجه مسلمانان اندونزی به این مراکز است.

معاهد اسلامی و حوزه های علمیه اکثرا وابسته به دو جریان بزرگ مذهبی به نام های «نهضت العلماء» و «محمدیه» که در صفحات بعدی معرفی خواهند شد، هستند. اغلب حوزه هایی که نام برده شد از جمله مدارس علمیه همفکر و هم سو با نهضت العلماء هستند که به «پسانترن» (Pesanten) (مدارس مادری که ده ها مدرسه دیگر را تحت اشراف دارند) معروفند. از همین بستر، این جریان مذهبی دارای اعضا و طرفداران زیادی در کشور شده است تا جایی که نفوذ آن با هیچ یک از احزاب کشور قابل مقایسه نیست.

حوزه های علمیه که مرتبه مترقی و رشد یافته این معاهد های اسلامی هستند، سهم عمده ای از تغذیه فرهنگی جامعه را به عهده دارند و نقش آنان در جریان اسلام گرایی و نفوذ شریعت در نهادهای فعال کشور را نمی توان نادیده گرفت. اگرچه امکان نادیده گرفتن و تاثیر گذاری کشورهای عربی مانند مصر و عربستان در تدوین، تهیه متون، متد و روش های آموزشی را نیز نباید نادیده گرفت؛ لیکن به این سبب، پیشینه فرهنگی شیعی فراموش شده و مذهب شافعی حاکم، همراه با گرایشات عرفانی و مشرب صوفی گری، تاکنون تاثیرات خشن افکار و عقاید تکفیری و سلفی در اندونزی خیلی کارساز نبوده است.

## تفاوت های دو سیستم

طبیعی است که روش های آموزشی و نتایج این دو سیستم موجود همواره متفاوت بوده و رسالت فارغ التحصیلان معهدها با دانشگاه های اسلامی یکسان نبوده و نیست. سیستم آموزش سنتی اندونزی وابسته به نهضت العلماء که به «پسانترن» معروف است هر کدام ده ها مدرسه علمیه را در دل خود جای داده است. از دانشگاه های فعال در رشته های اسلامی نیز می توان به دانشگاه شریف هدایت الله، دانشکده های کلام و فلسفه، تربیت و تبلیغ آن دانشگاه اشاره داشت که عمدتاً به جریان دوم اسلامی اندونزی؛ یعنی «محمدیه» وابستگی دارد. باید توجه داشت که در حوزه آموزش اسلامی، اعم از نوین و سنتی امکان نادیده گرفتن تاثیرگذاری کشورهای عربی مانند مصر و عربستان سعودی وجود ندارد.

نازل بودن سطح کیفی آموزش عالی اسلامی موضوعی نیست که بتوان در مورد آن تردید داشت. اصولاً نه معهدهای سنتی قادر به پاسخگویی نیازهای عقیدتی و فکری اقشار مختلف جامعه بوده، نه دانشگاه هایی که بدین منظور در اندونزی ایجاد شده است. معهدها عمدتاً در حد پرورش «کیایی» برای رسیدگی به امور روزمره مردم متوقف مانده اند و دانشگاه ها نیز فاقد برند و استاندارد علمی جهانی هستند و متأسفانه بیش تر خود را درگیر مراتب دانشگاهی کرده اند. در این میان، امروزه سوالات و شبهات بی پاسخ فراوانی در سطح جامعه رواج دارد که متأسفانه مورد کم توجهی دو سیستم یاد شده قرار گرفته است.

## تسامح و تساهل در آموزش

قبل از تصویب قانون نظام آموزشی ملی، مدارس دینی تحت نظارت وزارت دین اداره می شدند. با تصویب این قانون در سال ۱۹۹۴ میلادی، دولت طی طرحی در فرآیند یکپارچه سازی مدارس دینی و اعمال نظارت بر آنان و در نهایت، تضعیف این دو سازمان و از بین بردن این دو دیدگاه در عرصه آموزش، دست به اقداماتی زد که بی تاثیر در

نگرش موجود، تساهل و تسامح نسل جدید آن‌ها نبود. با استناد به مواد تصویبی سال ۱۹۸۷ میلادی که مدارس علمیه را هم‌تا با مدارس عادی قرار داده بود، همچنین الحاقیه سال ۱۹۹۴ میلادی، برنامه درسی مدارس علمیه توسط وزارت آموزش ملی با ضمیمه مکمل در موضوعات دینی که از جانب وزارت امور دین تهیه و تدوین می‌شد، نقش عمده‌ای را در آموزش تسامح، تساهل و هم‌سویی دینی مسلمانان و غیرمسلمانان بازی می‌کرد.

از آثار آموزش عالی اسلامی با گرایش تساهل و تسامح بر آموزش سنتی آن است که تعصب رایج در نظام آموزشی «پزنترن‌ها» و عدم ارائه معارف اسلامی در فرقه‌های مختلف اسلامی در این گونه مراکز دیده می‌شود.

اشتباه بزرگی که در این مقوله رخ داده، تساهل و تسامح را به جای زندگی مسالمت آمیز تلقی کرده و این بدعت ایجاد شده است. زندگی مسالمت آمیز با تساهل و تسامح فرق دارد. اسلام مسلمانان را به زندگی مسالمت آمیز با پیروان ادیان دیگر فرا خوانده است اما هرگز آن‌ها را به تساهل و تسامح دعوت نکرده و فرموده است نسبت به کفار و مشرکان، از در تسامح و تساهل وارد شوید. متأسفانه آن چه در این جا خلط مبحث شده، نتیجه آن به رسمیت شناختن و تأیید مرام‌های باطل است.

انسان‌های حق‌مدار و متدین، نه در مقام عمل و نه در مقام اعتقادات نظری حق ندارند در برابر مذاهب ناحق و مرام‌های باطل، ضعف و سستی از خود نشان دهند، آنان از مواضع اعتقادی خویش در مقام عقیده و از مواضع اصولی خود در مقام عمل، هرگز عقب‌نشینی نمی‌کنند. بله در روایتی، دین مبین اسلام به شریعت «سهله و سمحه» تعبیر شده است نه به تسامح و تساهل. به این معنا که دین اسلام با فطرت همه انسان‌ها سازگاری داشته، هیچ زحمتی برای انسان‌ها در قبول احکام الهی نیست. همچنین احکام صعب و ناسازگار با فطرت بشر در این دین وجود ندارد. بی‌شک این دو موضوع را جابه‌جا کردن و تساهل و تسامح را اصلی از اصول اسلامی دانستن و در سایه آن دیگر مرام‌های باطل را رسمیت بخشیدن و تأیید کردن، به بهانه زندگی مسالمت آمیز با پیروان

ادیان و مذاهب دیگر، ریشه در اندیشه های لیبرال دموکراسی غرب دارد و اساسا بی اعتبار است. آثار مخرب این اندیشه انحرافی را ان شاءالله در بخش های دیگر توضیح خواهیم داد.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا و اقدام نظامی این کشور در افغانستان، واژه «مدرسه علمیه» در کنار عناوین بنیادگرایی اسلامی و افراطی طالبانسم، قرار گرفت. در حقیقت مدارس علمیه از جانب بعضی روزنامه نگاران طرفدار سیاست های آمریکا، تحلیلگران و بعضی مقامات رسمی کشورهای غربی متهم به «مهد پرورش» رادیکالیسم (افراط گرایی) و حتی تروریسم شدند.

از سویی، غرب با تزریق برخی برنامه های آموزشی به مدارس دولتی، مخصوصا مقطع دبیرستان زمینه را برای اجرای برنامه های اصلی خود فراهم می کرد. با ورود دبیرستان های دو سویه به نظام آموزشی اندونزی و استفاده از شیوه های جدید و پیشرفته، نظیر کاربرد زبان انگلیسی به عنوان وسیله ارتباطی و تلقین برنامه های درسی که از خارج به ویژه با واسطه گری استرالیا تدوین شده و آمده بود، فارغ التحصیلان، با تسلط به زبان انگلیسی و ارتقای کیفی آموزشی راه ورودشان به دانشگاه های درجه اول کشور و کسب مشاغل بین المللی فراهم می شد.

در هر حال، ورود دبیرستان های دو سویه به نظام آموزشی اندونزی، سبک جدیدی از دبیرستان های پیشرفته و مدرن را با خود به ارمغان آورده است. بدیهی است چنین مراکزی در حوزه تدریس و یادگیری دانش آموزان، تحت تاثیر مفاهیم و منش های وارداتی قرار می گیرند. به هر حال مدارس دو سویه در این کشور آن قدر جاذبه پیدا کرده است که رقم آن ها روز به روز در حال گسترش بوده، پیش بینی می شود این روند تا حذف کامل نظام آموزشی دولتی فعلی ادامه پیدا کند!

از سوی دیگر موسسات آموزش عالی در اندونزی که شامل چهار دانشگاه اسلامی دولتی (uin) و چهارده موسسه دولتی در زمینه مطالعات اسلامی و سی و دو کالج اسلامی دولتی هستند، نقش کلیدی ویژه ای در ایجاد تسامح و تساهل دارند. تا چندی پیش در

داخل و خارج انتقاداتی به گوش می‌رسید مبنی بر این که این موسسات میان دو مسئله موعظه اسلامی و آموزش های آکادمیک گرفتار شده اند. این مسائل حتی موجب تنش ها و کشمکش هایی بین روسای مراکز آموزش عالی شد. به خاطر تبلیغات وسیع علیه موسسات اسلامی و لغو امتیازات و پشتیبانی های دولتی براساس برند و نرم های وارداتی مشخص، محور برنامه های جدید تعریف شد.

مراکز یاد شده مجبور شدند براساس آن مجددا درخواست امتیاز رسمی کنند. از این رو، دولت به مراکزی مجوز و امتیاز رسمی می داد که برای تدریس علوم دینی بر پایه تساهل و تسامح، امر آموزش را سامان دهند؛ لذا با این سیاست کلیه موسسات و مراکز آموزش عالی همگی به صورت یکپارچه درآمدند. دانشجویان که عموماً و اصالتاً از نواحی روستایی برای تحصیلات عالی به این مراکز می آمدند، پس از یک دوره آموزشی و اصول نوین فراگرفته شده در قالب احترام به عقاید دیگران و عدم حساسیت های سنتی، وقتی به روستای خود برمی گشتند قادر بودند آن مسائل را با اعتقادات خانوادگی خود عجین کرده و در سطح روستا منتشر کنند؛ این همان چیزی است که ما از آن به عنوان «تسامح و تساهل» یاد می کنیم.

نقش برجسته «ini, stain و uin» (مخفف نام سه دانشگاه اسلامی) که در تغییر شکل اسلام در اندونزی، در مقایسه با دیگر مراکز جهان اسلام در جهت بهره گیری از تسامح و تساهل که به اصطلاح راهنمایان غربی از شمولیت بیش تری برخوردارند، با کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست! پیاده شدن این نسخه غربی مدیون روش هایی است که مراکز فوق الذکر در فرآیند آموزشی خود انعطاف به خرج داده و به عنوان برنامه ای علمی برگزیده اند. (۱)

این برنامه مدون دارای ده محور آموزه های ویژه به شرح ذیل است:

## آموزه ها

۱- اسلام تنها دین نیست بلکه یک پدیده تاریخی هم هست که با بسیاری از فرهنگ ها و جوامع سازگار شده است و این مسئله می تواند موضوع یک تحقیق تجربی گردد.

۱- - به نقل از تحقیق: impact study در سال ۲۰۰۰، صص ۷ و ۸.

- ۲- از این رو می توان اسلام را یک پدیده تاریخی قابل درک و حوزه ای دانست که می تواند موضوع تحقیق تجربی استدلالی قرار گیرد. در مورد اسلام، تحلیل های اساسی بسیاری می توان انجام داد؛ بنابراین تفکر انتقادی در مسئله اسلام، چیزی نیست که نهی شده باشد.
- ۳- بررسی مقایسه ای در ادیان و مذاهب مورد تاکید هستند. این تاکید باعث پیشبرد روش قیاسی و نیز تولید دانش، درک، فهم و احترام به سایر ادیان خواهد شد.
- ۴- یک روش اشتراکی دموکراتیک و دارای شمولیت در پیش گرفته می شود و تفکر انتقادی، دیگر مختص علمای مسلمان و محققان نیست. خودانتقادی، باعث تقویت اعتماد به نفس، هم زیستی، تسامح، تساهل و آمادگی جهت پذیرش انتقادی قیاسی و غیراحساسی موقعیت دیگران می شود.
- ۵- یک روش تجربی یا ایدئولوژیکی و نه احساسی، در پیش گرفته می شود. انحصارطلبی و سلطه جویی (راست دینی) (ارتدو کسی) خشک و داشتن نقش مدافع یا مبلغ دینی نامناسب خواهد بود.
- ۶- رابطه فکری، اجتماعی و فرهنگی با غرب و سایر ادیان و مذاهب در پیش گرفته شده و تسهیل می گردد. دیگر غرب دشمن تلقی نمی شود، بلکه به عنوان یک همراه در رسیدن به موقعیت خواهد بود. بدین ترتیب افق های فکری گسترده تر خواهد شد.
- ۷- یک عرف خاص برای تحقیق هدفمند تعریف می شود؛ چیزی که قبلا وجود نداشت. مطالعه در مورد اسلام، تحقیقی گسترده خواهد شد و فقط به دانش آموخته شده رایج در بسیاری از جوامع مسلمان، محدود نخواهد بود.
- ۸- روش تحقیق در مورد اسلام، فرقه ای و متعلق به مدارس خاص فکری یا تفسیری نخواهد بود و بدین ترتیب تضاد میان آنها رفع خواهد شد. از این رو اسلام نه تنها یک پدیده واحد و یکپارچه است، بلکه پدیده جمعی نیز هست.
- ۹- روش هشتم نوعی مطالعه ادراکی و تقدیسی در زمینه اسلام و سنت حضرت محمد(ص)، حدیث و حرمت برای سنت انسانی، صبر و برابری در اسلام پیشین را در



پیش می‌گیرد. در مقابل، روش بررسی ساده و جز به جز قرآن و حدیث در پیش گرفته نمی‌شود زیرا این روش منجر به عدم درک درست اسلام و تحریف آن می‌گردد.

۱۰- سازگار کردن اسلام با تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی و اثبات ارتباط آن‌ها با شرایط جدید و ارتقای قابلیت جوامع مسلمان درهم، گامی سازنده است که با تغییرات ممکن می‌شود.

به طور خلاصه باید گفت که تاکید بر تسامح، تساهل و هم‌سوئی دینی که هدف اصلی و روش‌های به کار بسته شده از جانب **lain** و **stain** و **Uli**هاست، توسط سازمان‌های مسلمان، رهبران دینی محلی، جنبش‌های سیاسی و روستایی و مربیان سطح جامعه به طور فزاینده انعکاس می‌یابد.

مراکز آموزشی فوق‌الذکر در تمامی نواحی اندونزی نقش حیاتی در گسترش و اشاعه تضاد دینی و مذهبی دارند. به چنین مراکز مطالعه در زمینه اسلام و سایر ادیان و مذاهب، در همه موسسات آموزش عالی به عنوان مراکز مشاوره‌ای نگریسته می‌شود که نقش کاربردی در ایجاد فضای آزاد جامعه دارند.

ص: ۱۹۱

بخش دهم: اقتصاد اندونزی

اشاره



## خروج پرفراز و نشیب از معرکه بحران اقتصادی

مجمع الجزایر اندونزی از دیرباز نقش مهمی در پیشرفت های اقتصادی منطقه جنوب و شرق آسیا داشته است. کشتی های تجاری از دو هزار سال پیش و از طریق آب های آزاد و اقیانوس ها در منطقه هند، چین و جزایر منطقه رفت و آمد داشته اند. علاوه بر فراهم کردن بستر تجارت میان کشورهای مختلف، خود این جزایر، محلی برای تولید محصولات چوبی چون ادویه جات و کالاهای تجاری به دست آمده از معادن و جنگل های منطقه بوده و حائز اهمیت هستند. موقعیت استراتژیک و تعیین کننده این منطقه در آسیای شرقی، آسیای جنوبی و همچنین منطقه خاورمیانه تا به امروز همچنان بر اهمیت باقی مانده است. قبل از جنگ جهانی دوم، اندونزی سهم مهمی از صادرات جهانی قهوه، چای، کائوچو، قلع، نفت، فلفل، بوته میخک، نارگیل، درخت جوز، گنه گنه و روغن خرما را داشت اما در سال ۱۹۶۵ میلادی، سیاست های اقتصادی سوکارنو، کشور را با بحران روبرو ساخت که مردم اندونزی در آن زمان جزو فقیرترین ملل جهان به حساب می آمدند. با روی کار آمدن «سوهارتو»، وضعیت اقتصادی اندونزی تا حدودی بهبود یافت و اقتصاد کشور به سوی بازار آزاد سوق داده شد تا برنامه های دولت از طریق سرمایه گذاری خارجی تقویت شود.

کم و بیش ممکن است اطلاعاتی را در مورد بحران اقتصادی دهه ۱۹۹۰ میلادی در جنوب شرق آسیا داشته باشید. برای فهم وضعیت کنونی اقتصاد اندونزی، ناچاریم نگاهی به این بحران بیندازیم.

با روی کار آمدن «سوهارتو» و تاسیس سازمان منطقه ای «آسه آن» در جنوب شرق آسیا، اندونزی و همسایگانش سیاست های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را در اقتصاد خود به اجرا گذاشتند و با رشد اقتصادی هشت درصد تا دوازده درصد که برگ برنده بلوک غرب در برابر کشورهای کمونیستی در شرق آسیا مانند کره شمالی

بودند لیکن بحرانی که در سال ۱۹۹۷ میلادی از تایلند آغاز شد و در کره جنوبی و اندونزی و مالزی منتشر گردید، سایر کشورهای منطقه را نیز به نوعی متاثر خود ساخت.

بحران یاد شده از این قرار بود که در واقع از سال ۱۹۹۳ میلادی آغاز شده بود؛ زمانی که بدهی خارجی دولت های یاد شده تقریباً با تولید داخلی آن ها برابر شده و به تدریج تا سال ۱۹۹۶ میلادی به ۶/۱ برابر تولید سالانه رسیده بود. سه محور اصلی سیاست های بانک جهانی و صندوق بین الملل پول، ایجاد تسهیلات بی سابقه ای برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سپس سودآوری در صادرات محصولات تولیدی و نهایتاً بازپرداخت وام هایی که برای رشد تولید و توسعه کشور دریافت شده است، بود اما مشکل اصلی در این فرآیند؛ یعنی صادرات محصول تا حدود نود درصد در اختیار سرمایه گذاران خارجی قرار گرفته بود که فی نفسه خطرپذیری بالایی را در منطقه ایجاد کرده بود زیرا سرمایه گذاران خارجی منافع ملی مالزی و اندونزی را هیچ گاه در نظر نداشتند و هر لحظه ممکن بود در ازای سودآوری بالاتر به نقطه دیگری از جهان نقل مکان کنند! همین خطرپذیری بود که عاقبت گریبان گیر منطقه جنوب شرق آسیا شد. تا زمانی که رقابت بین بلوک شرق کمونیست و غرب سوسیالیست پابرجا بود، سرمایه گذاران غربی در جنوب شرق آسیا سنگ تمام گذاشتند ولی پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق، به تدریج سودآوری شرکت ها کاهش یافت تا جایی که در سال ۱۹۹۷ میلادی، بسیاری از سرمایه گذاران خارجی تصمیم گرفتند سرمایه خود را از منطقه جنوب شرق آسیا خارج کنند؛ لذا خروج سرمایه ها موجب کاهش ارزش خارجی و ناتوانی شرکت ها و دولت ها در بازپرداخت وام های دریافتی خارجی شد.

با بروز بحران اقتصادی، بسیاری از شرکت ها ورشکسته شد و تعدادی از سهام داران و مدیران داخلی آن یا دست به خودکشی زده یا سخته کردند! بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که سیاست خود را ناموفق می دیدند به فرافکنی روی آوردند و از سوی دیگر، خود این نهادهای بین المللی را به توطئه علیه کشورهای منطقه متهم می کردند، لیکن با زیرکی خاصی همین نهادهای بین المللی سعی کردند این تهدید را به یک

فرصت برای خودشان تبدیل کنند؛ به این صورت که با فرافکنی اولاً ریشه بحران را به مسائلی چون عدم شفافیت اقتصادی و اختلاس مسئولان داخلی نسبت دادند و ثانياً، به دولت های در آستانه فروپاشی که در اثر تورم بی سابقه و رشد فزاینده بیکاری مواجه شده بودند، وعده دادند در صورت پذیرش سیاست های جدید و استعماری این نهادهای بین المللی برای حل بحران موجود (که چیزی جز تشدید سیاست های گذشته نبود) میلیاردها دلار وام پرداخت کنند و این به معنای این بود که عملاً کشورهای یاد شده تحت قیمومیت اقتصادی دولت های غربی قرار می گرفتند. نشانه این قیمومیت اقتصادی در اندونزی، جایگزینی دلار به جای روپیه در بسیاری از شرکت ها شد! در آگوست ۱۹۹۷ میلادی، ناگهان سقوط ارزش روپیه آغاز گردید. دولت تلاش کرد با آزادسازی ارز شناور تا حدودی بر مشکلات فائق آید اما وضع بدتر شد. از آن طرف صندوق بین المللی پول یک وام بیست و سه میلیارد دلاری به اندونزی اختصاص داد ولی از آن جا که شرکت ها از تداوم سقوط روپیه نگران بودند، تلاش می کردند درآمدهای خود را با دلار مبادله کنند که همین امر موجب عرضه بیش از حد روپیه به بازار و در نتیجه سقوط هر چه بیشتر پول ملی شد! این روند ادامه پیدا کرد تا این که در ماه سپتامبر همان سال بورس ارز جاکارتا با سقوط بی سابقه ای روبرو شد!

سال ۱۹۹۸ میلادی به ازای هر دلار ۱۴۰۰۰ روپیه مبادله می شد. در حالی که پیش از بحران اقتصادی نرخ برابری هر دلار با روپیه ۲۶۰۰ بود. رشد ۵/۱۳ درصدی در تولید داخلی چیزی نبود که پیامد سیاسی نداشته باشد. در این بحران، «سوهارتو» ابتدا رئیس بانک مرکزی اندونزی را برکنار کرد و نهایتاً در اثر اعتراضات مردمی خودش مجبور شد با فاصله اندکی در تاریخ ماه می ۱۹۹۸ میلادی از مقام ریاست جمهوری استعفا کرده و قدرت را به معاون اولش واگذار کند.

در این آشفته بازار، «تیمور شرقی» که استان بیست و هفتم اندونزی بود، از فرصت به دست آمده استفاده کرد و فرآیند استقلال خود را آغاز کرد و نهایتاً در ماه می ۲۰۰۲ میلادی به صورت کشور مستقل درآمد.

اگرچه درآمد سرانه اندونزیایی ها از سال ۱۹۹۷ میلادی تا ۲۰۰۵ میلادی حدود پانصد دلار افزایش یافت اما حجم اقتصادی این کشور همچنان کوچک تر از سال ۱۹۹۷ میلادی بود. پس از سال ۲۰۰۰ میلادی اندونزی رشدی حدود چهار تا هفت درصد را تجربه کرده است؛ اگرچه روند چند سال اخیر نشان می دهد که بعید نیست سال های بعد به زیر چهار درصد سقوط کند. حال بینیم اندونزی چه داشته هایی برای مقابله با این وضعیت و افزایش رشد اقتصادی خود ذخیره دارد؟ زغال سنگ، صنایع چوب، توریسم، محصولات کشاورزی و نفت چهار حوزه اصلی در تولید داخلی و منبع درآمدهای اندونزی به حساب می آیند. قیمت نفت که رو به کاهش است و اگر روند فعلی تداوم پیدا کند، درآمد ارزی اندونزی از فروش نفت نیز کاهش خواهد یافت و از سوی دیگر، باران های موسمی و جنگل های انبوه استوایی نویدبخش ذخایر هنگفت زغال سنگ است، لیکن با توجه به کاهش قیمت جهانی نفت و جایگزینی آن به جای زغال سنگ در بسیاری از کشورها، فروش زغال سنگ نیز کاری از پیش نخواهد برد؛ بنابراین دولت اندونزی باید هر چه بیشتر در سه حوزه بعدی متمرکز شود: ۱- گسترش صنایع چوب، ۲- کاهش جدی خام فروشی و ۳- گسترش توریسم.

ایجاد زیرساخت های رفاهی در مراکز تفریحی و جزایر بی شمار، بکر و بسیار زیبا و کم نظیر که عمدتاً به دست فراموشی سپرده شده است و بهبود روابط با دنیا و تسهیلات لازم جهت آمد و شدها، بخصوص توریسم، همچنین گسترش محصولات کشاورزی با بهره گیری از مزیت نسبی در بازاران های فراوان و خاک حاصل خیز، می تواند راهگشا باشد. اگرچه در سال های اخیر دولت اندونزی تلاش هایی در این جهت داشته است ولی آمار رشد اقتصادی کشور گویای این حقیقت است که این کشور هنوز تا رسیدن به یک تناسب منطقی بین ظرفیت های بالای ذخایر اقتصادی، نیروی انسانی کافی و استعدادهای بالقوه رشد، فاصله دارد.

## قدرت های اقتصادی نوظهور در آسیا

اگرچه اندیشمندان گفته اند قرن نوزدهم و بیستم به ترتیب در دست اروپا و آمریکا بوده است و قرن بیست و یکم در دستان آسیا خواهد بود! قطعاً نگاهی به قدرت های نوظهور در آسیا داشته اند که بی شک یکی از آن ها کشور اندونزی است؛ کشوری که در قرن بیستم فراز و نشیب های زیادی داشت اما در پایان قرن بیستم نه تنها به یک ثبات استراتژیک در سیاست داخلی و خارجی دست یافت، بلکه در یک حرکت پر شتاب برای رهبری منطقه جنوب شرق آسیا و جایگاهی که احساس می شد شایسته آن در جهان است، خود را آماده کرد.

اما سه مشکل اساسی همچنان در مسیر رشد و توسعه اندونزی وجود داشته و هم اکنون تا حدودی وجود دارد که عبارتند از: بی سوادی در میان خیل عظیم روستانشینان، ناسازگاری منابع فرهنگی به ویژه بین منابع فرهنگ غربی و اسلام و سرانجام تکیه اندونزی بر صادرات مواد خام و عدم تمرکز بر فناوری های نوین و مدرن جهان.

کشور اندونزی با مساحت زیاد و جمعیت فراوان، یکی از نقاط کانونی و مراکز سیاسی - اقتصادی منطقه جنوب شرق آسیاست. وجود تنوع قومی و فرهنگی در این کشور زمینه مساعدی را برای تقویت جایگاه این کشور به وجود آورده است. منابع طبیعی و جاذبه ای توریستی بر امکانات رشد اندونزی افزوده است.

از سوی دیگر، موقعیت سوق الجیشی مجمع الجزایر اندونزی نقش مهمی در پیشرفت های اقتصادی این منطقه داشته است. کشتی های تجاری از دو هزار سال پیش و از طریق آب های آزاد و اقیانوس ها میان جزایر منطقه، هند و چین رفت و آمد داشته اند، علاوه بر فراهم کردن بستر تجارت میان کشورهای مختلف، خود این جزایر محلی برای تولید محصولات چون ادویه جات و کالاهای تجاری به دست آمده از معادن و جنگل های این منطقه بوده؛ لذا موقعیت استراتژیک و تعیین کننده این منطقه میان آسیای شرقی، آسیای جنوبی و منطقه خاورمیانه همچنان بر اهمیت باقی مانده است.



کشور اندونزی دارای منابع سرشار با پتانسیل کم نظیر اقتصادی به ویژه در زمینه معادن، کشاورزی، صنایع، چوب، شیلات و نیروی کار ارزان در منطقه است. این کشور، تولید بیش از بیست و پنج درصد کائوچوی دنیا را به خود اختصاص داده است. مهم ترین منابع اقتصادی و صنایع اندونزی عبارتند از: نساجی، معادن، لاستیک سازی، صنایع سبک، پلاستیک، چای، قهوه، تنباکو، شکر، روغن، نارگیل و... ضمناً این کشور در زمینه استخراج قلع و لاستیک جزو کشورهای عمده و در زمینه تولید نفت، مقام اول را در خاور دور از آن خود ساخته است. این کشور همچنان به کمک های خارجی و سرمایه گذاری های کشورهای دیگر در بخش های مختلف اقتصادی چشم امید دوخته است. گروه بین الدولی «IGGI» اندونزی شامل کشورهای استرالیا، زلاند نو، کانادا، آمریکا، ژاپن، ایتالیا، فرانسه و همچنین چند کشور اروپایی شامل هلند، آلمان، انگلیس و نمایندگان از سازمان های بین المللی مثل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در سال ۱۹۶۷ میلادی تشکیل گردید تا راه های کمک به اندونزی جهت توسعه و بهبود وضع اقتصادی این کشور را مورد ارزیابی قرار دهند.

موسسه «مکنزی اند کمپانی» (McKinsey Company) در یکی از تحقیقات خود اعلام کرد، اندونزی کشوری با دویست و پنجاه میلیون نفر جمعیت که نیمی از آنان را جوانان زیر بیست و نه سال تشکیل می دهند، هر ساله رشد اقتصادی بالای شش درصد دارد و تا سال ۲۰۳۰ میلادی، می تواند از آلمان و بریتانیا نیز جلو بزند. تولید ناخالص داخلی این کشور سال گذشته هشتصد و چهل و شش میلیارد دلار اعلام شد و برای سال ۲۰۱۷ میلادی نیز از مرز هزار و هشتصد میلیارد دلار عبور خواهد کرد؛ سالی که در آن تولید ناخالص داخلی آلمان و انگلستان به ترتیب سه هزار و نهصد و سه هزار و دویست میلیارد دلار پیش بینی شده است. اگر این روند ادامه داشته باشد، مجمع الجزایر اندونزی تا هجده سال دیگر، بعد از چین، ایالات متحده آمریکا، ژاپن، برزیل و روسیه در مقام ششم اقتصادهای برتر جهان قرار خواهد گرفت.

## واحد پول

واحد پول کشور اندونزی «روپیه» است. پول ها در قالب اسکناس در قطعه های هزار روپیه و به صورت سکه های ۱۰۰۰۰۰ و ۵۰۰۰۰۰ و ۲۰۰۰۰ و ۱۰۰۰۰ و ۵۰۰۰ و ۲۰۰۰ و قطعه های آلومینیومی و گاهی نیکیلی در کشور رایج، ۱۰۰۰ و ۵۰۰ و ۲۰۰ و ۱۰۰ است. در سال ۱۹۹۰ میلادی یک دلار آمریکا معادل ۱۸۲۳ روپیه بود که در حال حاضر هر دلار آمریکا با ۱۳۰۰۰ روپیه در بازار داد و ستد می شود.

## بانکداری در اندونزی

کشور اندونزی تاکنون در زمینه بانکداری و توسعه صادرات گام های مهمی برداشته است. از بدو استقلال، دولتمردان تحصیلکرده برای اداره امور کشور، در مراکز آکادمیک، علمی را می آموختند که غالباً توسط استعمارگران برنامه ریزی شده بود. طبیعتاً فارغ التحصیلان آن نیز عناصری بودند که براساس خط و مشی آنان عمل می کردند. به عنوان نمونه در میان علوم اجتماعی «علم اقتصاد» که در دهه ۵۰ «بنیاد فورد» بنا نهاد و برنامه ریزی جامعی برای آموزش اقتصاددانان، پیاده و اجرا کرد، مورد توجه جدی اروپاییان قرار داشت. این کارشناسان در دهه اول حکومت سوهارتو از شخصیت های بسیار مهمی بودند که سیاست اقتصادی کشور را در دوره توسعه کشور یعنی از دهه ۷۰ تا اواخر دهه ۹۰ میلادی، طراحی و اجرا کردند.

در چند دهه اخیر اقتصاد اندونزی به شدت گسترش یافته و در سال ۱۹۹۷ میلادی با وجود بحران های مالی، اندونزی تبدیل به بخشی مهمی از اقتصاد جهانی شده است. این کشور در حال حاضر پس از چین، ژاپن و کره جنوبی جزو چهارمین اقتصاد بزرگ از میان پانزده کشور برتر در جنوب شرق آسیاست. براساس «PPP» برابری قدرت خرید از سوی دیگر منابع و برنامه ریزی های دولت از تولیدات غیرضروری، بر روی غذا و پوشاک، راه ها و بنادر متمرکز گردید.

اندونزی در حال حاضر به لحاظ جمعیت از فقیرترین کشورهای «آ.سه.آن» به شمار می رود. از مشکلات اصلی این کشور تمرکز زیاد جمعیت در بعضی مناطق و توزیع ناهمگون ثروت است. درآمد سرانه هر نفر ششصد دلار است که البته در حال حاضر حدود چهل درصد این جمعیت در فقر کامل به سر می برند. شکاف بین طبقه مرفه و فقیر همچنان در حال افزایش است. برنامه های توسعه سی و پنج درصدی دولت، به دلیل عدم صلاحیت برخی از مدیران دولتی، با مشکلاتی مواجه شده است. دو نیروی کار موجود به نحو احسن مورد استفاده قرار نمی گیرند و سالانه حدود ۸/۲ نیروی کار اضافه می شوند که حداقل ۵۰/۰۰۰ نفر آن اختصاص به جاکارتا دارد.

## اندونزی و تجارت جهانی

برخی صاحب نظران معتقدند ورود زود هنگام اندونزی به عرصه تجارت جهانی قبل از آن که به پختگی و بلوغ اقتصادی برسد موجب فساد اداری و عدم پیشرفت این کشور در قیاس با رقبای منطقه ای و کشورهای همسایه مانند مالزی و سنگاپور شده است. حال آن که این کشور با داشتن منابع طبیعی فراوان و استعدادهای بالقوه باید مقام اول اقتصادی را نیز در منطقه به خود اختصاص دهد. در عین حال، هم اکنون اندونزی یکی از پایه های اصلی همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه بوده که در این تشکیلات منطقه ای (APEC) تاکنون نقش موثری به عهده داشته است. صاحب نظران فوق معتقدند علی رغم تلاش های فراوانی که برای تقویت زیرساخت های اقتصادی شده است، این حرکت، رهین سرمایه گذاری های خارجی بوده و معلوم نیست حضور خارجی ها بر مقدرات اقتصادی کشوری که در حال حاضر جمعیت آن زیر خط فقر زندگی می کنند، برای آینده اقتصادی کشور نیز مفید باشد.

ذکر این نکته شاید خالی از دقت نباشد که بخش عمده اقتصاد اندونزی در اختیار جمعیت چینی هاست. در حالی که رقم آنها پنج درصد از جمعیت کشور بیشتر نیست ولی هفتاد درصد اقتصاد این کشور را در اختیار دارند. مراکز تجاری لوکس و پر زرق و

برق، ساختمان های تجاری، اداری و تا حدودی بخش حمل و نقل و تولید در اختیار چینی هاست. در هر حال ضمن حفظ فرهنگ و زبان چینی و پرهیز از امتزاج با مردم اندونزی، سعی کرده اند در شهرک های ویژه سکونت کرده و داد و ستد عمده تجاری دست به دست بین نژاد چینی در چرخش باشد. پس از سقوط سوهارتو، چینی ها با زیرکی خاص، آرام و خزنده ضمن استخدام و به کارگیری عناصر برجسته حقوقی جای پای مطمئنی در ساختار کشور اندونزی برای خود دست و پا کردند اما در مقابل، صاحب نظران دیگری هستند که معتقدند، هم اکنون اندونزی در میان کشورهای در حال توسعه، رشد اقتصادی مناسبی داشته است. سرمایه گذاری قابل توجه کشورهای احتیاط در نظام اقتصادی، مولفه های ثبات سیاسی خارجی، به ویژه در سه دهه اخیر موجب شده تا این کشور امتیاز تولیدکننده عمده کالاهای خدماتی برای نیازهای داخلی و صادرات خارجی را از آن خود سازد. افزایش درآمد سرانه یا سالانه به موجب توسعه بازار مصرف داخلی به صورت چشمگیری رشد داشته و به همین تناسب، درصد قدرت خرید مردم افزایش قابل توجهی پیدا کرده است.

در اکتبر ۲۰۱۱ میلادی نیز موسسه استاندارد «چارترد» نیز پیش بینی کرده بود که تا سال ۲۰۳۰ میلادی اندونزی در میان شش اقتصاد برتر جهان قرار خواهد داشت.

اندونزی با مساحتی معادل ۵۰۰/۶۱۷ متر مربع و ۶۰۰/۱۳ جزیره دارای منابع عظیم طبیعی اعم از نفت، گاز، روغن نخل و کائوچوست که بخش قابل توجهی از صادرات این کشور را تشکیل می دهد. دولت در صدد است رشد اقتصادی را از هفت درصد به ۷/۷ درصد برساند و بر روی سرمایه گذاری و مصرف تاکید دارد. از همین رو هزینه های زیرساخت که ۵/۳ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد، افزایش یافته و تا دو سال آینده به پنج درصد افزایش خواهد یافت. طبق اعلام موسسه مکنزی، تعداد اندونزیایی هایی که درآمدشان به بیش از سه هزار و ششصد دلار سالیانه می رسد (تخمین سال ۲۰۰۵ میلادی) در سال ۲۰۱۰ میلادی به چهل و پنج میلیون نفر رسیده و پیش بینی می شود در سال ۲۰۳۰ میلادی به صد و هفتاد میلیون نفر برسد.

## سرمایه گذاری

سرمایه گذاری به عنوان یک عامل بسیار مهم در توسعه اقتصادی مورد توجه دولت اندونزی است؛ لذا بین سال های (۱۹۸۰ - ۱۹۶۹ م) تولید ناخالص ملی حدود ۷/۹ درصد رشد داشته و این در حالی بود که میزان سرمایه گذاری های داخلی رشدش برابر ۱۵/۷ درصد در سال بوده که بر اثر این سیاست از دهه ۸۰ به این طرف سرمایه گذاری خارجی بیش از دو برابر شده است.

## سرمایه گذاری خارجی

به نقل از سایت خبری «vivsnews» در مورخه ۲۲ نوامبر ۲۰۱۵ میلادی، «جوکو ویدودو»، رئیس جمهور اندونزی از وزارت اقتصاد این کشور خواست به طور جدی از سرمایه گذاری خارجی در کشور حمایت کرده، امنیت لازم را برای صاحبان سرمایه فراهم آورد. در همین راستا رئیس جمهور از «سودی رمن سعید»، وزیر انرژی و منابع معدنی اندونزی خواست تا توافق های مختلف در زمینه انرژی و سرمایه گذاری میان کشورش با دیگر کشورهای جهان به ویژه کشورهای خاورمیانه را تسهیل کند. او معتقد است افزایش سرمایه گذاری کشورهای خارجی در اندونزی موجب رشد سریع تر اقتصاد این کشور می شود. شایان ذکر است در سال های اخیر، قوانین سرمایه گذاری خارجی در اندونزی در راستای امنیت بیشتر سرمایه گذاران، بارها اصلاح و تسهیل شده است.

طبق نقل سایت خبری «کمپاس» در همین راستا در مورخه ۲۳ نوامبر ۲۰۱۵ میلادی، «صوقیان جلیل»، رئیس سازمان برنامه ریزی اندونزی نیز اعلام کرد وجود قوانین متعدد، موجب کند شدن حرکت اقتصادی کشور شده است. ایشان اظهار داشتند بین سال های ۲۰۱۰ میلادی تا پایان ۲۰۱۴ میلادی بیش از بیست و چهار هزار قانون تصویب و ابلاغ شده است. رئیس سازمان برنامه ریزی اندونزی معتقدند بیش از پنجاه درصد قوانین کشور نیازمند اصلاح است و در این جهت سرعت اصلاح قوانین را که در دستور کار بوده، ناکافی دانسته و خواستار تسریع در اصلاح قوانین مذکور شدند. نامبرده معتقد

است اندونزی در شرایطی قرار دارد که اقدامات امروز می تواند در سرنوشت سال های آینده کاملاً موثر باشد. با ظرفیت و استعداد های موجود به گونه ای باید برنامه ریزی ها صورت گیرد که در سال های آتی، اندونزی جزو قدرت های برتر اقتصاد بزرگ دنیا شود.

بحران اقتصادی خاور دور که بعداً توضیح داده خواهد شد در اندونزی، بعد از سال ۱۹۹۶ میلادی به اوج خود رسید. میزان فقر از یازده درصد به چهل درصد افزایش یافت، تا جایی که «سوهارتو» در اثر فشارهای داخلی و خارجی مجبور به کناره گیری از قدرت شد.

دولتمردان اندونزی، علی رغم ناآرامی در برخی مناطق مانند آچه، ایریان جایا و تیمور شرقی و تهدید به تجزیه طلبی در این مناطق، اوضاع داخلی را جهت حفظ امنیت و ثبات سیاسی و تسلط بر اوضاع داخلی به وسیله پیوندهای سیاسی و اقتصادی با کشورهای قدرتمند بخصوص آمریکا آرام نگه داشته اند.

این کشور در حال حاضر درصدد افزایش مرادوات خود با ایالات متحده آمریکا به منظور حمایت های بیشتر این کشور در عرصه های سیاسی، نظامی و اقتصادی است.

بر این اساس تاکنون دولتمردان اندونزی، در برابر خواست دولت آمریکا برای برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی از خود نرمش نشان داده و ملاقات هایی نیز تاکنون توسط مقامات عالی اندونزی و اسرائیل، پنهان یا آشکاراً صورت گرفته که البته همواره با واکنش های مردمی روبرو بوده است.

علی رغم حساسیت های آشکار و پنهان و عدم اقبال افکار عمومی، دولت قبلی و فعلی با ایالات متحده آمریکا مناسبات بسیار خوبی داشته و دارند و همین امر موجب حضور ملموس آمریکا در اندونزی شده است. درصد افزایش قراردادها، اخذ کمک های صنعتی و تکنولوژی، مساعدت های مالی و... از آمریکا نسبت به دولت های پیشین در این دوره بیش تر شده است. اگرچه دولت اندونزی سعی دارد با کشورهای دیگر از جمله ایران مناسبات خود را حفظ کند اما توقع و انتظار آمریکا این نیست و شاید دخالت های ایالات متحده آمریکا موجب کم رنگ شدن روابط اندونزی با ایران و نزدیکی و ارتباط

بیش تر اندونزی با رژیم اشغالگر قدس شده باشد که همین امر تا حدودی موجب ناخرسندی مردم مسلمان اندونزی بوده و بعضا موجب واکنش هایی نیز تاکنون شده است.

نمونه بارز این نارضایتی، اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی در سفر رییس جمهوری آمریکا، باراک اوباما به اندونزی بود که علی رغم تدابیر شدید امنیتی حتی تعطیلی نسبی نهادها و مراکز، به ویژه فرودگاه بین المللی جاکارتا، تظاهرات دانشجویان مسلمان و روشنفکران مذهبی دو سه روز پی در پی ادامه داشت.

بزرگ ترین سرمایه گذار خارجی در اندونزی کشور ژاپن است که همه ساله در این کشور سرمایه گذاری های عظیمی انجام می دهد. به عنوان نمونه اگر به خیابان های اندونزی نگاه کوتاهی داشته باشیم، متوجه می شویم که حدود نود درصد از اتومبیل های این کشور دویست و پنجاه میلیون نفری ساخت ژاپن است. این روند سرمایه گذاری از سال ۲۰۰۱ میلادی تاکنون همواره روند صعودی داشته است و از رقم ۱۰۵۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی، به رقم ۳۷۲۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ میلادی و در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز، رقم ۲۷۶۴۶ میلیارد دلار را تجربه کرده است.

از دلایل سرمایه گذاری عظیم ژاپن در این کشور با بهره گیری از نیروی انسانی، کار فراوان و ارزان قیمت برای به دست آوردن بازار عظیم اندونزی و همین طور مقابله با قدرت روزافزون چین در این منطقه است.

در چند سال اخیر به دلیل اهمیت روزافزون منطقه، کشورهای قدرتمند تلاش بسیاری کرده اند تا در این منطقه استراتژیک حضور پیدا کنند که رقابت های این کشورها برای جلب توجه کشورهای جنوب شرق آسیا به سرمایه گذاری هرچه بیش تر در این منطقه ختم شده است اما در میان کشورهای سرمایه گذار در منطقه، استرالیا نه به دلیل رقابت با چین و دیگر کشورها بلکه به دلیل ترس از ظهور اسلام گرایی افراطی و همین طور گسترش فقر در این کشور و هجوم مردم مهاجر به استرالیا در کشور اندونزی سرمایه گذاری کرده است.

براساس آمارهای بانک جهانی، کشور اندونزی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ میلادی سرمایه گذاری زیر صفر و حتی منفی را تجربه کرده است و بالاترین میزان سرمایه گذاری غیرمستقیم در این کشور در سال ۲۰۱۴ میلادی به میزان بیست و شش میلیارد دلار ثبت شده است. (سایت بانک جهانی)

### بدهی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی

بدهی دولت اندونزی نسبت به تولید ناخالص داخلی، بیست و هفت درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۵ میلادی را شامل می شود که بدهی نسبتاً زیادی محسوب می شود.

متوسط بدهی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ میلادی، رقم ۴۱.۲۳ درصد را نشان می دهد و بالاترین حجم این بدهی نیز در سال ۲۰۰۰ میلادی، رقم خورد و به رقم نجومی ۸۷.۴۳ درصد رسید که دلیل آن نیز رکود مالی در جنوب شرق آسیا در دوران حکومت «سوهارتو» بود و رکود کم ترین بدهی دولت نیز در سال ۲۰۱۲ میلادی، رقم خورد و به ۲۲.۹۶ درصد رسید که این مهم در دوره ریاست جمهوری «سوسویولو بامبانگ یودویونو» اتفاق افتاد.

آمارهای دولتی نیز نشان می دهند که سی درصد از جمعیت اندونزی زیر خط فقر قرار دارند ولی شواهد و قرائن موجود، گویای درصد بیشتری از فقر در این کشور است. با این حال تلاش های زیادی برای تقویت زیرساخت های اقتصادی در کشور، عمدتاً از طریق سرمایه گذاری خارجی صورت می گیرد که خیلی نتیجه مثبت آن معلوم نیست و گسترش حضور خارجی ها تا چه حد برای آینده اقتصادی اندونزی مفید خواهد بود، جای سوال است!



## رشد تولید ناخالص اندونزی

رشد تولید ناخالص اندونزی و سهم بخش های صنعت، خدمات و کشاورزی در تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۶ میلادی، در سه ماهه دوم سال، ۵.۱۸ درصد رشد سالیانه را تجربه کرد و تولید ناخالص سال ۲۰۱۳ میلادی، چیزی معادل شش درصد بوده است؛ البته اندونزی بالاترین نرخ رشد را با رقمی معادل ۱۶/۷ داشته که قوی ترین نرخ رشد در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۶ میلادی بوده است. تولید ناخالص ملی تا سال ۲۰۰۰ میلادی، نرخ رشد ۱۷/۵ درصد بوده و کم ترین آن نیز عدد ۵۶/۱ درصد بین سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ میلادی است که هر دو در دوره خانم «مگاواتی سوکارنو» بسیار کم سابقه بوده که رکودی کم نظیر و ناشی از بحران مالی جنوب شرق آسیاست.

اندونزی در حال حاضر بزرگ ترین مرکز اقتصادی در جنوب شرق آسیاست. بخش صنعتی بزرگ ترین سهم از تولید ناخالص داخلی را در این کشور داراست که چیزی حدود ۴۶.۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی را شامل می شود. در بخش صنعت، مهم ترین حوزه، حوزه تولید است که یکی از موتورهای اصلی رشد بیست و چهار درصد از کل چرخه تولید است. استخراج مواد معدنی نیز در رتبه دوم پس از تولیدات صنعتی قرار می گیرد که دوازده درصد از بخش صنعتی را شامل می شود. در حوزه تولید ناخالص داخلی، ساخت و ساز ده درصد، برق و گاز و آب حدود ۷۵/۰ درصد را شامل می شود؛ البته پس از بخش صنعت، بخش خدمات رتبه دوم تولید ناخالص داخلی را داراست. خدمات سی و هشت درصد از کل تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد. خدمات، عبارت است از، تجارت، هتل و رستوران ها (حدود چهارده درصد از تولید ناخالص داخلی)، حمل و نقل و ارتباطات (هفت درصد تولید ناخالص داخلی)، امور مالی، املاک و مستغلات، خدمات کسب و کار (هفت درصد تولید ناخالص داخلی) و خدمات دولتی (شش درصد). پس از این دو، بخش کشاورزی پانزده درصد باقی مانده تولید ناخالص داخلی را شامل می شود که برای کشوری حاصلخیز و پربارش همچون اندونزی سهم کمی است و می تواند بسیار بیشتر از این رقم باشد. نکته قابل توجه اینکه با گذشت

زمان، ساختار اقتصاد اندونزی به طور قابل توجهی تغییر کرده است. از لحاظ تاریخی، اقتصاد اندونزی بر پایه کشاورزی بوده و بازتاب این توسعه اقتصادی و سیاست های دولت در سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، ترویج خودکفایی در کشاورزی بوده است و صنایع و معادن یا سایر خدمات در درجه بعدی قرار می گرفتند که در حال حاضر و به طور کلی ساختار اقتصادی اندونزی تغییر پیدا کرده است.

### برابری قدرت خرید

برای اینکه بتوان عملکرد اقتصاد کشورها را درست ارزیابی کرده و آن را با دیگر کشورها مقایسه کرد، باید از پرکاربردترین شاخص اقتصادی بهره برد. شاخص «GDP» در تولید ناخالص داخلی برای اندازه گیری حجم اقتصاد است که نشان می دهد کل ارزش فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی و دولتی طی یک دوره زمانی مشخص، برای مثال یک سال به چه میزان بوده است.

به عنوان مثال اگر شما حجم اقتصاد ایران را براساس ریال و حجم اقتصاد آمریکا را براساس دلار محاسبه کنید، آن گاه برای مقایسه اقتصاد این دو کشور باید واحد اندازه اقتصادها را به واحدی یکسان تبدیل کنید. ساده ترین راه حل این است که با توجه به ارزش ریال نسبت به دلار، ارزش یکی را به دیگری تبدیل کنید. مثلاً اگر هر دلار معادل سه هزار و پانصد تومان باشد، اندازه اقتصاد ایران براساس تومان را بر سه هزار و پانصد تومان باید تقسیم کرد تا ارزش دلار آن را بسنجید اما چنین راهکاری می تواند گمراه کننده باشد چرا که قدرت خرید معادل ریالی ده دلار در داخل ایران با قدرت خرید همان ده دلار آمریکا برابر نیست.

برای مثال، اگر اقتصاد چین و آمریکا را در نظر بگیرید، با ۶۶/۱ دلار می توان در چین یک قرص نان خرید اما همان نان در آمریکا ۳۹/۲ دلار قیمت دارد. در واقع اگر فقط نان را در نظر بگیریم، قدرت خرید فردی که در چین شانزده دلار در ماه درآمد دارد معادل قدرت خرید فردی آمریکایی است که بیست و سه دلار در ماه درآمد دارد. به همین

خاطر است که در نظر گرفتن میزان درآمد، بدون توجه به برابری قدرت خرید، می تواند گمراه کننده باشد و باعث بروز خطا در مقایسه عملکرد اقتصادها شود. به همین خاطر اقتصاددانان برای اینکه بتوانند همه اقتصادها را براساس واحد یکسانی بسنجند، علاوه بر این که ارزش همه آن ها را به دلار تبدیل می کنند، براساس قدرت خرید مختلف دلار در کشورهای مختلف، میزان درآمد کشورها را نیز تعدیل می کنند و از آن به عنوان «برابری قدرت خرید (Purchasing Power Parity)» یاد می کنند.

برای مثال اندازه اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۳ میلادی، طبق برآورد صندوق بین المللی پول معادل سیصد و شصت و شش میلیارد دلار بوده است اما اگر صرفاً برابری قدرت خرید در نظر گرفته شود، آن گاه اندازه اقتصاد ایران در همان سال به نهصد و چهل و پنج میلیارد دلار می رسد. در واقع می توان گفت که قدرت خرید یک دلار در ایران کمی بیش از دو برابر قدرت خرید آن در آمریکا است.

سرانه تولید ناخالص داخلی در اندونزی در سال ۲۰۱۵ میلادی، معادل ۱۰۳۸۵۳۰ دلار آمریکا بود، زمانی که توسط برابری قدرت خرید (PPP) تولید ناخالص داخلی سرانه مورد بررسی قرار بگیرد، معادل پنجاه و هشت درصد از میانگین جهانی است. به طور متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه PPP در اندونزی معادل رقم ۶۹۳۵۶۹ دلار از سال ۱۹۹۰ میلادی تا سال ۲۰۱۵ میلادی بوده است.

### تولید ناخالص ملی

تولید ناخالص ملی در اندونزی از ۷۱۴۳۸۷۳۳ میلیارد دلار در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۴ میلادی به ۷۰۱۲۵۰۱۶ میلیارد روپیه در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۴ میلادی رسیده است. تولید ناخالص ملی در اندونزی از سال ۲۰۰۰ میلادی به طور متوسط ۴۸۳۶۵۷۷۴ میلیارد روپیه تا سال ۲۰۱۴ میلادی بوده است و بالاترین رقم آن ۷۱۴۳۸۷۳۳ میلیارد روپیه در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۴ میلادی و کم ترین رقم آن نیز ۳۱۷۶۸۷۵۲ میلیارد دلار در سه ماهه سوم سال ۲۰۰۰ میلادی بوده است.

## سرانه تولید ناخالص داخلی

سرانه تولید ناخالص داخلی در اندونزی در سال ۲۰۱۵ میلادی رقم ۳۸۳۴۰۶ دلار آمریکا ثبت شده است که این سرانه تولید ناخالص داخلی در اندونزی معادل سی درصد میانگین جهانی است. متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی در اندونزی ۱۶۷۰۶۳ دلار از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۱۵ میلادی بوده و بالاترین رقم ثبت شده ۳۸۳۴۰۶ دلار در سال ۲۰۱۵ میلادی و کم ترین آن ۵۴۹۴۸ دلار در سال ۱۹۶۷ میلادی است.

## نرخ بیکاری

نرخ بیکاری در اندونزی عدد ۵۰/۵ درصد در سه ماهه اول سال ۲۰۱۶ میلادی را نشان می دهد و نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۵ میلادی نیز ۱۸/۶ درصد بوده که این امر حکایت از بهبود اوضاع اقتصادی اندونزی دارد. نرخ بیکاری در اندونزی به طور متوسط ۱۳/۶ درصد از سال ۱۹۸۲ تا سال ۲۰۱۶ میلادی بوده است. بالاترین نرخ بیکاری اندونزی در سال ۲۰۰۵ میلادی، ۲۴/۱۱ درصد ثبت شده و کم ترین نرخ ثبت شده نیز دو درصد در سال ۱۹۸۳ میلادی است.

## سن بازنشستگی

در بسیاری از کشورهای صنعتی، رابطه ای بین زندگی کاری طولانی تر و امید به زندگی بیش تر وجود ندارد. نسبت به چند دهه پیش، کارمندان به بازنشستگی پیش از موعد تمایل بیشتری دارند. با وجودی که اغلب کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه، سن بازنشستگی قانونی را سی سال خدمت یا در بسیاری از کشورها شصت سال تعیین کرده اند، در بسیاری دیگر از کشورها این سن به شصت و پنج سال رسیده است. سن مستمری بگیری برای زنان اغلب پایین تر از پنجاه و پنج سال است اما اکثر کشورها درصدد اصلاح سن مستمری بگیری هستند. در حالی که سن بازنشستگی در بسیاری از کشورها میان مردان و زنان متفاوت است، لیکن سن بازنشستگی زنان و

مردان در اندونزی یکسان است. در چند سال اخیر سن بازنشستگی در اندونزی تغییراتی به خود دیده است. در سال ۲۰۱۰ میلادی سن بازنشستگی در اندونزی رقم پنجاه و پنج سال را نشان می داد ولی این رقم در سال ۲۰۱۲ میلادی تغییر یافت و به عدد پنجاه و شش و در نهایت پس از دو سال به پنجاه و هشت سال افزایش پیدا کرد.

### موانع مسیر توسعه

اندونزی به خاطر کثرت جمعیت، در حال حاضر از فقیرترین کشورهای «آ.سه.آن» به شمار می رود. از مشکلات اصلی این کشور تمرکز زیاد جمعیت در بعضی مناطق و توزیع ناهمگون ثروت است. درآمد سرانه هر نفر در اندونزی در حال حاضر حدود ششصد دلار است که البته چهل درصد این جمعیت در فقر کامل به سر می برند. شکاف بین طبقه مرفه و فقیر، همچنان در حال افزایش است. برنامه های توسعه دولت به دلیل عدم صلاحیت برخی از مدیران دولتی با مشکلاتی مواجه شده است. سی و پنج درصد از نیروی کار موجود، به نحو احسن مورد استفاده قرار نمی گیرند و سالانه حدود ۸/۲ میلیون نفر به نیروی کار اضافه می شود که حداقل ۵۰/۰۰۰ نفر آن اختصاص به شهر جاکارتا دارد.

بخش یازدهم: اندونزی در عرصه بین الملل

اشاره



## اندونزی و سیاست خارجی

اگرچه کشور اندونزی به لحاظ جمعیت، عنوان بزرگ ترین کشور اسلامی را داراست اما به دلایل مختلف، قوانین، مقررات داخلی و همچنین مناسبات سیاسی در حوزه سیاست خارجی، براساس دین اسلام تدوین و رقم نخورده است. از جمله عوامل تاثیرگذار در این عرصه، سایه سنگین دولت های استعماری به ویژه کشور هلند است که سال های متمادی بر مجمع الجزایر اندونزی تسلط داشته و اغلب قوانین و مقررات اندونزی به طور مستقیم و غیرمستقیم از سوی استعمارگران هلندی تدوین شده است. مولفه دوم وجود قومیت ها، نژادها و فرهنگ های ریشه دار و متنوع مردم مناطق و جزایر مختلف اندونزی است که تصور می شود این تنوع قومی، نژادی و فرهنگی ناهمگون، با نسخه واحدی قابل یکسان سازی نیست. از سوی دیگر رهبران استقلال و پایه گذاران نظام و حکومت واحد در مجمع الجزایر اندونزی، عموماً عناصری دینی و مذهبی نبودند بلکه اغلب آنها مشی سکولار داشته و اساساً شخصیت آنها در فضای جامعه سکولار شکل گرفته بود.

برخی اندیشمندان، نقش اسلام را بعد از اصول تعریف شده «پانچا سیلا» نقش ثانویه دیده و سیاست خارجی کشور را براساس همان اصول که مبین اندیشه (سکولاریسم) است، می دانند. اندونزی براساس نظم نوین، حکومت خود را حکومتی سکولار با اصول پانچاسیلا به دنیا معرفی کرده است، نه حکومتی با رنگ و بوی دینی و اسلامی که برگرفته از اعتقادات قاطبه مردم مسلمان اندونزی باشد؛ لذا در سیاست خارجی خود تلاش می کنند به هیچ وجه تعصبات اعتقادی و دینی را به کار نگیرند؛ اگرچه پس از انقلاب اسلامی ایران و تاثیرات جهانی انقلاب اسلامی، رنگ و لعاب اسلامی در فضای کلی کشور اندونزی نیز تقویت شد و متعاقب آن اندونزی به عضویت سازمان همکاری اسلامی درآمد تا حمایت گروه های مسلمان داخلی را نیز جلب کرده باشد ولی هیچ گاه از موضع دینی در سیاست خارجی تاکنون بهره نگرفته است. اندونزی در یک دوره، متمایل به بلوک شرق شد که آن هم عملاً با فروپاشی شوروی سوسیالیست به دست



فراموشی سپرده شد و متعاقب آن رابطه خود را با بلوک غرب اصلاح کرد. با مرگ سوکارنو در اواسط سال ۱۹۶۰ میلادی و حوادثی که موجب تغییر سیاست های کلی کشور اندونزی گردید، این کشور عملاً به یکی از شرکای مهم غرب در منطقه تبدیل شده است.

### اندونزی و روابط خارجی

پس از استقلال، دولت های ملی همواره به خاطر موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی کشور اندونزی سعی کرده اند که از سیاست خارجی در جهت سیاست داخلی و تثبیت امنیت و ثبات سیاسی بهره گیرند. بدین لحاظ دولت ها تلاش کرده اند براساس اصولی که اوایل استقلال، توسط اولین رئیس جمهور وقت «سوکارنو» و معاونش «محمد هتا» طراحی و تدوین شده بود، هرچه بیش تر در جهت تقویت روابط خارجی و تحکیم موقعیت جهانی و منطقه ای گام بردارند. از مهم ترین نکاتی که محمد هتی بر آن تاکید داشت، پرهیز از ورود به سیاست های دو قطبی زمان؛ یعنی اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا بود و این روش را به عنوان راه رهایی و آزادی ملت و کشور اندونزی می دانست. او بسیار سعی داشت که دولت های اندونزی در کشمکش های بین المللی ورود و مداخله نکنند. وی اندونزی را یک کشور غیرمتعهد اعلام کرد و از هیچ تلاشی جهت رسیدن به اهداف ملی دریغ نکرد.<sup>(۱)</sup>

اندونزی یکی از پایه گذاران نهضت عدم تعهد بوده است. همچنین اندونزی در کنفرانس تاریخی آسیا - آفریقا که در سال ۱۹۵۵ میلادی در شهر باندونگ برگزار شد، جنبش عدم تعهد را پایه گذاری کرد و از آن تاریخ به بعد، این کشور سعی کرده با اتخاذ سیاست عدم تعهد در جهت ثبات و امنیت داخلی، بهره جسته در مناقشات منطقه ای وارد نشود و از سیاست ثبات منطقه ای نیز حمایت کند. هم اکنون این کشور با استفاده از وجهه خود در منطقه «آ.سه.آن» به عنوان برادر بزرگ تر در منطقه ایفای نقش می کند و با

نفوذی که در جنبش عدم تعهد دارد، در بسیاری از موارد سعی کرده نقش میانجی را در مناقشات منطقه ای و بین المللی ایفا کند. براساس سیاست های تدوین شده و حاکم، جمهوری اندونزی متوجه است اگر بخواهد آرمان ها را با واقعیت موجود در جهان، هماهنگ یا تغییر دهد که در عرصه بین المللی جهت تعامل و همکاری با دیگر کشورها ضروری به نظر می رسد، نقطه کانونی توجه سازمان ملل نیز این است که ملت ها بیش از همه باید به دنبال روابط خوب با دیگر کشورها باشند که به طور خاص، این اهداف در سیاست خارجی برای اندونزی عبارتند از:

۱- دفاع از آزادی مردم و تامین امنیت کشور.

۲- افزایش استاندارد زندگی مردم در به دست آوردن روزانه کالاهای مورد نیاز علی الخصوص مواد غذایی، به ویژه برنج، کالاهای مصرفی از انواع مختلف، دارو و غیره.

۳- به دست آوردن تجهیزات سرمایه برای بازسازی آنچه که مستهلک می شود یا آسیب می بیند و به دست آوردن سرمایه برای صنعتی سازی، ساخت و ساز جدید و مکانیزه کردن کشاورزی.

۴- تقویت اصول حقوق بین الملل، جهت دستیابی به عدالت اجتماعی در سطح بین المللی

سیاست خارجی اندونزی مبتنی بر حضور فعال در صحنه های بین المللی است و این کشور خواهان انزوای سیاسی نیست. اندونزی در سال های اخیر با کشورهای مختلف همکاری های گوناگونی داشته است تا از این طریق بتواند سیاست «میلیون ها دوست، بدون دشمن» که در دوران «سوسیلو بامبانگ یودهویونو» رییس جمهور سابق اندونزی وجود داشت را همچنان حفظ کند. این کشور در بخش امنیتی با روسیه و آمریکا همکاری دارد. در بخش انرژی و حمل و نقل با ژاپن کار می کند و سنگاپور، کره جنوبی، انگلستان، آمریکا، هلند و چین نیز از سرمایه گذاران اصلی آن محسوب می شوند.

«کیسینجر»، سیاستمدار آمریکایی در بازتعریف سیاست ها در قبال آسیا می گوید: «چهار کشور مهم این قاره؛ یعنی چین، ژاپن، هند و اندونزی را بایستی به عنوان

قدرت های عمده این قاره مدنظر داشت.» «آمیتاو آچارایا»، استاد بنیاد آسیا - پاسیفیک در کانادا، اندونزی را بزرگ ترین کشور جنوب شرقی آسیا و چهارمین کشور پرجمعیت جهان که بزرگ ترین کشور با جمعیت مسلمان است، می داند که یک دهه پس از سقوط سوهارتو با شمایی جدید، نقشی مهم نه تنها در منطقه آسیا - پاسیفیک بلکه در سطح جهان ایفا خواهد کرد.

با توجه به حضور کشورهای مختلف در عرصه های گوناگون اندونزی، به نظر می رسد منطقه جنوب شرق آسیا نیز در آینده ای نزدیک، میدان حضور قدرت هایی است که با رقابت خود، صلح و ثبات نسبی این منطقه را بازیچه اهداف سیاسی - اقتصادی خود قرار دهند.

در روزهای پایانی ماه می سال ۲۰۰۸ میلادی، اندونزی بزرگ ترین تولیدکننده نفت در کشورهای جنوب شرقی آسیا طرح خروج از اوپک را ارائه داد. اندونزی خواستار ایجاد مکانی برای بازگشت احتمالی به این سازمان در سال های آینده بود که با موافقت تمامی اعضای سازمان روبرو شد. مقامات دولت اندونزی، دلیل خود برای خروج از اوپک را فرسودگی چاه های نفت و ناتوانی این کشور از تولید نفت به اندازه ای که برای عضویت در اوپک ضروری باشد ذکر کردند.

اگر چه اندونزی در نظر دارد سرمایه گذاری در حوزه های نفتی خود را افزایش دهد تا بتواند طی سال های آینده دوباره به یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان آسیایی و یکی از اعضای ثابت سازمان شوراها صادرکننده نفت (اوپک) تبدیل شود اما پس از هفت سال و همزمان با افزایش تقاضای نفت، این کشور خروج از این سازمان را اعلام کرد. اندونزی بزرگ ترین اقتصاد جنوب شرق آسیا با منابع غنی انرژی برای تقریباً پنجاه سال، بخشی از اوپک بود و اکنون با توجه به کاهش منابع انرژی به اوپک بازمی گردد تا دسترسی خود به منابع ارزان تر نفت را همزمان با اوج تقاضای این کشور تسهیل کند. وزیر انرژی و منابع معدنی اندونزی معتقد است این کشور به عنوان مصرف کننده انرژی و تولیدکننده اوپک می تواند نقش «پل» در شکاف بین این دو گروه را بازی کند.

براساس قوانین، عضو دائم اوپک، باید کشور صادرکننده نفت بوده و سه چهارم از دوازده عضو، باید عضویت متقاضی را بپذیرند. آن چه که مشهود است نیاز اندونزی به واردات نفت است که با نگاهی دیگر، به معنای فشار اقتصادی بر این کشور است.

از اواسط سال ۱۹۶۰ میلادی با مرگ «سوکارنو» که اندونزی را به یکی از شرکای مهم غرب در منطقه تبدیل کرده بود، توجه جاکارتا به سمت مسائل خلیج فارس یا در شرق آسیای میانه فروکش کرده است. اندونزی به عنوان بزرگترین کشور پرجمعیت مسلمان جهان، از روابط به نسبت مثبتی با همه کشورهای گرفتار در درگیری های این منطقه خاورمیانه برخوردار است. اندونزی هرگز درگیری مستقیم با مسائلی مانند مناقشات افغانستان، هند و کشمیر، سوریه، عربستان سعودی و یمن، عربستان سعودی و ایران، نداشته است. بنا بر سیاستی که اندونزی در پیش گرفته، هرگز درگیری مستقیم یا مسئله خاصی بین کشورهای اندونزی و خلیج وجود نداشته است. اندونزی برای مشارکت و میانجی گری منازعات منطقه، گزینه مناسبی خواهد بود. این کشور در سال های اخیر، علاقمند به تقویت حضور خود در سراسر جهان، با مکاری، تعامل و ارتباط عمیق با بسیاری از شرکای خود بوده است و در حال حاضر درصدد افزایش مرادوات خود با ایالات متحده آمریکا به منظور حمایت های بیش تر این کشور در عرصه های سیاسی، نظامی و اقتصادی است.

### اندونزی و سیاست های اقتصادی

در سیاست های اقتصادی، این کشور به کمک های خارجی و سرمایه گذاری های کشورهای دیگر در بخش های مختلف چشم امید دوخته است.

اندونزی می تواند برای پیدا کردن بهترین راه حل و مقابله با چالش های منطقه ای مشترک، از جمله مسئله دریای چین جنوبی و تلاش برای کاهش شکاف توسعه بین ملت ها در جنوب شرقی و شرق آسیا به عنوان یک مخاطب مهم در «آ.سه.آن» که

بازگوکننده نقش موثر این کشور در معادلات اقتصادی منطقه ای و بین المللی به ویژه در منطقه آسیا - اقیانوسیه است نقش جدی ایفا کند.

در سال ۲۰۰۸ میلادی بود که اندونزی به عنوان یک عضو «G ۲۰» پذیرفته شد، لیکن در حال حاضر اندونزی به عنوان تنها کشور عضو «آ.سه.آن» در این گروه حضور دارد. اندونزی بسیار مشتاق است تا موقعیت خود را به عنوان سخنگوی کشورهای «آ.سه.آن» و به عنوان یک نماینده از کشورهای در حال توسعه در «G ۲۰» تقویت کند. اندونزی همواره تلاش دارد به عنوان یک قطب اقتصادی مهم در نشست اقتصادی «آ.سه.آن»، جایگاهی مستحکم برای خود کسب کند تا از این طریق مسیر دستیابی به خواسته های خود را در عرصه بین المللی و منطقه ای از طریق «آ.سه.آن» و از طریق نشست آسیای شرقی و «G ۲۰» هموار سازد.

اندونزی تاکنون یک حامی قوی در مجمع همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام «APEC» بوده است. در جلسه سال ۱۹۹۴ میلادی در شهر بوگور اندونزی، اعضای اوپک برای پیاده سازی تجارت آزاد در منطقه تا سال ۲۰۱۰ میلادی برای اقتصادهای صنعتی و ۲۰۲۰ میلادی برای اقتصادهای در حال توسعه به توافق رسیدند که این توافق تا حد زیادی به دلیل تلاش های رییس جمهور اسبق اندونزی، «سوهارتو» بوده است. از سوی دیگر اندونزی به عنوان بزرگ ترین اقتصاد در آسیای جنوب شرقی، در گروه بندی اقتصادی دیگری که متشکل از هشت کشور در حال توسعه (D-۸) است، عضو می باشد.

### عضویت در سازمان های بین المللی

از نظر استراتژیک، اندونزی به دلیل حضور داشتن در چند نهاد مهم اقتصادی از جمله اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا موسوم به «آ.سه.آن»، نشست آسیای شرقی و گروه بیست موسوم به «G ۲۰» دارای اهمیت ویژه ای است. اندونزی اگرچه بیش از شصت سال است که به استقلال رسیده اما همواره تلاش کرده از قافله جهانی عقب نماند؛ لذا این کشور تاکنون عضو این مجامع و سازمان های بین المللی است. عضویت در سازمان

ملل متحد، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و پاسفیک، سازمان ملل، دیگر سازمان های تخصصی سازمان ملل متحد از جمله سازمان خواروبار و کشاورزی (اسکاپ)، سازمان بین المللی کار، سازمان فرهنگی علمی و آموزشی سازمان ملل متحد، فائو، یونسکو، اوپک، سازمان کنفرانس اسلامی، نهضت عدم تعهد بانک توسعه آسیا، گات، عضو اتحادیه پانزده کشورهای جنوب، صندوق بین المللی پول، بانک توسعه اسلامی، بانک جهانی، گروه هفتاد و هفت، «آ.سه.آن»؛ این سازمان که توسط کشورهای مالزی، سنگاپور، فیلیپین و تایلند در سال ۱۹۶۷ میلادی، تاسیس شد در سال ۱۹۶۷ میلادی، «برونئی دارالسلام» نیز به آن ملحق گردید و هدف این سازمان تقویت روابط علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میان اعضای آن است.

### گردهمایی بره های آسیا

نقش «آ.سه.آن» در فضای کنونی جنوب شرق آسیا چنان بی بدیل است که نمی توان بدون فهم آن، در مورد اندونزی سخن گفت. در فضای امنیتی و نظامی جنگ سرد، «آ.سه.آن» با همت کشور اندونزی تاسیس شد. اعضای اولیه آن شامل اندونزی، فیلیپین، مالزی، سنگاپور و تایلند بودند که پس از کودتای غرب گرای «ژنرال سوهارتو» در اندونزی، گردهم آمدند و در آگوست ۱۹۶۷ میلادی این سازمان را عمدتاً برای مقابله با کشورهای کمونیستی چون ویتنام به وجود آوردند.

طبیعی است آمریکا در آن دوره حمایت کاملی از این اتحادیه های ضد شرقی در آسیا به عمل می آورد تا بتواند پرده آهنینی در برابر نفوذ شوروی آن روز ایجاد کند.

از ابتدا تاکنون، دفتر اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا «آ.سه.آن» در جاکارتا قرار دارد و بزرگ ترین عضو این اتحادیه نیز خود اندونزی است. کشورهای عضو «آ.سه.آن» در سال ۱۹۷۱ میلادی در شهر «کوالالامپور» مالزی گردهم آمدند و در اعلامیه ای، توافق اعضا را بر عدم پیگیری در مورد سلاح هسته ای و کشتار جمعی صادر کردند. بیست و چهار سال بعد اعضای این سازمان در بیانیه «بانکوک» بار دیگر بر این مسئله

تاکید کردند و منطقه عاری از سلاح هسته ای موسوم به «Nuclear weapon free zone» را تشکیل دادند؛ بنابراین باید گفت دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، سازمان «آ.سه.آن» از نو متولد شد زیرا اولاً کشورهای برونئی، ویتنام، لائوس، میانمار و کامبوج به آن پیوستند و ثانياً با پایان گرفتن فضای دو قطبی جهان و جنگ سرد، فعالیت اصلی این سازمان در حوزه اقتصادی قرار گرفت؛ اگرچه به طور طبیعی مسائل سیاسی و فرهنگی نیز بررسی می شد.

در سال ۱۹۹۴ میلادی سازمان «آ.سه.آن» در مسیر جدیدی با نگرش فرامنطقه ای تحت عنوان مجمع منطقه ای موسوم به «آرف» (REGIONAL FORUM ASEAN) را تاسیس کردند که در واقع این سازمان یک کارگروه رسمی برای گفتگو، مشورت و دیپلماسی بازدارنده است. این سازمان علاوه بر اعضای «آ.سه.آن»، هم اکنون شامل کشورهای استرالیا، بنگلادش، چین، کره جنوبی، هند، ژاپن، مغولستان، نیوزیلند، گینه نو، تیمور شرقی، سریلانکا، روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و کانادا می شود؛ اگرچه این سازمان تنها ده عضو دارد اما با قراردادهای راهبردی خود توانسته با کشورهایی چون هند، ژاپن، کره، روسیه، چین و استرالیا تعامل کرده، بر اهمیت بین المللی خود بیفزاید. پس از این مرحله، اعضا تصمیم گرفته اند نشست های خود را با نام «آ.سه.آن+۳»؛ یعنی با حضور چین، کره و ژاپن برگزار کنند که تشکیل منطقه تجارت آزاد «آ.سه.آن» موسوم به «افتا» ادامه روند گسترش این همکاری های منطقه ای است.

«آفنا» یا «asean free trade area» توافقی بود که اعضای سازمان برای کاهش تعرفه ترانزیت کالا میان اعضای خود به پنج درصد و حتی حذف تعرفه در شصت درصد از محصولات خود ایجاد کردند.

تدوین چشم انداز «آ.سه.آن» در سال ۲۰۲۰ میلادی، یکی دیگر از اقدامات این سازمان بوده است. در این چشم انداز که در سال ۱۹۹۷ میلادی در کوالالامپور به امضا رسید، کشورهای عضو، بر تداوم صلح و همکاری میان کشورهای منطقه، دوری از سلاح های هسته ای و کشتار جمعی تأکید کرده و در مورد همکاری اقتصادی نوشته اند: «ما خود را

متعهد می‌دانیم که به سمت پیوستگی بیش‌تر و یکپارچگی اقتصادی حرکت کنیم، شکاف میان سطح توسعه کشورهای عضو را کاهش دهیم، در مورد تداوم نظام تجاری چند جانبه آزاد، اطمینان حاصل کنیم و به رقابت پذیری در سطح جهانی دست یابیم.» با این برنامه‌ها و روند تکاملی که در فرآیند همکاری بین اعضا به وجود آمد، سازمان «آ.سه.آن» نقشی محوری را در عرصه بین‌المللی برعهده گرفته است و می‌توان پیش‌بینی کرد این سازمان به زودی چه جایگاهی در جهان پیدا خواهد کرد.

در چشم‌انداز این سازمان چنین می‌توان پیش‌بینی کرد که «آ.سه.آن» رفته رفته به رقیب سرسختی برای اتحادیه اروپا، موسوم به «نفتا» در آمریکای شمالی و سازمان شانگ‌های در آسیا تبدیل خواهد شد. آخرین اجلاس «آ.سه.آن» در آوریل ۲۰۱۵ میلادی در شهر کوالالامپور مالزی برگزار شد.

بر این مبناست که گفته شده کشور اندونزی با استفاده از وجهه خود در «آ.سه.آن» به عنوان برادر بزرگ‌تر در منطقه ایفای نقش می‌کند و با نفوذی که در جنبش عدم تعهد دارد، در بسیاری از موارد سعی کرده است نقش میانجی را در مناقشات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند.

### اندونزی و تجارت جهانی

برخی صاحب‌نظران معتقدند ورود زود هنگام اندونزی به عرصه تجارت جهانی قبل از آن که به پختگی و بلوغ اقتصادی برسد، موجب فساد اداری و عدم پیشرفت این کشور در قیاس با رقبای منطقه‌ای و کشورهای همسایه مانند مالزی و سنگاپور شده است. حال آن که این کشور با داشتن منابع طبیعی فراوان و استعدادهای بالقوه باید مقام اول اقتصادی را نیز در منطقه به خود اختصاص دهد. در عین حال هم اکنون اندونزی یکی از پایه‌های اصلی همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه «APEC» بوده که در این تشکیلات منطقه‌ای، نقش موثری تاکنون برعهده داشته است.



## گام‌های بلند اندونزی در مسیر جهانی شدن

جهانی شدن از جمله تحولات شگرف زندگی بشر در اواخر هزاره دوم و هزاره سوم میلادی است. این مقوله از جمله مباحثی است که ذهن بسیاری از متفکران را در سراسر جهان به خود مشغول کرده و همچنین واقعیتی است که این پدیده می‌رود تا جهان را به شکل یکپارچه و همگون درآورده و چتر این تحول عظیم تمام شئون و حوزه‌های اجتماعی زندگی بشر را شامل می‌شود و هدف نهایی که برای این پدیده متصور است، با فرآیند جهانی شدن این حرکت به سلطه تجدد غرب در سراسر جهان منجر خواهد گردید.

### تعریف جهانی شدن

جهانی شدن را در یک تعریف ساده می‌توان این گونه ارائه داد که این پدیده موجب به هم پیوستگی فرآیندها، موضوعات جهانی در عرصه‌های مختلف می‌گردد. این فرآیند در گیرنده‌های جریان، کالا، سرمایه انسان‌ها، اطلاعات، عقاید، اندیشه‌ها و خطرات بین مرزهای محلی است که با ظهور شبکه‌های اجتماعی و نهادهای سیاسی در قالب دولت - ملت توأم شده است. در نتیجه فرآیند جهانی شدن، امکانات و توانمندی‌های سیاسی دولت - ملت، تعریف و بازسازی مجدد می‌شود. (۱)

### بعد فرهنگی جهانی شدن

الف: بعد فرهنگی جهانی شدن یکی از حوزه‌های موضوعی بسیار مهم در خصوص ایده‌های جهانی شدن و همچنین روش‌ها و چارچوب‌های کاری فرهنگی این فرآیند است. جهانی شدن به عنوان یک واقعیت ناگزیر در دنیای کنونی است که حاصل نوعی فرهنگ خاص است.

---

۱- - سجاد پورکاظم، جهانی شدن برداشت‌ها و پیامدها، تهران ۱۳۸۳، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

در مواجهه با این فرهنگ هر یک از واحدهای وابسته به میزان هماهنگی، ادغام، ناهماهنگی و انفکاک با آن در شرایط خاصی قرار دارند.

جهانی شدن در حوزه فرهنگی علی رغم این که می تواند سراسر جهان را به واسطه رشد ارتباطات گسترده به سوی یک فرهنگ جهانی یکپارچه رهنمون سازد، همچنین می تواند برداشت های جدیدی از فرهنگ، ملیت، مفهوم «خود» در جهان، چستی یک فرد خارجی، چستی یک شهروند، کیفیت مشارکت سیاسی مردم و بسیاری از دیگر جنبه های زندگی اجتماعی ایجاد کند. (۱)

ب: در بعد فرهنگی شاید بتوان چنین ادعا کرد که قوی ترین و مهم ترین عنصر از بخش سنتی تاریخ که در عصر جهانی شدن هنوز زنده و پابرجاست، «دین» است؛ البته باید اذعان کرد، در این عصر اقتضائات جهانی شدن در حوزه دین هم تاثیر گذار است.

سکولاریسم نیز چنین ادعا دارد که این اندیشه در فضای جهانی شدن می تواند عوامل عقب ماندگی جوامع دینی جهان سومی را از میان بردارد؛ چراکه در شکل افراطی، سکولاریست ها رشد و پیشرفت را منوط به نفی دین می دانند! در این رویکرد می توان دین را نماینده سنت و سکولاریسم را نماینده تجدد در نظر گرفت و این جهت گیری می تواند از یک سو به بنیادگرایی و از سوی دیگر به تجددگرایی تقسیم شود. در نتیجه ظهور و بروز جهانی شدن با آموزه ها و قرابت های مختلفی صورت گرفته اما قرابت کلان و غالب و مسلط این فرآیند، «قرابت مدرنیته و لیبرال» است. (۲)

اگر واقع بینانه به فضای جامعه اندونزی توجه کنیم، تنفس این کشور در فضای جهانی شدن، زمینه رشد فرهنگ غربی و تهی کردن جامعه از سرمایه های دینی و اعتقادی و بی هویت کردن نسل آینده با بازار مدرن و پر جاذبه و پیشرفته، کاملاً در حال دگرگونی است.

۱- مولر کلاوس، حاکمیت، دموکراسی و سیاست جهانی در دوران جهانی شدن، ترجمه لطفعلی سمینو، تهران، نشر اختران ۱۳۸۴.

۲- محمد نکویی سامانی، دین و فرآیند جهانی شدن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

دولت اندونزی تاکنون برای رسیدن به قافله «جهانی شدن» از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. در این مسیر با محاسبه یابی از نهادهای مالی بین المللی مثل بانک جهانی، آژانس های سازمان ملل، دولت های خارجی و حتی نهادهای خصوصی کمک های قابل توجهی دریافت کرده تا جایی که این کشور را در زمره یکی از بدهکارترین کشورها قرار داده است.

آن چه در وضعیت کنونی اندونزی بسیار قابل توجه است، تنفس این کشور در فضای «جهانی شدن» است.

با ورود به فضای جهانی شدن، به نظر می رسد همه چیز از کنترل خارج شده، عملاً میدان نفوذ غرب در همه عرصه های کشور باز شده؛ بنابراین اندونزی در حال حاضر فاقد قدرت مهار این جریان فریبنده و فتنه پرزرق و برق است. به تعبیر دیگر مقدرات این کشور به مقتضای پذیرش قیود جهانی شدن، خارج از مرزهای مجمع الجزایر اندونزی رقم زده می شود.

یکی از دستاوردهای جهانی شدن، نوع جدیدی از فقر است که فاصله طبقاتی را برای مردم به ارمغان آورده است؛ یعنی مردمی که به امید رفاه، تن به اقتصاد آزاد داده اند، عملاً باید بیش تر از گذشته رنج، فقر و بدبختی را که در پشت برج ها و بازارهای لوکس غربی پنهان شده است تحمل کنند.

با این وجود طبیعی است که اندیشه استقلال اقتصادی و حریت و مناعت طبع را که شاخصه هویتی این ملت است، به بند کشیده، عملاً نوعی سطحی گرایی و نشخوار کردن اندیشه های استعمار جدید غرب را به ارزش تبدیل می کنند.

اگر واقع بینانه به اوضاع بنگریم، در حال حاضر این کشور عملاً فاقد ثبات است. چرا که همه مقدرات اندونزی را مقتضیات جهانی شدن تعیین می کند. بر این اساس گروه های

اسلامی و دولت در برابر سیل سهمگین فرهنگ غرب که ورود آن همراه با اقتصاد جهانی اجتناب ناپذیر است؛ صرفاً به مثابه تماشاگر به نظاره نشسته اند! (۱)

---

۱- الف: اندونزی قدرتی نوظهور در آسیا و پویا در نظام بین الملل ب: علوم سیاسی و روابط بین الملل، اسماعیل؛ خوش هیکل آزاد، محمد،  
Mohammad Hatta- Indonesia's Foreign Policy- ایبوردی  
ج: اندونزی قدرت میانه در حال ظهور، مباحث اتاق  
https://www.foreignaffairs.com/authors/mohammad-hatta  
Indonesia: A Potential Partner for Gulf States- فکر دفتر مطالعات سیاسی.  
http://thediplomat.com/۲۰۱۶/۰۵/indonesia-a-potential-partner-for-gulf-states/- By Muhammad  
Zulfikar Rakhmat-May ۱۹, ۲۰۱۶



**بخش دوازدهم: جریان ها و احزاب**

**اشاره**



## احزاب

احزاب در اندونزی دارای جایگاه و نفوذ مناسبی در ساختار حکومت و کشور هستند. بازار میتینگ ها، سمینارها و مراسم های سیاسی از رونق خوبی در اندونزی برخوردار است. در نگاهی دیگر باید گفت نظام اندونزی، نظامی حزبی است که با حضور قانونی، احزاب مستقل، کوچک و بزرگ، ساختار حکومتی را زینت می دهند. کاندیدای ریاست جمهوری براساس قانون جدید، خارج از احزاب رسمی پذیرفته نخواهد بود. دو جریان عمده دینی سیاسی اندونزی یا دو سازمان بزرگ که سایه بر احزاب افکنده اند، عبارتند از «نهضت العلما» و «محمدیه» که نقش مهمی در گسترش آموزش، تلاش های ملی گرایانه و فعالیت های سیاسی به ویژه بعد از استقلال داشته اند. چنان که قبلاً متذکر شده ایم، حزب یا سازمان محمدیه در سال ۱۹۱۲ میلادی و حزب شرکت اسلام در همان سال و سازمان نهضت العلما در سال ۱۹۲۶ میلادی شکل گرفتند. رژیم سوهارتو، فقط به یک گروه بزرگ سیاسی اسلامی که قدرت کمی داشت اجازه فعالیت می داد اما بعد از سقوط دولت سوهارتو، احزاب مسلمان زیادی در کشور فعال شدند.

### چالش محمدیه – نهضت العلما

قبل از استقلال، بین این دو سازمان اسلامی اختلافات زیادی وجود داشت، به ویژه در بحث استفاده از عقل، اجتهاد و مباحث فقهی، لیکن بعد از استقلال به جهت حفظ وحدت مسلمانان و اصول مذهبی مشترک، اختلافات کم رنگ شد و هر دو سازمان برای مبارزه با سکولاریسم و ایجاد حکومتی بر پایه اسلام، روی نقاط مشترک اصرار ورزیدند، گرچه هم اکنون نیز در امور سیاسی گاهی این اختلافات بروز می کند اما از سوی دیگر، دولت نیز که خیلی از نقش آفرینی سازمان های اسلامی در کشور خرسند نبود، برای مهار این دو سازمان تاکنون اقداماتی داشته است. در حال حاضر رهبری سازمان نهضت العلما



با قریب چهل و پنج میلیون نفر عضو، با «سعید عقیل سراج» بوده و رهبری سازمان محمدیه با بیست و هفت میلیون عضو با «دین شمس الدین» است.

### مرام نامه یا ایده های این دو جریان

نهضت العلماء، به سنت گرایبی معروف و محمدیه به اصلاح طلبی شهرت دارند. سنت گرایان، جهان را لایتغیر دانسته، دین از نظر این گروه، گرایش سحرآمیز ذهنی به شمار آمده، نماز، روزه و ذکر را عواملی برای ایجاد آرامش درونی و هماهنگی میان مومن و حقیقت می دانند. نهضت العلماء از اصول سنتی اسلام و شریعت دفاع کرده و بر مدارس دینی «پسانترن» و اعمال صوفیانه ای که اساس معنویت اهل تصوف بر آن استوار است، تاکید دارد.

جریان نهضت العلماء، با دل بستگی وافر به «ابن جنید بغدادی» و «امام محمد غزالی» از بزرگان صوفیه و ترویج اخلاق اسلامی در «پسانترن» های تحت پوشش به نوعی در حفظ این تراث کوشش می کند. در اساس نامه سازمان نهضت العلماء، مشی صوفی گرایانه با پیروی از دو الگوی فوق الذکر مخصوصا امام غزالی که او را قهرمان نظری کردن علم اخلاق اسلامی می دانند، به شدت مورد تاکید بوده و از آنان به مثابه الگوی تربیت دینی جهان اهل سنت یاد می شود.

در حال حاضر بسیاری از پسانترن ها نهایت توجه خود را معطوف به انتقال اصول اخلاقی سنتی کرده اند که در مدرن سازی اندونزی شرکت یا حتی آن را راهبری خواهند کرد. در پسانترن ها با این پیش فرض که در اسلام، مثلثی از علوم اصلی وجود دارد شامل توحید، فقه و تصوف، برای القای اصول و ارزش های اخلاقی به معتقدان سانترها (طلاب پزنترن) برای آموزش اخلاقی مبتنی بر تصوف تاکید ویژه ای دارند. سجایای اخلاقی مانند ساده زیستی، ایثار و خوداتکایی در امور از برنامه های این مراکز اسلامی به شمار می آید.

سازمان محمدیه یا جریان اصلاح طلبی مذهبی، جهان را در طول تاریخ و پیوسته متغیر می دانند. اصلاح طلبان بر مهار نفس به صورت فعال اصرار داشته و دین را برحسب

مسئولیت فردی در اصلاح اخلاق و ایجاد جامعه ای اسلامی که با شرایط حاضر منطبق باشد، تعریف می کنند. محمدیه دین را اخلاقی، درون گرا و عقلانی می دانند. آنان مسائل عادات و آنچه را در قرآن و سنت نیامده است، نفی کرده و در معاشرت، تساهل به خرج می دهند؛ لذا آن چه را توسط فرقه های صوفیه تبلیغ می شود، شدیداً محکوم می کنند و در عقاید اسلامی خود معتقد به اصلاح و رفع خرافات و رسوم سنتی هستند. دیدگاه «رشید رضا» و «محمد عبده»، تفکر سلفی و هابیت، در اندیشه های اصلاح طلبی محمدیه تاثیر بسزایی داشته است.

## احزاب سیاسی

دولت اندونزی طبق قانونی که در سال ۱۹۶۷ میلادی به تصویب رسید برای ساده کردن سیستم سیاسی کشور خط و مشی های زیر را تعیین کرد:

- ۱- جهت به حداقل رساندن درگیری های عقیدتی میان سازمان های سیاسی، تمام این سازمان ها باید اصول پنج گانه پانچاسیلا را به عنوان میثاق وحدت ملی خود بپذیرند.
- ۲- جهت ساده کردن نظم سیاسی بخصوص به منظور انتخاب یک سازمان سیاسی توسط مردم در انتخابات عمومی، تعداد سازمان ها و احزاب از طریق ادغام با یکدیگر کاهش یابد.
- ۳- به دلیل تاثیرات منفی فعالیت های سیاسی بر روستاها و حیات اجتماعی و اقتصادی روستانشینان، روستاها باید از فعالیت سیاسی به دور نگه داشته شوند.

با توجه به ملاحظات فوق، در حال حاضر عمدتاً سه حزب سیاسی در اندونزی قدرت را در دست دارد که عبارتند از:

۱- حزب گلکار که اتحادیه گروه های نماینده کشاورزان، جوانان، سربازان، تعاونی ها و بازرگانان بوده است.

۲- حزب متحد توسعه که در سال ۱۹۷۳ میلادی بر اثر ادغام چهار حزب اسلامی تشکیل شد.

۳- حزب دموکراتیک اندونزی که آن هم در سال ۱۹۷۳ میلادی و بر اثر ادغام پنج حزب سیاسی ملی گرایان، مسیحیان کاتولیک، حامیان استقلال و مردم تشکیل شده است.

برخی احزاب سیاسی اندونزی که عمدتاً وابستگی هایی به این دو جریان عمده دارند، عبارتند از:

۱. حزب PD به رهبری نور هدایت واحد.

۲. حزب GOLKAR به رهبری یوسف کالا.

۳. حزب PDiP به رهبری خانم مگاواتی، رئیس جمهور پیشین اندونزی، وابسته به نهضت العلماء.

۴. حزب PPP به رهبری حمزه، این حزب با جایگاه ریش سفیدی به مثابه اتحادیه احزاب بزرگ و کوچک نیز نقش آفرینی می کند.

۵. حزب PAN که بیش تر مورد حمایت جریان مذهبی محمدیه است.

۶. حزب PKB که این حزب نیز مورد حمایت جریان نهضت العلماء است.

۷. حزب PKS که این حزب نیز از گروه های محمدیه است.

۸. و سرانجام حزب Gema insane prbss که با گرایش وهابی، مورد حمایت پنهان و آشکار رژیم عربستان سعودی است.

بخش سیزدهم: سازمان های مردم نهاد یا «NGO»

اشاره



## سازمان های مذهبی متفرقه

۱. جمعیت الوصلیه که بیش از یک قرن است در عرصه های مختلف اندونزی فعال و ایفای نقش می کند. ۲. حزب توسعه متحد اسلامی. ۳. انجمن دانشگاهیان مسلمان. ۴. موسسه الغزالی. ۵. حزب شرکت اسلام. ۶. کمیته وحدت مذهبی. ۷. کمیته همبستگی مسلمانان جهان. ۸. گروه مطلع الانوار و...

بعد از استقلال، به سرعت سازمان های غیردولتی «NGO» در اغلب مناطق کشور اندونزی شکل گرفته، به فعالیت پرداختند که عموماً بیش تر اعضای این سازمان ها را همان روشنفکران و اصحاب مراکز آموزش عالی کشور تشکیل می دادند. بسیاری از عناصر تحصیلکرده و فعالان «NGO» با القائاتی که از سوی غرب صورت می گرفت، حرکت خود را در جهت رشد و تعالی جامعه معرفی کرده، از تغییرات دینی، اجتماعی و فرهنگی حمایت می کردند. با جاذبه های خاص این نوع تشکلات و تا حدودی عدم حساسیت های متعارف دولت ها، روز به روز دامنه فعالیت ها و تاثیرات این گروه ها حتی در روستاها افزایش می یافت؛ به گونه ای که عناوین برنامه های آن ها نه تنها دربردارنده مسائل دینی، بلکه دربردارنده مسائل توسعه روستایی، طرح ریزی بنیان خانواده، مراقبت در برابر محیط، ارتقای سطح دموکراسی، حقوق بشر بود و حتی به تدریس در مسائلی می پرداختند که پیش از آن تمایلی برای مطرح شدن آنها وجود نداشت، مانند تساوی مرد و زن، آموزش ایدز و...

سازمان های غیردولتی اسلامی و مسیحی نیز بیش تر در زمینه آموزش و بهداشت و امور اجتماعی فعالند؛ لذا سازمان های بین المللی و خارجی، گاه با سابقه دینی، گاه با سابقه بشردوستانه، گاه با سابقه های ملی، از تلاش های سازمان های غیردولتی بومی در حوزه های اجتماعی و اخیراً سازمان های ویژه زنان که بعضاً با گرایشات فمینیستی فعالیت می کنند، زیاد شده است که دولت های غربی به شدت از آن ها حمایت و پشتیبانی می کنند. در زمان «سوهارتو» اختلافات قابل توجهی میان دولت و سازمان های مردمی

در حوزه هایی مانند کمک های قضایی، حقوق کارگران، حفاظت از منابع طبیعی و برخی امور دیگر پیدا شد. دولت وقت، حمایت خارجی ها را نوعی حرکت سیاسی تلقی کرده با آن مخالفت می ورزید. پس از سقوط رژیم «سوهارتو» و فروکش کردن فشارهای ناشی از اصلاحات از سال ۱۹۹۸ میلادی به این طرف فعالیت سازمان های مردمی روز به روز در حال رشد و ازدیاد است.

بخش چهاردهم: چالش های هویتی

اشاره





هویت پدیده‌ای است پویا که در محیط‌های مختلف، اثرپذیری و اثرگذاری دارد. به عبارت دیگر هویت نه تنها از محیط اجتماعی بلکه از بنیادها و ساختارهای طبیعی مثل قومیت، نژاد و... اثر می‌گیرد. به تعبیر دیگر، هویت واژه‌ای است که شامل دو عنصر شخص و اجتماع می‌باشد؛ لذا به گستره فرهنگ و محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، هویت معنا پیدا کرده، قابل تفسیر است.

## هویت ملی

### اشاره

به طور خلاصه در باب هویت ملی، صاحب نظران بر سر عناصر زیر به عنوان ملاک و معیارهای هویت ملی در یک الگوی کلی و عام فارغ از تمرکز بر ملیت خاص تاکید مشترک دارند:

۱- سرزمین مشترک، ۲- فرهنگ، آداب و رسوم مشترک، ۳- تاریخ مشترک (پیشینه مشترک تاریخی)، ۴- زبان مشترک، ۵- دین مشترک، ۶- خاطرات، باورها، سمبل‌ها، نمادها، عواطف و میراث مشترک، ۷- نژاد و ملیت مشترک، ۸- نظام سیاسی و دولت مشترک، ۹- اقتصاد واحد و مشترک، ۱۰- هنر و ادبیات مشترک.

در ادامه نیز نهادها و عناصری چون ارتش، جامعه مدنی، آموزش، حقوق مشترک، مقدرات و توانایی‌های ملی و تعلقات طبقاتی قرار می‌گیرد.

## الف: چالش هویت ملی

تنوع نژادی و شمار جمعیتی مختلف در اندونزی موجب آن شده تا هویت ملی در این کشور مسئله ساز شود. در اندونزی هویت ملی در سطوح مختلفی تعریف می‌شود که عبارتند از تابعیت، به رسمیت شناختن پرچم کشور، به رسمیت شناختن پنج اصل پانچاسیلا، آگاهی و دانش درباره تاریخ کشور، آگاهی از دین و آداب معاشرت و مواردی از این قبیل.

برای جامعه ای که تا نیم قرن قبل، هر منطقه، گروه و قومی، هویت جداگانه ای داشته اند، هرگز نمی توان به صورت ملتی یکپارچه و همسان، تعریفی محدود و ضابطه مند که همگان از آن آگاهی داشته باشند ارائه کرد؛ لذا از این منظر، اغلب اقوام و نژادها و ادیان نسبت به اصول و مبانی هویتی یکدیگر فاصله داشته و کم اطلاع هستند.

پس به پرسش هایی از این دست که ایجاد می شود باید پاسخ مناسب داده شود که قوام هویت اندونزی به چیست؟ چگونه باورهای ملی پراکنده را سازماندهی و شکل خواهند داد؟ جامعه اندونزی شامل چه ارزش های اجتماعی و فرهنگی باید باشد؟ گروه های تشکیل دهنده حفظ میراث و هویت ملی چه نقشی خواهند داشت؟ سوالاتی از این قبیل که ممکن است فکر بسیاری از مردم اندونزی را به خود مشغول کرده و در جستجوی جواب آن باشند.

### **ب: چالش هویت تاریخی**

با این که قدمت جمهوری اندونزی، کمی بیش تر از پنجاه سال است اما جوامع قدیمی تاریخی طولانی داشته و فرهنگ های محلی متکثر و گسترده ای بر جامعه اندونزی حاکم بوده است. فرازهای افتخار آفرین تاریخ این ملت معطوف به مقاومت قهرمانان ملی و رهبران دینی در مبارزه با استعمار و کمونیسم است.

قهرمانان و رهبرانی که اکنون به پاس تلاش ها و مجاهدت های شان برای آزادی و استقلال کشور، نام آنان زینت بخش خیابان ها، میدین، فرودگاه ها و مراکز معروف اندونزی شده است. افتخارات تمدن های قبل در این منطقه از نظر خاورشناسان تصدیق شده و مقاطع برجسته آن به رسمیت شناخته شده است. براساس گاهشمار مالایی، از زمانی که اسلام به نقطه شمالی سوماترا؛ یعنی حدود سال ۵۰۶ هجری قمری وارد شد و پادشاه آن وقت «یوهان شاه» اسلام آورد که نخستین پادشاه مسلمان آن منطقه به حساب می آید، تمدن های بدیعی از آن زمان به جای مانده است.

شکوه و جلال بقایای باستانی به جا مانده در مناطق مختلف که متعلق به سلاطین و شاهزادگان حاکم بوده، از اسناد هویتی جامعه اندونزی محسوب می شود. وجود کاخ های مجلل و باشکوه که با معماری بدیع و زیبا همراه نمادپردازی ویژه، بخصوص در منطقه «یوگیا کارتا» و «سوارا کارتا» در جاوه و «مدون» در سوماترای شمالی، حاکی از تمدن تاریخی این ملت است. در قرن هفتم هجری یا قرن سیزدهم میلادی در شمال سوماترا و در قرن هشتم هجری در این مناطق، دین اسلام موجب به وجود آمدن تمدن های درخشانی شد که از فرازهای بلند تاریخ و تمدن اندونزی به حساب می آید.

از سال ۱۴۱۴ میلادی که حاکم و پادشاه مالاکا اسلام آورد تا لشگرکشی پرتغالی ها به این منطقه، آثار تاریخی روشنی به جای مانده است. پس از سقوط مالاکا، مسلمانان، مرکز مبارزه و سازماندهی خود علیه پرتغال استعمارگر را به مرکز آچه منتقل ساختند و آچه نیز همچون پاسایی، مالاکا و... خیلی زود تبدیل به پایگاه مقاومت و آزادی خواهی اسلامی گردید. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، برخی سلسه های صوفیه مانند سامانیه، نقشبنديه و گاه شطاریه سازمان و تشکیلاتی برای شورش علیه استعمارگران تدارک می دیدند، از این رو در دوران استعمار هلند، این سلسه ها همواره مورد تهدید و ارباب قرار داشتند.

یک رهبر صوفیست جاوه ای به نام «سورانیکا سامین» (۱۹۱۴ - ۱۸۵۹ م) در منطقه بلورا مردم را به شورش علیه هلندی ها فرا می خواند که در نهایت منجر به تبعید وی به پالمبانگ گردید و سرانجام در همان شهر درگذشت. جنبش کوتیل در سال ۱۹۴۵ میلادی که در واقع یک انقلاب اجتماعی بود، به معلم برجسته صوفی نسبت می دهند. ادامه این تفکر، هم اکنون نیز در شرق و مرکز جاوه؛ یعنی جایی که سلطان «یوگیا» به مانند یک خدا همچنان مورد تکریم و احترام است، وجود دارد. (۱)

در حال حاضر بیش تر جوانان و افراد میانسال جامعه اندونزی، از جمله دانش آموزان و معلمان تاریخ، نمی توانند تاریخ مستند این مجمع الجزایر را مطالعه کنند؛ لذا ارتباط این

جامعه با عقبه تاریخی افتخارآفرین خود، به نوعی قطع شده و نسل امروز از این خلاء هویتی رنج می برد. ملتی که خلاء هویتی داشته باشد به آسانی میزبان هر مهمان ناخوانده ای خواهد شد و متأسفانه در حال حاضر اقدام موثری نیز برای حل این مشکل در اندونزی دیده نمی شود!

### ج: جانش هویت زبانی

رویکرد زبانی که خود هویت مستقلی دارد، بنابر فراخنا و تنگنای کاربردی در انتقال مفاهیم علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، طبقه بندی می شود. زبان مالایو که اخیراً و حدود شصت سال است با چهره نوشتاری لاتین و با ظرفیت و استعدادی محدود شکل گرفته، به خاطر جوانی و عدم دستورالعمل، ضابطه و استاندارد لازم، هرگز قادر به انتقال ریشه های کهن فرهنگی جامعه اندونزی و مفاهیم ارزشی آن نبوده تاکنون به چنین جایگاهی دست نیافته است.

معمولاً زبان های دیگر در دنیا، برای صیانت از هویت ملی، دینی و فرهنگی خود از پاره ای زبان های اصلی، قومی، عقیدتی و دینی وام گرفته، گویش های خاص و جدیدی اختراع می کنند؛ لذا شکل، فراوانی، نوع و چگونگی آن و بروز پیوستگی هنجاری و استانداردهای هویتی هر زبان منبث از ریشه های تاریخی، میزان اثرپذیری و اثرگذاری، پیوستگی ها و گسستگی هاست.

زبان یا باهاسای مالایو در حال حاضر زبان دولت، مدارس، دادگاه ها، انتشارات و رسانه های جمعی، ادبیات، فیلم و روابط میان قومیت ها در این منطقه است. جوانان اندونزی برای این زبان اهمیت ویژه ای قائلند و برای خود واژگانی عامیانه ایجاد کرده اند.

علی رغم این موارد که گفته شد، اغلب مردم در خانه ها هنوز با زبان بومی قدیم صحبت می کنند. خارج از خانه، جایی که قومیت های مختلف در کنار هم زندگی می کنند، زبان مالایو زبان رسمی کشور، مورد استفاده قرار می گیرد. در بیش تر نواحی منطقه جاوه تنها از یک زبان استفاده می شود زیرا زبان جاوه ای در خارج از خانه نیز کاربرد دارد. اخیراً در

اندونزی و در برخی مناطق روستایی زبان های بومی، دیگر برای آموزش دانش آموزان کلاس سوم به بالا مورد استفاده قرار نمی گیرد. در حال حاضر در این کشور، آثار ادبی به زبان بومی سخت تر از دوران استعمار یافت می شود و اگر یافت شود، قابل استفاده برای همگان نیست. بسیاری از مردم این کشور، از ضعیف شدن زبان های بومی که موجب ارتباط بیش تر و ناقل فرهنگ قومی و بومی بوده، احساس خسران کرده، از پیامدهای این مسئله به شدت بیمناک هستند.

پیش تر گفته شد که در گذشته هر منطقه از کشور فعلی اندونزی، دارای زبان خاصی بوده که با آن تکلم می کردند و در حال حاضر همان اقوام و نژادها در مناطق مختلف به رغم تکلم به زبان مشترک و رسمی مالایو، زبان اول شان همان زبان بومی، قومی و نژادی گذشته است ولی به خاطر بی توجهی و فرسایش روزمره قواعد و مقررات حتی شکل نوشتاری آن، رفته رفته به دست فراموشی سپرده شده، حاملان آن نیز نمی توانند از این ابزار برای انتقال مفاهیم ارزشی استفاده کنند. تازه اگر کسی پیدا شود که بتواند از آن استفاده کند محلی برای عرضه آن نخواهد یافت. اشعار حماسی، نمایشنامه ها، داستان های اساطیری، سرگذشت نیاکان، افسانه ها؛ حتی هویت تاریخی این ملت ممکن است جاذبه ها و مخاطبانی داشته باشد که دارد ولی هرگز محتوا و غنای میراث گذشته از زبان بومی و رسم الخط ویژه، به زبان مشترک و رسم الخط فعلی (مالایو) به طور کامل امکان پذیر نخواهد بود زیرا در ترجمه، اولاً روح حماسی و هویتی و ارزشی به طور کامل قابل انتقال نیست و ثانیاً زبانی که خود دارای ضعف و نقص باشد، از عهده چنین کار سترگی بر نخواهد آمد.

#### **د: چالش قومی و نژادی**

«جوکو ویدودو»، رئیس جمهور اندونزی، در مراسم هفتادمین سالروز تاسیس ارتش این کشور طی سخنانی حفظ چندگانگی ملت اندونزی را بزرگ ترین چالش پیش روی ارتش این کشور دانست و خاطر نشان کرد که ارتش جمهوری اندونزی با انسجام هر چه

تمام تر، باید بدون توجه به مباحث قومیتی و دینی، عملکرد حرفه ای داشته باشد و همواره منافع کشور و ملت را بالاتر از هر موضوعی بداند. وی با اشاره به شعار «وحدت در عین کثرت» ملت اندونزی گفت: «کثرت گرایی سرمایه اصلی کشور ماست و ارتش مسئولیت دارد تا از این سرمایه به خوبی محافظت نماید.» وی ادامه داد: «تاریخ نشان می دهد اختلاف و درگیری میان اقشار مختلف یک جامعه موجب از هم گسیختگی آن کشور می شود؛ لذا ارتش اندونزی موظف است تا برای جلوگیری از این واقعه در کشور، نهایت تلاش خود را به کار گیرد.»

### ه: چالش هویت اسلامی

هویت اسلامی مفهومی است مضاف و نقش مولفه هایی که مسلمان بودن را برجسته می سازد، معیار ادعای دو یا چند جامعه اسلامی ولو این که همسان نباشند اما در بخش هایی از باورهای دینی، هم عقیده اند را می توان به حساب آورد. به عبارت روشن تر می خواهیم بدانیم کدام باور، آداب و آموزه های اسلامی است که مسلمان بودن را معنا می بخشد؟ در میان اجتماعات مختلف نژادی، قومی و ملیتی پراکنده اندونزی، اکنون چه تفاوت هایی با یکدیگر پیدا کرده اند؟

چنان که گفته شد، هویت اسلامی بنابر میزان اثرپذیری و اثرگذاری متفاوت می شود؛ به طوری که می توان میان آن به میزان درجه نفوذ اندیشه ها و فرهنگ برتر یا نازل تر فرق قائل شد؛ بنابراین ممکن است هویت اسلامی دو یا چند جامعه اسلامی همسان نباشد. هویت اسلامی گاه نه تنها در جوامعی که فارق آن ها زبان، قومیت، نژاد و ملیت یا هر معیار دیگر باشد، رنگ تفاوت به خود می گیرد، بلکه در جامعه ای خاص که زبانی مشترک و قومیتی یکسان، نژاد و ملیتی واحد هم دارند، ممکن است شکل مختلفی از دینداری را نشان بدهند.

بنابر دیدگاه بسیاری از محققان، اسلام اندونزی را اسلامی دور از مادر؛ یعنی خاورمیانه، تولد، رشد و تکامل یافته می شناسند. از این رو، بر انتقال صحیح دیرین و دامنه دار

فرهنگ و آموزه های دینی از خاورمیانه به خاور دور و این بخش از جهان اسلام، با دیده تردید نگاه می کنند. معتقدند از زمانی که اسلام وارد اندونزی شده است تاکنون، چهره برجسته و شاخصی در علم و دین که در جهان اسلام شهرتی داشته باشد، کم تر دیده شده یا آثار فاخر مکتوبی که حاکی از اندیشه های بلند این قوم در منطقه باشد، چندان دیده نشده است. در حوزه آداب و رفتار اجتماعی نیز اسلام در شئون زندگی مردم نقش قابل توجهی نداشته، ممکن است برخی از آداب و رسوم گذشته که منبعث از فرهنگ هندویی است، پرننگ تر از فرهنگ اسلامی باشد؛ به شکلی که در نگاه اول نشانه هایی از هویت اسلامی در این جامعه کم تر به چشم می خورد!

از سویی آن چه مسلم است هویت دینی یا آموزه های اسلام در اندونزی چنان عجیب با جریان های تصوف شده که تفکیک آن مشکل است. در قرن یازدهم، دوازدهم، هفدهم و هجدهم میلادی میان آن دسته از علمای دینی که با تکیه بر آثار غزالی مدافع سرسخت عرفان متشرعه بودند و صوفیانی که می کوشیدند عقاید عرفانی اسلامی را با اندیشه ها، مناسک و آئین های هندو و بودا تلفیق کنند، درباره وحدت وجود، بحث هایی در گرفت که سبب ابهام و سردرگمی دینی مسلمانان اندونزی شد. در این که آیا مناقشه میان گروه های مسلمان در اندونزی کلامی است یا فقهی و یا سیاسی، دیدگاه های مختلفی وجود دارد. برخی مناقشات، کلامی و فقهی است اما مناقشات سیاسی - فرهنگی در این میان پرننگ تر است.

از سوی دیگر هویت اندونزی های مسلمان، با عنوان کتاب گرایی تا اندازه ای دچار دگرگونی شده است. واژه کتاب گرایی و پابندی به آن اشاره به نهضتی فکری دارد که معتقد است باید عقاید صحیح دین را با توجه به مطالب مکتوبی که از طریق سنت بر جای مانده است، با دقت در اجرای آن همراه اجتناب از اعمال متناقض با اصول دین کسب کرد. در این بینش، توجه بیشتر معطوف به جنبه عملی مذهب به عنوان راهنمای زندگی است تا اعتقادات و آرمان های محض دینی. تفاوت این نهضت با گذشته در این است که کم کم اسلام اشراق گرای انعطاف پذیرتر، جای خود را به سنت های اسلامی



خالص تر می دهد؛ البته اندیشه های گروه های مسلمان در اندونزی بسیار متفاوت است. برخی از آن ها اولویت به اصلاحات مذهبی و تمسک به قرآن و اطاعت از قوانین اسلام را حفظ کرده اند. برخی در پی ایجاد حکومت اسلامی و عده ای بر مطابقت با علوم و فنون جدید، تجارت و تشکیلات سیاسی تاکید می کنند و گروهی میان معیارهای مذهبی و شخصی و زندگی روزمره تمایز قائل می شوند.

### و: جاش هویت فرهنگی

با در نظر گرفتن دو عنصر تشکیل دهنده هویت؛ یعنی اثرگذاری و اثرپذیری، هیچ گاه هویت افراد جدا از دیگران، نه فرض می شود و نه کامل قلمداد می گردد. به یاد داشته باشیم که فرآیند فردی، گروهی و قالب های رفتاری محیطی و اجتماعی هر دو باهم شکل می گیرند، پس تشخیص ویژگی ها و اوصاف جمعی راهی است روشن برای درک هویت فرهنگی هر جامعه.

اساسا مگر می توان از هویت فرهنگی جامعه ای سخن به میان آورد ولی از بنیان های کهن شکلی و محتوایی رفتار و باورهای آن قوم که در تاریخ و زندگی شان تاثیرگذار بوده است، چشم پوشید؟ تمدن و فرهنگ ملی اندونزی تا حدودی مشابه فرهنگ و تمدن چندگانه جامعه هند بوده و ریشه در جوامع کهن و روابط میان اقوام و نژادهای مختلف داشته و در منازعات ملی گرایانه قرن بیستم در برابر امپریالیسم اروپایی که باعث کوبیده شدن ملت و بسیاری از رسوم آن شده بود، ماهیت خود را حفظ کرده بود. فرهنگ ملی مردم اندونزی هم اکنون نیز به راحتی در شهرهای دور این کشور قابل شناسایی بوده و البته جنبه هایی از این فرهنگ در حومه شهرهای بزرگ نیز قابل مشاهده است اما در این هجوم و سیطره غرب با پیچیدگی های ویژه خود که در پی تسخیر فرهنگی جهانند، کدامین ملت و کشور خواهند توانست بر این تهاجم غلبه کرده یا حداقل آن را متوقف کنند؟ معلوم نیست و باید منتظر زمان بود.

«ذوالکفلی حسن»، رییس مجلس نمایندگان خلق اندونزی در تاریخ ۲۰ ماه جون سال ۲۰۱۶ میلادی در مصاحبه ای با «سیاست خبری بیزنس اندونزی» اظهار داشت: «اندونزی در وضعیت خوبی به سر نمی برد زیرا ملت اندونزی در حال از دست دادن هویت ملی و فرهنگی خود هستند.» ایشان گفتند: «نسل نوین اندونزی از مبانی «پانچاسیلا»؛ پنج اصلی که فوق قانون اساسی کشور است و فلسفه اتحاد قومیت ها و نژادها، زبان و فرهنگ های مختلف مجمع الجزایر اندونزی است، هر روز فاصله بیش تری می گیرند.» ایشان با اظهار نگرانی، این وضعیت را برای آینده کشور خطرناک توصیف کرده، با انتقاد از سیاست افسار گسیخته به سوی جهانی شدن اندونزی، تصریح کردند: «در صورتی که نخبگان و دولتمردان کشور برای این چالش چاره اندیشی نکنند، جوانان کشور، فرهنگ فاسد غربی را آرام آرام در این کشور نهادینه خواهند کرد زیرا هم اکنون نسل جوان ما فاقد سپر دفاعی هجوم فرهنگی غرب بوده، هیچ محافظی در این رویارویی ندارد.»

از سویی چنان که در جهان شهرت دارد، سیاست چند فرهنگی همواره مورد حمایت دولت های «آنگلوساکسون» مثل آمریکا، کانادا، استرالیا و بریتانیا بوده و در سایه این سیاست روش های متفاوتی اتخاذ کرده اند.

دولت آمریکا سیاست چند فرهنگی را در مسیر یکپارچه سازی و ملحق شدن به دیگر فرهنگ مشترک دنبال می کند ولی سایر دولت ها سیاست یکپارچه سازی را به معنی نوعی فضای خصوصی دادن به فرهنگ اقلیت ها می دانند. به هر حال، گرچه فرهنگ مردم اندونزی دارای ریشه های تاریخی، آداب، رسوم و ارزش های کهن و عقاید پایداری است که اغلب مردم همچنان مومن به آن هستند اما با بحران هویتی نسل جدید چگونه خواهد توانست خود را حفظ کند؟ جای تردید جدی است.

**ز: چالش مدرنیته و سنت در اندونزی**

در راستای تعارض اندیشه های سنتی و مدرنیسم، مباحث دینی و موضوع «پلورالیسم» در اندونزی با وجود مذاهب و ادیان گوناگون بسیار جدی است و عمدتاً از سوی مسیحیان که پایگاه بسیار قوی در این کشور دارند، در گوش مسلمانان غرب گرا زمره شده و از طریق آن ها این موضوع در سطح وسیعی مطرح می شود، البته ترویج بحث لیبرالیسم و سکولاریسم به عنوان استراتژی فعلی آن ها ممکن است برای جلوگیری از قدرت یافتن سنت گراها و احیاناً تشکیل دولتی بر مبنای اسلام باشد؛ کمابین که چنین نسخه هایی را در برخی کشورهای اسلامی دیگر پیاده کرده اند.

**مد و مدرنیسم**

«مد» یکی از شیوه های مختلف رفتار مردمی است که بنا دارند به وسیله آن خود را در جامعه و فعالیت های اجتماعی وارد کرده تا با همگون کردن خود و سایر انسان های محیط و مرتبط، به سوی یک زندگی نوین اجتماعی گام بردارند. از سوی دیگر، همین اشخاص دوست دارند در اوج این همگونی، نسبت به دیگران هم متمایز باشند. این اندیشه در زندگی آن ها بسان دو نیروی مقابل و مخالف، علی الدوام در حال چالش و کشمکش جدی است؛ یعنی نیرویی که همواره انسان را به سمت اجتماعی شدن هر چه بیش تر می کشاند و نیرویی که همواره سعی دارد غیر از مسیر اجتماع خود را متمایز ببیند که البته در اکثر مواقع بین این دو نیرو، تعادلی به وجود نخواهد آمد و قهراً مشکلات از همین نقطه آغاز می گردد.

در اصل مد، همان تاثیر متضاد این دو نیرو، در درون انسان است که موجب این ناآرامی شده است. مد و مدگرایی تاکنون همواره در جبهه و قطب مخالف عمل کرده که موجب سرکوب نیروی دیگر شده است.

فرد مدگرا یا مدام خود را شبیه دیگران می سازد یا با تمام سعی و تلاش خود در صدد است از خود فردی متمایز بسازد که با دیگران فرق داشته باشد. در حقیقت هر مدی که

به وجود می آید تاریخ مصرف مشخصی دارد و به سبب گسترش آن مد در جامعه، آن مد در زمان معینی به اصطلاح «دمده» شده، جایگاهش افت کرده و طرفدارانش کم و کم تر می شود، تا جایی که به پایین ترین حد خود در جامعه می رسد. علتش آن است که هر لحظه تعداد بیش تری از افراد جامعه از مد یاد شده پیروی کرده، پس از اندک زمانی همین امر که به صورت عادی در آمده است، برای مددوستان، تازگی و تنوع لازم را ندارد.

### گستره مد

گستره مد به اندازه ای وسیع است که تقریباً تمام شئونات زندگی انسان ها را در برمی گیرد. به طور کلی هر جا که پای زیباشناختی در میان باشد، مد هم آن جا حضور جدی دارد. عرصه پوشش، آرایش، محیط آرای، مدل اتومبیل، مدل کیف و کفش، رنگ و همگونی رنگ ها در لوازم شخصی، لوازم منزل، حتی ادبیات سیاسی، محاوره ای، احوال پرسی و خلاصه همه جنبه های زیباشناختی، متاع ها و کالاهای دنیوی در حوزه مد و مدگرایی گرفتارند اما در این میان پوشاک، سبک و شیوه های آرایشی شاید شاخص ترین جلوه ظهور و نماد مد و مدگرایی باشند.

از آن جا که فطرت انسان نوگرا و تنوع طلب است، همیشه عنصر مد و مدگرایی در بین همه نسل ها و عصرها وجود داشته و به نوعی با زندگی انسان ها عجین بوده است، لیکن در اعصار و قرون، اهداف مدسازان متفاوت بوده، اگرچه آهنگ رشد مد و مدگرایی در دوره های گذشته بسیار کند بوده است اما در دوره معاصر به ویژه در چند دهه اخیر، همراه اهداف سیاسی و فرهنگی استعماری، مد و مدگرایی سرعتش فوق العاده بالا بوده و با آمیزه ای از افراط گرایی عجین بوده است. شکی نیست که گسترش وسایل ارتباط جمعی همانند ماهواره، اینترنت و فضاهای ساخته و پرداخته شده مجازی از یک سو و ارتقای سطح اقتصادی زندگی و رفاه، همچنین افزایش نقدینگی موجود در جوامع از سوی دیگر، از علل اصلی آن بوده است.

وانگهی معمولاً- مدهایی که امروز در بیش تر جوامع فرهنگی ظهور پیدا کرده، برای مردم امری اجتناب ناپذیر شده است. امروزه در هیچ جامعه و فرهنگی کلمه مد کلمه غریب و ناآشنایی نیست ولی در جوامع و فرهنگ های مختلف ظهور و بروز مد و مدگرایی نسبی و متفاوت است. معمولاً جوامع مذهبی و دینی که هنوز به سنت های دینی خود پایبند هستند، پدیده مد و مدگرایی در آن جوامع ضعیف و کم رنگ است. به هر حال هجمه مد و مدرنیسم استعماری با اهداف همسان سازی فرهنگ های ملل در اندونزی، متاسفانه توانسته بر هویت اسلامی مردم این منطقه به ویژه بر عنصر اخلاقی و دینی آنان تاثیر خود را بر جای بگذارد. به این صورت که با وجود فراوانی و گستردگی دینداری و تجربه های ارزشمند و نیرومند و پر شور سنتی مردم، در حال حاضر ارزش های اخلاقی به شدت ضعیف گردیده است. به عبارت دیگر امور فوق طبیعی که روزی در اعتقاد مردم جایگاهی داشت امروز با احساس انفصال روبرو شده است. نگرش های سکولار، دشمن بی چون و چرای ایمان مردم به قدرت ماورایی است. از این رو مردم ناخودآگاه و به تدریج در زمینه های سکولار، مدرنیسم و باورهای مادی گرایانه سر درمی آورند.

«کلینتون» در فوریه ۲۰۰۹ میلادی، طی سخنرانی مفصلی در دانشگاه جامع اندونزی اظهار داشت: «کسانی که می خواهند آشتی اسلام با دموکراسی، مدرنیته و حقوق زنان را که هم زیستی مسالمت آمیزی دارند، مشاهده کنند، باید سفری به اندونزی داشته باشند و ببینند که این امر شدنی است!»

### شبکه های اجتماعی

یکی از مولفه های مدرنیته، حضور جدی شبکه های اجتماعی و کاربری فضای مجازی است. اندونزی در استفاده از این ابزار، گوی سبقت را حتی از کشورهای مدرن جهان ربوده است. به خبر زیر از سایت خبری «LIPUTAN ۶» که در مورخه ۲۳ نوامبر ۲۰۱۵ میلادی انتشار یافت توجه فرمایید:

سازمان تحقیقاتی «ODERA MEDIWORKS AND MOBILE ASSOCIATION» نوشت: «روز گذشته این سازمان نتایج تحقیقات خود نسبت به استفاده از تلفن همراه هوشمند، توسط اتباع کشورهای هند، مالزی، اندونزی، فیلیپین، تایلند، ویتنام و استرالیا را منتشر کرد. براساس این تحقیقات میزان بازدیدکنندگان اتباع اندونزی از سایت های اجتماعی بیش تر از اتباع دیگر کشورهای منطقه بوده و در این جهت مقام اول را از آن خود ساخته است. فروشگاه های مجازی در رده دوم سایت هایی قرار دارند که روزانه اتباع اندونزی از آن بازدید به عمل می آورند!»

در حوزه آموزش نیز گرچه هنوز میان سنت و مدرنیته در عرصه آموزش اسلامی کشاکش هست ولی در چند دهه اخیر به بهانه بهره گیری از تجارب دیگران و احیانا تولید دانش و کم مهری نسبت به مدارس علمی سنتی، نفوذ مدرنیته و اندیشه های سکولار، رو به افزایش است؛ لذا دگرگونی خاص و متباین با برنامه های سنتی و اخلاقی گذشته در مراکز آموزشی کشور هم اکنون کاملا مشهود است. با پیدایش اندیشه های مدرن به ویژه در امر آموزش اسلامی و گنجاندن مواد درسی جدید مانند فلسفه، جامعه شناسی، پدیدارشناسی و تاریخ به عنوان ابزارهای جدید، تحقیق معارف دینی، موج گسترده ای از نقد و تحلیل تفکرات اسلامی در اندونزی معاصر به وجود آورده است.

متأسفانه گروه های پر طمطراق دینی مذهبی و دولت این کشور نیز در برابر سیل سهمگین تهاجم غرب هیچ گونه طرح و نقشه ای ندارند. مراکز علمی و دانشگاهی کشور به سبب عدم تولید و رشد علمی، وابستگی به منابع کشورهای غربی، همچنین ضعف پایه های فرهنگی و ملی، عدم حساسیت و بصیرت نخبگان جامعه، تاکنون طرحی برای خروج مسلمانان اندونزی از این بن بست را فراهم نساخته اند اما نخبگان کشور از این که، مدرنیته و هجوم فرهنگ بیگانه موجب از میان رفتن زبان ها و فرهنگ های بومی گردیده به شدت نگرانند. متأسفانه از ناحیه آن ها هم با وجود این نگرانی، اندک تلاشی هم برای صیانت و حفظ این مولفه ها و عناصر فرهنگی در جامعه اندونزی مشاهده نمی شود!

به هر حال گرایش های سکولار و بی تفاوتی به ارزش های اسلامی و بومی در عرصه های ادبیات، هنر، علم و آموزش، با خوش بینانه ترین فرض، پیامدهای مخرب و بنیان کنی بر جای خواهد گذاشت که با وجود میراث های فرهنگی و هنری بومی مخصوصا میراث گران بهای صوفیه، ممکن است ملت اندونزی در این رویارویی با شکست مواجه شوند!

### نقش دگراندیشان

نفوذ گفتمان مدرن با بار ایدئولوژیکی خاص، گفتمانی است که در قالب تجددگرایی، ملی گرایی و تشکیل دولت های مدرن، خود را بر کشورهای اسلامی تحمیل کرد و بسیاری از اندونزیایی ها را نیز جذب خود ساخت. عده ای از آن ها بدون درنگ و تأمل، تحت تاثیر این الگوها قرار گرفته و در رفتار سیاسی و اجتماعی خود از آن بهره برداری کردند، با تشکیل احزاب ملی، همچنین دولت و استفاده از تکنولوژی توانستند تجددطلبی و ملی گرایی را در جامعه پیاده کنند. مدرنیسم نیز بر هویت اسلامی به ویژه عنصر اخلاقی دین در اندونزی تاثیر بسزایی داشته، به این صورت که با وجود گستردگی فراوان دینداری، اندک بودن تجربه های دینی، ارزشمند، نیرومند و پرشور، ارزش های اخلاقی به شدت تضعیف گردیده است. یکی از مهم ترین جلوه های مدرنیسم دگراندیشی، کم توجهی یا بی توجهی به میراث های کهن و گران بهای دینی، مذهبی، تاریخی، ملی و فرهنگی هر جامعه است که اندیشه تجدد و مدرنیته، در بیش تر دولت های ملی بروز و ظهور پیدا می کند. تئورسین های این اندیشه، تعاریف زیبایی از آن ارائه می دهند. آن ها می گویند: «تجددخواهی با نگاه به انسان مداری، خردورزی، رهایی از سنت ها و قیدهها، دوری از مذهب، شاخصه انسان های روشنفکر و فرهیخته هر جامعه است.»

لذا با رخنه کردن این تفکر در میان گروهی از مردم اندونزی، آنان با تشکیل احزاب ملی و رسیدن به قدرت سیاسی، توانستند شاخص های مختلف مدرنیته را در اصول پنج گانه قانون اساسی این کشور تثبیت کنند. این جریان رشد کرد تا این که امروز مدرنیته تنها

محدود به حوزه های فرهنگی و سیاسی نبوده، بلکه در تمام شئون زندگی مردم نقش آفرینی می کند. مطرح شدن پدیده جهان شمول مدرنیته در عرصه های مختلف به ویژه در حوزه آموزش مسبوق به نگرش سکولار به انسان، جهان علم و عمل است؛ لذا این موضوع در شکل و محتوای رویکرد آموزش علم دینی و نقش پرورشی آن، آثار شگرف و انکارناپذیری در میان ملت اندونزی بر جای نهاده است. مروجین و تئوریسین های اندیشه های فوق در اندونزی، بیش تر روسای دانشگاه های اسلامی و اساتید برجسته ای هستند که تحصیلات آن ها در کشورهای اروپایی بوده است.

به یکی دو نفر از آن ها در زیر اشاره می شود:

۱- «دکتر مکتی علی»، استاد مطالعات در زمینه مقایسه ادیان در دانشگاه (iain) یوگیا کارتا است. وی از دانشگاه (مک گیل) در مونترال کانادا فارغ التحصیل شده و از سال ۱۹۷۱ تا سال ۱۹۷۸ میلادی، به عنوان وزیر امور دینی در اندونزی فعالیت داشته است نامبرده مسئولیت نوگرایی مدارس علمیه و پساترن ها را بر عهده داشت. «مکتی علی» با نظریه «پذیرش تفاوت» خود، رهبران دینی و جوامع مسلمانان اندونزی را به چالش کشید. نظریه او این ایده را تقویت می کرد که فردی ممکن است دین خود را بهترین دین بدانند، این منطقی و عادلانه است اما این مهم را که پیروان سایر ادیان نیز چنین حقی دارند در نظر نمی گیرد، چالش جدیدی ایجاد می کرد. بالاخره روش او چنان که خود می گوید: «بر پایه برابری انسان ها و ادیان استوار بود که شمولیت، تسامح و تساهل را تقویت می کرد.» «مکتی علی» نخستین وزیر امور دینی در اندونزی بود که در نوگرایی آموزش اسلام یا اسلام نوین، در رسانه های غربی شهرت پیدا کرد.

۲- «هارون ناسوشن»، استاد الهیات و رییس دانشگاه (iain) جاکارتا در سال ۱۹۷۰ میلادی بود. نامبرده نیز نقش موثر و کلیدی در ارتقای روش های ذکر شده مخصوصا ترویج تسامح و تساهل دینی داشت.

۳- «پروفیسور عذرا»، رییس اسبق دانشگاه شریف هدایت الله که دانشگاه معروف اسلامی جاکارتا است. وی قائل است که تسامح و تساهل در نظام آموزش عالی کشور تاثیر



عمیقی بر مدارس علمیه و پسانترن ها گذاشته است. ایشان معتقد است، تسامح و تساهل به همان اندازه که برای سیاست پیشگان غربی به ویژه آنانی که در پی نفوذ فرهنگی و آموزشی در اندونزی هستند مفید است، برای ما نیز که در پی شناخت و نفوذ تفکر دینی دلخواه هستیم مطالبی آموختنی دارد.





۱. اسلام تاریخ پژوهشی و فرهنگی معاصر، موسوی بجنوردی.
۲. اسلام در جنوب شرقی آسیا، ترجمه: محمد مهدی حیدرپور.
۳. اصول و مبانی فرهنگی در آسیا و آفریقا، رسول حسین لی، زیر نظر: مسعود کوثری.
۴. ام.بی.هو.کر، اسلام در جنوب شرق آسیا.
۵. بحران آنچه در یک نگاه، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۸۸۶.
۶. به نقل از تحقیق: **impact study** در سال ۲۰۰۰.
۷. جلوه های اسلام شیعی در جنوب شرق آسیا.
۸. جنبش های اسلامی در مالزی و اندونزی.
۹. دانشنامه جهان اسلام، غلامعلی حداد عادل.
۱۰. روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه، ترجمه: محمود اسماعیل نیا.
۱۱. جهانی شدن برداشت ها و پیامدها، سجاد پورکاظم، تهران ۱۳۸۳، دفتر مطالعات سیاسی بین المللی.
۱۲. سیاست و حکومت در آسیای جنوب شرقی.
۱۳. شیعه در جنوب شرق آسیا، به سوی ایجاد روابط حسنه و همکاری.
۱۴. الشیعه فی اندونسیا.
۱۵. ویژگی جغرافیای کشورهای اسلامی، علی اصغر نظری.
۱۶. فرهنگ و تمدن اسلامی، علی اکبر ولایتی.
۱۷. کتاب تاریخ اندونزی نوشته برناردولک و ترجمه ابوالفضل علیزاده طباطبایی.
۱۸. کتاب سبز وزارت خارجه ج.ا.ا.
۱۹. کی کیم کو، تاریخ جنوب شرق آسیا.
۲۰. دین و فرآیند جهانی شدن، محمد نکویی سامانی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۲۱. مقاله تصوف در چین و دنیای مالایی.

۲۲. مقاله شیعه در جنوب شرقی آسیا، پروفیسور ازیومردی عذرا.

۲۳. مواضع سیاسی و تحولات تاریخی دوستان کشور جهان.

۲۴. حاکمیت، دموکراسی و سیاست جهانی در دوران جهانی شدن، مولر کلاوس، ترجمه لطفعلی سمینو، تهران، نشر اختران ۱۳۸۴.

۲۵. هو کو ام بی، اسلام در جنوب شرقی آسیا.

۲۶. اسلام در جهان امروز، ویلفرد کنت ول اسمیت.









تصویر شماره ۱: نقشه جغرافیایی اندونزی (ص ۱۳)

تصوير



تصوير



تصوير



تصوير



تصویر



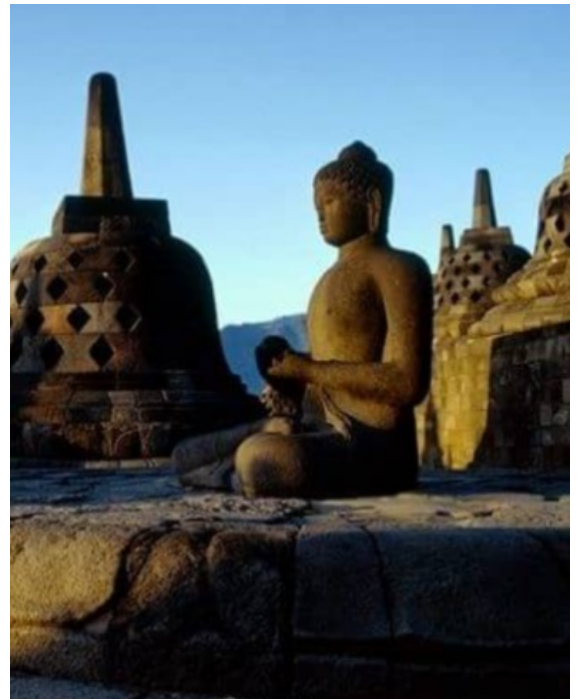
تصاویر شماره ۲: بناهای هندویی (ص ۲۳)

ص: ۲۶۳

تصویر



تصویر



تصویر



تصاویر شماره ۳: معبد بوروبندو (ص ۲۵)

تصوير



تصوير



تصوير



Gambar: Sultan Muhammad Daud Syah Johan Berdaulat, Sultan Aceh terakhir yang bertahta pada tahun 1873-1903.

تصوير



تصویر



تصویر



تصویر



Gambar: Cap Mohor, Cap Kerajaan Pagaruyung.

تصویر



Gambar: Cap Sikureung, Kesultanan Aceh

تصاویر شماره ۴: آثار حکومت های اولیه اسلامی در مجمع الجزایر اندونزی (ص ۳۳)



Inggris pada tahun 1811, sejak ditandatanganinya Kapitulasi Tuntang yang salah satunya berisi penyerahan Pulau Jawa dari Belanda kepada Inggris, Pada tahun 1814 dilakukanlah Konvensi London yang isinya pemerintah Belanda berkuasa kembali atas wilayah jajahan Inggris di Indonesia. Lalu baru pada tahun 1816, pemerintahan Inggris di Indonesia secara resmi berakhir.

تصویر



VOC menguasai Nusantara pada 1602-1800

تصویر



Gambar: Spanyol pada tahun 1521, hanya Sulawesi Utara, tetapi berhasil diusir pada tahun 1692.

Spanyol menjajah Indonesia pada 1521-1692 M.

تصویر



Gambar: Portugis pada tahun 1509, hanya Maluku, lalu berhasil diusir pada tahun 1595 M.

Portugis menjajah Indonesia pada 1512-1850 M.



ص: ٢٦٦

تصوير



تصوير



تصوير



تصوير



تصویر



تصویر



تصویر



تصویر



Gambar 18:  
Soekarno-Hatta,  
memproklamkan  
kemerdekaan  
Indonesia pada 17  
Agustus 1945.  
Kemudian dikenal  
sebagai hari  
kemerdekaan  
Republik Indonesia.

تصاویر شماره ۶: دوران انقلاب و استقلال و شکل گرفتن جمهوری اندونزی (ص ۴۸)

ص: ۲۶۷

تصویر



تصویر شماره ۷ الف: پرچم اندونزی (ص ۵۳)

## REPUBLIK INDONESIA



Gambar 1:  
"Garuda Pancasila" lambang Negara  
Republik Indonesia

تصویر شماره ۷ ب: عقاب نشان رسمی اندونزی (ص ۵۵)

تصویر



تصویر



تصویر



Gambar 19: Hatta, Soekarno, dan Sjahrir, tiga pendiri Indonesia.

تصاویر شماره ٨: دوران پس از استقلال (ص ٦٣)

تصویر



تصویر



تصاویر شماره ۹: روسای جمهور اندونزی از استقلال تا کنون (ص ۶۸)



تصویر



Kompleks Parlemen  
Jakarta  
Indonesia





Jalan Medan Merdeka Utara No. 9-13 Kelurahan Gambir, Gambir Jakarta Pusat 10110

تصوير شماره ١١: ديوان عالی کشور (ص ٦٩)

### Majelis Ulama Indonesia (MUI)



MUI atau **Majelis Ulama Indonesia** adalah Lembaga Swadaya Masyarakat yang mewadahi ulama, *zu'ama*, dan cendekiawan Islam di Indonesia untuk membimbing, membina dan mengayomi kaum muslimin di seluruh Indonesia. Majelis Ulama Indonesia berdiri pada tanggal, 7 Rajab 1395 Hijriah, bertepatan dengan tanggal 26 Juli 1975 di Jakarta, Indonesia.

تصوير شماره ١٢: لوگوی مجلس العلماء (ص ٧٥)





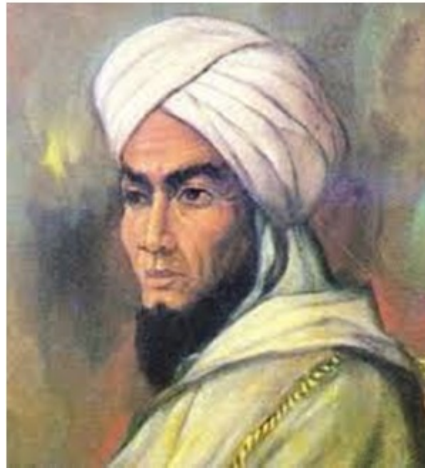


تصویر



تصاویر شماره ۱۴: نماز جماعت در اندونزی (ص ۹۱)

تصوير

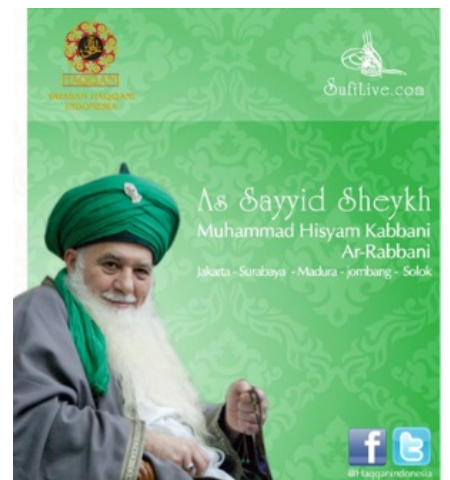


Gambar:  
Tuanku Imam Bonjol, salah seorang pemimpin Perang Padri, yang diilustrasikan oleh de Stuers pada tahun 1820.

تصوير



تصوير



تصوير

تصوير



Al Habib Hasan Bin Ja'far Assegaf  
bersama Syaikh Hisyam Kabbani

تصاویر شماره ۱۵: اقطاب و بزرگان متصوفه در اندونزی (ص ۹۶)

**Rabithah Alawiyah**

**Rabithah Alawiyah** adalah suatu organisasi massa Islam yang bergerak di bidang sosial kemasyarakatan. Pada umumnya organisasi ini mengimpun WNI keturunan Arab, khususnya yang memiliki keturunan langsung dari Nabi Muhammad SAW. Organisasi ini berdiri pada tanggal 27 Desember 1928 tidak lama setelah Sumpah Pemuda 28 Oktober 1928.

**Alamat Rabithah Alawiyah**

Jalan TB. Simatupang No. 7A,  
Rt.10 Rw.03,  
Kelurahan Tanjung Barat,  
Kecamatan Jagakarsa,  
Jakarta 12530.

Telp.:+62 (21) 788 433 71

Fax.: +62 (21) 788 433 74

sekretariat@rabithah-alawiyah.org



تصاویر شماره ١٦: رابطه العلویه و روسای آن (ص ٩٩)



تصویر



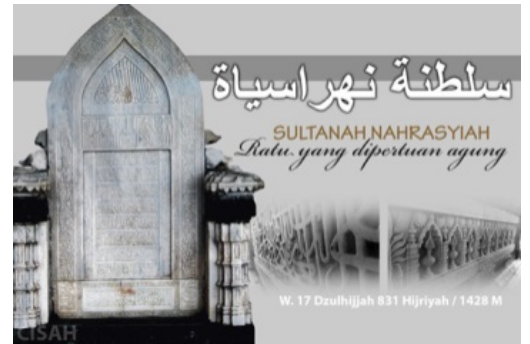
تصویر



تصویر



تصاویر شماره ۱۸: گروه های رادیکال در اندونزی (ص ۱۰۴)



Gambar: Makam dan Komplek pemakaman Sunan Giri



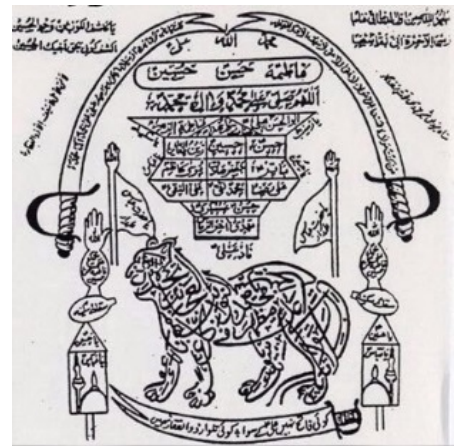




Gambar: Makam dan Komplek pemakaman Sunan Giri



تصویر



تصاویر شماره ۱۹: حکومت شیعی در اندونزی (ص ۱۱۸)

ص: ۲۷۷

تصویر



تصویر



تصاویر شماره ۲۰: تابوت در اندونزی (ص ۱۱۹)



Gambar: Makam Sunan Drajat di Lamongan, Jawa Timur.

تصاویر شماره ۲۱: قبور بزرگان و زیارتگاه های فعلی در اندونزی (ص ۱۲۴)



تصویر شماره ۲۲: حضور وهابیت در اندونزی (ص ۱۳۵)

تصوير



Acara Wisuda LIPIA

تصوير



Plang LIPIA menunjukan afiliasi dengan Imam Muhammad bin Saud Islamic University di Riyadh

تصوير

LIPIA



**Lembaga Ilmu Pengetahuan Islam dan Arab (LIPIA)** adalah lembaga pendidikan yang mengajarkan ilmu tentang agama Islam yang berada dibawah naungan Universitas Islam Imam Muhammad bin Sa'ud Riyadh. Berlokasi di Jakarta Selatan didirikan pada tahun 1400 H/ 1980 M.

**Lembaga Ilmu Pengetahuan Islam dan Arab (LIPIA)**

- Jenis** Perguruan tinggi
- Lokasi** Jakarta Selatan, DKI Jakarta, Indonesia
- Julukan** LIPIA
- Afiliasi** Imam Muhammad bin Saud Islamic University di Riyadh
- Situs web** [www.lipia.org](http://www.lipia.org)

تصوير

Gedung LIPIA di Jl. Buncit Raya No. 5A Ragunan Jakarta Selatan





Salah satu kegiatan kelas di LIPIA

تصاویر شماره ۲۳: حضور آموزشی عربستان در اندونزی (ص ۱۳۳)

تصویر



تصویر



تصویر شماره ۲۴: مردم شاد اندونزی (ص ۱۵۱)



تصویر شماره ۲۵: ادب مردم اندونزی (ص ۲۵۲)



تصویر شماره ۲۶: مراسم ختنه سوران (ص ۱۵۴)



تصویر شماره ۲۷: باتیک (ص ۱۵۵)







تصویر



تصویر



تصویر



تصاویر شماره ۲۷: لباس عروس (ص ۱۵۵)



تصویر



تصاویر شماره ۲۸: خطبه عقد و عروسی (ص ۱۵۹)



تصویر





تصاویر شماره ۲۹: مراسم ختم و قبور مردگان (ص ۱۶۱)

ص: ٢٨٣

تصوير



تصوير



تصوير



تصاویر شماره ۳۰: مسجد استقلال و برج مناس در جاکارتا (ص ۱۶۴)



تصویر شماره ۳۱: تبلیغات نمایشی و فرهنگی (ص ۱۶۶)

تصوير



تصوير



Gedung Kampus ITB

تصوير

## Universitas Muhammadiyah Yogyakarta

Jl. Lingkar Selatan, Kasihan Bantul DIY 55183 Telp +62 274 387656 Fax. +62 274 387646



Berdiri pada 1 Maret 1981 dengan Motto: "Unggul dan Islami"

**Universitas Muhammadiyah Yogyakarta** adalah salah satu perguruan tinggi di Yogyakarta yang beralamat di Kampus Terpadu Universitas Muhammadiyah Yogyakarta,

تصوير

## Institut Teknologi Bandung (ITB)

Institut Teknologi Bandung adalah sebuah perguruan tinggi negeri yang berkedudukan di Kota Bandung. Nama ITB diresmikan pada tanggal 2 Maret 1959.



Alamat: Jln. Tamansari, Bandung 40132 Telp: 022-2930498

Mahasiswa 19.440, Sarjana (S1) 13.671, Magister (S2) 5.024, Doktor (S3) 745

تصویر

## Universitas Gadjah Mada

Universitas Gadjah Mada, disingkat UGM, merupakan universitas negeri tertua di Indonesia yang didirikan oleh Pemerintah Republik Indonesia pada tanggal 19 Desember 1949.



Lokasi Kampus:

Bulaksumur, Yogyakarta 55281 | email: [webugm@ugm.ac.id](mailto:webugm@ugm.ac.id),  
Phone(0274) 588688 /Fax: (0274) 565223

تصویر

## Universitas Indonesia



Kampus UI Depok 16424 - Indonesia Telp: 021-786 7 222  
E-mail: [humas-ui@ui.ac.id](mailto:humas-ui@ui.ac.id)

Didirikan pada 1849 (sebagai *Dokter-Djawa School*) dan 1950 (sebagai *Universiteit Indonesia*)  
Rektor Prof. Dr. Ir. Muhammad Anis. M. Met. Mahasiswa 33.500, sarjana (S1) 25.000, Magister (S2) 7.000, Doktor (S3) 1.500

تصاویر شماره ۳۲: دانشگاه های معروف اندونزی (ص ۱۸۲)



تصوير



تصوير



تصوير



تصوير



تصاویر شماره ۳۳: حوزه های علمیه در اندونزی (ص ۱۸۴)

Nahdlatul Ulama (NU)



تصویر

MUHAMMADIYAH



تصاویر شماره ۳۴: لوگوی محمدیه و نهضت العلماء (ص ۲۲۹)



Dr. KH. Said Aqil Siradj, M.A.

Ketua Umum *Tanfidziyah* (Pelaksana)  
Pengurus Besar Nahdlatul Ulama 2010-  
sekarang



Prof. Dr. KH. Din  
Syamsuddin, M.A 2005-  
sekarang

#### 6. Al Irsyad Al Islamiyah (Al Irsyad)



Berdiri:

6 September 1914 (15 Syawal 1332 H) di Jakarta

Pendiri:

Al-'Alamah Syeikh Ahmad Bin Muhammad Assoorkaty Al-Anshary

#### 4. Front Pembela Islam



Berdiri :

17 Agustus 1998 (atau 24 Rabiuts Tsani 1419 H) di Jakarta

Ketua Umum :

Al-Habib Muhammad Rizieq Syihab

Alamat Pusat :

Jalan Petamburan 3/17, Tanah Abang, Jakarta Pusat. Telp : 021-534-1250  
Web : [www.fpi.or.id](http://www.fpi.or.id)

#### 3. Partai Amanat Nasional (PAN)



## 2. PKS



تصویر

## 1. PKB



تصویر

## Partai Persatuan Pembangunan



Partai Persatuan Pembangunan (PPP) adalah sebuah partai politik di Indonesia. Pada saat pendeklarasiannya pada tanggal 5 Januari 1973 partai ini merupakan hasil gabungan dari empat partai keagamaan yaitu Partai Nahdlatul Ulama (NU), Partai Serikat Islam Indonesia (PSII), Perti dan Parmusi. Ketua sementara saat itu adalah H.M.S Mintaredja SH. Penggabungan keempat partai keagamaan tersebut bertujuan untuk penyederhanaan sistem kepartaian di Indonesia dalam menghadapi Pemilihan Umum pertama pada masa Orde Baru tahun 1973.

تصویر

## 5. Hizbut Tahrir Indonesia



تصوير

## UNIVERSITAS ISLAM NEGERI ALAUDDIN MAKASSAR

Universitas Islam Negeri Alauddin atau UIN Alauddin adalah Perguruan Tinggi Islam Negeri yang berada di Makassar. Penamaan UIN di Makassar dengan Alauddin diambil dari nama raja Kesultanan Gowa yang pertama memeluk Islam dan menerima agama Islam sebagai agama kerajaan.



Alamat :Jl. Sultan Alauddin No.63 Makassar  
( Kampus I ), Jl. Sultan Alauddin NO.  
36 Samata Kab. Gowa ( Kampus 2 )  
Sulawesi Selatan  
Indonesia

Telpon : (0411) 841879

Fax : (0411) 8221400

E-mail : [kontak@uin-alauddin.ac.id](mailto:kontak@uin-alauddin.ac.id)

Twitter : [@UIN Alauddin](https://twitter.com/UIN_Alauddin)

Fans  
page : <https://www.facebook.com/uinmks>

تصوير

## 7. Dewan Dakwah Islamiyah Indonesia



Tokoh Pendiri:  
Mohammad Natsir

Ketua Umum:  
K.H. Syuhada Bahri

Alamat: Gedung Menara Da'wah  
Jl. Kramat Raya No. 45 Jakarta 10450  
Telp. (021) 3909059, 3900201, 39899323,  
39899324 (Hunting) Fax. (021) 3908203,  
3103693  
Email : [sekretariat@dewandakwah.com](mailto:sekretariat@dewandakwah.com)  
Web : <http://www.dewandakwah.com/>

تصوير

#### 4. Partai Bulan Bintang (PBB)



تصاویر شماره ۳۶: احزاب (ص ۲۳۲)

تصویر



تصویر



تصویر



تصویر





تصاویر شماره ۳۷: نمونه های مدرنیته در اندونزی (ص ۲۵۰)

بسمه تعالی

هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
  ۲. ارتباط با مراکز هم سو
  ۳. پرهیز از موازی کاری
  ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
  ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

